



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

گزارش توصیفی و تحلیلی وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد

آرمان حیدری



الحمد لله
الرحمن الرحيم

**گزارش توصیفی
و تحلیلی وضعیت
فرهنگی و هنری
استان کهگیلویه و بویراحمد**

**مجری طرح
آرمان حیدری**



ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

عنوان: گزارش توصیفی و تحلیلی وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد

زیر نظر: داریوش مطلبی، نظام بهرامی کمیل

ناظر طرح: اسماعیل افقهی

مجری طرح: آرمان حیدری

صفحه‌آرا: فاطمه قیاسوند

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۴۰۰

شمارگان: برای مخاطبان خاص

این پژوهش با همکاری دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شده است.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق،

شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵

تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶

Email: nashr@ricac.ac.ir

فهرست مطالب

چکیده.....	۱
پیشگفتار.....	۳
بخش اول: کلیات تحقیق.....	
مقدمه و بیان مسئله.....	۵
اهداف پژوهش.....	۱۰
سوال‌های پژوهش.....	۱۱
مبانی نظری و مفاهیم پژوهش.....	۱۱
پیشینه پژوهش.....	۱۹
ملاحظات روش‌شناختی پژوهش.....	۲۲
جمع‌بندی: شیوه سازمان‌دهی پژوهش.....	۲۴
بخش دوم: سیمای اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد.....	
مقدمه.....	۲۷
تاریخچه مختصر استان.....	۲۷
ویژگی‌های جغرافیایی.....	۳۲
آب و هوا.....	۳۵
ویژگی‌ها و آثار تاریخی.....	۳۶
ویژگی‌های جمعیتی.....	۳۸
ویژگی‌های قومیتی (زبانی و مذهبی).....	۴۱
ویژگی‌های کشاورزی، تجاری و صنعتی.....	۴۳
کشاورزی و باغداری.....	۴۴
گیاهان دارویی در استان.....	۴۹
ویژگی‌های سیاسی استان.....	۴۹
زیرساختارهای فرهنگی استان.....	۵۴
فرهنگ عامه و آداب و رسوم برجسته و شاخص استان.....	۵۶
آداب و رسوم.....	۶۲
گروه‌ها و جریان‌های برجسته و شاخص فرهنگی استان.....	۶۵
فعالیت‌های فرهنگی اداره ارشاد.....	۸۰
اهالی برجسته فرهنگ و هنر معاصر استان کهگیلویه و بویراحمد.....	۸۱
جمع‌بندی.....	۹۴
بخش سوم: گزارش توصیفی وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد.....	
مقدمه.....	۹۷

۹۹.....	سایت اداره کل و شهرستان‌ها.....
۱۰۵.....	تولید کالا و خدمات فرهنگی.....
۱۴۳.....	مهم‌ترین اقدامات و برنامه‌های فرهنگی و هنری در حال اجرا.....
۱۵۰.....	پتانسیل فضاها و عملکرد فرهنگی و هنری در دسترس مردم استان.....
۱۵۵.....	بخش چهارم: گزارش تحلیلی وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد
۱۵۵.....	مقدمه.....
۱۵۸.....	وضعیت فرهنگی و هنری استان از منظر مصاحبه‌شوندگان.....
۱۶۳.....	ویژگی‌های تاریخی – حماسی.....
۱۷۰.....	نقاط قوت – فرصت و نقاط ضعف – تهدیدهای استان.....
۱۹۱.....	نیازهای فرهنگی و هنری استان.....
۱۹۶.....	ظرفیت‌های فرهنگی بومی استان.....
۱۹۸.....	وضعیت استان در حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر.....
۲۱۶.....	جمع‌بندی.....
۲۱۹.....	بخش پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها
۲۱۹.....	مقدمه.....
۲۱۹.....	وضعیت فرهنگی و هنری استان بر اساس خصوصیات جغرافیای – جمعیت‌شناختی.....
۲۲۱.....	وضعیت فرهنگی و هنری استان در آیینۀ آمار و اطلاعات.....
۲۲۳.....	وضعیت فرهنگی و هنری استان از دیدگاه مشارکت‌کنندگان.....
۲۲۴.....	ظرفیت‌های فرهنگی و هنری استان.....
۲۲۶.....	پیشنهادهای مشارکت‌کنندگان.....
۲۲۷.....	انتقادهای مشارکت‌کنندگان.....
۲۲۸.....	محدودیت‌های پژوهش.....
۲۲۸.....	پیشنهادهای مجری.....
۲۳۳.....	جمع‌بندی.....
۲۳۴.....	منابع

چکیده

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی جامع مستلزم شناخت، توصیف و تحلیل وضعیت فرهنگی- هنری هر استان و پی‌بردن به امکانات، قابلیت‌ها و محدودیت‌های زیرساختاری و ویژگی‌های فرهنگی و نرم‌افزاری آن استان است. از جمله مهم‌ترین راه‌های تحقق اهداف یادشده استفاده از آمار، اطلاعات و مستندات موجود و گفت‌وگو با مطلعان و متخصصان آشنا با حوزه‌های گوناگون فرهنگی و هنری است. در این راستا، هدف اولیه پژوهش حاضر توصیف وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد براساس مستندات و اطلاعات موجود و گفت‌وگو با متخصصان آشنا با فرهنگ بومی استان بوده است. هرچند در هر دو حوزه مستندات موجود و دسترسی به مطلعان و متخصصان کلیدی استان محدودیت‌هایی وجود داشت؛ با این وجود محقق با هدف توصیفی- تحلیلی و استفاده از اطلاعات موجود و تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته درصدد شناسایی ویژگی‌ها، فرصت‌ها و ظرفیت‌های بومی و ارائه امکانات و محدودیت‌های ساختاری و برشمردن نقاط قوت و ضعف خصیصه‌های فرهنگی- روان‌شناختی استان و مردم این استان برآمد. در این تحقیق با توجه به منطق روش کیفی، از طریق نمونه‌گیری هدف‌مند و با منطق حداکثر تنوع با ۱۳ نفر از متخصصان، مطلعان و زنان و مردان آشنا با فرهنگ بومی استان مصاحبه شد. تحلیل داده‌ها از طریق ارائه جداول توصیفی و نمودار میله‌ای (برای اطلاعات اسنادی) و تکنیک‌های تحلیل مضمونی (برای مصاحبه‌ها) صورت گرفت. در مجموع می‌توان مهم‌ترین یافته‌های تحقیق را به صورت زیر برشمرد: استان کهگیلویه و بویراحمد استانی با قدمت فرهنگی خیلی بالا دارای سه شیوه زیست عشایری، روستایی و شهرنشینی است. هم‌چنین سه قابلیت مهم منابع تاریخی، منابع طبیعی و منابع صنعتی سه اطلاع مثلث هویتی این استان محسوب می‌شوند که تجلی و تجسم عینی این اضلاع سه‌گانه، را می‌توان تا حد زیادی به ترتیب شهرهای دهدشت (یادگار بلاد شاپور)، یاسوج (پایتخت طبیعت ایران) و گچساران (بام نفتی ایران) دانست. وضعیت استان از نظر زیرساختارهای فرهنگی به‌ویژه صنعت سینما، هنرهای زیبا، صنعت فیلم و نمایش‌نامه نامناسب است. مهم‌ترین ویژگی فرهنگی حاکم بر کل استان که چون نخ تسبیحی پیونددهنده هر سه شیوه زیست بوده و هم‌زمان هم تجلی‌گاه انسجام و هم‌بستگی شدید مردم است و هم از مهم‌ترین موانع توسعه شناخته می‌شود، روح تیره- طایفه‌گرایی شدید در استان

است. نابرابری جنسیتی شدید، شکاف‌های سیاسی برجسته بین دو نیروی اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی، عشق و علاقه به ادبیات بومی-محلی و شاهنامه‌خوانی از دیگر ویژگی‌های برجسته فرهنگی استان هستند. مهم‌ترین فعالیت دستگاه‌های رسمی در استان در بخش قرآن و فعالیت‌های قرآنی بوده است. مهم‌ترین فعالیت فرهنگی-هنری غیررسمی و خودجوش مردم نیز شاهنامه‌خوانی بوده است. شاهنامه‌خوانی که به همراه ادبیات غنایی و حماسی و موسیقی بومی-محلی با کارکرد پنهانی و نیندیشیده پیوند بین نسلی، انتقال داشته‌های فرهنگی بومی به نسل‌های جوان‌تر و تهییج روحیه سلحشوری و دلاوری اسباب تداوم نمادهای برجسته مردم به‌ویژه گویش لری و جلوگیری از فراموشی دیگر عناصر فرهنگ غنی لری را فراهم کرده‌اند. در بین اشکال هنری مدرن‌تر، قالب تئاتر جایگاه والاتری بین مردم مناطق مختلف استان دارد چون نیازمند ابزار و لوازم فنی نیست، با پیشینه فرهنگی و دینی مردم سازگارتر است و می‌تواند به سهولت پیام مورد نظر کنشگران و بازیگران را به مخاطبان منتقل کند. وضعیت توزیع امکانات فرهنگی در سطح استان نامطلوب است تا جایی که اکثر یا در مواردی تمام امکانات فرهنگی و هنری استان در مرکز استان (یاسوج) متمرکز شده‌اند. در نهایت سیاست‌گذاری فرهنگی در استان مستلزم توجه به هر دو نوع کمبودهای امکانات زیربنایی استان، و ویژگی‌های فرهنگی-تاریخی مردم این سرزمین، به‌ویژه وضعیت متناقض دلدادگی به سنت و نشانه‌های آن (به‌ویژه قوم و خویش‌گرایی) و گرایش به توسعه و شاخص‌های آن (به‌ویژه قانون‌گرایی) است. به تعبیر زیبای یکی از مصاحبه‌شوندگان، مردم استان «پا در سنت و سر در مدرن دارند». همه مردم اعم از مردم عادی و نخبگان نه‌رهایی از آموزه‌ها، خلیات و کردارهای سنتی مطلوب را امکان‌پذیر می‌دانند؛ نه چشم‌پوشی و صرف‌نظر کردن از آموزه‌ها، آرزوها، اندیشه‌ها، کردارها و دستاوردهای مادی و معنوی مدرن و غیرسنتی را مطلوب. نکته آخر این که مشارکت‌کنندگان در تحقیق از نوع عملکرد دستگاه‌های فرهنگی عمده، حضور و مداخله فراگیر و ناکارآمد دستگاه‌های حکومتی-سیاسی در فعالیت‌های فرهنگی، توزیع ناعادلانه منابع، توجه بیش از حد به بعضی فعالیت‌های فرهنگی و نادیده گرفتن فعالیت‌های فرهنگی سازگارتر با وضعیت فرهنگی استان، عدم شایسته‌سالاری و بی‌ضابطگی در انتخاب مسئولان و مدیران فرهنگی استان ناراضی هستند.

واژگان کلیدی: فرهنگ و هنر، شاهنامه‌خوانی، قبیله‌گرایی، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های فرهنگی، کهگیلویه و بویراحمد.

پیشگفتار

ز

بخش اول:

کلیات تحقیق

مقدمه و بیان مسئله^۱

بنا به نظر ریموند ویلیامز^۲، «فرهنگ» یکی از دو یا سه کلمه پیچیده در زبان انگلیسی است. زیرا آن برای مفاهیم مهمی در چند رشته فکری و چندین نظام فکری متمایز به کار برده می شود (۱۹۷۶: ۷۷-۷۰). وضعیتی که مانع از ارائه تعریفی فراگیر از فرهنگ شده که مقبول اکثر محققان، اندیشمندان و سیاست گذاران فرهنگی باشد. بر این اساس می توان گفت هیچ تعریف عموماً پذیرفته شده ای از اصطلاح «فرهنگ» وجود ندارد. بیش از ۵۰ سال قبل، کروپر و کلوکهون^۳ پی بردند ۱۶۴ تعریف متمایز از فرهنگ وجود دارد. بررسی های اخیر نشان می دهند که این تعاریف پیوسته افزایش می یابند (Hofstede, 2001). در ایران فرهنگ در آثار ادبی نویسندگان و شعرای ایرانی در دوره های مختلف تاریخی در معانی متفاوتی استعمال شده است. این واژه در دوره قبل از اسلام در کارنامه اردشیر بابکان در معنای فنون و روش ها؛ بعد از اسلام در اشعار فردوسی در معنای دانش، هنر و فرزاندگی؛ و در دوره جدید از جمله در فرهنگ لغات عمید در مفهومی وسیع تر به معنای دانش، ادب، علم، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت به کار رفته است. این واژه در عرف و محاورات روزانه به طور گسترده متداول است. اصطلاح «بافرهنگ» برای

۱. بخش اعظم مطالب این بخش از تحقیق حیدری (۱۳۹۹) با عنوان بررسی و آسیب شناسی جلوه های فرهنگ عمومی در استان کهگیلویه و بویراحمد اخذ شده است.

2. Raymond Williams

3. Kroeber and Kluchhon

افراد دارای تحصیلات عالیه، قانون‌شناس، آداب و معاشرت‌دان و اصطلاح «بی‌فرهنگ» در خلاف این معنی به کار می‌رود (راد، ۱۳۸۲: ۲۵ - ۲۶).

ژاک برک می‌گوید «واژه فرهنگ اکنون معنای پهن‌تر و ژرف‌تری از هر زمان دارد... فرهنگ تعریف وسیع‌تری دارد که به اسارت کلمه در نمی‌آید. فرهنگ مانند واژه تعریف‌ناپذیر «عرفان» ابعادی دارد که هر چه به آن نزدیک‌تر می‌شویم، دورتر می‌شویم (راد، ۱۳۸۲: ۲۵ - ۲۸). آنچه بر پیچیدگی تعریف این مفهوم افزوده و مانع تحدید مفهومی آن می‌شود این واقعیت است که سازه فرهنگ در رشته‌های زیادی با نام‌های متفاوت مطالعه شده است. براساس بررسی کالتکو-ریورا^۱ (۲۰۰۴) هیچ تفاوت ذاتی بین سازه‌هایی که در رشته‌های متفاوت انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت به عنوان «فرهنگ»، «جهت‌گیری ارزشی»، «باورهای پایه»، «طرح‌واره‌ها»، «فلسفه زندگی»، «نظرگاه جهانی» و خیلی نام‌های دیگر ارائه شده‌اند، وجود ندارد. بدین ترتیب تعداد تعاریف از سازه فرهنگ ممکن است خیلی زیادتر از آن چیزی باشد که هر رشته واحدی می‌تواند ارائه کند (Taras et al, 2009).

استوارت هال، با تمایزگذاری بین تعاریف سنتی‌تر و متأخرتر فرهنگ می‌گوید در تعاریف سنتی‌تر، گفته می‌شد فرهنگ دربرگیرنده بهترین اندیشه‌ها و گفته‌ها، در یک جامعه است. یعنی فرهنگ عبارت است از مجموعه افکار و اندیشه‌های عالی نمود یافته در آثار معتبر ادبی، نقاشی، موسیقی و فلسفه یا به اصطلاح «فرهنگ والای» یک عصر. اما در کاربرد جدیدتر «فرهنگ» به اشکال بسیار رایج و عامه‌پسند موسیقی، نوشته، هنر، طراحی و ادبیات، یا تفریح و خوش‌گذرانی اطلاق می‌شود که زندگی روزمره اکثریت «مردم عادی» را تشکیل می‌دهد و «فرهنگ توده‌ای» یا «فرهنگ عامه» یک عصر نامیده می‌شود^۲. سالیان سال فرهنگ والا در برابر فرهنگ عامه چارچوب رایج بحث درباره فرهنگ بوده است (هال، ۱۳۹۱: ۱۶ - ۱۷). گذشته از تمایز عمودی فرهنگ والا در برابر فرهنگ عامه که در خدمت قدرت بوده و بیان‌گر نوعی جهت‌گیری ارزش‌گذارانه و خودمدارانه است؛ تمایز مهم دیگر مربوط به مفهوم فرهنگ را می‌توان تمایزی افقی و در راستای دو عرصه فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی تحلیل و تدقیق کرد. منظور از

1. Koltko- Rivera

۲. البته مترجم برجسته، آقای احمد گل محمدی، در کتاب معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی، استیوئرت هال، بین فرهنگ توده و عامه حرف اضافه «یا» را قرار داده که نادرست است. زیرا فرهنگ توده معادل با mass culture و در ادبیات نظری تئوری‌های صنعت فرهنگی و ادبیات انتقادی رایج است. در این‌جا مردم، گیرندگان منفعل فرهنگ ارائه شده از صنعت فرهنگی فرض می‌شوند. اما، فرهنگ عمومی popular culture بیشتر در تقابل با فرهنگ والا و آنچه در رأس هرم اجتماعی و صرف می‌شود، قرار دارد و در تئوری‌های بوردیو و هال بیشتر مورد تأکید قرار دارد.

فرهنگ مادی همه ابداعات، صناعات، ابژه‌ها، اشیا، نهادها و ساختارهای مادی هستند که یا ساخته دست بشرند یا این که دارای کارکرد فرهنگی هستند. البته این تعریف از یک جهت تعریفی فراگیر است از جهتی دیگر تعریفی تحدیدکننده. فراگیر بودن آن بدین سبب است که تمام صناعات و اختراعات بشری رنگ و بویی فرهنگی دارند. تحدید آن متأثر از تفکیک نهادی و تقسیم کار تخصصی امروزی به این ویژگی مربوط می‌شود که تنها نهادها و ساختارهای خاصی هستند که به عنوان متصدی و متولی رسمی امور فرهنگی جامعه و افراد شناخته می‌شوند مانند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، صدا و سیما و... در بعد غیرمادی نیز ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و کردارهای رایج و غالب بین یک گروه یا جامعه را می‌توان بعد غیرمادی فرهنگ نامید. البته در این جا نیز واحد تحلیل تا حد زیادی می‌تواند براساس هدف محقق سطح قومی، ملی، منطقه‌ای یا جهانی باشد. مهم‌تر این که در بررسی فرهنگ باید توان و قدرت گروه‌های فرهنگی متفاوت برای تحمیل خواسته‌ها و اندیشه‌های خود بر دیگر گروه‌ها و تعیین و تحمیل معیارهای مشروعیت مورد نظر خود بر کردارها و کالاهای فرهنگی مشخصی به عنوان کردارها و کالاهای فرهنگی مطلوب؛ و تعریف، نادیده گرفتن و حتی طرد دیگر کردارها و کالاهای فرهنگی به عنوان «نامطلوب» را نیز باید مورد توجه قرار داد. به تعبیر کرمش^۱، فرهنگ یک گروه فرهنگ گروه قدرتمند است: تنها قدرتمندان تصمیم می‌گیرند کدام ارزش‌ها و باورها ارزش آن را دارند که توسط آن گروه اتخاذ شود، کدام حوادث تاریخی ارزش یادآوری دارند، کدام آینده ارزش تصور کردن دارد. فرهنگ‌ها و به‌ویژه فرهنگ‌های ملی سرشار از صدای قدرتمندان است و مملو از سکوت‌های بی‌قدرتان است. به‌علاوه یک فرهنگ قوی ممکن است این را یک حقیقت مطلق بینگارد که دیگر فرهنگ‌ها پست‌تر هستند، و تنها باورها و ارزش‌های خودش مناسب هستند. بدین ترتیب، شخص نیاز است که در مورد «حقایق جهانی» تفکر کند، زیرا دانش معمولاً تحت تأثیر زمینه اجتماعی-فرهنگی قرار می‌گیرد که در آن آموخته می‌شود (ساره، ۲۰۰۶). به عبارت صحیح‌تر، در نظر [همه] نژادها، زبان‌ها و فرهنگ‌ها برابرند؛ اما چنین برابری فرهنگ‌ها هیچ انعکاسی در واقعیت ندارد. جهان شاهد زبان‌ها، فرهنگ‌ها و نژادهای مسلط، برتر، همچنین نژادها، زبان‌ها و فرهنگ‌های پست‌تر و تحت سلطه است. به بیان باق Baugh (۱۹۸۸: ۶۵)، سلطه بعضی از گروه‌ها بر گروه‌های دیگر در سرتاسر تاریخ قاعده بوده است تا استثنا (ساره، ۲۰۰۶). در این راستا می‌توان گفت یکی از محدودیت‌های اکثر مطالعات پیشین عدم توجه

به این چندگانگی و چند بعد بودگی «فرهنگ» و سطوح متعدد آن است. هم‌چنین اکثر مطالعات پیشین یا براساس بینش‌های صرفاً نظری و آرمان‌گرایانه به بررسی و نقد فرهنگ ایرانی یا بعضی از مناطق آن پرداخته‌اند؛ یا این‌که در قالب مطالعات پیمایشی تنها وجوهی از فرهنگ را به صورت کمی بررسی کرده‌اند) مانند کمیت و کیفیت خرید کتاب‌های (توسلی و خادمیان، ۱۳۸۶)، نوع فعالیت فرهنگی (رجب‌زاده، ۱۳۸۱)، اقلام گوناگون مصرف فرهنگی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲) و استفاده از اینترنت (طرح آمارگیری از کاربران اینترنت، ۱۳۸۷). جالب‌تر این‌که اکثر این مطالعات یاد شده در کلان شهرها و شهرهای بزرگ انجام شده‌اند و حتی مطالعاتی از این نوع در شهرهای توسعه نیافته‌تر یا انجام نگرفته یا قلمروی مطالعاتی‌شان بیش از حد محدود و یا این‌که تنها بعدی از فعالیت‌های فرهنگی را مطالعه کرده‌اند.

با وجود کمبود امکانات زیربنایی و ضعف زیرساخت‌های صنعتی در استان، به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل توسعه نیافتگی یا حداقل مهم‌ترین نمود آن نوعی «تأخر فرهنگی» است. بدین ترتیب که باورها، ارزش‌ها و رفتارهای عامه مردم و شهرنشینان متناسب با تحول و رشد زیرساخت‌های فیزیکی و عینی شهری نبوده است.^۱ نکته مهم دیگر این‌که، با وجودی که اکثریت مردم استان لر هستند؛ اما ملاحظه تنوعات فرهنگی درون‌استانی در راستای قدمت تاریخی و شکاف‌های جغرافیایی، زبانی-گوشی، و قومی-طایفه‌ای امری مهم است. به صورت مختصر می‌توان گفت سه شهرستان مهم استان، بویراحمد با مرکزیت یاسوج، کهگیلویه با مرکزیت دهدشت و دوگنبدان با مرکز گچساران بیش از ۸۰ درصد جمعیت استان را دربر دارند. با این وجود این سه شهر هر یک قدمت تاریخی، ویژگی‌ها، تجارب و مسائل فرهنگی خاص خود را دارند. شهر یاسوج به عنوان پایتخت استان، در نتیجه انتخاب شدن به عنوان پایتخت استان در سال ۱۳۴۲، در نتیجه رشد مهاجرتی بی‌رویه با رشد جمعیتی سرسام‌آوری مواجه شده است. در نتیجه چنین رشد مهاجرتی، در نتیجه توسعه کالبدی شدید و افزایش سریع جمعیت شهری، مسائل متعددی مانند کمبودها و نارسایی‌های کالبدی و فرهنگی، کمبود زیرساخت‌های فرهنگی، تداوم بافت فرهنگی-قبیله‌ای حاکم از مهم‌ترین ویژگی‌های این شهر محسوب می‌شود (وارثی و دیگران، ۱۳۹۰). به عبارتی این شهر بیشتر نوعی پدیده «شهرنشینی»^۲

۱. در بخش پیشینه به بعضی از این مطالعات اشاره شده است.

۲. جلایی پور، حمیدرضا و عبداله‌پور، جمال (۱۳۹۰). بررسی شهرگرایی در مناطق کردنشین ایران، با تأکید بر شهر سردشت، مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۱، تابستان، صص ۷-۳۷.

لجام گسیخته» را تجربه می‌کند تا «شهرگرایی»^۱. شهرگرایی را می‌توان «شیوه زندگی» خاصی دانست که در شهرها ظاهر می‌شود و شامل روابط اجتماعی، نهادها، نگرش‌ها و ایده‌هایی است که بیان‌گر ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ساکنان شهر است و گویی مرحله نهایی و نتیجه شهرنشینی است و برخلاف شهرنشینی صرفاً یک روند رشد شهری نیست (جلایی‌پور و عبدالله‌پور، ۱۳۹۰).^۲

شهرهای گچساران و دهدشت سرنوشت و تاریخ متفاوتی دارند. سرنوشت شهر گچساران، به عنوان مرکز شهرستان دوگنبدان، در همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی تحقیقاتی با کشف و توسعه صنعت نفت و گاز در این شهرستان پیوند ناگسستنی و همه جانبه دارد. براساس تحقیق محسنی‌تبریزی و فرامرزی (۱۳۹۱)، در شهر گچساران، زندگی ۴۷/۷ درصد از مشارکت‌کنندگان نمونه آن‌ها، به لحاظ شغلی و خانوادگی مرتبط با شرکت نفت بوده است. براساس تحقیق سعیدی‌نیا و لعبت‌فرد (۱۳۹۵)، ورود صنعت نفت به گچساران اقتصاد معیشتی مبتنی بر دامداری و کشاورزی و بافت سنتی و ایلی این منطقه را دگرگون کرد، باعث مهاجرت گسترده مهاجرانی از استان‌های خوزستان، فارس، اصفهان، مرکزی، بوشهر و چهارمحال و بختیاری؛ حتی، تکنیسین‌های خارجی، به این شهر شد. این شهرستان از نظر شاخص‌های عینی توسعه‌یافتگی، به لحاظ نفت‌خیز بودن، شرایط بهتری از سایر شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد دارد (ضرابی و موسوی‌نور، ۱۳۹۴). شاید چنین تصور شود که حضور صنایع نفت و گاز در گچساران زمینه توسعه این منطقه را فراهم کرده است؛ اما، اندک تحقیقات انجام گرفته بیان‌گر واقعیت‌های دیگری هستند. تحقیقات بیان‌گر وجود مسائل اجتماعی-اقتصادی متعدد مانند افزایش نابرابری اجتماعی، مصرف‌گرایی، نابرابری اقتصادی و شهرگرایی [لجام گسیخته] (محسنی‌تبریزی و فرامرزی، ۳۹۱) در این شهر هستند. براساس تحقیق سربابی، طاووسی‌ان، الله‌وردی و رضایی (۱۳۹۴)، براساس ۲۴ شاخص [عینی] توسعه فرهنگی، شهرستان گچساران از نظر توسعه‌یافتگی فرهنگی در پایین‌ترین رتبه استان قرار دارد. یا این که در مجموع هنوز باورهای فرهنگی و روابط نامتناسب عاطفی-جنسی در بین بعضی از خانواده‌های گچساران برجسته است (پنجه‌بند و عنایت، ۱۳۹۵). به عبارتی، پیدایش و توسعه نفت برای ساکنان گچساران به مثابه تیغی دو دم عمل کرده؛ بدین‌سان که همزمان با هر دو نوع پیامدهای مثبت (رشد شهرنشینی، نرخ باسوادی، خدمات درمان و...) و منفی (تغییر بافت

1. Urbanism

۲. جلایی‌پور، حمیدرضا و عبدالله‌پور، جمال (۱۳۹۰)، بررسی شهرگرایی در مناطق کردنشین ایران، با تأکید بر شهر سردشت، مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۱، تابستان، صص ۷-۳۷.

جمعیتی، رواج پدیده مصرف گرایی، گسترش آسیب‌های اجتماعی و...) همراه بوده است (سعیدی‌نیا و لعبت‌فرد، ۱۳۹۵). از طرف دیگر، دهدشت شهری است تاریخی که قدمت آن به دوران ساسانیان می‌رسد و دارای آثار متعدد تاریخی، فرهنگی و مشاهیر فرهنگی کشوری و استانی است که اطلاعات اندکی پیرامون مسائل فرهنگی آن وجود دارد. شاید بتوان گفت نادیده گرفتن بافت تاریخی شهر، معروف به بلاد شاپور، مهاجرت بی‌رویه ساکنان به مرکز استان و کم یا بی‌توجهی مسئولین استانی و کشوری به دیگر اماکن تاریخی و هنرمندان مشهور این شهر در حوزه‌های گوناگون هنری از مهم‌ترین دغدغه‌های فرهنگی و هنری فرهیختگان این شهر به‌شمار می‌روند.

با در نظر گرفتن این ابعاد و ویژگی‌های فرهنگ، می‌توان گفت بررسی و تحلیل فرهنگ مستلزم در نظر گرفتن هر دو بعد مادی و معنوی و مطالعه فعالیت‌های هر دو نوع نهادهای بالادستی متولی امور فرهنگی و افرادی است که در «متن» زندگی روزمره با نمودها و نشانه‌های فرهنگی مواجه بوده و با آن‌ها زیست می‌کنند. بر این اساس شاید بتوان گفت مطالعه حاضر، با همه کمبودها و نقایصی که دارد جزء اندک مطالعاتی است که با استفاده از منابع چندگانه و تکنیک‌های روش‌شناختی متعدد اسنادی و مصاحبه‌ای به بررسی تقریباً همه فعالیت‌های فرهنگی، نقاط قوت و ضعف فرهنگی و پتانسیل و امکانات فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد پرداخته است. البته این مطالعه می‌تواند به مثابه گامی مقدماتی در راستای مطالعات همه جانبه‌گرانه دیگری قلمداد شود که از تکنیک‌های روش‌شناختی دیگری مانند تحلیل محتوای ضرب‌المثل‌ها و حکایات استانی، مشاهده میدانی، پیمایش استانی و مصاحبه با متخصصان و افراد عامه در قلمرویی استانی به شناخت جامع‌تر و عمیق‌تر فرهنگ و پتانسیل و محدودیت‌های فرهنگی در سطح استان بپردازد.

اهداف پژوهش

اهداف پژوهش حاضر براساس پروتکل پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات تنظیم و تدوین شده و شامل موارد زیر بوده است:

هدف کلی

فهم وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد در پرتو شاخص‌ها، آمار و نگاه تحلیلی فعالان و صاحب‌نظران بومی در حوزه‌های مربوطه.

اهداف فرعی

- احصاء وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد از حیث میزان و چگونگی عملکرد دستگاه‌های متولی، با تأکید بر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی؛
- بازشناسی مهم‌ترین نقاط ضعف حوزه فرهنگ و هنر در استان کهگیلویه و بویراحمد؛
- بازشناسی مهم‌ترین تهدیدات حوزه فرهنگ و هنر در استان کهگیلویه و بویراحمد؛
- بازشناسی مهم‌ترین نقاط قوت و فرصت‌های حوزه فرهنگ و هنر در استان کهگیلویه و بویراحمد؛
- بازشناسی مهم‌ترین خواسته‌ها و نیازهای حوزه فرهنگ و هنر در استان کهگیلویه و بویراحمد؛
- ارائه پیشنهادهایی در راستای بهبود وضعیت فرهنگ و هنر در استان کهگیلویه و بویراحمد.

سوال‌های پژوهش

متناسب با اهداف پژوهش سؤالات پژوهش عبارت بوده‌اند از:

- وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد در پرتو شاخص‌ها، آمار و نیز نگاه تحلیلی فعالان و صاحب‌نظران بومی در حوزه‌های مربوطه چگونه است؟
- مهم‌ترین نقاط ضعف حوزه فرهنگ و هنر در استان کهگیلویه و بویراحمد کدام‌ها هستند؟
- مهم‌ترین تهدیدات حوزه فرهنگ و هنر در استان کهگیلویه و بویراحمد کدام‌ها هستند؟
- مهم‌ترین نقاط قوت و فرصت‌های حوزه فرهنگ و هنر در استان کهگیلویه و بویراحمد کدام‌ها هستند؟
- مهم‌ترین خواسته‌ها و نیازهای حوزه فرهنگ و هنر در استان کهگیلویه و بویراحمد کدام‌ها هستند؟
- چه راهکارها و پیشنهادهایی را در راستای بهبود وضعیت فرهنگ و هنر در استان کهگیلویه و بویراحمد می‌توان ارائه کرد؟

مبانی نظری و مفاهیم پژوهش

همان‌طور که گفته شد فرهنگ از جمله مفاهیم علوم اجتماعی و انسانی است که با وجود کاربرد بسیار فراوان، اتفاق نظر چندانی بر سر تعریف آن وجود ندارد. فرهنگ

نه چونان یک شیوه متمایزکننده انسان از حیوانات دیگر، بلکه یک شیوه زندگی جمعیتی معین و متمایزکننده گروه‌ها و اجتماع‌های مختلف از یکدیگر است. بر پایه چنین نگرشی به فرهنگ، شاهد تنوع چشمگیری در جهان هستیم و واحدهای اجتماعی کوچک و بزرگ، مرزها و فضاها، فرهنگی کم و بیش مشخصی دارند. فرهنگ این گونه اجتماع‌ها عبارت است از یک کل پیچیده در برگرفته دانش، باور، هنر، اخلاقیات، حقوق، آداب و رسوم و هر استعداد و عادتی که انسان به مثابه عضوی از جامعه معین کسب می‌کند. کار ویژه اصلی این مجموعه عبارت است از فراهم کردن معنا و هویت برای کنش‌گران که به واسطه ترکیب عناصر شناختی، معنایی، احساسی و ارزشی ممکن می‌شود. پس فرهنگ جعبه ابزاری است حاوی اعمال و عاداتی که ما را یاری می‌کند تا جهان را درک کنیم (مانند علم و دین) و بر روی آن عمل کنیم (مانند فن‌آوری) و نیز یک منبع نهادهای احساسی (مانند هویت ملی) و ارزش‌ها (مانند آزادی و عدالت) که به واسطه آن‌ها هویت کسب می‌کنیم، به اعمال خود جهت می‌دهیم و آن را توجیه می‌کنیم (Holton, 1998)؛ به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

آنچه مسلم است این که اجزا و عناصر پیچیده فرهنگ به هیچ روی ثابت و منسجم نیستند و در چارچوب زمان و فضا دگرگون می‌شوند. با گذشت زمان برخی آداب و رسوم از بین می‌روند، برخی دگرگون می‌شوند و برخی در فرهنگ‌های بزرگ‌تر ادغام می‌شوند. همچنین در موارد بسیاری، مقتضیات زمانی و نیازهای سیاسی به احیای برخی عناصر فرهنگی و سرکوب برخی دیگر میانجامد (همان: ۱۲۵). یکی از تحولات اساسی که در تعریف از مفهوم «فرهنگ» اتفاق افتاده این است که بر خلاف تئوری پردازان کلاسیک، به‌ویژه مارکسیست‌ها، که فرهنگ در آن‌ها به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شد؛ در تفکر امروزی، فرهنگ نه به عنوان متغیری وابسته؛ بلکه، به عنوان متغیری «مستقل» شناخته می‌شود که نوعی استقلال نسبی در شکل دادن کنش‌ها و نهادها دارد (Alexander & Smith, 2006: 136).

به نظر می‌رسد در تعریف و ارزیابی تجربی دقیق‌تر فرهنگ باید بین آبه‌های فرهنگی مانند کتاب، روزنامه، فیلم؛ نهادهای فعال در حوزه فرهنگی مانند اداره فرهنگ و ارشاد، آموزش و پرورش، اداره اوقاف؛ و بینش‌ها و باورهای فرهنگی تمایز قایل شد. در هر دوره و یا در هر رهیافت علمی یکی از این ابعاد برجسته‌تر شده و مورد تحلیل و تدقیق نظری و تجربی قرار می‌گیرد. برای مثال، نظریه‌پردازان دیدگاه‌های کارکردگرایانه، انتقادی، مارکسیستی و ساختارگرایی بر نقش مهم و تأثیرگذار نهادهای فرهنگی در تولید کالاهای

و انتقال ارزش‌ها و آموزه‌های فرهنگی (کارکردگرایان) یا صنایع فرهنگی و دستگاه‌های ایدئولوژیک در «تخدير و رام ساختن» گروه‌های فرودست جامعه تأکید دارند. در مقابل، نظریه‌پردازان رهیافته‌های پست‌مدرن و پساساختارگرایی بر کردارهای فرهنگی و امور فرهنگی ساری و جاری در زندگی روزمره تأکید دارند. به تعبیر هال «چرخش فرهنگی» در علوم اجتماعی و انسانی، موجب تأکید بر اهمیت «معنا» در تعریف فرهنگ شده است. از این منظر استدلال می‌شود که فرهنگ مجموعه‌ای از چیزها - رمان‌ها و نقاشی‌ها یا برنامه‌ها و طنزهای تلویزیونی - نیست، بلکه یک فرایند یا مجموعه‌ای از اعمال است. اساساً فرهنگ با تولید و مبادله معناها - «دادن و گرفتن معنا» - میان اعضای یک جامعه یا گروه سر و کار دارد (هال، ۱۳۹۱: ۱۷ - ۱۸).

در این جا به اختصار چندین تعریف از فرهنگ ارائه می‌شود:^۱

تایلور فرهنگ را «مجموعه پیچیده‌ای می‌داند که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، تکنیک‌ها، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتارها و ضوابطی است که انسان به عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعه خود فرامی‌گیرد و در قبال آن جامعه تعهداتی به عهده دارد. مایرس^۲ می‌نویسد: «فرهنگ آن چیزی است که از گذشته آدمیان بازمانده است، در اکنون ایشان عمل می‌کند و آینده‌شان را شکل می‌دهد». گوستاو کلم^۳ معتقد است: «فرهنگ شامل آداب و رسوم، اطلاعات، تخصص‌ها، علم و هنر، زندگی خانوادگی و مذهب است و هنگامی مطرح می‌شود که تجربیات گذشتگان و دانسته‌های گذشتگان به جوانان منتقل می‌شود».

ادوارد ساپیر^۴ می‌گوید: «فرهنگ یک گروه شامل انواع مدل‌های اجتماعی رفتار است که به وسیله همه یا اکثریت اعضای گروه جامعه عمل به خود بپوشاند. گی روشه: فرهنگ را در معنای کنش به کار برده می‌گوید، فرهنگ مجموعه به هم پیوسته‌ای از شیوه تفکر، احساس و عمل است که کم و بیش مشخص است و توسط تعداد زیادی افراد فراگرفته می‌شود و بین آن‌ها مشترک است و به دو شیوه عینی و نمادین به کار گرفته می‌شود تا این اشخاص را به یک جمع خاص و متمایز مبدل سازد. بروس کوئن^۵ فرهنگ را مجموعه ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه خاص تعریف می‌کند (راد، ۱۳۸۲: ۲۹ - ۳۰).

۱. اکثر این تعاریف برگرفته از کتاب راد (۱۳۸۲) بوده است.

2. Myres
3. G.Klemm
4. E.Sapir
5. Brous Queen

گیدنز، فرهنگ را عبارت از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند، و کالاهای مادی که تولید می‌کنند، می‌داند. ارزش‌ها آرمان‌های انتزاعی هستند، حال آن‌که هنجارها اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آن‌ها را رعایت کنند. هنجارها نشان‌دهنده «بایدها» و «نبایدها» در زندگی اجتماعی هستند... هنگامی که واژه «فرهنگ» را در گفتگوهای معمولی هر روزه به کار می‌بریم، اغلب «فراآورده‌های متعالی ذهن» - هنر، ادبیات، موسیقی و نقاشی - را در نظر داریم. مفهوم فرهنگ آن‌گونه که جامعه‌شناسان آن را به کار می‌برند شامل این قبیل فعالیت‌ها و امور بسیار دیگری است. فرهنگ به مجموعه شیوه زندگی اعضای یک جامعه اطلاق می‌شود؛ چگونگی لباس پوشیدن آن‌ها، رسم‌های ازدواج و زندگی خانوادگی، الگوهای کارشان، مراسم مذهبی و سرگرمی‌های اوقات فراغت، همه را دربر می‌گیرد. همچنین شامل کالاهایی می‌شود که تولید می‌کنند و برای آن‌ها مهم است مانند تیر و کمان، خیش، کارخانه و ماشین، کامپیوتر، کتاب و مسکن (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۵-۵۶).

شاید بتوان گفت تعریفی که ویلیامز از فرهنگ ارائه می‌دهد کامل‌تر و جامع‌تر از تعاریف قبلی است چون هم‌زمان هم همه سطوح و ابعاد فرهنگ، هم سیر فرآیند تاریخی آن را مدنظر قرار می‌دهد. ویلیامز در پرتوی تغییرات تاریخی گوناگون، سه استفاده اخیر از اصطلاح «فرهنگ» را از هم متمایز می‌کند:

- برای اشاره به توسعه فکری، ذهنی و زیبایی شناختی یک فرد، گروه یا جامعه.
- توجه دادن به دامنه‌ای از فعالیت‌های فکری و هنری و محصولات‌شان؛ فیلم، هنر، تئاتر (در این کاربرد فرهنگ کم یا بیش با «هنرها» مترادف است). از این رو ما می‌توانیم از «وزیر فرهنگ» صحبت کنیم.

- برای اشاره به شیوه کلی زندگی، فعالیت‌ها، باورها و رسوم یک مردم، گروه یا جامعه (Williams, 1976: 80). ویلیامز می‌گوید دو نوع استفاده اول، دارای بار ارزشی است و آن چیزی است که متخصصان و گروه‌های اجتماعی مسلط به عنوان مهم یا جالب توجه در نظر می‌گیرند. استفاده دوم از فرهنگ که توسط انسان‌شناسان زیادی در اولین دوره از قرن بیستم حمایت شد و برای آن رشته هنوز هم محوری است؛ تفسیری است که از نظر ارزشی بی‌طرفانه‌تر و تحلیلی است. براساس این تعریف سوم، «فرهنگ» در هر جایی یافت می‌شود و صرفاً در هنرهای والا یا در «تمدن» غربی متجلی نیست. این نوع استفاده در علوم اجتماعی معاصر به کار برده می‌شود (Ibid: 3).

راد بعد از بررسی تعاریف متعدد از فرهنگ، این تعاریف را در دو دسته تعاریف کلی و

جزئی و در دو سطح مادی و معنوی جای می‌دهد:

الف) تعاریف کلی: تعاریفی هستند بسیار جامع که جنبه مادی و معنوی حیات انسان را دربر می‌گیرد.

ب) تعاریف جزئی: تعاریفی هستند که در آن‌ها صرفاً به یک جنبه از حیات انسان توجه شده است که خود شامل دو دسته‌اند:

۱) تعاریفی که بیشتر به جنبه مادی (عینی) حیات انسان معطوف هستند.

۲) تعاریفی که بیشتر به جنبه معنوی (ذهنی) حیات انسان معطوف هستند (راد، ۱۳۸۲: ۲۸).

سطوح مادی و معنوی فرهنگ بدین گونه است که:

۱) سطح فرهنگ مادی عبارت است از مجموعه دستاوردهای مادی عینی و قابل لمس، از قبیل صنایع، فنون، ابداعات، نهادها، که هر نسلی آن را از نسل پیشین یا احتمالاً از فرهنگ جوامع دیگر اخذ می‌کند و خود چیزی به آن می‌افزاید.

۲) سطح معنوی فرهنگ عبارت است از مجموعه دستاوردهای غیرمادی و ذهنی از قبیل ارزش‌ها، باورها، قوانین، آداب و رسوم، دستاوردهای علمی و هنری که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (همان: ۳۸).

در پایان، باید گفت هر چند ارائه تعریفی جامع و مانع از فرهنگ امکان‌ناپذیر یا شاید غیرممکن به نظر می‌رسد، اما با تلفیق جنبه‌های متعدد تعاریف بالا می‌توان فرهنگ را تمام دستاوردهای مادی و غیرمادی افراد، گروه‌ها و جوامع دانست که به واسطه کردارهای روزانه و همچنین نهادهای ویژه‌ای به صورت معنوی (باورها و اندیشه‌ها) و مادی (ابژه‌های فرهنگی مانند کتاب، موسیقی، فیلم و...) واسطه پرورش و جهت‌دهی افکار، کردارها و تعامل افراد در دو بعد عمودی (گذشته تا آینده) و افقی (رابطه هم‌حضوری تا جهانی) قرار می‌گیرد.

در این جا به اختصار دیگر مفاهیم مهم مورد استفاده در تحقیق تعریف می‌شود.

تألیف: نوشتن کتاب در موضوعات مختلف از سوی یک یا چند نفر با استفاده از منابع است.

ترجمه: برگرداندن محتوا و مفهوم یک متن از زبانی به زبان دیگر است.

چاپ: فرایند انتقال و تکثیر حروف، عکس و طرح و نقش روی سطح چاپ شونده است.

چاپ اول کتاب: انتشار نوبت اول از نسخه کامل یک کتاب است.

چاپخانه: کارگاه یا مؤسسه‌ای که در آن فعالیت چاپ صورت می‌گیرد.

چاپ مجدد کتاب: تجدید چاپ کتاب بدون تغییر و یا با ویرایش جدید در متن اصلی است.

شمارگان (تیراژ): تعداد نسخه‌های چاپ یا تکثیر شده از یک اثر در یک نوبت چاپ و انتشار است.

عنوان کتاب: عنوانی که روی جلد کتاب به وسیله ناشر چاپ شده باشد. طبق ضوابط نشر کتاب، عنوان هر کتابی خاص همان کتاب است.

کتاب: مجموعه چاپی و خطی از موضوعات مختلف که با عنوان مشخص جلد شده و دارای شابک است.

مجوز پیش از انتشار کتاب: مجوزی که قبل از انتشار و پس از انطباق محتوای کتاب با ضوابط نشر، توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر می‌شود.

موضوع کتاب: آنچه یک کتاب درباره آن بحث می‌کند یا جلوه‌گر آن است.

مؤلف: نویسنده‌ای که کتاب را با استفاده از منابع و مأخذ مختلف تألیف می‌کند.

ناشر: شخص حقیقی یا حقوقی که دارای پروانه نشر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

ناشر غیرفعال: ناشری که در یک سال کتابی را به چاپ نرسانده است.

ناشر فعال: ناشری که در هر سال حداقل یک کتاب چاپ و منتشر می‌کند.

نمایشگاه کتاب: نمایشگاهی برای عرضه و فروش کتاب که به وسیله گروهی از ناشران با اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دایر و در آن کتاب‌های منتشر شده داخلی و خارجی ارائه می‌شود.

پایگاه خبری: نشریه‌ای الکترونیکی که محتوای آن در محیط رقمی (دیجیتال) و طی فرایند مرسوم روزنامه‌نگاری و تحریریه‌ای، تولید و به طور منظم و با نام ثبت در یک یا چند زمینه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی، هنری و نظایر این‌ها منتشر می‌شود. انتشار محتوا در این گونه نشریات به صورت ادواری (روزانه، هفتگی، ماهنامه و...) یا به صورت لحظه‌ای و بدون توقف (برخط) است.

خبرگزاری: مؤسسه‌ای خبری و رسانه مادر است که با ایجاد دفاتر نمایندگی در سطح کشور و گسترش آن در دیگر کشورها با فراهم کردن امکانات، نیروی انسانی و تجهیزات فنی مورد نیاز به طور منظم و مستمر و با نام ثابت در محیط رقمی (دیجیتال) و یا غیر از آن اقدام به تولید، جمع‌آوری و انتشار محتوا می‌کند و مصرف‌کننده اصلی آن سایر رسانه‌ها هستند.

خبرنگار: شخص حقیقی که برای سازمان‌های خبری و نشریات، خبر، گزارش، مصاحبه و عکس تهیه می‌کند.

دکه فروش مطبوعات: مکانی که با دریافت مجوزهای لازم در آن نسبت به عرضه و فروش نشریات اقدام می‌شود.

رسانه: هر نوع وسیله ارتباط جمعی است که به صورت چاپی یا در محیط الکترونیک با محتوای نوشتاری، شنیداری، دیداری، یا تلفیقی از آن‌ها انتشار عمومی می‌یابد.

رسانه غیربرخط: هر محتوای نوشتاری، شنیداری، و دیداری که در محیط الکترونیکی و طی فرآیند مرسوم روزنامه‌نگاری و تحریریه‌ای، تولید و به صورت منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره معین در یک یا چند زمینه مشخص در فواصل معین در بستر الکترونیک و تحت یک فایل الکترونیکی و غیربرخط منتشر می‌شود.

رسانه چاپی: نشریات ادواری که در چاپخانه چاپ می‌شوند و از جهت زمان انتشار دارای دوره منظم از قبیل روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه، فصل‌نامه، سال‌نامه و از جهت گستره انتشار شامل محلی، استانی، منطقه‌ای یا سراسری است.

روزنامه: نشریه‌ای که همه روزه (مگر در شرایط استثنایی و تعطیلات رسمی) منتشر می‌شود و اخبار و اطلاعات عمومی را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی و غیره منتشر می‌سازد.

شمارگان (تیراژ): تعداد نسخه‌های چاپ یا تکثیرشده از یک اثر در یک نوبت چاپ و انتشار است.

عنوان نشریه: نام نشریه است که در سرلوحه همه شماره‌های نشریه با طراحی خاص، درج و نشریه از طریق آن شناخته می‌شود.

کانون تبلیغاتی: مؤسسه‌ای دارای مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که فعالیت آن مشاوره، تنظیم و تهیه برنامه‌ها و محصولات تبلیغاتی و انجام خدمات روابط عمومی یا تحقیقاتی مرتبط برای معرفی و فروش کالا و ارائه سفارش اجرای آگهی از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی است.

نشریه: هر نوع اثر مکتوب یا مصور که به صورت چاپی و یا الکترونیکی در اشکال مختلف منتشر می‌شود.

نشریه الکترونیکی: نشریه‌ای که اطلاعات آن به جای چاپ بر روی کاغذ از طریق فناوری‌های نوین اطاعتی در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد.

آموزشگاه آزاد هنری: مؤسسه‌ای خصوصی (غیردولتی) است که با کسب مجوز اقدام

به آموزش غیررسمی علمی، هنری و مهارتی می‌کند. اجرای صحنه‌ای موسیقی: موسیقی‌ای که به صورت زنده با برنامه‌ریزی قبلی در سالن، تالار و فضای باز تجهیز شده برای جمعی از مخاطبان اجرا می‌شود. برنامه‌های هنری خارجی: برنامه‌های هنری اعم از تجسمی، موسیقی و نمایشی که توسط هنرمند یا هنرمندان خارجی در داخل کشور به نمایش گذاشته می‌شود. جشنواره: ارائه و عرضه آثار منتخب در زمینه‌های علمی، فرهنگی و هنری در مدت معین به صورت سازمان یافته است که به منظور اشاعه و گسترش رشته مورد نظر برگزار می‌شود و در آن به پدیدآورندگان برترین آثار جوایزی تعلق می‌گیرد. موسیقی: هنر سازمان‌دهی اصوات در زمان، بر مبنای قیود زیباشناختی حاکم بر هر فرهنگ موسیقایی است.

نگارخانه: مکانی است که برای نمایش و فروش آثار هنرهای تجسمی و هنرهای سنتی شامل تابلوهای نقاشی، خوشنویسی، عکس، مجسمه، سفال، آثار گرافیک، حکاکی، معرق و نظایر آن توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی ایجاد می‌شود.

نمایش: هنری دیداری و شنیداری که به صورت زنده توسط یک گروهی از هنرمندان (بازیگران) در مدت زمان معین برای تماشاگران به اجرا در می‌آید و از لحاظ محتوا و مضمون به تراژدی، کمدی تراژ، ملودرام تقسیم می‌شود.

هنرجو: دانش‌آموزی که در یکی از رشته‌های فنی و حرفه‌ای، کار و دانش، کشاورزی و فرهنگی در دوره متوسطه یا آموزشگاه‌های آزاد هنری مشغول به تحصیل است.

هنرهای تجسمی: هنرهای بصری که از طریق هماهنگی در ترکیب‌بندی شکل، فرم، رنگ و محتوا در سطح و یا حجم به بیان خلاقانه ذهنیت و احساس هنرمند می‌پردازد. عبارتند از طراحی، گرافیک، خوشنویسی، نگارگری، تذهیب، مجسمه‌سازی، نقاشی، چیدمان و سایر.

مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت: شخصیت حقوقی که با مجوز هیئت رسیدگی به امور مؤسسات فرهنگی قرآن و عترت توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی تأسیس شده و در راستای فرهنگ‌سازی قرآنی در زمینه‌های آموزشی، مطالعاتی، فرهنگی، هنری و رسانه‌ای فعالیت می‌کند.

اکران فیلم سینمایی: نمایش فیلم در سالن سینما است.

تماشاگر فیلم: بیننده فیلم سینمایی که از گیشه سینما بلیط خریداری می‌کند.

جشنواره فیلم: رویداد سینمایی براساس ساختارهای فرهنگی، هنری و اجتماعی جامعه

با موضوعاتی خاص که به منظور توسعه هنر- صنعت سینما، تشویق سینماگران، و معرفی فیلم‌های با ارزش و گسترش و تعالی سبک در گستره جغرافیایی برگزار می‌شود. از پیامدهای جنبی این رویداد می‌توان به بازاریابی و فروش فیلم اشاره کرد.

سالن سینما: سالن نمایش فیلم که دارای استانداردهای ساختمانی، تأسیساتی و تجهیزاتی مانند پرده نمایش، معماری مناسب سالن از لحاظ دید، صندلی نمایش، اتاقک آپارات، اکوستیک و... است.

ظرفیت سالن سینما: به تعداد صندلی‌های موجود در سالن نمایش فیلم براساس مجوز صادر شده گفته می‌شود.

کتابخانه عمومی: کتابخانه‌ای که برای رفع نیازهای علمی، آموزشی، پژوهشی، اطلاعاتی و غنی‌سازی اوقات فراغت با هدف خدمت‌رسانی به عموم افراد جامعه ایجاد می‌شود.

پیشینه پژوهش

تحقیقات زیادی در مورد فرهنگ و ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان صورت گرفته‌اند که به نظر می‌رسد بیشتر آن‌ها جنبه شناختی-تحلیلی دارند و کمتر به صورت تجربی ویژگی‌های فرهنگی مردم را مطالعه کرده باشند. تحقیقات کسانی مانند ذبیح‌الله صفا (۱۳۷۵)، جمالزاده (۱۳۴۳)، نراقی (۱۳۸۶)، قاضی‌مرادی (۱۳۷۸) و ایزدی (۱۳۹۶) از این نوع هستند. اندک تحقیقاتی نیز به صورت تجربی، ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان را از دید اقشار خاصی مانند اساتید فراست‌خواه (۱۳۹۴) یا عموم مردم مانند محسنی (۱۳۷۴)، و پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲ و ۱۳۹۴) بررسی کرده‌اند. اما درباره ویژگی‌های فرهنگی مردم استان کهگیلویه و بویراحمد، براساس جستجوی محقق در سایت‌های علمی معتبر کشور و کتابخانه دانشگاه یاسوج، مطالعه تجربی‌ای انجام نگرفته است. با این وجود، براساس مطالعه ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان و دیگر مطالعاتی که به صورت غیرمستقیم بعضی از ویژگی‌های فرهنگی مردم استان را بررسی کرده‌اند می‌توان مواردی را ذکر کرد. براساس تحقیق موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۴)، ۶۶/۵ درصد از نمونه مورد بررسی در استان کهگیلویه و بویراحمد، «رعایت قانون توسط مردم را در حد متوسط و پایین‌تر دانسته‌اند». براساس این نظرسنجی، عدم رعایت قانون توسط مسئولین استانی به ۸۳/۹ درصد می‌رسد که درصد خیلی بالایی است. براساس همین پیمایش، ۷۰/۲ درصد از پاسخ‌گویان مورد بررسی، رواج دروغ‌گویی را در میان مردم بالا دانسته‌اند؛ ۶۰/۸ درصد دورویی و تظاهر را بالا دانسته‌اند؛ ۶۴/۹ درصد

تقلب و کلاه‌برداری را بالا ذکر کرده‌اند. بیش از نیمی از پاسخ‌گویان (۵۴/۱) گفته‌اند: «بیشتر مردم اگر موقعیتی گیرشان بیاید سر هم دیگر کلاه می‌گذارند». ۸۲/۷ درصد از پاسخ‌گویان نقش پارتی و آشنا را در یافتن شغل زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند. همچنین شهروندان استان کهگیلویه و بویراحمد، مهم‌ترین مسائل خود را به ترتیب، «عدم رعایت قانون» و «تهاجم فرهنگی» دانسته‌اند.

درباره فرهنگ و باورهای مردم استان، مطالعاتی با عنوان «فرهنگ عامیانه عشایر بویراحمدی و کهگیلویه» (لمعه، ۱۳۴۹) و «جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی خویشاوندی در عشایر زنان ایل بهمنی» (رستریو، ۱۳۸۷) انجام گرفته‌اند که هر دو مطالعه جنبه مردم‌شناسانه و توصیفی دارند و به ارائه اطلاعات جمعیت‌شناختی، هنرها، اشعار، متیل‌ها و روایت‌های رایج در استان (مطالعه اولی) یا آداب و رسوم حاکم بر مقدمات، فرآیند و پیامدهای ازدواج و انواع همسرگزینی در ایل بهمنی پرداخته‌اند (مطالعه دومی).

براساس تحقیقات میرفردی و دیگران (۱۳۹۴)، رضادوست و دیگران (۱۳۹۳)، میرفردی (۱۳۸۸) «خاص‌گرایی» و قوم و خویش‌بازی از ویژگی‌های رایج در شهرهای یاسوج و دهدشت است. براساس پژوهش میرفردی و دیگران (۱۳۹۲) تخلف ترافیکی در بین رانندگان و عابران شهر یاسوج در سطح بالایی قرار دارد. برخی از شاخص‌های زیست محیطی در استان کهگیلویه و بویراحمد در مقایسه با آمارهای ملی و بین‌المللی نشان از وخامت اوضاع محیط زیست در استان دارد. برای نمونه میانگین تولید سرانه روزانه زباله ۱/۲۵۰ کیلوگرم است در حالی که میانگین کشوری ۸۰۰ گرم و میانگین جهانی ۳۰۰ تا ۵۰۰ گرم است. میانگین مصرف سرانه آب مصرفی بسیار بیشتر از میانگین کشوری و بین‌المللی است (مرادی، ۱۳۹۷). براساس پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۵) شهروندان استان کهگیلویه و بویراحمد مهم‌ترین مسائل خود را به ترتیب، «عدم رعایت قانون» و «تهاجم فرهنگی» دانسته‌اند.

می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین مسائل استان مسائل مرتبط با فرهنگ عمومی رایج و مسلط در این جامعه است. البته این به معنای نادیده گرفتن یا کم‌اهمیت دانستن سایر مؤلفه‌های تشکیل دهنده نظام جامعه‌ای بزرگ‌تر و جامعه استانی مانند ابعاد اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی نیست. بلکه تأکید بر این فرض است که معیارها و استانداردهای اجتماعی برگرفته از آداب و رسوم، ارزش‌ها، سنت‌ها، فرهنگ، مذهب، قانون، و اخلاق‌اند که تعیین می‌کنند چه عملی در جامعه بهنجار بوده و مشکلی را برای زندگی اجتماعی به وجود نمی‌آورد یا بر عکس، چه عملی نابهنجار است و تار و پود پیوندهای اجتماعی را

بر هم می‌زند (فرجاد، ۱۳۷۷: ۱۱ - ۲۷). امروزه تقریباً نوعی وفاق جمعی بین مسئولان سیاسی، نخبگان علمی، دینی و هنری و عامه مردم وجود دارد که بخش اعظم این مسائل به فرهنگ و فرهنگ عمومی مربوط می‌شود.

براساس تحقیق حیدری (۱۳۹۸) می‌توان گفت پاسخ‌گویان پارتی‌بازی، قوم و خویش بازی در ادارات، ظاهرنگری و چشم و هم‌چشمی، تجسس و دخالت بی‌جا در کار یکدیگر، و تصمیم‌گیری براساس منفعت خود را مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگی استان دانسته‌اند. میانگین نمره همه آسیب‌های یادشده از بالاتر از ۷/۳۰ بوده است.^۱

پاسخ‌گویان خوش‌گذرانی، حقیر دانستن زنان، ستایش افراد قلدر و بزن و بهادر توسط افراد فامیل، خودکم‌بینی در برابر اقوام دیگر و پرگویی و خودستایی را کم‌اهمیت‌ترین آسیب‌های فرهنگی دانسته‌اند. با این وجود، مقدار میانگین همه ۴۴ آسیب مطرح شده در پرسش‌نامه بالاتر از متوسط بوده است (میانگین همه گویه‌ها ۵/۵ و بالاتر بوده) که نشان می‌دهد پاسخ‌گویان شیوع همه آسیب‌های نامبرده در استان را نسبتاً بالا دانسته‌اند. با این وجود، آسیب‌زاترین مسائل فرهنگی از نظر پاسخ‌گویان، مسائل سازمانی (پارتی‌بازی و قوم و خویش‌بازی در ادارات) و مسائل اجتماعی (ظاهرنگری، دخالت بیجا در کار یکدیگر، و تصمیم‌گیری براساس خود منفعتی) بوده‌اند.

براساس نتایج تحقیق یادشده، زنان، پارتی‌بازی، قوم و خویش‌بازی در ادارات، و ظاهرنگری و چشم و هم‌چشمی را مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگی؛ و نداشتن روحیه تحقیق و پیشرفت، ستایش افراد قلدر و بزن و بهادر، و خودکم‌بینی در برابر اقوام دیگر را کم‌اهمیت‌ترین آسیب فرهنگی در استان دانسته‌اند. مردان، نیز، قوم و خویش‌بازی در ادارات، پارتی‌بازی و ظاهرنگری و چشم و هم‌چشمی را مهم‌ترین آسیب فرهنگی؛ و تحقیر زنان، ستایش افراد قلدر و بزن و بهادر، و خودکم‌بینی در برابر سایر اقوام را کم‌اهمیت‌ترین مسئله فرهنگی دانسته‌اند. نظر کلی پاسخ‌گویان و همچنین مقایسه نظر آنها براساس جنس و محل سکونت نشان می‌دهد، زنان و مردان و ساکنین هر سه شهر یاسوج، گچساران و دهدشت، «پارتی‌بازی» و «قوم و خویش‌بازی در ادارات» را جزء مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگی استان دانسته‌اند (البته ساکنین شهر گچساران قوم و خویش‌بازی در ادارات را به عنوان مهم‌ترین مسئله ذکر نکرده‌اند).

بدین ترتیب می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین آسیب‌های فرهنگی استان که به سطح «خودآگاهی» پاسخ‌گویان، فارغ از جنس یا محل سکونت‌شان رسیده، «پارتی‌بازی

۱. میانگین مقیاس ۵/۵ نمره بوده است.

و قوم و خویش بازی در ادارات» است. پس از دسته‌بندی آسیب‌های فرهنگی مجزا، با تکنیک تحلیل عامل، به چهار دسته بنیادی‌تر «آسیب‌های شخصیتی»، «آسیب‌های اجتماعی-حقوقی»، «آسیب‌های سازمانی» و «آسیب‌های خودمدارانه» مشخص شد. بیش از نیمی از پاسخ‌گویان (۵۲/۸ درصد) آسیب‌های مربوط به شخصیت را به میزان زیادی مهم و جدی ارزیابی کرده‌اند. نزدیک به نیمی از پاسخ‌گویان (۴۸/۶) آسیب‌های اجتماعی-حقوقی را به میزان زیادی مهم دانسته‌اند. نزدیک به ۷۰ درصد پاسخ‌گویان گفته‌اند ویژگی‌های سازمانی استان مانند پارتی‌بازی، بی‌قانونی، رشوه‌گرفتن و... به میزان زیادی از آسیب‌های فرهنگی استان محسوب می‌شوند. این یافته می‌تواند بیان‌گر این باشد که اکثریت پاسخ‌گویان توافق دارند که عملکرد سازمان‌های رسمی استان بر قواعد غیر بوروکراتیک و اصول خویشاوندی مبتنی است.

یافته بالا با یافته پژوهش زالی و سجادی اصل (۱۳۹۶) در مورد استان کهگیلویه و بویراحمد همخوانی دارد که براساس آن پنج فاکتور «ارجحیت روابط بر ضوابط، عزل و نصب پی‌درپی مدیران خرد و کلان براساس معیارهای قومی و حزبی، بوروکراسی شدید و ناکارآمد در مناسبات اداری استان، تقابل فرهنگ ایلپاتی با فرهنگ مدون و غالب، و تسلط فرهنگ سنتی و قبیله‌ای در استان» مهم‌ترین فاکتورهای تأثیرگذار بر توسعه نیافتگی استان شناخته شده‌اند (پادیاب، ۱۳۹۸: ۳۴-۳۶).

ملاحظات روش‌شناختی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ روش‌شناختی «توصیفی-تحلیلی» بوده و در هر مرحله از تحقیق، متناسب با هدف تحقیق، از روش‌های آشنای یا کیفی بهره برده است. برای ارزیابی وضعیت فرهنگی و هنری هر جامعه‌ای روش‌های علمی متفاوت و چندگانه‌ای وجود دارد. استفاده از هر یک از این روش‌ها به هدف، سؤال و منطق تحقیق و ابزارهای مناسب جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات لازم بستگی دارد. این فعالیت که در راستای درخواست مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شده است، بنا به درخواست کارفرما، وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد را با روش آشنای شاخص‌های از پیش مقرر شده سایت اداره کل و شهرستان‌ها، کتاب و نشر، مطبوعات و رسانه، هنر و سینما، و حوزه قرآن و عترت بررسی کرده است. از این‌رو روش مورد استفاده در این‌جا روش آشنای و مراجعه به اسناد و گزارش‌های موجود ادارات مختلف و مرتبط استان مزبور درباره آمار و گزارش فعالیت‌های فرهنگی مربوطه بوده است.

براساس منطق این نوع روش‌شناسی، مهم‌ترین ضرورت و پایه یک کار تحقیقی مناسب، امکان دسترسی به یافته‌های مرتبط، مناسب و مقتضی مربوط به بخش‌های مختلف است. در این خصوص لازم به ذکر است که ادارات مختلف استان همکاری لازم را با این جانب، به عنوان مجری طرح نداشتند. بدون شک محدودیت‌های ناشی از این عدم همکاری، بر جامع و کافی بودن اطلاعات منتشره تأثیرگذار بوده است. در گام و مرحله اول تحقیق، متناسب با اهداف پژوهش، با مراجعه به کتب، اسناد، سایت‌های اینترنتی رسمی، و مراجعه به سازمان‌های ذی‌ربط اطلاعات و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، تاریخی، مردم‌شناختی، و بعضی از شاخص‌های زیرساختی فرهنگی مهم مانند تعداد کتابخانه، سینما، و... گردآوری و به شیوه توصیفی در قالب جداول و نمودارهای توصیفی ستونی تنظیم شد. لازم به یادآوری است در این بخش بیشتر اطلاعات فرهنگی و هنری استان از طریق مراجعه حضوری به سازمان‌های ذی‌ربط مانند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، شهرداری، آموزش و پرورش، اداره اوقاف و مرکز صدا و سیمای استان و همچنین گفت‌وگو با افراد متخصص و مطلعان کلیدی در استان گردآوری شد. دیگر منابع اطلاعات در این تحقیق، گزارش سایت اداره کل آمار و اطلاعات موجود در سال‌نامه آماری وضعیت تولید کالا و خدمات فرهنگی، سال‌نامه‌های آماری فرهنگ و هنر از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷، و درگاه اینترنتی استانداری استان کهگیلویه و بویراحمد بوده است. بدون شک با نداشتن اطلاعات مناسب، ارائه گزارش مناسب جهت آشنایی با وضعیت فرهنگی یک جامعه یا استان نسبتاً غیرممکن؛ و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جهت مدیریت امور فرهنگی آن جامعه یا استان نیز ناقص و ناکارآمد خواهد بود. هر چند چنین وضعیتی همیشه حاکم بوده و بر کیفیت و روند کارهای علمی، به‌ویژه پژوهش‌های اسنادی، تأثیرگذار بوده؛ اما شیوع ویروس کرونا بعد از اسفندماه ۱۳۹۸ و در شرایط کنونی مشکلات پی‌گیری حضوری جهت دستیابی به اطلاعات را تشدید کرده است. با همه این مشکلات و محدودیت‌ها، به هر حال، یکی از مهم‌ترین راه‌های ارزیابی وضعیت فرهنگی و هنری استان استفاده از اطلاعات موجود و مربوط به فعالیت‌های فرهنگی و هنری انجام گرفته یا در حال انجام در آن استان است. دیگر منبع مهم تحقیق، کتاب مهم و منتشر نشده آقای مسعود رضایی بود که فهرست تقریباً کاملی از مشاهیر فرهنگی استان را گردآوری کرده و با طبعی بلند پس از درخواست این جانب، به عنوان منبعی موثق و منحصر به فرد مورد در دسترس و مورد استفاده قرار گرفت.

در بخش دیگر تحقیق، به تناسب هدف مطالعه که ارزیابی وضعیت فرهنگی و هنری

استان و نقاط قوت و ضعف آن از دیدگاه متخصصان گوناگون استان بود، از تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. روش تعیین و انتخاب این افراد بدین صورت بود که ابتدا، همچنین در جریان مصاحبه‌ها، با مشورت با مدیران امور فرهنگی دستگاه‌های فرهنگی استان، اساتید و افراد آشنا با امور فرهنگی استان، سه فهرست تقریباً ۲۰ نفره از مشاهیر و متخصصان حوزه‌های گوناگون فرهنگ و هنر استان تنظیم شد. با در نظر گرفتن معیارهای هدف‌مند بودن مصاحبه و پوشش حداکثری تنوع افراد و تخصص‌های فرهنگی، سعی شد این فهرست شامل افرادی با جنسیت، تحصیلات، و تخصص‌های گوناگون باشد.

بعد از تهیه فهرست با تک تک این افراد تماس تلفنی برقرار شد و در مورد زمان، مکان، اهداف و منطق مطالعه گفت‌وگو شد. اما متأسفانه تعداد زیادی از این افراد با وجود موافقت اولیه در تماس‌های بعدی پاسخ‌گو نبودند یا به بهانه‌هایی از انجام مصاحبه خودداری ورزیدند. روش انجام مصاحبه حضوری یا به علت وضعیت کرونایی تلفنی بوده است. تمام مصاحبه‌ها بر روی کاغذ نوشته شد چون امکان یا اجازه ضبط صدا در حین مصاحبه‌ها فراهم نبود. واحد تحلیل داده‌های این بخش، پاراگراف بوده و از تحلیل تماتیک برای طبقه‌بندی و ارائه داده‌ها استفاده شد. بر این اساس می‌توان گفت روند گردآوری و تحلیل داده‌ها در این بخش استقرایی و از جزء به کل بوده است. برای افزایش اعتبار، سعی شد مصاحبه‌شوندگان در جریان اهداف طرح قرار گیرند، به آنان اطمینان داده شد که اطلاعات هویتی آنان مخفی بماند، و این که انتشار اطلاعات با اجازه آن‌ها صورت گیرد و در مواقعی که درخواست‌شان عدم درج یا انتشار اطلاعات بود به آن‌ها اطمینان داده شد که این امر تحقق خواهد یافت.

جمع‌بندی: شیوه سازمان‌دهی پژوهش

پژوهش حاضر در راستای دستیابی به اهدافی که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت و نیز به منظور سامان‌دهی و ارائه مناسب داده‌های گردآوری و تحلیل شده، در پنج بخش تنظیم شده است. بخش نخست که اکنون از نظر گذشت، ملحوظ به مباحث مقدماتی و تشریح کلیات پژوهش است. بخش دوم نیز ناظر به ترسیم سیمای اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد است. در این بخش، به جغرافیا و تاریخ، وضعیت جمعیتی، اقتصاد و شیوه‌های معیشتی، اقشار و گروه‌های اجتماعی، مذهب و باورهای اعتقادی، زبان، فرهنگ عامه و آداب و رسوم شاخص، اماکن برجسته مذهبی و توریستی، و نیز معرفی چهره‌های فرهنگی-هنری و هنرمندان شاخص استان کهگیلویه و بویراحمد پرداخته

شده است. در بخش سوم نیز که با عنوان «گزارش توصیفی وضعیت فرهنگی- هنری استان کهگیلویه و بویراحمد» آمده است، به وضعیت فعلی و عملکرد یک دهه گذشته اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان پرداخته و همچنین گزارشی کیفی از مهم‌ترین اقدامات و برنامه‌های اداره کل در حوزه‌های مورد بحث ارائه شده است. در چارچوب همین بخش، آمار و شاخص‌های کمی و کیفی حوزه فرهنگ و هنر استان، و نیز عملکرد سایر دستگاه‌های مرتبط، مورد تأمل قرار گرفته است. بخش چهارم این پژوهش نیز با عنوان «گزارش تحلیلی وضعیت فرهنگی- هنری استان کهگیلویه و بویراحمد» به ارائه نقطه‌نظرات فعالان و صاحب‌نظران بومی حوزه‌های مربوطه در چند قسمت مجزا اختصاص یافته است؛ از جمله مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف فرهنگی استان و وضعیت استان در شاخص‌ها و اقلام گوناگون فرهنگی بیان شده است. در نهایت، بخش پنجم و پایانی این پژوهش به‌منظور جمع‌بندی مختصر کل تحقیق و ارائه پیشنهادها و انتقادهای مشارکت‌کنندگان، و پیشنهادها و محدودیت‌های پیش روی محقق تنظیم شده است.

بخش دوم:

سیمای اجتماعی و فرهنگی

استان کهگیلویه و بویراحمد

مقدمه

در این بخش «گزارش توصیفی و تحلیلی وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد» مشتمل بر تاریخچه، گروه‌ها و جریان‌های فرهنگی برجسته، و اهالی برجسته فرهنگ و هنرمندان استان به صورت مختصر و براساس مستندات و اطلاعات گردآوری شده ارائه می‌شود.

تاریخچه مختصر استان

استان کهگیلویه و بویراحمد کنونی از عصر هخامنشیان (۳۲۰ - ۵۵۰ ق. م) تا عهد پهلوی (۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ ه. ش) جزئی از فارس بزرگ بود. کهگیلویه و بویراحمد تا پیش از سال ۱۳۴۲ جزئی از فارس و خوزستان بود و پس از آن - خاصه بعد از جنگ مشهور گجستان در ۳۱ فروردین ۱۳۴۲ - به صورت مستقل درآمد و فرمانداری کل شد و سرانجام در سال ۱۳۵۵ به استان تبدیل شد (سیاه‌پور، ۱۳۹۴: ۶). براساس مطالعات باستان‌شناسی انجام گرفته، قدمت استان کهگیلویه و بویراحمد به دوران پارینه سنگی می‌رسد. از مهم‌ترین دلایل انتخاب این منطقه برای استقرار، دسترسی شکارگران به منابع کوهستان و دشت بوده است. شرایط مساعد زیست‌محیطی در دشت‌های استان همچون دشت‌های دهدشت، کلاچو و حاشیه رود مارون در شکل‌گیری استقرارهای آغازین دوره‌های نوسنگی در این استان نقش اساسی داشته است. مهم‌ترین محوطه‌های شناسایی شده در استان از

دوره نوسنگی عبارتند از تُل بُردی، تپه بیبی زلیخایی، تُل گُل گندم کش، تل کوچک، و تل شوولی. تپه‌های باستانی استان کهگیلویه و بویراحمد با توجه به سفال‌های بدست آمده از آن‌ها به مانند تپه ده در شهرستان گچساران، قدمتی برابر با هزاره سوم پیش از میلاد مسیح را نشان می‌دهد.

در دوران قبل از اسلام، در دورهٔ عیلامی، محدوده‌ای که امروز استان ک. ب.^۱ نامیده می‌شود جز انزان شرقی بوده است. از دوره عیلامی آثار متعددی مانند گورستان چال شاهین در روستای لما از توابع شهرستان دنا وجود دارد که متعلق به هزاره اول یا پیش از میلاد است. با آمدن پارس‌ها به این نواحی و قدرت گرفتن شاهان اولیه هخامنشی، این منطقه خاستگاه تمدن هخامنشی نیز به حساب می‌آید. امپراتوری هخامنشی دارای ۲۳ استان (ساتراپ) بود و کهگیلویه و بویراحمد بخشی از ساتراپ پارس، به عنوان یکی از مهم‌ترین این ساتراپ‌ها، بوده است. پایه‌های پل هخامنشی در کنار شهر پاتاوه و پایهٔ تخت شاه‌نشین و حماسهٔ ملی آریو برزن تأیید کنندهٔ این ادعا هستند. پس از ورود اسلام به ایران، مردم این منطقه اسلام را پذیرفتند و بعدها به مذهب تشیع گرویدند. دیلمیان این منطقه را از مکان‌های خوب برای تبلیغ و نیز پایگاه قدرت خود می‌دانستند. وجود اماکن مذهبی و امام‌زاده‌های متعدد نشان‌گر عمق ارادت مردم این استان به اهل بیت عصمت و طهارت و مذهب تشیع است. در دوره سلجوقی این استان به عنوان بخشی از سرزمین‌های اتابکان لر در آمد. کوهستانی بودن منطقه، تا حد زیادی، زمینهٔ تسخیرناپذیری این منطقه را در دوران‌های متفاوت فراهم کرده است. برای مثال، مردم این منطقه در مقابل اسکندر مقدونی، مغول‌ها و تیمور لنگ رشادت‌ها و مقاومت زیادی به خرج دادند و به راحتی تسلیم این نیروهای مهاجم نشدند.

دربارهٔ وجه تسمیهٔ «کهگیلویه» تفاسیر گوناگونی ارائه شده که محمد یاور نویسندهٔ کتاب «کوه‌گیلویه و ایلات آن» دو تا از مهم‌ترین آنان را موارد زیر می‌داند: «اول این نام برگرفته از نام میوه‌ای است کوهستانی که در فارس آن را «کیالک» و در اصفهان «کویج» و در تهران «زال‌زالک» گویند. درخت کیالک در کوهستان این بلوک بیشتر از همه جای مملکت فارس است. دوم این که، بنا به مطلعین محلی، یکی از امرای فضولیه به نام «گیلو» که در شجاعت و رشادت مشهور دوران خود بوده، برای مدتی کوهستان این نواحی را مرکز عملیات خود قرار داده و با همسایگان دور و نزدیک در زد و خورد بوده است؛ از این رو این کوهستان به نام او معروف و به مرور زمان تمام ناحیه بدان نامیده

۱. ک. ب. معادل کهگیلویه و بویراحمد، که در بعضی جاها به منظور اختصار ک. ب. آورده شده است.

شد (جهان‌بین، ۱۳۸۰). نویسنده می‌گوید شقّ دوم، با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم عشایری به حقیقت نزدیک‌تر است. این استان، از قبل از اسلام تا سال ۱۳۴۲ ه. ش. نیز به نام کهگیلویه شناخته شده است. سیاه‌پور نیز با غلط دانستن اسناد تسمیه گیلویه به «وفور درخت زالزالک یا کیالک»، می‌گوید «قدیمی‌ترین تسمیه کهگیلویه رامیتوان در کتاب مسالک و ممالک اصطخری در قرن چهارم هجری یافت... بنابراین انتساب «رم زمیجان» (= رمیجان) به «جیلویه» (= گیلویه) از همان قرون اولیه اسلامی مصطلح و اطلاق شده است؛ و هیچ تردیدی نیست که وجه تسمیه آن، منسوب به «گیلویه» است. در واقع «جیلویه»، نام شخص و معرب گیلویه است» (۱۳۸۸: ۷۸).

نام «بویراحمد» [نیز] که از سال ۱۳۴۲ و پس از قیام عشایر بویراحمد و جنگ مشهور گجستان به صورت رسمی مترادف کهگیلویه شد؛ یک اسم قدیمی است که نام ایل بویراحمد، مأخوذ از آن است. ظاهراً قدیمی‌ترین سند مکتوبی که - در حال حاضر - از این نام در دست است، مربوط به سال ۸۵۶ ه. ق است که یکی از بزرگان قوم نام خویش را بر سنگی نقر کرده است... [هر چند نظرات گوناگونی درباره وجه تسمیه بویراحمد وجود دارد] در هر حال، آنچه ظاهراً درست‌تر به نظر می‌رسد این است که ایل بویراحمد، «اتحادیه‌ای» بوده از طوایف و تیره‌های متعدد. اما این که کدام طوایف و تیره‌ها «نژاد اصیل بویراحمد اولیه» هستند و «بانیان و هسته اولیه این اتحادیه» کدام طایفه بوده، مبهم و متناقض است (همان: ۷۹). در هر حال، بویراحمد بزرگ‌ترین ایل منطقه است... و از اواخر زندیه تاکنون در معادلات سیاسی منطقه جایگاه ویژه‌ای داشته است. به واسطه گسترش نفوذ این ایل، در سال ۱۳۴۲ ه. ش در کنار واژه تاریخی کهگیلویه، این عنوان برای فرمانداری کل و سپس جهت اطلاق به استانداری برگزیده شد (جهان‌بین، ۱۳۸۰). این استان، در گذشته‌ای نه چندان دور، یکی از بلوک‌های مملکت فارس بوده که خود شامل دو قسمت می‌شد: قسمت شمال شرقی که آن را سردسیر و کوهستانی و پشت کوه می‌نامیدند و قسمت جنوبی که نره کوه و بهبهان نامیده می‌شد. در عهد باستان محدوده کهگیلویه، به انشان یا انزان شهرت داشت که شامل کهگیلویه و ممسنی بوده است. از سال ۱۳۲۴ ه. ش به جهات سیاسی، بویراحمد از کهگیلویه مجزا و ضمیمه استان فارس شد. در دهه ۱۳۳۰ در قلمرو ایل بابویی، شهر دوگنبدان شکل گرفت. در پانزدهم آبان ماه ۱۳۳۸، کهگیلویه نیز از بهبهان جدا شد و شهرستان کهگیلویه با مرکزیت دهدشت همچنان جز استان خوزستان بود. سرانجام در ۲۲ تیر ماه ۱۳۴۲ ه. ش طبق تصویب‌نامه مجلس شورای ملی وقت، سرزمین ایلات شش گانه (۱- بویراحمد ۲- طیبی ۳- بهمنی ۴-

چرام ۵- دشمن زیاری ۶- بابویی) که تا آن زمان، بخش‌هایی از آن جز استان فارس و بخش‌هایی جز استان خوزستان بودند، با عنوان فرمانداری کل یکپارچه، با انتخاب شهر یاسوج به عنوان مرکز آن، ثبت و به تقسیمات سیاسی کشور اضافه شد. سرانجام در خرداد سال ۱۳۵۵ ه. ش این فرمانداری کل با همان محدوده، به استان کهگیلویه و بویراحمد تغییر نام یافت (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶: ۶۰). درخصوص نحوه استان شدن این استان شاید جذاب و واقع‌بینانه‌ترین سخنان را مرحوم بهمن بیگی، قهرمان جامعه عشایری جنوب، گفته است که شاید بیشتر از هر کسی با این منطقه و سرگذشت تاریخی آن آشنایی داشته است: «بویراحمد آن قدر دست به ماشه برد و پا در رکاب فشرد تا از یک دهستان یک استان آفرید. بویراحمد آن قدر کوشید و خروشید تا از چنگ سه استان همسایه، سه ازدهای پراشتهای دهان گشوده رهایی یافت و به صورت استانی مستقل درآمد. استان بویراحمد تنها استان ایران بود که نه به دلیل جمعیت، نه به دلیل وسعت، نه به دلیل ثروت بلکه فقط در نتیجه قدرت موجودیت یافت.» (بهمن بیگی، ۱۳۸۹: ۳۳۲).

استان کهگیلویه و بویراحمد، به عنوان جامعه هدف تحقیق، از استان‌های کمتر توسعه یافته کشور است^۱ که تنها در حدود نیم قرن از «تأسیس» آن می‌گذرد؛ نیم قرن که با تحولات سرسام‌آوری مانند تحول زندگی عشایری به یک‌جانشینی و شهرنشینی، رشد مهاجرت بی‌رویه، آشنایی با فرهنگ شهرها و کشورهای دیگر به واسطه گسترش رسانه‌های نوین و... همراه بوده است. تحولاتی که می‌توان گفت بیشتر ویژگی‌های «سخت و فیزیکی» این استان را تحت تأثیر قرارداده‌اند تا ویژگی‌های «نرم و فرهنگی» آن. در توصیف این استان گفته شده است «استان ثروتمند، اما فقیر و نیازمند...» (پادیاب، ۱۳۹۸: ۲۳۴).

براساس آخرین اطلاعات و تقسیمات سیاسی-جغرافیایی کشور (۳۹۱۱)، این استان مرکب از ۸ شهرستان بویراحمد، کهگیلویه، دنا، بهمنی، گچساران، باشت، چرام، و لنده است (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶: ۶۰). سه تا از مهم‌ترین شهرستان‌های استان را می‌توان شهرستان‌های بویراحمد با مرکزیت شهر یاسوج، به عنوان مرکز استان، شهرستان گچساران، با مرکزیت دوگنبدان؛ و شهرستان کهگیلویه، با مرکزیت دهدشت، نام برد. رونق و شهرت شهرستان بویراحمد بیشتر به بعد از سال ۱۳۵۷ و انتخاب یاسوج به عنوان پایتخت استان برمی‌گردد که این شهر را به جایگاه اصلی سازمان‌ها و ادارات مدرن

۱. به تعبیر نماینده کنونی شهرستان‌های بویراحمد و دنا در مجلس شورای اسلامی، آقای حاج غلام‌محمد زارعی، استان کهگیلویه و بویراحمد از نظر توسعه‌یافتگی در رده بیست و چهارم و بیست و پنجم کشوری قرار گرفته است (پادیاب، ۱۳۹۸: ۳۲۱).

مانند دانشگاه‌ها، استانداری، و ادارات کل و مقصد اصلی مهاجرت مهاجران درون استانی و بیرون استانی جهت اشتغال یا مشاغل بازرگانی تبدیل کرده است.^۱ وضعیت بالا باعث شده شهر یاسوج، بیشتر شهری کارمندان و خدماتی محسوب شود. البته نه از نوع توسعه بخش خدماتی که همانند کشورهای توسعه یافته، بعد از توسعه بخش دوم اقتصادی یعنی صنعتی شدن، اتفاق افتاد. بلکه توسعه بخش خدمات در این شهر، اول، به علت توسعه ادارات جدید در این استان بعد از تأسیس یاسوج به عنوان مرکز استان و نیاز به کارکنان اداری بوده است. دوم، به علت فقدان صنایع و وجود کارخانه‌های صنعتی بزرگ یا کارگاه‌های صنعتی کوچک در مرکز استان، هم‌زمان وجود جاذبه‌های گردشگری زیبا در شهرستان و همجواری با مناطق گرم جنوب و شهرهای شلوغ شیراز و اصفهان، این شهر به مقصد اکثر توریست‌ها و مسافران داخلی استان‌های هم‌جوار تبدیل شده است. دو ویژگی بالا، باعث شده ساکنان این شهر بیشتر به مشاغلی روی آورند که به ارائه خدمات اداری و مشاغل خدماتی و مصرفی مانند سوپرمارکت‌ها، نانوبی‌ها، آشپزی‌ها، کبابی، میوه و تره‌بار، آرایشگری و... بپردازند. به صورت مختصر می‌توان گفت بیشتر مشاغل ساکنان شهر یاسوج در دو رسته کارمندی و خدماتی جای گرفته‌اند.

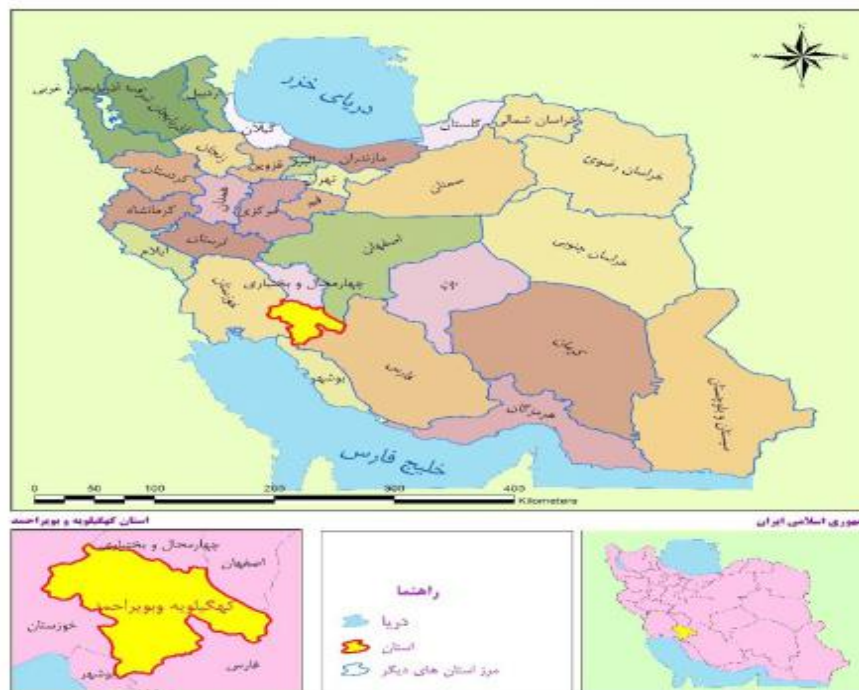
برخلاف شهرستان بویراحمد، شهرستان گچساران، به‌ویژه به خاطر وجود صنعت نفت، به بام نفتی ایران اشتها دارد و مظهر صنعتی شدن و توسعه و تنوع فرهنگی در استان شناخته می‌شود. زیرا از زمان پیدایش نفت شهر گچساران محل مراجعه و زندگی مهاجران و متخصصان خارجی و داخلی^۲ زیادی بوده است که با مهاجرت خود به این شهر، این شهر را پیش از سایر ساکنین استان با مظاهر تمدن و مدرنیزاسیون آشنا کرده و با زندگی در این شهر به صورت عملی و واقعی به شکل‌گیری نوعی تنوع زیستی و فرهنگی خاص در این شهر کمک کرده‌اند. نزدیکی به شهرهای تاریخی و صنعتی بهبهان و شهرهای استان بوشهر، اسکان افراد متخصص و قومیت‌های گوناگون در این شهر^۳ و قرار گرفتن در مسیر ترانزیتی استان فارس و خوزستان و اصفهان نیز بر وجهه صنعتی شدن و تنوع فرهنگی این شهر افزوده است. درخصوص دیگر شهرستان مهم استان، کهگیلویه، شاید بتوان گفت اشتها مرکز این شهرستان، یعنی دهدشت، بیشتر به خاطر آثار تاریخی

۱. البته جنگ‌ها و نزاع‌های سیاسی ایل بویراحمد با دولت پهلوی، به‌ویژه «جنگ‌های تامرادی و گجستان» نیز بر اشتها، خودآگاهی و هویت سیاسی این ایل تأثیر زیادی داشته است.

۲. متخصصان و کارکنان خارجی و داخلی شرکت نفت که جهت اداره امور نفت یا اشتغال به این شهر سفر کرده‌اند و امکانات و زیرساخت‌های صنعتی و خدماتی لازم برای آن‌ها و خانواده‌های آن‌ها فراهم شده است.

۳. در این شهر تعداد افراد ترک زبان بیشتر از سایر شهرستان‌های استان است. امری که به نوعی تنازع هویتی-اجتماعی نسبتاً آگاهانه انجامیده که در هنگام رقابت‌ها و منازعات انتخاباتی و سیاسی نمود بیشتری دارد.

مهمی مانند «بلاد شاپور»، به مثابه فخر، مظهر و نمود تمدن، هویت و قدمت تاریخی این شهر است. همچنین این شهر به داشتن فرزندان و سرمایه‌های انسانی مستعد و نخبه تحصیل کرده اشتها دارد. وجود این سه فاکتور مهم پایتخت اداری-سیاسی، مظهر صنعتی شدن به ویژه صنعت نفت و قدمت تاریخی، همراه با روح و اهمیت «قوم‌گرایی و طایفه‌گرایی»، وضعیتی متناقض را در استان ایجاد کرده است. وضعیتی که از طرفی زمینه جذابیت طبیعی، صنعتی و تاریخی استان را فراهم کرده؛ از طرف دیگر با ایجاد و تشدید بستر رقابت‌های منطقه‌ای و طایفه‌ای که در سطوح و حوزه‌های گوناگون نمود می‌یابد، به یکی از مهم‌ترین موانع توسعه نیافتگی استان تبدیل شده است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصوصیات جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی استان اشاره می‌شود.



نقشه شماره ۱-۱: موقعیت جغرافیایی استان کهگیلویه و بویراحمد

۱. نقشه جغرافیایی ایران و جایگاه جغرافیایی استان کهگیلویه و بویراحمد در آن

ویژگی‌های جغرافیایی

استان کهگیلویه و بویراحمد به لحاظ موقعیت جغرافیایی بین ۲۹ درجه و ۵۶ دقیقه تا ۳۱

درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۵۳ دقیقه طولی شرقی واقع شده است. این استان با وسعتی معادل ۱۵۵۰۴ کیلومتر مربع در جنوب غرب ایران قرار گرفته است. استان کهگیلویه و بویراحمد از شمال به استان چهارمحال و بختیاری، از شرق به استان فارس، از غرب به استان خوزستان، و از جنوب به استان بوشهر محدود شده است. این استان ۱ درصد از کل مساحت کشور را دارا است که از این جهت بیست و هشتمین استان ایران است. حداکثر و حداقل ارتفاع استان کهگیلویه و بویراحمد از سطح دریا به ترتیب برابر با ۴۴۰۹ (قله دنا) و ۴۱۰ متر (ناحیه بی‌بی‌جان‌آباد) است. تغییرات شدید ارتفاع در مساحتی به وسعت محدود استان، تنوع و گوناگونی نسبتاً زیادی را در شرایط اقلیمی و وضعیت آب و هوایی استان پدید آورده است. از لحاظ آب و هوایی این استان دارای دو اقلیم سردسیری و گرمسیری است که اقلیم سردسیری ۴۳ درصد مساحت و اقلیم گرمسیری ۵۷ درصد استان را به خود اختصاص داده‌اند. استان کهگیلویه و بویراحمد با شرایط اقلیمی دوگانه، چشم‌اندازهای طبیعی، آبشارها، چشمه‌ها و آب و هوای مناسب از استان‌های دارای قابلیت در حوزه گردشگری است.

استان ک. ب به خاطر چشم‌اندازهای زیبای طبیعی، کوه‌های سرسبز، انواع درختان و گل‌بوته‌های طبیعی و رنگارنگ، به درستی، به عنوان «پایتخت طبیعت» وصف شده است. وجود بیش از ۳۰ جاذبه طبیعی و تاریخی، بیش از ۳۰۰ جاذبه طبیعی و مناظر متعدد و متنوع، کوه‌ها و رودخانه‌ها، چشمه‌ها و چشم‌اندازهای طبیعی زیبا، طبیعت بکر، حیات وحش، غارهای تاریخی و طبیعی، به همراه عشایر و مردم خونگرم و مهمان‌نواز، از خصوصیات برجسته و جذاب این استان است^۱. بیش‌ترین پوشش گیاهی استان درخت بلوط است که در حدود ۸۰ درصد پوشش گیاهی استان را تشکیل می‌دهد سایر پوشش گیاهی استان درختان و درختچه‌هایی نظیر بنه (پسته وحشی)، کیگم، بادام کوهی، زالزالک، شن (پلاخور)، گلابی وحشی، زبان‌گنجشک، ارس، دافنه و... است.

ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی مانند کوه، گل، گیاه، سبزه و موجودات، طیور و حیوانات ساکن در این محیط مانند کبک، بزکوهی، کل (پازن)، و... در تمام آواها و نواهای مردم بومی این سرزمین هویدا و مشهود هستند. از لحاظ داشتن گیاهان دارویی، این استان در کشور مقام اول را دارد. وجود صدها گونه گیاه ارزشمند دارویی، گیاهان رنگده، گونه‌های گیاهی معطر، گیاهان بهداشتی و پاک‌کننده، گونه‌های صمغی و صدها گونه گیاه ناشناخته است. مهم‌ترین گیاهان دارویی استان بهباریجه، آویشن دناپی، کاسنی،

شیرین بیان، گل گاوزبان، بابا آدم، بو مادران، شکر تیفال، ختمی، افدرا، دم اسب، بلوط و گلابی وحشی هستند.

در بین انواع ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی، کوه دنا جایگاه خاص خود را دارد که به نوعی با هویت مردم این سرزمین گره خورده است. به تعبیر رضایی (۱۳۹۹) «شادمانه‌های این مردم جدا از حال و هوای دنا نبوده و مهربانانه شانه به شانه دل به هم داده و عاشقانه در هم تنیده شده‌اند. دنا همواره برای زاگرس نشینان بویراحمد چیزی بسیار فراتر از کوهی سر برافراشته بر سینه‌ی آبی یا ابر آلود آسمان بوده و برایشان نقش و نشانی از درهم تنیدگی احساس و عاطفه‌ای ژرف و دامنه‌دار دارد. گاهی چون معشوقی آراسته به کمال و جمال ستوده می‌شود، گاهی سنگ صبور آلام درونی آنان است، گاهی نقشی مادرانه دارد و گاهی نیز در اوج لطافتی بی‌مانند خاکش عطر و آرایه گیسوان معشوقه‌هایشان». یکی از اساتید و شاعران بومی استان، شاهرخ موسویان، اثر و قطعه شعر زیبایی به نام «کُهِ دنا» دارد که می‌تواند تنها یکی از انواع نمودهای متکثر و گوناگون این کوه در ادبیات بومی ساکنین باشد. کوه «دنا» و سلسله کوهسارهای آن از دیر باز تاکنون یکی از مضامین پُر تکرار در آثار شاعران و گویندگان استان کهگیلویه و بویراحمد، به‌ویژه کوهپایه نشینان بویراحمد و دنا بوده و هست. مردمی که تا چشم باز کرده‌اند، سایه مهر پدرانه و آغوش محبت مادرانه‌اش را احساس کرده و از شیر و شهد جانش نوشیده و در دامن مهربانی‌های بی‌منتش بالیده‌اند. گاه اندوه و ماتم «دنا» را می‌خوانند و درد دل خود را با غمانه در گوشش فریاد کرده تا به آرامش برسند. پناهگاه درد تنهایی درمندان و عاشقان دلدادۀ بی‌سامان در هر زمان بوده و با صبوری فرزندان خود را در آغوش کشیده است. در کل، جاذبه‌های طبیعی و انسانی استان را می‌توان شامل مواردی دانست که در جدول شماره ۱ ذکر شده‌اند.

مطلع و مضمون اکثر آثار ادبی، لالایی‌های عامیانه، استعارهای شکوه، مقاومت، بردباری و در کل ادبیات فولکلوریک مردم این استان «کُهِ دنا» است، اما کتاب و قطعه شعر شاهرخ موسویان، با همین نام، به طور خاص بازنمایی‌کننده جایگاه این اثر طبیعی هویت بخش در زندگی مردم است. موسویان، به تعبیر رضایی (۱۳۹۹)، «برای بازگو کردن و وانمایی درد، اندوه، حسرت، خاطره‌های کوچ و پاکی، صداقت و منش نیک ایلپاتی که در اثر گذار روزگار غبارآگین و رو به فراموشی و خاموشیست، دنا را مخاطب قرار داده و در قالب سروده‌ای بلند با گویش لُری بویراحمدی و تکرار بیت «کُهِ دنا گوشم بُکن، مو درد دارم کُهِ دنا» (کوه دنا به من گوش کن! من درد دارم کوه دنا!) حسرت‌نامه‌ای

آهنگین و موزون خلق کرده است».

«ای کوه دنا! من دردمندم، به ناله‌هایم گوش کن»؛ «که دنا شانومه خوندن من کپر یایت ای قصه سهراب و رستم سیر نر یایت ای».

بالغ بر ۸۷ درصد از مساحت استان را جنگل‌ها و مراتع تشکیل می‌دهند. وجود ۸۷۰ هزار هکتار جنگل در استان باعث شده است که در شرایطی که سرانه پوشش جنگلی در سطح دنیا به طور متوسط ۸ درصد هکتار و در سطح کشور ۲ دهم درصد هکتار است. این شاخص برای استان معدل ۱/۶ هکتار باشد. عمده پوشش جنگلی استان را درختان بلوط تشکیل می‌دهند که بدلیل عدم وجود صنایع مبتنی بر فرآوری بلوط در سطح استان این پوشش عظیم جنگلی کارکرد اقتصادی چندانی برای استان نداشته باشد^۲.

وجود ۳۱۲ هزار هکتار منطقه تحت مدیریت محیط زیست که ۱۳/۳ درصد مساحت استان را تشکیل می‌دهد و نیز وجود ۲۰۰۰ گونه گیاهی (۴۷۰ گونه آن گیاهان دارویی است و ۳۲۷ گونه جانوری و ۴۵ گونه اندمیک گیاهی) در مناطق تحت مدیریت، غنای خاصی به تنوع زیستی استان بخشیده و استان را صاحب قابلیت ویژه‌ای در زمینه سرمایه‌گذاری صنعتی بر روی گونه‌های گیاهی بویژه گیاهان دارویی کرده است^۳.

آب و هوا

استان کهگیلویه و بویراحمد دارای دو اقلیم سردسیری و گرمسیری بوده که اقلیم سردسیری ۴۳ درصد مساحت و اقلیم گرمسیری نیز ۵۷ درصد مساحت استان را به خود اختصاص داده است. در ناحیه سردسیری میزان بارش برف و باران زیاد بوده و از جنگل‌های انبوه بلوط، بنه، کیکم، بادام، و سروکوهی پوشیده شده است. میزان بارندگی در این ناحیه بین ۵۴۰ تا ۸۸۴ میلی‌متر است و پایین‌ترین کمینه مربوط به شهر سی سخت با ۷- درجه در بهمن ماه است. ناحیه گرمسیری که بیش از نیمی از مساحت کل استان را در بر گرفته و در جنوب و غرب استان واقع شده است. در مسیر وزش بادهای گرم خوزستان قرار گرفته، در تابستان آب و هوای گرم و خشک دارد و میزان بارندگی در آن کم است. متوسط میزان بارندگی در ناحیه گرمسیری بین ۳۰۰ تا ۴۲۰ میلی‌متر است و بالاترین بیشینه دما مربوط به شهر دوگنبدان با ۳۴/۵ درجه در تیرماه است^۴.

۱. ای کوه دنا! یادت می‌آید رسم شاهنامه‌خوانی در کپر را؟ - یادت می‌آید قصه رستم و سهراب جوان چو شیر نر را

۲. گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۴.

۳. گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۴.

۴. گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۴.

ویژگی‌ها و آثار تاریخی

برجستگی ویژگی‌ها و جلوه‌های طبیعی استان ک. ب تا حد زیادی باعث نادیده گرفتن یا کم‌توجهی به آثار تاریخی متعدد و فراوان این استان شده است. از نظر دارا بودن آثار و بقایای تاریخی، استان ک. ب، یکی از غنی‌ترین استان‌های کشور است. به جرأت می‌توان گفت کمتر بخش یا حتی روستایی از این استان است که دارای آثار و بقایای تاریخی نباشد. آثاری که بر اثر بی‌توجهی مسئولان ملی و محلی و عدم آگاهی مردم بومی از ارزش و اهمیت آن‌ها تخریب و حتی در آستانه نابودی قرار دارند. این استان با داشتن ۲ هزار و ۳۰۰ اثر تاریخی، سه هزار و ۸۰۰ شیء تاریخی و ۷۵۰ اثر معنوی و تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی، جزء استان‌های غنی کشور در حوزه باستان‌شناختی است.^۱ از جمله آثار مهم تاریخی استان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین آثار تاریخی استان، شهر قدیم دهدشت^۲ است. این شهر که به «بلاد شاپور» اشتها دارد، به دستور شاپور اول ساسانی، فرزند اردشیر اول، بنا شد دارای ظرفیت و قابلیت ثبت جهانی است که برخی از کارهای مقدماتی آن نیز انجام شده است.

شهر قدیم دهدشت مجموعه‌ای منحصر به فرد از معماری و هنر ایران باستان است که در زمان سلجوقیان به دوران اوج خود رسیده است. این شهر در ضلع جنوبی شهر امروزی دهدشت، در محدوده‌ای به وسعت ۳۵ تا ۴۰ هکتار قرار گرفته است. شواهدی از عبور شاخه‌های فرعی جاده ابریشم در این مجموعه دیده شده است. وجود مدرسه، کاروانسرا، حمام، مسجد، بازار بزرگ و هفت امام‌زاده، مجموعه‌ای بی‌نظیر از شاهکارهای معماری را در یک مکان گرد هم آورده است. بافت این شهر از بزرگ‌ترین یادمان‌های تاریخی متعلق به دوره صفویه است. براساس شواهد تاریخی موقعیت جغرافیایی این شهر به عنوان یکی از مراکز سکونت صفویان و تجارت با بنادر جنوبی، نقش مهمی در اقتصاد و تجارت پادشاهان صفویه داشت. بافت تاریخی دهدشت به شماره ۱۶۸۹/۳ در سال ۱۳۶۴ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت تاریخی رسیده است.

از دیگر آثارهای مهم تاریخی استان، مجموعه پل‌های تاریخی پاتاوه^۳، مربوط به دوران صفویه است که قدیمی‌ترین بخش آن، یعنی تخت شاه‌نشین، مربوط به دوران ساسانی است. این مجموعه شامل پنج پل تاریخی است که بر روی برخی از آن‌ها علائم و

۱. مطالب این بخش براساس سایت‌های اینترنتی و به نقل از مدیران و مسئولان میراث فرهنگ و گردشگری استان گزارش شده است.

2. Ancient Dehdasht City

3. Patave Historical Bridges

نشانه‌های تزئینات سنگ تراشی دیده می‌شود. پل بزرگ این اثر واقع در فاصله ۵۰ کیلومتری شهر یاسوج، مربوط به دوران صفویه، در سال ۱۳۷۰ به طور کامل بازسازی شده و در فهرست آثار ملی ایران نیز به ثبت رسیده است. دیگر اثر تاریخی مهم استان، پل پریم^۱، بر روی رودخانه زهره، است که جزء آثار و بقایای به جامانده از دوران ساسانیان بوده و دارای ۱۳ دهانه و پایه‌ستون‌های قطور است. این پل بر روی یکی از مهم‌ترین مسیرهای ایران باستان که اتصال جنوب کشور به مرکز کشور بوده، احداث شده و نقش مهمی در انتقال کالاها و فرهنگ میان دو منطقه داشته است. این مکان نیز در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

دیگر آثار مهم تاریخی استان، تنگ سولک^۲، در حدود ۱۰ کیلومتری شمال شرقی لیکک، در شهرستان بهمنی است. سنگ‌های منقوش این تنگ آثاری بی‌نظیر به جا مانده از دوران ایلمیایی هستند، که قرار گرفتن آن‌ها در منطقه‌ای با طبیعتی زیبا و بکر، جذابیت آن را برای بازدیدکنندگان دوچندان کرده است. این تنگه پر است از درختان سرو کهنسال که در گویش محلی این ناحیه به آن سول می‌گویند. به همین دلیل نام این تنگ، سولک گذاشته شده است. این تنگ در فاصله ۲۸۵ کیلومتری شهر یاسوج واقع شده است. مجموعه تاریخی خیرآباد^۳ از دیگر آثار تاریخی مهم استان، مربوط به دوران باستانی است که بر بلندای چهار طاقی عظیم خیرآباد نقش بسته است. این مجموعه تاریخی در شهرستان گچساران واقع شده است و فاصله آن از شهر یاسوج ۲۰۵ کیلومتر است.

مجموعه پل و قلعه تاریخی دختر^۴، در ۲۲۳ کیلومتری شهر یاسوج، قلعه رئیسی^۵، در ۲۸۵ کیلومتری شهر یاسوج، گنبد لیشتَر^۶، از آثار عهد سلجوقیان، در ۱۸۷ کیلومتری شهر یاسوج از دیگر بناها و آثار تاریخی مهم استان محسوب می‌شوند. دیگر آثار تاریخی مهم استان عبارتند از: دوگور دوپا^۷ در شهرستان باشت، که در سال ۱۳۷۹ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است و در فاصله ۱۰۴ کیلومتری شهر یاسوج قرار دارد؛ گورستان لَمَا^۸ که در ۴۵ کیلومتری شهر یاسوج، در محور یاسوج- اصفهان قرار دارد و از آثار بر جای مانده از هزاره اول قبل از میلاد محسوب می‌شود؛ و روستای

1. Prim Bridge

2. Soulak Starit

3. Historical Complex of Kheirabad

4. Castle and Bridge of Ghale Dokhtar

5. Ghale Raeesoun

6. Lishtar Dome

7. Dogour Dopa

8. Lama Historical Cemetry

کریک که در فاصله ۲۵ کیلومتری شهر یاسوج قرار دارد و دارای خانه‌هایی خشتی با پلانی پلکانی همچون ماسوله، شالی زارهای سرسبز، باغ‌های سیب و انگور و صدها زیبایی دیگر در کنار یکدیگر و یکی از معروف‌ترین جاذبه‌های گردشگری کهگیلویه و بویراحمد است.

ویژگی‌های جمعیتی

تحلیل و ارزیابی شاخص‌های کلیدی جمعیت برای برنامه‌های توسعه‌ای اقتصادی و اجتماعی اهمیت اساسی دارد و اطلاعات از ویژگی‌های جمعیتی مهم، شرایط مناسبی را برای برنامه‌ریزان فراهم می‌آورد. از این منظر نقش توسعه انسانی و به تبع آن شناخت ویژگی‌های انسانی و دموگرافیک در دستیابی به توسعه پایدار و همه جانبه محلی از مهم‌ترین مباحث در تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی است. براساس نتایج آخرین سرشماری (۱۳۹۵)، جمعیت استان ک. ب معادل ۷۱۳۰۵۲ نفر بوده که از این جمعیت ۵۰/۷ درصد یعنی ۳۶۱۳۸۶ نفر را مردان و ۴۹/۳ درصد یعنی ۳۵۱۶۶۶ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. نسبت جنسی در جمعیت استان ۱۰۳ است؛ یعنی در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن، ۱۰۳ مرد در استان وجود داشته است. این استان در سال ۱۳۸۵، حدود ۹ دهم درصد از جمعیت کل کشور را شامل شده که این میزان در سال ۱۳۹۰ به ۸۸ صدم درصد، و در سال ۱۳۹۵ به حدود ۸۹ صدم درصد از جمعیت کل کشور رسیده است.

براساس محل استقرار جمعیت استان، ۵۵/۷ درصد جمعیت استان در نقاط شهری و ۴۴/۱ درصد در نقاط روستایی و ۲ درصد نیز غیرساکن بوده‌اند. طی بازه زمانی ۱۰ ساله از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، تعداد ۹۵۲۶۹ نفر (معادل ۸/۱ درصد) به جمعیت شهری استان افزوده شده است. بالاترین نرخ رشد جمعیت مربوط به شهرستان بویراحمد با ۳/۵ درصد است که این نرخ بالای رشد جمعیت، بیشتر ناشی از مهاجرت‌های درون استانی و برون استانی به شهر یاسوج، به عنوان مرکز این شهرستان و مرکز استان بوده است. دیگر شهرستان‌های پرجمعیت استان، به ترتیب گچساران و کهگیلویه است. براساس اطلاعات سرشماری کشوری، سه شهرستان بویراحمد، گچساران و دهدشت ۸۱ درصد جمعیت استان را به خود اختصاص داده‌اند. شهرستان بویراحمد ۳۹ درصد، شهرستان گچساران ۲۴ درصد و شهرستان کهگیلویه ۱۸ درصد از کل جمعیت استان را در بردارند.

جدول ۱. جمعیت کل استان کهگیلویه و بویراحمد به تفکیک مناطق شهری و روستایی از سال ۱۳۸۵ - ۱۳۹۵

سال	جمعیت کل	ساکن در نقاط شهری		ساکن در نقاط روستایی	
		جمعیت	درصد	جمعیت	درصد
۱۳۸۵	۶۳۴۲۹۹	۳۰۲۱۹۲	۴۷/۶	۳۳۲۱۰۷	۵۲/۴
۱۳۹۰	۶۵۸۲۶۹	۳۴۶۶۲۶	۵۲/۶	۳۱۲۰۰۳	۴۷/۴
۱۳۹۵	۷۱۳۰۵۲	۳۹۷۴۶۱	۵۵/۷	۳۱۵۵۹۱	۴۴/۳

ماخذ: مرکز آمار ایران

نرخ رشد جمعیت استان طی فواصل زمانی ۸۵-، ۹۰، ۸ دهه درصد و طی سال‌های ۹۰-، ۹۵، ۱/۶ درصد بوده است. براساس مقایسه نرخ رشد جمعیتی شهرستان‌های استان، در فاصله زمانی ۵ ساله از سال ۹۵-، ۱۳۹۰، شهرستان دنا با نرخ رشد دهم درصد کمترین نرخ رشد و شهرستان بویراحمد با نرخ رشد ۳/۵ درصد بیش‌ترین نرخ رشد جمعیتی را در بین شهرستان‌های استان داشته‌اند. این افزایش قابل توجه رشد جمعیتی ناشی از این است که مرکز شهرستان بویراحمد، شهر یاسوج، به عنوان مرکز سیاسی-اداری استان محور بیشتر مهاجرت‌های درون یا برون استان بوده است. از نظر نرخ رشد جمعیتی، شهرستان‌های بویراحمد، گچساران، بهمئی، چرام و لنده رشد جمعیتی مثبت و شهرستان‌های کهگیلویه و دنا رشد منفی داشته‌اند.

براساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵)، ۸۴/۴ درصد جمعیت ۶ ساله و بیشتر استان باسواد بوده که کمتر از میانگین نرخ باسوادی کل کشور (۸۷/۶ درصد) است. بیش‌ترین نرخ باسوادی در شهرستان گچساران و کمترین نرخ باسوادی مربوط به شهرستان لنده بوده است. در بین گروه‌های سنی، بالاترین نرخ باسوادی ۹۸/۹ درصد به گروه سنی ۱۴- ۱۰ ساله متعلق بوده است. از نظر وضعیت اشتغال و بیکاری، در سال ۱۳۹۵، ۱۲/۹۵ درصد از جمعیت فعال استان بیکار بوده‌اند. براساس گفته مدیرکل آموزش و پرورش کهگیلویه و بویراحمد، رشد نرخ باسوادی استان در ۴۰ سال گذشته (از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵)، ۱۵ درصد بالاتر از میانگین کشوری است. نرخ باسوادی کشور در ۴۰ سال مذکور ۴۹ درصد، اما این میزان در استان ک. ب ۶۴ درصد بوده است. براساس گفته وی، نرخ باسوادی مردان و زنان ۱۰ تا ۴۹ ساله استان، به ترتیب، ۹۶/۲ درصد و ۹۳/۴ درصد است. از کل جمعیت استان، ۸۴ درصد باسواد و ۱۵ درصد بی‌سواد بوده‌اند.

نسبت باسوادی و بی‌سوادی برای افراد شهری، به ترتیب، ۸۹ و ۱۰ درصد؛ برای ساکنین روستایی، ۷۷ و ۲۳ درصد بوده است. از نظر جنسی، در شهرها ۸۹ درصد مردان و ۷۹ درصد زنان باسواد بوده‌اند. این نسبت برای مردان و زنان روستایی، به ترتیب، ۸۳ و ۷۷ درصد بوده است. درصد بیسوادی برای مردان و زنان شهری، به ترتیب، ۱۰ و ۲۰ درصد؛ و برای مردان و زنان روستایی، به ترتیب، ۱۶ و ۲۳ درصد بوده است.^۱

از نظر سطح تحصیلات، ۴۲۴۹۰ نفر از کل جمعیت استان تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. از این تعداد ۲۱ درصد در مقطع کاردانی، ۵۷ درصد در مقطع کارشناسی، ۱۹ درصد در کارشناسی‌ارشد و دکترای حرفه‌ای، و ۲ صدم درصد در دکترای حرفه‌ای و فوق‌دکترای تحصیل می‌کنند. از نظر جنسی، ۲۶۲۱۰ نفر از افراد فوق‌را مردان و ۱۶۲۸۰ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. در بین مردان، ۲۴ درصد کاردانی، ۵۲ درصد کارشناسی، ۲۰ درصد کارشناسی‌ارشد و دکترای حرفه‌ای، و ۲ صدم درصد دکترای تخصصی و فوق‌تخصصی می‌خوانند. در بین زنان، ۱۶ درصد کاردانی، ۶۴ درصد کارشناسی، ۱۷ درصد کارشناسی‌ارشد و ۱ صدم درصد دکترای تخصصی و فوق‌تخصصی می‌خوانند. از کل دانش‌آموختگان استان، ۲۶ درصد کاردانی، ۶۰ درصد کارشناسی، ۱۲ درصد کارشناسی‌ارشد، و ۷ هزارم درصد دکترای تخصصی و فوق‌تخصصی بوده‌اند. نسبت‌های یادشده برای مردان و زنان، به ترتیب، ۲۷، ۵۶، ۱۴ و ۹ هزارم درصد؛ برای زنان نیز، ۲۴، ۶۵، ۹ صدم و ۳ هزارم درصد بوده است (پیشین). بر این اساس می‌توان گفت بین روستائیان و شهری‌ها از نظر میزان تحصیلات تفاوت وجود دارد. همچنین بین زنان و مردان هم از نظر میزان تحصیلات و هم از نظر مراتب و مدارج تحصیلی تفاوت زیادی وجود دارد. اما به نظر می‌رسد با گذشت زمان تفاوت‌های تحصیلی مبتنی بر مکان و جنسیت رو به کاهش می‌گذارد. شاخص امید به زندگی در استان طی دوره ۱۳۹۰ - ۱۳۹۳، ۷۴ سال بوده است.

وضعیت شاخص آموزش در طول دوره ۱۳۹۰ - ۱۳۹۳ بیان‌گر رشد مطلوب وضعیت آموزشی در استان است به نحوی که از ۸۲ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۸۵ درصد در سال ۱۳۹۳ رسیده است. استان از نظر این شاخص رتبه بیست و هشتم را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده است.^۲

تعداد اعضای هیئت علمی تمام وقت سال تحصیلی ۱۳۹۴ - ۱۳۹۵ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی استان ۷۲۶ نفر است که نسبت به سال تحصیلی قبل ۵/۳۷ درصد افزایش یافته است. از مجموع هیئت علمی ذکر شده، ۸۶/۵ درصد سهم هیئت علمی

۱. سرشماری آمار نفوس و مسکن ۱۳۹۵.

۲. گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۴: ۲۸۹.

تمام وقت مردان است که نیز نسبت به سال قبل ۱/۴۵ واحد درصد کاهش یافته است. کاهش سهم مردان به معنای افزایش سهم هیئت علمی تمام وقت زنان به میزان ۱/۴۵ درصد است. از میان کل هیئت علمی تمام وقت، هیئت علمی دارای مرتبه استادیار با ۴۹/۸۶ درصد بیش‌ترین و هیئت علمی دارای مرتبه استاد با ۱/۳۸ درصد کمترین سهم را داشته‌اند.^۱

از نظر وقایع حیاتی چهارگانه تولد، ازدواج، طلاق و مرگ و میر، میزان موالید و توفات ثبت شده در استان در سال ۱۳۹۰، به ترتیب ۱۵۱۹۹ و ۵۲۸۷ نفر بوده که در سال ۱۳۹۴ به ۱۶۳۰۴ و ۲۶۱۸ نفر رسیده است. میزان موالید در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۳ که ۱۵۸۶۷ نفر بوده، به میزان ۲/۸ درصد افزایش داشته است. میزان ازدواج و طلاق ثبت شده در استان در سال ۱۳۹۰، به ترتیب ۸۸۱۹ و ۱۰۲۱ نفر بوده؛ که این تعداد در سال ۱۳۹۴ به ۶۹۳۲ و ۱۴۱۰ نفر رسیده است. براساس آمار نرخ وقوع ازدواج در استان روندی کاهشی، و نرخ طلاق روندی افزایشی داشته است (جدول ۲).

جدول ۲. نرخ وقوع وقایع حیاتی چهارگانه ولادت، وفات، ازدواج و طلاق در استان از ۱۳۹۰ - ۱۳۹۴

سال	ولادت	وفات	ازدواج	طلاق
۱۳۹۰	۱۵۱۹۹	۳۳۹۷	۸۸۱۹	۱۰۲۱
۱۳۹۱	۱۵۸۸۲	۲۹۵۹	۸۵۳۵	۱۰۷۰
۱۳۹۲	۱۵۹۰۹	۲۷۸۳	۷۷۴۱	۱۰۲۵
۱۳۹۳	۱۵۸۶۷	۲۶۶۱	۶۷۵۶	۱۰۴۴
۱۳۹۴	۱۶۳۰۴	۲۶۱۸	۶۹۳۲	۱۴۱۰
متوسط نرخ رشد ۹۰-۹۴	۱/۷۷	-۳۵/۵۷	-۵/۸	۸/۴

ماخذ: مرکز آمار ایران

ویژگی‌های قومیتی (زبانی و مذهبی)

فرهنگ مردم کهگیلویه و بویراحمد از چهار منبع عمده تغذیه می‌شود که عبارتند از: ۱- فرهنگ بومی؛ ۲- فرهنگ دینی؛ ۳- فرهنگ چند هزار ساله ملی؛ و ۴- فرهنگ و تمدن غربی. این چهار منبع فرهنگی، به همراه سه شیوه زندگی عشایری، روستایی و شهرنشینی، سرشار از آداب و رسوم، سنن، باروها، هنجارها و ارزش‌های مکتوب و نامکتوب است (جهان‌بین، ۱۳۸۰).

در میان عناصر گوناگون فرهنگی، زبان و مذهب به عنوان دو عنصر کلیدی جلوه ویژه‌ای در فرهنگ منطقه دارد که در این جا به صورت مختصر مورد اشاره قرار می‌گیرند. هر چند زبان مردم این منطقه در دوران‌های تاریخی متفاوت، یکسان نبوده و تحولاتی را از سر گذرانده است (همان)؛ اما امروزه اکثر قریب به اتفاق مردم استان با گویش لری صحبت می‌کنند که از بازمانده زبان‌های دری، اوستایی و پهلوی (پهلوی یک)؛ همچنین پارسیک (پهلوی جنوبی) ریشه یافته است. کاربرد گویشی زبان کنونی لری، دارای همان دستور و روش گفتاری است که در زبان پارسی به کار گرفته می‌شود. گاهی در جمع‌بندی واژه‌ها تغییراتی در حروف به وجود می‌آید. همانند: کارل، جایل، مایل به جای جاها و کارها و ماه‌ها. در زبان و گویش لری دو شیوه گفتاری و لهجه‌ای دیده می‌شود که یک لهجه از آن مردم چهار بنیچه؛ زبان و لهجه دیگر پدید آمده از گویش مردم لیرای‌ها است که این دو لهجه خود نمایانگر دو قوم بومی و کوچی در این استان می‌باشد. لهجه و گویش چهار بنیچه‌ها شامل بویر احمد، باشت، چرام و دشمن‌زیاری به هم نزدیک‌اند، اما گویش مردمان طیبی و بهمنی و یوسفی، وابسته به لیرای‌ها هستند که چندان نزدیکی با لهجه مردم بویر احمد ندارند (مجیدی کرائی، ۱۳۹۳). هر چند تعداد دقیق افراد ترک و فارس زبان استان مشخص نیست، اما درصدی از افراد ساکن استان را ترک‌زبانان و فارس زبان‌ها تشکیل می‌دهند. البته بیشتر ترک‌ها در شهرستان گچساران سکونت دارند و بیشتر فارس زبان‌ها نیز به عنوان کارکنان دولتی و ارائه خدمات آموزشی یا به قصد انجام فعالیتهای تجاری-بازرگانی و صنعتی وارد استان، به‌ویژه مرکز استان و شهر گچساران شده‌اند.

از نظر مذهبی، اعتقادات مذهبی عنصر جدانشدنی از زندگی اجتماعی و فردی مردم است تا جایی که بدون در نظر گرفتن عنصر مذهب تعریف و تحلیل فرهنگ این مردم و زندگی جمعی آنان تقریباً غیرممکن است. مذهب ساکنان این منطقه نیز در طول تاریخ، همانند سایر جنبه‌های فرهنگی، تغییر و تحولات زیادی را از سر گذرانده است (جهان‌بین، ۱۳۸۰). با توجه به آمارهای سرشماری ۱۳۹۰، ۹۹/۶۳ درصد جمعیت استان مسلمان و شیعه دوازده امامی هستند (مجیدی کرائی، ۱۳۹۳). تعداد زیاد مساجد و اماکن متبرکه مانند بی‌بی حکیمه، شاه حسن، شاه قاسم و... التزام به ظواهر دینی و رعایت حرمت فقه و فقه‌های شیعه، اجرای مناسک دینی مانند شرکت در نمازهای جماعت یومیه و جمعه، برپایی مراسم عاشورا و عزاداری‌ها، ممنوعیت ازدواج و شادی در این ایام و برگزاری اعیاد اسلامی، نام گذاری فرزندان به نام بزرگان و ائمه دین، اعتقاد عمیق به سوگند الهی و

قسم به ائمه و امامزادگان همگی تجلی نقش دین در زندگی فردی و جمعی و خلق و خوی اجتماعی این مردم است. البته امروزه متأثر از گسترش آموزه‌ها و باورهای مدرن و باسواد شدن افراد، الگوها، هنجارها و باورهای مردم تا حد زیادی دگرگون شده است (جهان بین، ۱۳۸۰).

ویژگی کشاورزی، تجاری و صنعتی^۱

براساس آمار و اطلاعات آخرین سرشماری کشوری (۱۳۹۵)، ۳۷ درصد جمعیت استان جمعیت فعال و ۶۲ درصد جمعیت غیر فعال هستند. از کل جمعیت فعال استان، ۸۷ درصد شاغل و ۱۳ درصد بیکار هستند. از کل جمعیت غیر فعال نیز، ۳۶ درصد محصل و ۴۴ درصد خانه‌دار هستند. از نظر جنسی، ۵۹ درصد از مردان و ۱۵ درصد از زنان جمعیت فعال بوده‌اند. در مقابل، ۴۰ درصد از مردان و ۸۴ درصد از زنان غیر فعال بوده‌اند. در بین جمعیت فعال مردان، ۹۰ درصد شاغل و ۹ صدم درصد بیکار بوده‌اند. در بین جمعیت غیر فعال مردان، ۶۰ درصد محصل، ۹ هزارم درصد خانه‌دار، ۱۴ درصد دارای درآمد بدون کار و ۲۴ درصد سایر بوده‌اند. در بین جمعیت فعال زنان، ۷۴ درصد شاغل و ۲۵ درصد بیکار بوده‌اند. در بین جمعیت غیر شاغل زنان، ۲۳ درصد محصل، ۶۵ درصد خانه‌دار، ۱ صدم درصد دارای درآمد بدون کار و ۸ هزارم درصد سایر بوده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت از نظر وضعیت شغلی نوعی نابرابری جنسی در استان وجود دارد و تقریباً نزدیک به یک چهارم زنان در سن فعال بیکار هستند که درصد نسبتاً بالایی است. در کل نرخ رشد بیکاری در استان ۱۷/۷ درصد و نرخ مشارکت اقتصادی ۸۱/۹۱ درصد است.

مردم استان سه نوع شیوه معیشتی دارند: شیوه معیشت دامداری و کشاورزی؛ شیوه معیشت بر پایه فعالیت‌های خدماتی-اداری؛ و شیوه معیشت بر پایه امور صنعتی (جهان بین، ۱۳۸۰). البته به مرور زمان متأثر از سیاست‌های یک‌جانشین کردن عشایر، اصلاحات ارضی، رشد صنایع کوچک (به جز صنعت نفت)، گسترش سازمان‌های اداری و بوروکراتیک به تدریج از میزان جمعیت دامداری-کشاورزی کاسته، و بر میزان رشد جمعیت شهرنشین استان افزوده شد. به علت ضعف بخش صنعت در استان، عموم مشاغل در حوزه خدماتی و اداری باقی مانده و کمتر جنبه تولیدی دارند (همان).

۱. اطلاعات این بخش به جز مواردی که به منبع مستقیم ارجاع داده شده، از گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان برنامه و بودجه استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۴ گرفته شده است.

کشاورزی و باغداری

در بخش کشاورزی، استان کهگیلویه و بویراحمد، با توجه به قابلیت‌ها و استعدادهای فراوان خدادادی، وجود اقلیم (سردسیر و گرمسیر)، وضعیت توپوگرافی (کوهستانی و دشت) پتانسیل آبی و خاکی و... از رشد قابل قبولی نسبت به گذشته برخوردار است. مهم‌ترین محصولات کشاورزی استان در بخش دیم‌گندم و جو هستند. در بخش آبی نیز برنج مهم‌ترین محصول کشاورزی استان است. بخش کشاورزی استان شامل محصولات زراعی و باغی، دامداری، پرورش زنبور عسل و شیلات است. مجموع تولیدات محصولات زراعی و باغی در سال ۱۳۹۳ حدود ۶۲۴۳۹۲ تن بوده است که با نرخ رشدی معادل ۶ درصد در سال ۱۳۹۴ به ۶۶۲۱۴۴ تن افزایش یافته است. از کل تولیدات استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۷، مقدار ۴۷۷۱۰۸ تن محصولات زراعی و ۲۸۸۰۰۰ تن به محصولات باغی اختصاص داشته است. این استان با داشتن تنوع آب و هوایی ویژه و بارندگی نسبتاً مناسب دارای انواع تولیدات باغی و زراعی قابل توجه است. در بین محصولات باغی سیب و در بین محصولات زراعی گندم بیش‌ترین سطح زیر کشت را دارا است. ارزش کل محصولات کشاورزی در سال ۱۳۹۵ با تولید ۸۴۴/۶۵۶ هزار تن بالغ بر ۳۶۲۸۹ میلیارد ریال بوده است. سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی استان با نفت ۲/۵ و بدون نفت ۱۸/۹ درصد است. درصد شاغلین بخش کشاورزی استان، نسبت به جمعیت شاغل ۲۷/۲ درصد و نسبت به کل جمعیت استان ۱۸/۱ درصد است. بررسی رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی طی دهه گذشته نشان می‌دهد وجود رودها و رودخانه‌های فراوان، دشت‌های مسطح و پتانسیل آبی و خاکی، فعالیت در سایر بخش‌های کشاورزی (زراعت، باغبانی، دام و طیور، زنبور عسل، پرورش آبزیان، گیاهان دارویی) رونق گرفته؛ و ضریب مکانیزاسیون بخش کشاورزی در استان کهگیلویه و بویراحمد طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ با روندی رو به رشد از ۸۱ صدم درصد به ۱/۰۶ درصد رسیده است.

جدول ۳. انواع محصولات زراعی و باغی موجود در استان به تفکیک سطح زیر کشت

محصولات زراعی	سطح زیر کشت (هکتار)	محصولات باغی	سطح زیر کشت (هکتار)
گندم	۱۰۸۴۵۰	سیب	۷۰۹۰
جو	۳۰۸۰۰	مرکبات	۹۱۶۳
ذرت دانه‌ای و بذری	۳۲۲۱	میوه‌های دانه‌دار	۶۴

محصولات زراعی	سطح زیر کشت (هکتار)	محصولات باغی	سطح زیر کشت (هکتار)
سیب زمینی	۵۵	هسته دار	۲۰۹۰
پیاز	۱۱۰	انگور	۵۰۹۸
چغندر قند	---	پسته	۷
پنبه	---	خرما	۱۰۰۹
شلوک	۵۷۰۰	انار	۷۸۰
دانه های روغنی	۳۷۳	زعفران	۲
نباتات علوفه ای	۶۰۰۱	زیتون	۷۵۸
دیگر محصولات	۸۸۳۹	دیگر محصولات	۱۷۷۶۴
جمع	۱۶۳۵۴۹		۴۲۹۲۵

منبع: اداره آمار و فناوری اطلاعات سازمان جهاد کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد

دامداری و پرورش زنبور عسل و ماهی

استان کهگیلویه و بویراحمد با دارا بودن ۶۳۹۶۴ هکتار مرتع خوب و ۱۴۴۴۱۸ مرتع متوسط، همچنین دارا بودن ۸۷۴۰۶۴ هکتار جنگل و به ویژه وضعیت اقلیمی مناسب از دیرباز بستر مناسبی جهت فعالیت دامداری بوده است. مهم ترین دام های پرورشی در استان میش، بز و گاو جهت استفاده از محصولات گوشتی، لبنی و سایر محصولات تبدیلی آن ها مانند پشم و مو است. الاغ و به تعداد محدودتری قاطر نیز جهت حمل و نقل و اسباب کشی نگهداری می شود. در سال ۱۳۹۴ معادل ۱۵۲۵ هزار رأس دام در استان کهگیلویه و بویراحمد وجود داشته است. البته در استان همانند کشور، تعداد دام نسبت به سال ۱۳۹۳ کاهش پیدا کرده است. که از مهم ترین عوامل این کاهش تعداد را می توان به میزان بارندگی، خشک سالی، و گران شدن علوفه دستی اشاره کرد. تولید محصولات دامی در سال ۱۳۹۶ معادل ۱۲۰ هزار تن، و در سال ۱۳۹۷، ۱۲۱ هزار تن بوده است که نشانگر رشد تولید محصولات دامی استان است. سهم دام های استان کهگیلویه و بویراحمد از کل دام کشور در سال ۱۳۹۴ به ۲ درصد رسیده است که نسبت به سال ۱۳۹۳ معادل ۶ دهم واحد درصد کاهش پیدا کرده است. بیش ترین تعداد در بین دام استان در سال ۱۳۹۴ مربوط به بز و بزغاله معادل ۵۴ درصد، گوسفند و بره معادل ۳۹/۳ درصد، گاو بومی معادل ۱/۲ درصد، گاو دورگ معادل ۲ درصد و گاو اصیل معادل ۲/۶ درصد بوده است. در

بین انواع دام در استان بز و بزغاله بالاترین سهم را در بین انواع دام کشور با رقمی معادل ۱/۴ درصد دارا است.^۱

استان کهگیلویه و بویراحمد همچنین به دلیل طبیعت خاص و آکنده از انواع هزاران گل و گونه‌های گیاهی متفاوت، در زمینه پرورش زنبور عسل مستعد است. این استان به دلیل وجود چشمه‌ها، رودخانه‌ها، و آب فراوان پس از استان‌های کرمانشاه، لرستان و چهار محال بختیاری، بیش‌ترین تعداد مزارع ماهیان سردابی کشور را دارا می‌باشد. استان از نظر تولید ماهی سردابی با ۱۳۰۰۰ تن، پس از استان‌های مازندران و لرستان، رتبه سوم را در کشور دارا است. در سال ۱۳۹۴ معادل ۱۵۲۵ هزار رأس دام در استان کهگیلویه و بویراحمد وجود داشته است.

استان کهگیلویه و بویراحمد به دلیل طبیعت خاص و آکنده از انواع هزاران گل و گونه‌های گیاهی متفاوت، در زمینه پرورش زنبور عسل مستعد است. در سال ۱۳۹۴ تعداد بهره‌بردار پرورش‌دهنده زنبور عسل در استان ۱۸۷۰ واحد بوده است که شامل ۹۶۸۰۷ واحد کندوی عسل با تولیدی معادل ۷۷۳۹۳۰۰ تن می‌باشد. سهم استان در سال ۱۳۹۴ از تولید عسل و کندوکل کشور به ترتیب، ۱/۴ و ۷۹/ درصد بوده است (همان: ۱۱۸). استان کهگیلویه و بویراحمد به دلیل وجود چشمه‌ها، رودخانه‌ها و آب فراوان پس از استان‌های کرمانشاه، لرستان و چهار محال و بختیاری بیش‌ترین تعداد مزارع ماهیان سردابی کشور را دارا است. استان از نظر تولید ماهیان سردابی با ۱۳۰۰۰ تن تولید پس از استان‌های مازندران و لرستان رتبه سوم را در کشور دارا است. سهم تولیدات سردابی استان نسبت به کشور ۹/۲ درصد و از نظر مساحت مزارع پرورش ماهی ۹/۶ متر مربع است. سهم تعداد مزارع ماهیان سردابی استان از کشور در سال ۱۳۹۴ معادل ۱۰ درصد است.^۲

صنعتی و بازرگانی

از نظر صنعتی، صنعت نفت، مهم‌ترین صنعت استان است. قدیمی‌ترین میدان نفتی منطقه، میدان نفتی گچساران است که در سال ۱۳۱۹ استخراج نفت از آن آغاز شده است. این میدان نفتی بعد از میدان آسماری اهواز بزرگ‌ترین میدان نفتی است. میدان نفتی مهم دیگر این منطقه، میدان نفتی بی‌بی حکیمه است. در مجموع میزان کل تولید منابع نفتی استان حدود ۲۵ درصد کل تولیدات نفتی کشور را تشکیل می‌دهد. میدان‌های نفتی کوچک دیگری مانند سرمیدان، سولابدر، کلور کریم، سیامکان، خیرآباد، گرنگان، چلنگر و... نیز وجود دارند که همگی در شهرستان گچساران واقع شده‌اند. در منطقه کهگیلویه

۱. گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۴: ۱۱۵.

۲. پیشین: ۱۱۹.

و بویراحمد نیز میدان نفتی دشت آهو، ماهور شاهی، و... وجود دارند. هم‌چنین استان دارای پراکندگی معادن فراوانی شامل معادن مس در نزدیکی روستای خونگاه در شهرستان دنا، معادن گوگرد در ۵۴ کیلومتری جنوب شرقی دوگنبدان، معدن فسفات در گچساران، معادن گچ، نمک، و دیگر معادن در سراسر استان است^۱. علاوه بر ذخایر نفت و گاز، استان دارای منابع غنی و متعددی مانند مصالح اولیه مصالح ساختمانی مانند سنگ آهک، سنگ گچ، سنگ‌های ساختمانی، شن و ماسه است. در استان کهگیلویه و بویراحمد تعداد ۲۲ سد وجود دارد که از این بین ۲ سد کوثر و شاه قاسم در دست بهره‌برداری، ۴ سد تنگ سرخ، سد چشمیر، سد شراب، و سرپری در مراحل اجرایی، ۳ سد در دست شناسایی و ۱۳ سد در دست مطالعه هستند.

تعداد کارگاه‌های صنعتی و اشتغال استان (کوچک، متوسط، بزرگ) در سال ۱۳۹۴ معادل ۷۵۱ واحد بوده است که نسبت به سال ۱۳۹۳ (۷۲۳ واحد) به میزان ۴ درصد رشد داشته است. اهمیت و نقش تجارت به خصوص صادرات در فرآیند رشد اقتصادی بر هیچ کس پوشیده نیست. رشد اقتصادی بالا نیز می‌تواند، به نوبه خود، راه حل بسیاری از معضلات اقتصادی از جمله فقر، بیکاری، تورم و توزیع نامناسب درآمدها باشد. استان کهگیلویه و بویراحمد به دلیل داشتن فرصت‌هایی از جمله واقع شدن در کریدور شمال- جنوب کشور، قابلیت توسعه صنعتی در زمینه صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، نزدیکی به خلیج فارس و بنادر حاشیه آن، برخورداری از ظرفیت جذب سرمایه در بخش‌های مختلف و برخورداری از ظرفیت بالای محصولات کشاورزی و صنایع دستی جهت سرمایه‌گذاری، نیازمند توجه هر چه بیشتر در زمینه توسعه تجارت است. با نگاهی کلی به آمارهای تجارت خارجی طی دوره‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۴ مشاهده می‌شود که صادرات غیر نفتی از ۶ میلیون دلار در سال ۱۳۹۰ به ۴/۴ میلیون دلار در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته است.

عمده کالاهای صادراتی استان شامل پودر و عصاره شیرین بیان، سیمان، مواد آرایشی و بهداشتی، داروهای گیاهی، نوشابه دلستر و دام زنده است. بازارهای هدف صادراتی استان نیز کشورهای آلمان، انگلستان، امارات، عراق، افغانستان، تاجیکستان و سوئیس می‌باشد. شایان ذکر است که تاکنون در استان خدمات گمرکی وجود نداشته است. تا جایی که واردات استان به دلیل عدم وجود سامانه گمرکی صفر است. در بحث تجارت و به خصوص بحث صادرات، به دلیل عوامل درونی و بیرونی موثر، صادرات غیرنفتی استان هنوز نتوانسته است جایگاه واقعی خود را پیدا کند و همواره سهم ناچیز کمتر از ۱

دهم درصد از صادرات کشور را به خود اختصاص داده است. از جمله عوامل عقب ماندگی استان در زمینه صادرات، مشکلات حمل و نقل، مشکلات گمرکی، و مشکلات مربوط به آموزش و تشویق صادرکنندگان در امر تجارت توسط دستگاه های ذی ربط، مسائل قیمت گذاری و... است. از مهم ترین شرکت های صنعتی استان می توان سینه، کارخانه قند و سیمان را نام برد. سینه نام تجاری محصولات شرکت ایرانی طبیعت زنده است که واحد تولیدی آن در استان کهگیلویه و بویراحمد قرار دارد. فرآورده های این شرکت شامل محصولات مراقبت از مو، پوست صورت، محصولات بدن، آقایان، آرایشی، و مکمل غذایی می شود.

شرکت سیمان یاسوج (سهامی خاص) در تاریخ ۱۷ بهمن سال ۱۳۷۱ تحت نام شرکت سیمان کهگیلویه تأسیس و به شماره ۹۵۱۹۷ در اداره ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی تهران به ثبت رسید. این شرکت جهت احداث کارخانه تولید سیمان در سال ۱۳۷۵ نسبت به انتخاب مشاور و ماشین آلات اقدام کرد و در نهایت خط تولید سیمان خاکستری به ظرفیت ۷۰۰ تن کلینکر در روز از کشور چین خریداری و از سال ۱۳۷۹ به ترتیب وارد ایران و پس از نصب در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۳ راه اندازی شد. نام شرکت طی مصوبه مجمع عمومی مورخ ۲۸ آذر ۱۳۸۴ از سیمان کهگیلویه به سیمان یاسوج تغییر یافت. شرکت سیمان یاسوج با ظرفیت تولید روزانه ۷۰۰ تن و سالانه ۲۱۰ هزار تن کلینکر (در ۳۰۰ روز کاری) احداث شده است. بر این اساس ظرفیت سالانه تولید سیمان شرکت برابر با ۲۱۸۴۰۰ تن انواع سیمان خاکستری است. کارخانه سیمان یاسوج در زمینی به مساحت ۶۳،۵ هکتار در ارتفاع ۲۱۰۰ متری از سطح دریا و در ۲۵ کیلومتری شهر یاسوج (مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد)، در منطقه دشتروم در مجاورت جاده یاسوج-گچساران از توابع شهرستان بویراحمد احداث شده است. این واحد تولیدی از بزرگ ترین واحدهای صنعتی استان به شمار می رود. این شرکت با تحویل سالانه ۲۵۰۰۰ تن انواع سیمان خاکستری با کیفیت ممتاز، نقش مهمی را در رفع نیازمندی های استان و آبادانی آن ایفا می کند (شرکت سیمان یاسوج، ۱۳۹۸).

سهم بخش نفت و گاز از تولید به دلیل تأثیرپذیری بیشتر از عوامل برونزا، دارای بیش ترین نوسان نسبت به سایر بخش ها بوده است. ارزش افزوده بخش نفت و گاز (به قیمت جاری) به عنوان یکی از استراتژیک ترین بخش های اقتصادی در سال ۱۳۹۱، معادل ۳۶/۱ درصد کاهش یافته، این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ به میزان ۵۶/۵ درصد افزایش پیدا کرده است. ارزش افزوده این بخش با کاهش ۱۴/۳ درصدی از ۱۱۷۱۱۶

میلیارد ریال در سال ۱۳۹۲ به ۱۰۰۳۴۸/۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۳ رسیده است. در سال ۱۳۹۳ سهم ارزش افزوده بخش نفت و گاز طبیعی از ارزش افزوده استان ۶۵/۴ درصد است که حاکی از سهم بالای این بخش در اقتصاد استان است^۱. سهم ارزش افزوده گروه صنعت و معدن استان از ارزش افزوده گروه صنعت و معدن کشور در سال ۱۳۹۳ معادل ۲۱ درصد است و در رتبه آخر بین استان‌های کشور قرار دارد (همان: ۴۳). ارزش افزوده بخش خدمات استان (به قیمت جاری) در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال قبل ۲۱/۷ درصد رشد داشته است. طی دوره ۱۳۷۹ - ۱۳۹۳، از مجموع ارزش افزوده استان (بدون احتساب بخش نفت و گاز) به طور متوسط به ۶۱ درصد به بخش خدمات اختصاص دارد. با در نظر گرفتن ارزش افزوده بخش نفت و گاز، سهم این بخش از ارزش افزوده استان در سال ۱۳۹۳ معادل ۲۱/۲۷ درصد است. در بخش خدمات استان، زیر بخش‌های عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای ۳۲/۸ درصد، بخش مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار ۱۵ درصد، بخش آموزش ۱۳/۵ درصد، بخش حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات ۷/۴ درصد، بخش واسطه‌گری‌های مالی اف ۱/۷۲ درصد، بخش هتل و رستوران ۱/۷۱ درصد و سایر خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی ۳ درصد از ارزش افزوده را به خود اختصاص داده‌اند^۲.

گیاهان دارویی در استان

استان کهگیلویه و بویراحمد، به پایتخت طبیعت اشتها دارد که یکی از مهم‌ترین وجوه این تسمیه دارا بودن منابع گیاهی متکثر و متنوع است. از مجموع ۸۰۰ گونه گیاهی دارویی شناخته شده در کشور، استان کهگیلویه و بویراحمد دارای بیش از ۴۰۰ گونه دارویی است. در واقع گیاهان استان یک منبع عظیم و بالقوه از ثروت‌های مادی به شکل دارو، ترکیبات شیمیایی، غذا و سایر مایحتاج مادی و غیرمادی است تا جایی که استان با وجود دارا بودن ۱ درصد از خاک ایران، ۶۳ درصد از گونه‌های گیاهان دارویی را به خود اختصاص داده است (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶: ۶۰).

ویژگی‌های سیاسی استان

شاید بتوان گفت یکی از بارزترین ابعاد زندگی اجتماعی مردم استان که بیش‌ترین تأثیر را بر خودآگاهی مردم، طوایف، قومیت‌ها و کل مردم استان داشته، بعد سیاسی زندگی اجتماعی

۱. گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۴: ۴۱.

۲. گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۴: ۴۵.

است. هر چند مفهوم، تعریف و ابعاد سیاست مورد مناقشه بوده و یکی از دشوارترین مفاهیم در حوزه علوم اجتماعی و سیاسی تلقی می‌شود؛ اما منظور از ویژگی‌های سیاسی در این جا کنش و واکنش‌هایی است که مردم این منطقه به صورت جمعی، در فرایندی تاریخی، به شکل‌های متفاوت، با اهداف گوناگون، برای تهاجم به دیگر ایلات یا طوایف یا دفاع از خود در برابر دیگر ایلات یا حکومت‌های داخلی و یا تهاجم بیگانه برای کسب، حفظ و نفوذ بر مناصب سیاسی یا دستاوردهای اقتصادی از خود بروز داده‌اند. به صورت مختصر می‌توان کنش‌های سیاسی مردم منطقه را به پنج برهه زمانی قبل از دوران مدرن، دوران مدرنیزاسیون پهلوی، دوران محدودگذار به انقلاب اسلامی، بعد از انقلاب اسلامی تا ۱۳۷۶، و از ۱۳۷۶ تا الان تقسیم‌بندی کرد. البته تحلیل و تشریح خصوصیات هر یک از این دوره‌ها و بررسی علل، آثار و دیگر مکانیسم‌های مربوطه مستلزم تلاشی مضاعف، جداگانه و علمی است. در این جا تنها به صورت مختصر برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاسی استان در فرایندی تاریخی ارائه می‌شود.

قبل از مدرنیزاسیون پهلوی، زندگی سیاسی ایلات و قومیت‌ها را می‌توان متأثر از شیوه زیست یک‌جانشینی یا کوچ‌نشینی‌شان به دو بخش تقسیم کرد. در بخش‌های مستقر، نمایندگان حکومتی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و با تعیین، انتصاب یا تأیید حاکمان محلی فعالیت سیاسی آن‌ها را زیر نظر داشتند. اما بخش کوچ‌نشین ایل از نظر سیاسی خودمختار بودند و حاکمان ایلی به رتق و فتق امور مختلف درون و بین ایلی می‌پرداختند. در این دوره مهم‌ترین فعالیت سیاسی ایلات کهگیلویه و بویراحمد به درگیری و جنگ با ایلات و طوایف دیگر و در بعضی مواقع با نیروهای دولتی محدود می‌شد.^۱

با مدرنیزاسیون و سیاست‌های «فوق العاده خشن، ستمگرانه و بی‌رحمانه» رضاشاه (سیاه‌پور، ۱۳۸۸: ۸۷) تمام «هستی» عشایر مورد هدف قرار گرفت. عشایر جنوب و ایلات کهگیلویه و بویراحمد نیز به تقابل نظامی به شاه و ارتش وی پرداختند که شاید بتوان گفت بیش‌ترین نوشته‌ها و روایت‌های سیاسی کتبی و شفاهی و ادبیات فولکلوریک استان در آن دوران و حتی دوران کنونی به ذکر رشادت‌های سرداران جنگجوی ایلی مانند کی لهراسب، میرغلام، ولی‌خان و علی‌خان، غلام‌حسین سیاه‌پور، خداکرم خان و... و تقابل آن‌ها با ارتش رضاشاه و پهلوی دوم طی جنگ‌های مشهور «تا مُراد و گجستان» مربوط می‌شود. تا جایی که می‌توان گفت کمتر اثری از نوشته‌های تاریخی-سیاسی نویسندگان معاصر استان وجود دارد که پیرامون این جنگ‌ها و رشادت‌طلبی‌ها مطلبی

۱. برای مثال نگاه شود به بحث درگیری «قدرتمندترین ایل کهگیلویه به نام ایل نوئی با دولت قاجاریه بر سر مالیات و کشتن سربازان در تنگ پیر زال» (الله بخش آذر پیوند، ۱۳۹۵: ۸۸ به نقل از رضایی، مسعود (۱۳۹۹)، قلمستان، در حال انتشار). یا (سیاه‌پور).

نگفته باشد. به عبارتی این وقایع به جزئی اساسی از آگاهی سیاسی^۱ این قوم تبدیل شده است. به تعبیر یکی از پژوهشگران محلی و استادان تاریخ دانشگاه یاسوج «تقریباً از سال ۱۳۷۰ تاکنون، نه اثر تاریخی از نویسندگان بومی کهگیلویه و بویراحمد منتشر شده، که درخصوص وقایع سالهای ۱۳۴۱ - ۱۳۴۳ و مبارزه ایل بویراحمد با حکومت پهلوی دوم مطالبی آورده‌اند» (سیاه‌پور، ۱۳۸۸: ۵۴).

با شروع انقلاب اسلامی، شهرهای استان هماهنگ با سایر شهرهای کشور، البته با تأخیر، در جریان‌های سیاسی انقلابی مشارکت کردند. در جریان انقلاب گچساران پیشرو و فعال‌تر از سایر شهرها بود که این وضعیت به خاطر وجود کارکنان صنعت نفت در گچساران، بازار گچساران و فرهنگیان مذهبی در گچساران به رهبری آقای بهرام تاج‌گردون بود (پادیاب^۲، ۱۳۸۹: ۱۷۹ - ۱۸۰). در این دوره همه نیروها با انواع جهت‌گیری‌های سیاسی با برجستگی خاص نیروهای مذهبی، عناصر مارکسیستی، توده‌ای، منافقین خلق و ملی-مذهبی همه در کنار هم بودند و هدف مشترک همه آن‌ها مبارزه با و سرنگونی رژیم شاه بود. در این دوره مهم‌ترین چهره تأثیرگذار سیاسی در سطح استانی مرحوم آیت‌الله ملک‌حسینی بود. این دوره اتحاد و انسجام را می‌توان «دوره کوتاه فترت» نامید چون در سه سال اول انقلاب صف نیروهای مذهبی از نیروهای غیرمذهبی و حتی ملی-مذهبی جدا شد. شاید بتوان گفت برای اولین بار در تاریخ قومی و ایلی استان، نیروی فراقومی مذهبی به مهم‌ترین نیروی جهت‌دهنده و مشخص‌کننده مرزبندی‌ها، تقابل‌ها و تخصم‌های سیاسی استان تبدیل شد. در این دوره دو نیرو و جبهه «انقلاب و ضدانقلاب» در استان پدیدار شد و در پرونده‌سازی‌های سیاسی و گزینش کارکنان ادارات مختلف نمود و تجلی بارزتری یافت. در این دوره بچه‌های انقلابی با محوریت ایدئولوژی انقلابی حول «حزب جمهوری اسلامی» جمع شده و هویت یافتند.

از سال‌های ۱۳۶۴ - ۱۳۶۵ با شکل‌گیری جبهه‌های چپ و راست در مجلس شورای اسلامی و انفکاک در حزب جمهوری اسلامی و تشکیل دو جریان «جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه»، در بین نخبگان سیاسی استان نیز دودستگی ایجاد شد که این دودستگی در جریان سیاسی معروف موسوم به اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی سال ۱۳۷۶ در استان تبلور نمود و شدت و حدت بیشتری یافت. تا جایی که امروزه می‌توان گفت: «دیدگاه‌های سیاسی استان بیشتر خود را در چارچوب اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی تعریف

1. Political Consiousness

۲. البته باید گفت کتاب آقای پادیاب مجموعه سوال و جواب‌هایی با برخی از افراد مشهور استان در سه حوزه کهگیلویه، گچساران و بویراحمد است و در این‌جا به دلیل اختصار تنها پادیاب به عنوان مرجع ذکر می‌شود ولی این گفته‌ها مربوط به افراد متفاوت مصاحبه‌شوندگان است.

می‌کند و باعث یک‌سری محدودیت‌هایی شده که خود را در حوزه نیروهای انسانی بیشتر نشان داده است. وقتی اصول‌گراها در رأس قرار می‌گیرند، اقدام به حذف نیروها حتی نیروهای متخصص و کارآمد اصلاح‌طلب می‌کردند و برعکس وقتی اصلاح‌طلبان پیروز می‌شدند هم همین کار را با اصول‌گرایان می‌کردند» (پادیاب، ۱۳۹۸: ۲۵۶).

فرهنگ و جهت‌گیری سیاسی در استان بیشتر به صورت افراطی نمود می‌یابد و تحمل و مدارای سیاسی با طرفداران نگرش‌های سیاسی رقیب نوعی «بی‌غیرتی سیاسی» محسوب می‌شود. این جهت‌گیری‌های افراطی خود را در مواردی نشان می‌دهد که «بعضی‌ها به خاطر این که در مجلس جشنی دستی زده‌اند، [از کار] اخراج شدند» (همان: ۱۴۳)؛ «یا در هشت سال احمدی‌نژاد اعتقاد [اصول‌گرایان] این بود که «هرکس حرف از اصلاحات می‌زند باید جمع شود و نباید باشد» (همان: ۲۳۵). گفته‌های بالا را، به ترتیب، دو تن از مشهورترین و باتجربه‌ترین چهره‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی استان گفته‌اند، کسانی که از نزدیک درگیر مسائل سیاسی استان بوده‌اند.

امروزه به نظر می‌رسد دوباره شدت و حدت جهت‌گیری‌های سیاسی مبتنی بر اصول ایدئولوژیک اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی تا حدی رنگ باخته است و جریان‌هایی متمایز درون هر یک از گروه‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی با چاشنی عواطف قومی-طایفه‌ای در حال شکل‌گیری یا تقویت باشد که به زعم تمام نمایندگان، نخبگان، اندیشمندان و چهره‌های سیاسی جریان‌های گوناگون استان پیامدهای مخربی برای وضعیت توسعه استان دارد. در کل شاید بتوان نیروهای اجتماعی مرسوم در استان را که به شکل‌گیری و جهت‌دهی نیروها و شکاف‌های سیاسی استان کمک کنند را به چهار نیروی مهم دسته‌بندی کرد: جریان‌های اصول‌گرایی، جریان‌های اصلاح‌طلبی، جریان‌های قومی-طایفه‌ای و جریان‌های مستقل.

می‌توان فرهنگ سیاسی کنونی استان و شهرستان‌های آن را به صورت مختصر و ناقص به صورت زیر توصیف کرد:^۱ بیش‌ترین شکاف‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی قومی-طایفه‌ای هنگام انتخابات نمایندگی مجلس و انتصاب افراد به جایگاه‌های مدیریتی و استخدام نیروهای جدید تلبور و نمود می‌یابد. البته در شهر گچساران، شکاف زبانی ترک‌ها-لرها، شدیدترین و پررنگ‌ترین شکاف محسوب می‌شود. در سایر شهرهای استان، شکاف‌های تیره-طایفه‌ای متفاوت که در قالب نام‌های گوناگون در مناطق جغرافیایی و سطوح سیاسی-اجتماعی گوناگون تلبور می‌یابد، جهت‌دهنده کنش‌های سیاسی هستند. در هنگام انتخابات ریاست جمهوری و یا شکل‌گیری محافل و جبهه‌بندی‌های درون‌استانی،

۱. البته این تفسیر بیشتر براساس محتوای کتاب پادیاب (۱۳۹۸) و تجربه نویسنده در استان صورت گرفته است.

شکاف‌های مبتنی بر جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک اصولگرایی-اصلاح‌طلبی پررنگ‌تر از سوگیری‌های قومی-طایفه‌ای هستند. هر چند در مواقعی این شکاف‌های ایدئولوژیک و قومی طایفه‌ای می‌توانند همدیگر را قطع یا برهم دیگر بار شوند. البته اهمیت و وزن نسبی تقاطعی یا تراکمی بودن این شکاف‌های دوگانه تا حد زیادی به موقعیت‌ها و زمینه‌های امر مربوطه بستگی دارد^۱. براساس فاکت‌ها و تجارب واقعی گذشته استان، اگر میزان و ملاک را جهت‌گیری سیاسی نماینده منتخب شهرستان‌ها در ادوار مختلف مجلس نمایندگی بدانیم، می‌توان گفت در شهرستان گچساران، هر چند رقابت بین نیروهای قومی تُرک-لُر و جریان‌های اصول‌گرایی-اصلاح‌طلبی شدید است، اما نیروهای اصلاح‌طلب در چند سال اخیر چیرگی نسبی داشته‌اند. در شهرستان کهگیلویه، برعکس، رقابت‌های طایفه‌ای بین طوایف مختلف لُر این شهرستان، رقابت در درون جریان اصلاح‌طلبی، به همراه برجستگی سابقه تاریخی جریان‌های اصول‌گرایی، بیشتر به انتخاب نمایندگانی با جهت‌گیری اصول‌گرا منجر شده است. در شهرستان بویراحمد نیز بعد از چهار دوره انتخاب چهره‌های اصلاح‌طلب (دوره‌های پنجم و ششم) و اصول‌گرا (دوره‌های هفتم و هشتم)، به نظر می‌رسد نمایندگان ادوار بعدی بیشتر براساس جهت‌گیری طایفه‌گرایی انتخاب شده‌اند.

آن‌چه واضح و مبرهن است و تمام نخبگان و دبیران جریان‌های سیاسی مختلف استان به آن اذعان دارند این است که «فرهنگ سیاسی قومی و قبیله‌ای»، به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های فرهنگ سیاسی استان، مهم‌ترین مانع توسعه‌یافتگی استان در ابعاد مختلف است که چهره بارز خود را در انتخاب مدیران ارشد، واگذاری پست‌های مهم، تخصیص بودجه و... نشان می‌دهد. به تعبیر رسای، غلامحسین هادیانی‌نژاد، دبیر حزب کارگزاران سازندگی استان: «در یک استان ایلی و عشیره‌ای که مردم نسبت به هم پیوندها و ارتباطات نسبی و سببی دارند باید سال‌ها تلاش کرد که به جای تصمیمات قبیله‌ای و طایفه‌ای، سیاست‌های فکری یک حزب جایگزین شود» (پادیاب، ۱۳۹۸: ۳۳۹). بنابراین می‌توان گفت جهت‌گیری سیاسی مردم استان هم‌زمان در پاندول پیش‌بینی‌ناپذیر هر دو نوع ایدئولوژی سیاسی نشئت گرفته و متأثر از جهت‌گیری‌های سیاسی «تهران» و بافت تاریخی «بومی-محلی قومی و طایفه‌ای» در نوسان است و تحت‌تأثیر شرایط به سمت یکی از آن‌ها جهت می‌یابد.

۱. البته تحلیل و اظهارنظر دقیق پیرامون این موضوع نیازمند بررسی و تحلیل تجربی دقیق موضوع است.

زیرساختارهای فرهنگی استان

منظور از زیر ساختارهای فرهنگی زیرساختارهایی است که به فعالیت‌های فرهنگی مانند کتاب، نشریه، فضاها، فرهنگی و... اختصاص دارند. به عبارت دقیق‌تر شاخص‌های سخت و فیزیکی فرهنگ و امور فرهنگی هستند. براساس گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۹۴)، اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان تا پایان سال ۱۳۹۴ مجموعاً ۶۸ باب کتابخانه را تحت پوشش داشته است که از این تعداد ۶۲ باب کتابخانه عمومی نهادی و ۶ باب کتابخانه مشارکتی بوده و نسبت به سال ۱۳۹۳، معادل ۱/۵ درصد رشد داشته است. در مجموعه این کتابخانه‌ها بالغ بر ۳۷/۰۰۰ نفر عضو هستند که از این تعداد قریب ۱۶۰۰ نفر در کتابخانه‌های مشارکتی و بقیه در کتابخانه‌های نهادی عضو هستند. نسبت تعداد مراجعان به کتابخانه‌های استان در سال ۱۳۹۴ معادل ۷۰۱/۸ هزار نفر است و نسبت به سال ۱۳۹۳ که ۷۱۱/۵ هزار نفر بوده، ۱/۴۷ درصد کاهش رشد داشته است. موجودی کتاب کتابخانه‌های عمومی نهادی و مشارکتی ۵۳۸۳۶۷ نسخه است که ۵۱۱۹۱۷ نسخه در کتابخانه‌های نهادی و ۲۶۴۵۰ نسخه در کتابخانه‌های مشارکتی قرار دارند. به ازای هر ۱۰۰ نفر از جمعیت استان بالغ بر ۸۸ نسخه کتاب جهت استفاده مردم استان در کتابخانه‌ها وجود دارد. از نظر نشریات، در سال ۱۳۹۴ تعداد ۴۸ عنوان نشریه در استان انتشار یافته نسبت به مشابه سال قبل ۱۴/۳ درصد افزایش رشد داشته است. در حال حاضر تعداد ۴ روزنامه، ۱۶ هفته نامه، ۸ دو هفته نامه، ۸ ماهنامه، ۸ فصلنامه و ۴ دوفصلنامه (مجموعاً ۴۸ نشریه) مجوز فعالیت گرفته‌اند. شمارگان روزنامه برای هر ۱۰۰۰ نفر در استان در سال ۱۳۹۴، شش نسخه است. از نظر مؤسسات فرهنگی و هنری، استان در تولید فیلم نسبت به متوسط کشوری فاصله زیادی دارد.

وضعیت استان در تولید فیلم در جایگاه مناسبی نیست و به طور میانگین در استان هر دو سال تنها یک فیلم سینمایی بلند تولید می‌شود. در استان ۲ سالن فعال سینما، ۶ سالن تئاتر و نمایش، ۵ باب نگارخانه فعال و ۲ باب مجتمع فرهنگی و هنری، ۴۵ چاپخانه، ۴۶۷ مرکز کانون‌های فرهنگی هنری مساجد وجود دارد. کل مراکز فرهنگی و هنری استان در حال بهره‌برداری ۱ مرکز با زیربنای ۳۶۰۰ متر مربع و ۳ مرکز در حال احداث با زیربنای برابر با ۲۶/۰۰۰ متر مربع با میانگین پیشرفت فیزیکی ۳۵ درصد است. تعداد مراکز پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سطح استان در سال ۱۳۹۴، ۱۸ مرکز گزارش شده است. فعالیت‌های فرهنگی انجام رفته توسط مراکز فرهنگی و هنری استان در سال

۱۳۹۴، ۱۴/۳۶۷ مورد و ۲۳۳/۵۴۱ نفر بوده که نسبت به سال ۱۳۹۳ با ۱۶/۲۲۷ مورد و ۱۴۶/۴۵۸ نفر، به ترتیب، ۹/۷۹ و ۵۹/۴۵ درصد کاهش و افزایش داشته است^۱.

اماکن برجسته مذهبی و توریستی

اماکن برجسته موجود در استان را با توجه به ماهیت‌شان می‌توان به سه دسته اماکن مذهبی، اماکن تاریخی و اماکن طبیعی دسته‌بندی کرد. وجود بیش از چهارصد مقبره از نوادگان ائمه اطهار، خصوصاً امام‌زاده بی‌بی حکیمه (س)، دختر امام موسی کاظم (ع) و خواهر امام رضا (ع)، که در بین مردم استان و دیگر استان‌های هم‌جوار و حتی کشورهای خلیج فارس از اهمیت و قداست خاصی برخوردار است، از مهم‌ترین جاذبه‌های مذهبی-زیارتی استان است. همچنین وجود ۷۰۰ اثر تاریخی شامل ابنیه شهر قدیم دهدشت (بلاد شاپور)، تل خسرو، آتشکده‌ها، و حجاری‌های موجود در تنگ سروک و پل‌های تاریخی خیرآباد و پاتاوه و... بیان‌گر غنای تاریخی این سرزمین است دیگر جاذبه‌های فرهنگی و گردشگری استان شامل آداب و رسوم، باورها، موسیقی، صنایع دستی، لباس، نحوه گذراندن زندگی مردم به‌ویژه عشایر استان یا به عبارتی نحوه زیست فولکوریک مردم هستند. استان کهگیلویه و بویراحمد در مجموع دارای ۲۲۲ جاذبه گردشگری طبیعی، ۳۲ جاذبه فرهنگی و تاریخی، ۱۴ منطقه نمونه گردشگری، ۱۱ روستای هدف، و ۶۹ جاذبه انسان ساخت است که توان استان را درخصوص گردشگری به خوبی نمایان می‌سازد (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶). در کل مهم‌ترین جاذبه‌های مذهبی و توریستی استان را می‌توان موارد ذکر شده در جدول ۴ دانست.

جدول ۴. تعداد جاذبه‌های طبیعی، فرهنگی-تاریخی، منطقه نمونه گردشگری، روستای هدف در استان

جاذبه	جاذبه طبیعی	جاذبه فرهنگی-تاریخی	منطقه نمونه گردشگری	روستای هدف	جاذبه انسان ساخت
					شهرستان
بویراحمد	۹۳	۵	۳	۳	۷
گچساران	۲۷	۱	۳	۲	۱۷
کهگیلویه	۱۷	۶	۲	۱	۱۶
دنا	۴۵	۱۰	۲	۳	۸
باشت	۱۴	۱	۱	-	۴

۱. گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۴: ۳۳۲-۳۳۶.

جاذبه شهرستان	جاذبه طبیعی	جاذبه فرهنگی - تاریخی	منطقه نمونه گردشگری	روستای هدف	جاذبه انسان ساخت
بهمئی	۳	۴	۱	-	۸
لنده	۸	۲	۱	-	-
چرام	۱۵	۳	۱	۲	۸
جمع استان	۲۲۲	۳۲	۱۴	۱۱	۶۹

مأخذ: گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان برنامه و بودجه استان

فرهنگ عامه و آداب و رسوم برجسته و شاخص استان

فرهنگ یکی از دشوارترین مفاهیم در علوم انسانی و اجتماعی است و به گونه‌های متفاوتی تعریف می‌شود. در تعریف سنتی‌تر، گفته می‌شود فرهنگ دربرگیرنده «بهترین اندیشه‌ها و گفته‌ها، در یک جامعه است. یعنی فرهنگ عبارت است از مجموعه افکار و اندیشه‌های عالی نمودیافته در آثار معتبر ادبی، نقاشی، موسیقی و فلسفه، یا به اصطلاح فرهنگ والای^۱ یک عصر». در همین چارچوب، کاربرد جدیدتری از «فرهنگ» وجود دارد که به اشکال بسیار رایج و عامه‌پسند موسیقی، نوشته، هنر، طراحی و ادبیات، یا تفریح و خوش‌گذرانی اطلاق می‌شود که زندگی روزمره اکثریت «مردم عادی» را تشکیل می‌دهد و «فرهنگ توده‌ای» یا «فرهنگ عامه»^۲ یک عصر نامیده می‌شود. تقابلی دیدن فرهنگ والا و فرهنگ عامه سالیان سال چارچوب رایج بحث درباره فرهنگ بوده است (هال، ۱۳۹۳: ۱۶ - ۱۷). آنچه بررسی فرهنگ عامه را دشوارتر می‌کند خود مفهوم «عامه» است. زیرا مفهوم عامه نیز «مبهم و لغزنده» است و در رویکردها و نظریه‌های متفاوت به گونه‌های متفاوتی تفسیر می‌شود. برای مثال آیا عامه در پذیرش کالاها و معانی فرهنگی منفعل‌اند؟ (بورديو، ۱۳۹۱)؛ یا عامه هم‌زمان با مصرف و استفاده از معانی و کالاهای فرهنگی خلق معنا می‌کنند؟ (Fiske, ۲۰۱۱: ۳۷).

فرهنگ را هرگونه تعریف کنیم و هر بعدی از آن را که برجسته سازیم، «فرهنگ» را می‌توان مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی‌های اعتقادی اعضای یک جامعه دانست... که تعیین‌کننده چگونگی تفکر و احساس اعضای آن جامعه است». هنگام توصیف فرهنگ توجه به سطح و دامنه فرهنگ مورد و ارائه ویژگی‌های مشترک یا منحصر به فرد

1. High culture

2. popular culture

آن ضروری است. به نظر هرسکویتس^۱ مجموعه ویژگی‌های فرهنگ را در می‌توان در قالب سه گزاره ارائه کرد: «فرهنگ، عام ولی خاص است؛ فرهنگ، ثابت ولی متغیر است؛ فرهنگ، اجباری ولی اختیاری است» (راد، ۱۳۸۲: ۳۱). بر این اساس می‌توان گفت، هر چند همه جوامع فرهنگ دارند؛ اما به تعداد جوامع موجودیت یافته، فرهنگ وجود دارد. در درون هر جامعه نیز افراد بر حسب این که به چه منطقه جغرافیایی، مذهبی و قومی متعلق هستند خصوصیات فرهنگی، باورها، مناسک و آیین‌های خاص خود را دارند که در جریان زمان از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و در این جریان تغییر و تحولاتی را نیز از سر گذرانده است.

در این جا تنها برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگ عمومی مردم استان ذکر می‌گردد. بدیهی است ذکر مفصل و شناخت دقیق و کامل ویژگی‌های فرهنگی این سرزمین و منطقه مستلزم تلاشی وسیع، زمانی درخور و بررسی متون و منابع کتبی و شفاهی گوناگون، مصاحبه با اصحاب آشنا با این فرهنگ و به کارگیری تکنیک‌های پژوهشی متنوع است. بنابراین در این جا، منظور از فرهنگ، فرهنگ عامه مردم سرزمین کنونی استان ک. ب است که البته برخی از این خصوصیات فرهنگی بین مردم این سرزمین و سایر هم قوم‌های لرشان در دیگر نواحی و یا شاید غیر هم قوم‌های همسایه‌شان مشترک‌اند. منظور از فرهنگ عامه، مجموعه‌هایی از آداب و رسوم، عقاید، افسانه‌ها، ترانه‌ها، و شیوه‌های لباس پوشیدن، غذا خوردن، برگزاری جشن‌ها و سوگواری‌ها، صنایع دستی، زبان، گویش و... مورد استفاده مردم است که در زندگی روزانه مردم یا مناسبت‌های خاصی نمود و جریان دارد و به تعبیر گیدنز جز «آگاهی عملی» آن‌ها محسوب می‌شود. البته تشدید مدرنیزاسیون، مدرنیته و شاخص‌های گوناگون آن از میزان رواج، شیوع و پایداری به این شاخص‌های فرهنگی در بین مردم منطقه و نسل‌های گوناگون کاسته است.

پوشش سنتی مردم استان

پوشاک و پوشش هر قومی معرف هویت آن قوم است. در استان کهگیلویه و بویراحمد بنا به فرهنگ و اعتقادات و باورهای مذهبی و ملی و تحت تاثیر آب و هوا، از لباس‌های ویژه‌ای استفاده می‌شود. پوشاک زنانه محلی و اصیل زنان استان که این روزها، بیشتر در بین زنان میان سال به بالا یا ساکنین روستاها پوشیده می‌شود، یا به صورت فراگیرتر توسط همه زنان و دختران جوان و نوجوان، در آیین‌ها و جشن‌های محلی مانند عروسی‌ها و سور و سات‌ها پوشیده می‌شوند شامل سه بخش اصلی سرپوش (به زبان محلی کهنه)،

بالاتنه (به زبان محلی جومه) و پایین‌تنه (به زبان محلی تومبون) است که مجموع این سه بخش پوشش کاملی را برای زنان به همراه دارد. البته این روزها با فراگیر شدن پوشش مانتو، شلوار و مقنعه در مراکز آموزشی از سطوح متفاوت مدرسه تا دانشگاه، در سازمان‌های دولتی و در بازار شهر نسل جوان، میان‌سال و کارمند دیگر کمتر از این پوشش بومی محلی استفاده می‌کنند (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶: ۵۸). مردان استان نیز پوشش خاص خود را داشتند که «جُبه» نامیده می‌شد. جُبه پوشش دیرینه و سنتی مردم این سرزمین بوده که در گویش محلی جُوقه نامیده می‌شود. جبه بسیار نازک، کرم‌رنگ و بلندی تا زانو دارد و به وسیله نخ ابریشمی به نام زُناره به صورت ضرب‌در، به دور سینه به‌جای دکمه پیچیده می‌شود. جبه دارای آستین گشاد و کوتاه بوده و اغلب در جنگ‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است. دَلک مردانه، به شکل جقه کوتاه از جنس پارچه اطلسی، دارای آستر، بلند و فاقد دکمه بوده، یقه ندارد و جلوی آن سرتاسر باز است که روی آن شال بسته می‌شد. شال، پارچه‌ای سفید یا کرم رنگ بوده است که تا ۲ متر بلندی داشته و آن را بر روی دَلک به دور کمر می‌بسته‌اند. هم‌چنین کلاه مردان این دیار به شکل کاسه و سفت و محکم و از جنس پشم گوسفند بوده است. امروزه نیز این نوع پوشش بیشتر در مراسم‌ها و آیین‌های نمادین و گردهمایی‌ها پوشیده می‌شود. زیرا متأثر از فراگیر شدن صنایع پوشاک مدرن و الزام دستگاه‌های دیوانی به پوشش رسمی، لباس تقریباً همه مردم در تمام رده‌های سنی، کت و شلوار (نسل میان‌سال به بالا و کارمندان اداری و دفتری) و یا جین و اسپورت (نسل جوان) است.

زبان و گویش

اولین گروه ساکن در منطقه کهگیلویه و بویراحمد عیلامیانی بودند که زبان‌شان انزانی بود. اما با تسلط اقوام آریایی پارسی در این منطقه، پارسی قدیم زبان رسمی آن شد. در دوره ساسانی زبان پهلوی رایج شد و با گذشت چندین هزار سال، هنوز مردم استان به زبان قدیم پارسی پهلوی وفادار مانده و به گویش لُری تکلم می‌کنند. بیش از ۹۵ درصد مردم استان به گویش لُری، البته با تنوعات لهجه‌ای و تنوعات درون‌گوشی، صحبت می‌کنند. درصد اندکی از مردم استان که عموماً هم در شهرستان گچساران ساکن‌اند به زبان ترکی صحبت می‌کنند. هر چند در سال‌های اخیر، فارسی‌زبانانی نیز به خاطر اشتغال در دستگاه‌های اداری-دولتی، یا بازار کار صنعتی و خدماتی به این شهر مهاجرت کرده‌اند که به زبان فارسی صحبت می‌کنند.

سوراخ کردن دماغ و گوش

میان زنان باور و رسمی قدیمی وجود داشته که دماغ (بینی) دختران را جهت خال کوبی سوراخ می‌کرده‌اند (خالک). این کار بسیار دردناک و توسط زنان دلاک یا غربت‌های محلی صورت می‌گرفته است. ظاهراً رسم سوراخ کردن بینی برای خالک یا مقنعه‌گذاری از اعراب مسلمان به ایران رسیده است. در زمان حاضر رسم خالک در بینی کردن، تقریباً متروک شده است. از دیگر رسوم فرهنگی مختص زنان «خال کوبی»‌هایی به اشکال متعدد و پیچیده یا نقطه‌های ساده در جاهای خاصی از بدن زنان مانند پشت دست، روی میچ دست، روی لب، یا روی ابروها بوده است. خال کوبی‌هایی که در ادبیات فولکلریک هم نمود و جایگاه خاصی دارد.

باورهای اسطوره‌ای

اصطلاح اسطوره عامدانه برای اجتناب از اصطلاح جانب‌دارانه «خرافه» و بازنمایی خصلت و ماهیت «غیرعقلانی» این باورها انتخاب شده است. این باورها در حوزه‌های گوناگونی نمود و حضور دارند. منشأ و منبع این باورها و «واگویه‌ها» مشخص نیست؛ هم‌چنان‌که، میزان اعتقاد و پایبندی به آن‌ها در بین نسل‌ها و گروه‌های مختلف مشخص نیست. برای نمونه چند نوع از این باورها ذکر می‌شود. یکی از این باورها این است که «اسبان قشقه‌دار (غشی)» اسبی که در اصطلاح محلی، در پیشانی‌اش پیچی یا غژی وجود داشته باشد برای صاحبش بدشگون است و باید زود به فروش رسانیده شود. از دیگر باورهای رایج و قدیمی «آلک دلک» بوده است که براساس آن، این رسم در میان عوام عشایر وجود داشته است که برای ازدیاد محبت شوهر به همسر، شکلکی از زن و مرد از آن می‌ساختند و معتقد بودند که چون آن دو تکه آهن را زیر خاک یا خاکستر اجاق خانه پنهان کنند، محبت مرد به همسر زیاد می‌شود. از دیگر اعتقادات بدیمن یا خوش یمن دانستن صداهای خاص حیوانات یا پرندگان است. برای مثال اعتقاد بر این بوده است که دو بار صدای گاو، یک‌بار در اوایل بهار و بار دیگر در دی‌ماه هر سال، نشانگر بهاری نیکو است. یا در مورد صدای زوزه روباه، هنگام وزن کردن خرمن، اعتقاد عمومی بر این بوده است که خیر خرمن زیاد می‌شود. در صورتی که اگر روباه صبح‌دم، صدای ناهنجاری بکشد و بیماری مشرف به موت در خانه‌ای باشد این صدا را بدشگون دانسته، اعتقاد دارند بیمار در خواهد گذشت. از دیگر باورهای اسطوره‌ای رایج موارد زیر بوده است که به چند تا از آن‌ها اشاره می‌شود.

سنگ‌های مُراد بخش

این گونه سنگ‌ها اکثراً در جوار قبور امام زادگان برای مرادبخشی نهاده شده است و مردم باور دارند که اگر آن را با زور بازو بردارند و یا بر روی آن بنشینند به‌طوری که سنگ مزبور حرکت کند، حاجت‌شان برآورده می‌شود، ولی اگر صاحب مراد از آن بالا به زیر بیفتد، مرادش حاصل نمی‌شود. نوع این سنگ‌ها اکثراً سیاه‌رنگ و صیقلی است.

عطسه

عقیده مردم قدیم این بود که اگر کسی قصد مسافرت داشته باشد و ناخودآگاه شخصی یک‌باره عطسه کند، اتفاق بدی پیش روی او است. در این صورت با ادای سه صلوات یا بسم الله الرحمن الرحیم شگون عطسه رفع و به سفر خود ادامه می‌داد.

زن زائو

در قدیم معتقد بودند اگر زنی بچه‌اش دیر به دنیا آید، به علت آن است که هم‌زاد نمی‌گذارد که بچه متولد شود. به همین خاطر ملای ده را بر بالین او حاضر می‌کردند و ملا شروع می‌کرد به دعا خواندن و دعا نوشتن، قابله یا ماماچه هم به صورت مرتب اسپند دود می‌کرد، بدین منظور که دسته‌اجنه از کنار زن زائو دور شوند. معتقد بودند یکی از اجنه‌ها که آل نامیده می‌شد، مانع از زائیدن زن است. در چنین وضعیتی زن در حال زایمان که توسط زن‌های دیگر احاطه شده بود به حضرت مریم توسل می‌جستند تا فرایند زایش با سهولت بیشتری صورت گیرد. بعد از اتمام زایمان، اگر بچه پسر بود برای او گوسفند قربانی می‌کردند، ساز و دهل راه می‌انداختند؛ تیراندازی می‌کردند. برعکس، اگر نوزاد دختر بود غمگین و ناراحت شده و به طعنه به پدر دختر می‌گفته‌اند: «ریش‌ت را آب برد». همچنین چه بسا پس از ورود نوزاد به این دنیا، وی را از همان روزهای اول از طریق رسم «ناف‌برون»، به عقد دختر یا پسر عمو در می‌آوردند. این گونه نامزدی پس از این که دختر و پسر بالغ می‌شدند قابل قبول آن‌ها بوده و حکم عقد رسمی داشته است.

اعتقاد به بدشگون-خوش‌شگونی

در فرهنگ و اعتقادات مردم این منطقه مکان‌ها، روزها، اتفاقات و حوادث خاصی خوش‌شگون یا بدشگون تلقی می‌شدند. البته هنوز هم این اعتقادات با شدت کمتر یا بیشتر در بعضی مناطق یا در بین گروه‌هایی از افراد جامعه وجود دارد. برای مثال، دیدن آدم بدخلق در اول روز کاری، روزهای ۱۳ ام و در بعضی از مناطق استان، در روزهای چهارشنبه، بردن چیزی سفید بیرون از خانه در شب و... از نشانه‌های بدشگونی و سبب عدم شروع یا دست کشیدن از ادامه کار می‌شد. یکی دیگر از تظاهرات بدشگونی، بدشگونی عروس

بود. برای مثال اگر دختری را از فلان خانواده به عنوان عروس انتخاب می‌کردند، به خانه می‌آوردند و متعاقب ورود او یکی از عزیزان فوت می‌شد، یا گله به غارت می‌رفت این پیش‌آمدهای بد را گردن قدم نامبارک عروس تازه وارد می‌گذاشتند و او را بدشگون می‌دانستند. برعکس اگر عروس باعث ازدیاد ثروت خانواده داماد و یا ارتقای مقام ایلی او می‌شد عروس را خوش‌قدم می‌دانستند. عدد سیزده نیز نحس است، تا آن حد که در شمارش و محاسبات آن را از قلم می‌اندازند و به جای آن افزون از دوازده یا زیاده از دوازده گفته می‌شود. روزهای شنبه در بعضی جاها عروسی ممنوع است و اعتقاد دارند که در این شب هر کس عروسی کند، بازگشت دارد، یعنی عروس به خانه برمی‌گردد یا می‌میرد یا جدایی میان زن و شوهر اتفاق می‌افتد. روزهای چهارشنبه را برای مسافرت درست نمی‌دانند و به نحوست آن قائل‌اند و به صورت مثل می‌گویند که «چهارشنبه نحسه ولی برای کس تا کس».

القاب غیررسمی و مبتنی بر احترام (دایه، لاله و ننه، هم شیر)

در خاندان‌های مهم ایلات رسم بوده است که تربیت پسران و دختران را به لاله و دایه واگذار می‌کردند. لاله‌ها مردان عاقلی بودند که مأمور آموختن آداب معاشرت و فنون سواری و تیراندازی و شنا و شکار به پسران می‌شدند. زنانی را که به دلایل گوناگونی مانند فوت مادر نوزاد، نداشتن شیر کافی و... به فرزند شیر می‌دادند، دایه می‌نامیدند. ننه لقب محترمانه زن معمولاً مسنی بود که ناف نوزاد تازه متولد شده را می‌برید و الزاماً با مادر بزرگ بیولوژیکی نوزاد یکی نبود. شاید یک زن مسن می‌توانست ننه چندین نفر در روستا تلقی و مورد احترام و تکریم واقع شود.

چاله گرم‌کنان

سنتی است که فقیر و غنی یک شب به عید نوروز مانده به منظور گرم نگاه داشتن اجاق خانه و برکت و پایداری سفره صاحب خانه، غذایی گرم و لذیذ از بهترین نوع غذاهای محلی می‌پزند تا اعضای خانه بخورند و به آن در اصطلاح محلی چاله گرم‌کنان می‌گویند. در این ضیافت شرکت همه اعضای خانواده واجب است، حتی آن‌ها که به مسافرت رفته‌اند و می‌بایست در شب چاله گرم‌کنان در خانه حاضر باشند.

تکریم چشم‌گرگ

شکارچیان قدیم و دزدان حرفه‌ای اعتقاد داشتند اگر کسی چشم‌گرگ همراه داشته باشد شب‌ها خواب نمی‌رود و تا صبح دم بیدار می‌ماند. به مناسبت این اعتقاد چشمان‌گرگ‌هایی را که شکار می‌شدند از حدقه بیرون می‌آوردند و پس از خواندن دعای مخصوص به وسیله

ملایان آن را در قباب نقره می گرفتند و به بازوان می بستند. همچنین چشم گرگ را برای جلوگیری از صدمه چشمان افراد شور چشم نگاه می داشتند.

مراسم هنگام حوادث و مخاطره‌های طبیعی مانند زلزله و ماه گرفتگی

به تعبیر گیدنز (۱۳۸۰)، هم مخاطرات سنتی با مخاطرات مدرن فرق دارند؛ هم تبیین، تفسیر و واکنش مردم دوران سنتی به این مخاطرات با مردم دوران مدرن متفاوت‌اند. در گذشته مهم‌ترین مخاطرات طبیعی مانند سیل، زلزله و ماه گرفتگی و بیماری‌های واگیردار بودند و علت وقوع آن‌ها را به شیاطین، اجنه، نافرمانی از خدایان و ارتکاب گناه یا در کل نیروهای ماورای طبیعی نسبت می دادند. مردم استان در گذشته به هنگام زلزله معمولاً در خانه می نشستند و با کف دست چند بار بر زمین می کوبیدند و می گفتند «خیر بُو، خیر بُو» (خیر باشه، خیر باشه). اما به هنگام ماه گرفتگی آن‌ها اعتقاد داشتند که خیل اجنه و شیاطین چون دشمنان آدمیان هستند، گلوی ماه را تا حد خفگی می فشارند به قصد این که نور حیات بخش ماه به کره خاکی نرسد. برای مقابله با این عمل مردم به جای خواندن نماز آیات، به پشت بام خانه‌ها و یا تپه و بلندی‌های کوه‌ها می رفتند و با صدای بلند صلوات می فرستادند و تیراندازی هوایی می کردند، یا طبل و دهل به راه می انداختند تا به زعم خودشان، با این صداها و تهدیدها اجنه و شیاطین را ترسانده، فراری داده تا گلوی ماه را آزاد کند و کره خاکی را از تاریکی نجات دهد. رسم دیگر ستاره سهیل بوده است که براساس آن رسمی قدیمی، مردم عشایر استان هنگام طلوع ستاره سهیل (که نشانه آغاز فصل سرما است) به پیشانی و پشت حیوانات خود آرد جو می مالیدند و با این علامت‌گذاری، خبر فرا رسیدن فصل سرما را می دادند.

آداب و رسوم

بیشتر باورها و اعتقادات یک قوم در قالب آداب و رسوم جمعی متبلور می شود که با تغییری کم یا بیش تر، به صورت ناخودآگاه از یک نسل به نسل دیگر منتقل می شود و جزء گنجینه فرهنگی و معنوی یک جامعه یا قوم محسوب می شود. شاید بتوان گفت پررنگ ترین آداب و رسوم فرهنگی- اجتماعی ساکنان استان حول محور وصال (ازدواج و تولد) و فراق (سوگواری) می چرخد.

ازدواج

هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی وصلت‌ها (تولد و ازدواج) و جدایی‌ها (مرگ و طلاق) دارای بیش ترین و پیچیده ترین مناسبات و آداب در استان بوده‌اند. شاید بتوان گفت تنها حوزه‌هایی که هنوز آداب و رسوم مربوط به آن کمتر از سایر رسوم، تحت تأثیر مدرنیته قرار

گرفته همین دو حوزه هستند. مراسم ازدواج خرده آیین‌های مفصل و سلسله‌واری دارد که هر یک آداب و اصول خاص خود را دارد و از خرده مراسم متعددی تشکیل شده است که به صورت مختصر شامل خرده عادات و مراسم مربوط به خواستگاری (گپ‌زنی)، مراسم نامزدی، کدخدایی (داوری)، حق شیر (شیربها)، باروزی، یوزی، سرکاله، پشا (جهیزیه)، عقدکنان، دعوتی، روگشان، پارانج، پاتختی (پس پرده‌ای)، و سرکشی (واطلبان) هستند.

کُر زونی^۱

به خاطر اهمیت کُر (پسر) در بین لرها و به‌ویژه ساکنین این منطقه، در گذشته بعد از تولد نوزاد پسر، خانواده وی معمولاً به خاطر تشکر از خداوند، حیوانی را سر بریده و بین اطرافیان تقسیم کرده و هل‌هله به‌پا می‌کردند. چنین رسمی را «کُر زونی» می‌نامند. البته هنگامی که فرزندان قبلی یک زن همگی دختر بوده باشند رسم کُر زونی اهمیت، شدت و حدت بیشتری داشت. این زائیدن تا آن زائیدنی که زن سه تا چهار پسر می‌زاید فرق دارد. از دیگر باورهای جنسیتی مهم مربوط به ترجیح جنس پسر به دختر، این است که نام‌هایی برای پسران و دختران انتخاب می‌شد که بیان‌گر ایده‌ها، باورها، آمال و آرزوهای نهفته والدین بود. برای مثال، برای پسران اسامی‌ای مانند: «اله‌داد، خداداد، اله‌کرم، اله‌یار» انتخاب می‌کردند که بیان‌گر استمداد طلبیدن از خداوند و ائمه برای بقای آن‌ها بود. برعکس برای دختران اسامی‌ای مانند: «دوربس (دختر بس است)، گل بس، آخرت» انتخاب می‌کردند که تصورشان بر این بود که از این طریق می‌توان جلوی تولد فرزندان دختر دیگر را گرفت و دختر تازه متولد شده آخرین دختری باشد که نصیب آنان می‌شود.

لالایی‌خوانی‌ها

لالایی‌ها بخشی دیگر از ادبیات شفاهی ساکنان این قوم هستند که هم مفهوم زیبایی دارند و هم آهنگ آن‌ها دلنشین است و مادران مهربان و دلسوز آن‌ها را در هنگامه‌های مختلف برای کودکان‌شان در گهواره زمزمه می‌کنند. البته هر از گاهی نیز مادران هنگامی که عزیزان کم و سن و سال یا فرزندان جوانشان به صورتی ناکام (ازدواج نکرده) از دنیا می‌روند جهت تسکین دل خویش یا تجسم موقعیتی که آن از دست‌رفتگان می‌توانستند در آینده کسب کنند، به لالایی‌خوانی اقدام می‌کنند. ماهیت و هدف این لالایی‌خوانی‌ها با لالایی‌خوانی‌هایی که در حالت عادی و به قصد آرامش کودک قبل از خواب خوانده می‌شود کاملاً فرق دارد. برای مثال: لالا لا گل عزیز ترمه پوشم، کجا بردی کلیل عقل

و هوشم^۱. لالا لالا گلِ دُرْدَنَه مو، چراغِ روشنیِ حُونه مو^۲.

آداب و رسوم عزاداری

دو تا از مرسوم‌ترین و پررنگ‌ترین آداب و رسوم مردم استان به عزاداری مذهبی مربوط به امام حسین (ع) و عزاداری مربوط به درگذشت یکی از اعضای فامیل، به‌ویژه جوانان ذکور ایل یا طایفه یا بزرگ خاندان و رئیس ایل مربوط است. برای مراسم سوگواری و تعزیه امام حسین (ع) که از سنن خاص عالم تشیع و مورد تمام شیعیان است، از اول ماه محرم آغاز می‌شد و در شب‌های تاسوعا و عاشورا شور و حرارت بیشتری می‌یافت. در آن دوره مردم عزادار، لباس سیاه می‌پوشند و با تجمع در مساجد یا حیاط امامزادگان و میادین روستاها به سینه‌زنی مشغول می‌شدند سینه‌زنان هر آبادی، با تن عربان دایره‌وار صف‌بندی کرده و زنان عشایری سینه‌زنان با سروده‌های غم‌انگیز و شیون و نوحه یعنی صدای «لیکه» (به اصطلاح محلی) سر می‌دادند و عزاداران با هیئت‌هایی به گشت در اطراف خانه‌های بزرگان قبایل می‌پرداختند. برای درگذشت افراد عادی طایفه، معمولاً افراد طوائف همسایه و خانواده و فامیل نزدیک مرده شرکت دارند و این عده بنا بر سنت محلی بر مزار متوفی جمع می‌شوند و شیون و زاری می‌کنند و پس از برپائی مراسم هفتمین و پذیرایی مختصر از شرکت‌کنندگان و فاتحه‌خوانی مراسم سوگواری به پایان می‌رسد. اما در مراسم مرگ یا قتل یکی از خوانین ایلات یا نزدیکان و وابستگان آنان مخصوصاً افراد جوان و تازه داماد، عزاداری تشریفات مفصل دارد و مردم ایلات باید جمعاً از زن و مرد و پیر و جوان از هر تیره و طایفه در آن شرکت و عزاداری کنند و روز مرگ بر مزار مرده حاضر شوند. در مواقعی، زنان و بستگان نزدیک و درجه اول متوفی ضمن خراشیدن گونه و خونین کردن چهره خود، «پل‌های» جلو گیسوان خود را بریده و سر را زولیده نگاه می‌دارند.

قرآن‌گردانی

در گذشته اگر خانه کسی مورد دستبرد واقع می‌شد و سارقین شناخته نبودند، مردم به قرآن‌گردانی متوسل می‌شدند و از کتاب آسمانی مدد می‌طلبیدند. طریقه قرآن‌گردانی از این قرار بود که مرد مال‌باخته در محضر مُلای^۳ ده حاضر می‌شد و ماجرای سرقت اموال خود را می‌گفت. سپس افرادی را که مورد سوظن او بودند نام می‌برد. مُلا اسامی افراد

۱. بخواب عزیز ترمه‌پوش من، کجا بردی کلید عقل و هوش من

۲. بخواب ای گلِ دردانه من، چراغِ روشنائی‌بخش خانه من

۳. به کسی که در روستا سواد سنتی و مکتبی داشت و معمولاً قرآن، کتاب‌های سعدی، حافظ و فردوسی را می‌خواند یا حتی از بر بود، ملا می‌گفتند.

مظنون به سرقت را در چند تکه کاغذ می‌نوشت و جای جای قرآن قرار می‌داد. سپس پرگارمانندی از نی می‌ساخت و بر گرد آن اسامی به حرکت در می‌آورد. نوک پرگار که دو سر داشت پس از حرکت کوتاه کنار یکی از اسامی می‌ایستاد و سارق آن کسی دانسته می‌شد که نامش مشخص شده بود.

گروه‌ها و جریان‌های برجسته و شاخص فرهنگی استان

در کل می‌توان گفت ادبیات، آداب و رسوم و جریان‌های فرهنگی برجسته قومی و محلی مردم هر محل یا منطقه تحت تأثیر فاکتورهای تاریخی و ساختاری متعدد و مهمی هستند که به طریقی بر زندگی مردم آن محل یا منطقه بیش‌ترین تأثیر را دارند. براساس مضامین ادبیات و هنگامه‌های برگزاری آیین‌های رایج در بین ساکنین استان ک. ب شاید بتوان گفت سه محیط طبیعی، محیط اجتماعی-سیاسی و محیط فراطبیعی بیش‌ترین مفاهیم و مضامین سروده‌ها و جریان‌های فرهنگی برجسته را به خود اختصاص داده‌اند. در بین سه محیط یاد شده نیز، محیط اجتماعی-سیاسی و مفاهیم مربوط به وقایع چهارگانه حیاتی مربوط به آن مانند ازدواج، تولد، طلاق^۱ و مرگ به همراه جریان نسبتاً نوپای منازعات سیاسی بیش‌ترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارتی در کنار این چهار واقعه مهم، ادبیات حماسی، جنگاوری و پیروزی در رقابت‌ها و مسابقات متعدد بین طایفه‌ای، مقابله با دولت، زور و ظلم ستیزی، حمایت از هم‌وندی‌های پدری (به ترتیب از ککا (برادر)، پسر عمو، تا هم‌طایفه و هم‌قوم)، به نوبه خود، از اهمیت و جایگاه برجسته‌تری برخوردار است. البته این حمایت از «هم‌وندی‌ها» با تعبیرات و شکل‌های مختلف و در هنگامه‌های متعدد متبلور می‌شود و به طریقی بین عامه مردم به عنوان امری پسندیده و مشروع نسل به نسل انتقال می‌یابد. برای مثال در بیان عامیانه گفته می‌شود، «ما همه ککاییم، ما همه قوم و خویشیم، ما همه ی اولادیم، ما همه ی طایفه‌ایم، ما همه ی قومیم، ما همه لُریم». شاید واضح‌ترین نمود این خلق و خو در این ضرب‌المثل رایج نهفته است که می‌گوید: «هر که نه بی ککاش* تُمبون زن و پاش^۲». این اعتقادات و باورهای همبستگی قوم محورانه به شکل‌گیری، باز شکل‌گیری و تداوم بعضی آئین‌ها و مناسک جمعی فرهنگی می‌انجامد که از دیرباز بین ساکنان این مرز و بوم رایج بوده و نیاز به هیچ‌گونه متولی فرهنگی رسمی ندارد. اما بعضی از این جریان‌های فرهنگی هستند که تحت تأثیر نظام

۱. البته طلاق هر چند یکی از وقایع مهم چهارگانه حیات فردی و اجتماعی محسوب می‌شود ولی از آنجا که وقوع طلاق در این منطقه پدیده‌ای کاملاً جدید محسوب می‌شود تا جایی که کمتر از نیم قرن قبل، طلاق و درخواست آن تحت هر شرایطی پدیده‌ای مذموم تلقی می‌شد ادبیات و آیین‌های مربوط به این واقعه خیلی نادر و یا در جهت ذم آن است.

۲. هر کسی که یار و یاور و برادرش نیست مثل این است که لباس پایین‌تنه زنانه (لباس محلی) را پوشیده باشد.

سیاسی و ایدئولوژی‌های حاکم یا یادآوری پتانسیل‌ها و داشته‌ها و سرمایه‌های طبیعی و متمایز استان (مانند انگور، برف)، یا دستیابی به و تسخیر قدرت سیاسی آگاهانه، با قصد و برنامه با حضور و گردهم آیی نسبتاً رسمی و توسط متولیان فرهنگی و سازمانی مربوطه استان یا شهرستان‌ها در هنگامه‌ها یا طی مناسبت‌های خاصی برگزار می‌شود. بدیهی است مراسم‌ها و جریان‌های فرهنگی نوع اول به صورت خودجوش و مردمی در هنگامه‌های خاص مانند مراسم عروسی و سوگواری، یا به صورت دائمی و شب‌نشینی مانند شاهنامه‌خوانی اجرا می‌شود. بنابراین براساس دو معیار ماهیت و هدف جشن‌ها و متولیان برگزارکننده این جشن‌ها، می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد: ۱) جشن‌ها و جریان‌های فرهنگی غیررسمی؛ ۲) جشن‌ها و جریان‌های فرهنگی رسمی غیرسیاسی؛ ۳) جریان‌های سیاسی- فرهنگی نسبتاً رسمی و سازمان‌یافته. در این جا به معرفی ماهیت، ویژگی و انواعی از مهم‌ترین این جریان‌های فرهنگی در استان پرداخته می‌شود.

جشن‌ها و جریان‌های فرهنگی غیررسمی

همان‌طور که گفته شد این جریان‌ها و جشن‌ها به صورت نسبتاً خودجوش، در طول سالیان دراز، نسل به نسل بین افراد انتقال یافته و به مناسبت‌ها یا در مکان‌های خاصی از سوی و با حضور و مشارکت افرادی از سنین و جنس‌های مختلف برگزار می‌شود، حضور در آن‌ها نیاز به دعوت‌نامه رسمی ندارد و افراد براساس معیارهای دیگری مانند خویشاوندی، همسایگی، هم‌سن و سالی، همدلی و... در آن‌ها مشارکت می‌کنند. مشارکتی که بستگی به ماهیت مناسبت، با احساسات، هیجانات و کردارهای شادمانه یا غمگینانه خاصی همراه است.

برای شناخت این نوع جریان‌ها و آئین‌ها آشنایی با فرهنگ عامه یا آئین‌های فولکلوریک محلی هر قوم و قبیله و ایل و طایفه‌ای، ضروری و لازم است. مطالعه آداب و سنت‌ها و آئین جشن‌های مذهبی و ملی، عقاید و عادات، قصه‌ها و افسانه‌ها، امثال و ترانه‌ها و اشعار و لالائی‌های آن‌ها، ما را به احوال و افکار و ذوق و هنر و روحیات آن‌ها آشنا می‌سازد و در لابلای فرهنگ مردم، ما به بسیاری از نکات دقیق ادبی، اخلاقی، اجتماعی و انتقادی و دقایق اوضاع زمان و طرز زندگی و عادات و رسوم و تخیلات و نوع اندیشه‌های آن‌ها آگاه می‌شویم (میرنیا، ۱۳۷۸: ۹). به تعبیر میهن‌دوست، آنچه تاکنون از فرهنگ عامیانه مردم ایران گردآوری شده، و در دفترها خانه یافته، مشتی است از نمونه خروار (۱۳۸۰: ۱۳). میهن‌دوست که اصطلاح «فولکلور» را رساننده ویژگی‌های گوناگون «فرهنگ عامه مردم ایران» نمی‌داند، فرهنگ عمومی را به دو بخش تقسیم

می‌کند: «نخست فرهنگی که پیکره‌ای عمومی دارد و جوهره و ترکیب آن ساده و بی‌تکلف و غیرمصنوع است و دیگر معتقدات و باورمندهایی که از قشرهای غیرعوام، حاکمان و عقیده‌مندان قشری و اشراف در قدرت، هستی و بقا گرفته است». (۱۳۸۰: ۱۶)

عناصر فرهنگ عامه و ابعاد گوناگون آن همگی واسط انسان و طبیعت، انسان و جامعه، انسان و کیش و انسان و هستی پرسش‌برانگیز است. این خطوط و خطوط ارتباطی دیگر، وقتی در وجوه گوناگون زبان و عادت، ابزار تولید و معیشت، سنت و اعتقادات و نیز جغرافیای همگون و ناهمگون به گرد یکدیگر تنیده می‌شوند، همان «نه تویی» را به وجود می‌آورند که تفکیک موضوعی و کنش تاریخی‌شان از جهت تبعات در زمینه فرهنگ عامه گاه سردرگمی و خلط مبحث پیدا می‌کند (همان: ۱۷). شاید بتوان گفت کامل‌ترین و جامع‌ترین تقسیم‌بندی از باورها و اعتقادات عامه را میهن‌دوست (۱۳۸۰) ارائه کرده است. نامبرده که به بررسی فرهنگ عامه خراسان پرداخته است، گردآوری مواد و عناصر فرهنگ عامه را موارد زیر می‌داند: اسطوره‌های گردان‌گم، اوسانه‌ها، معتقدات و باورداشت‌های خواستگاهی، رستخیزخواهی، اوراد مشوش، سحر و جادو، موسیقی بومی، نذر آیینی، مناسک‌گذار (که به سه بخش مناسک جدایی، مناسک انتقال و مناسک الحاق بخش‌پذیرند)، نقش و نوشته‌های سنگ قبرها، جشن سده، مراسم و معتقدات کاشت، داشت و برداشت، دعای باران و... (میهن‌دوست، ۱۳۸۰: ۲۶-۵۰). مردم استان ک. ب. نیز باورها و اعتقادات خاص خود را دارند که هر چند بعضی از این باورها و اعتقادات با سایر مردم ایران زمین مشترک است، اما برخی نیز مختص ساکنان این سرزمین یا وجه مشترک آن‌ها با سایر افراد متعلق به قوم لر است. در این جا تنها بعضی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین جریان‌های فرهنگی که در قالب گردهم‌آیی‌ها تبلور می‌یابد، ذکر می‌شوند.

شاهنامه‌خوانی

بخش اعظم هویت تاریخی اجتماعی هر قومی به ادبیات شفاهی آن قوم برمی‌گردد که با گویش بومی محلی در بین مردم آن قوم رواج می‌یابد و بازنمایی‌کننده خاطرات تلخ و شیرین آن قوم است. یکی از دیرپاترین ادبیات و مناسک جمعی قومی لرها در کل، از جمله مردم استان کهگیلویه و بویراحمد «شاهنامه‌خوانی و شب‌نشینی‌ها به قصد خواندن و شنیدن شاهنامه» است. به تعبیر رضایی (۱۳۹۹: ۳۹۸)، شاهنامه‌خوانی در استان کهگیلویه و بویراحمد عمری به قدمت فرهنگی مردمان این بر و بوم دارد. از گذشته‌های دور و دراز تاکنون شاهنامه همواره اثری بوده است که در هر خانواده‌ای چه با سواد و چه بی‌سواد زینت بخش رف‌های بلند و طاقچه‌های مزین و آراسته بوده و حتی در روزگاری که اساس

زندگی بر کوچ و کوچ روی استوار بود، شاهنامه در کنار قلیل اسباب و وسایل لازم برای زندگی در کوه و صحرا همراه کوچ‌نشینان بیلاق و قشلاق را تجربه می‌کرد. هر تیره و طایفه‌ای برای خود چندین شاهنامه‌خوان داشت. شاهنامه‌خوانانی که غالباً اشعار شاهنامه را از بر داشتند و نه تنها در بزم و همنشینی‌های شبانه مجلس را گرم می‌کردند، بلکه در کوه و کمر و ایام درو و کشت و کار با هر نفس آن را زمزمه می‌کردند تا خستگی‌هایشان را از تن به در کنند. مردان و زنان بی‌سواد ایل نیز از آنجا که هر شب و روز این اشعار را از شاهنامه‌خوانان خوش صدا می‌شنیدند، خواهی نخواهی بخش‌هایی از آن را به یاد می‌سپردند و نسل شاهنامه‌خوانان بی‌سواد را به وجود می‌آوردند. شعرهای حماسی مهم در ایلات قدیم وجود داشت و شاعران دربارهٔ جنگ‌هایی که میان طوایف روی می‌داد، اشعاری می‌سرودند که پس از مرگ یا کشته شدن دلیران ایلی و یا در حیات آنان، افراد محلی که دارای صوتی نیکو و آوازی رسا بودند، آن‌ها را می‌خواندند. در میان مردم کهگیلویه و بویراحمد اشعار حماسی شاهنامه فردوسی از جایگاه خاصی برخوردار است و افراد شاهنامه‌خوان تمامی ابیات و صحنه‌های نبرد را از حفظ می‌خوانند. به نظر می‌رسد سختی‌ها، درگیری‌ها و تقویت خو و خصلت سلحشوری و جنگندگی، حسرت و پر رنگ بودن داغ مرگ عزیزان و افراد ایل به همراه خاطرات تلخ و شیرین افراد ایل که هویت بخش زندگی آنان است، به همراه تلاش افراد باسواد برای حفظ هویت ملی از مهم‌ترین انگیزه‌های قومی برای حفظ ادبیات شفاهی در قالب اشعار شاهنامه به صورت شفاهی و شنیداری بوده است. اهمیت شاهنامه و نفوذ آن در زندگی مردم به حدی است که بسیاری از شاهنامه‌خوانان کنونی، حتی فاقد سواد خواندن و نوشتن هستند. شاهرخ موسویان در این خصوص می‌سراید که «که دنا شانومه خوندن من کپر یایت ایا قصه‌ی سهراب و رستم شیر نر یایت ایا»^۱.

ساعد حسینی پژوهش‌گر فرهنگ عامهٔ مردم استان کهگیلویه و بویراحمد تجربه عینی خود از محافل شاهنامه را این‌گونه به تصویر می‌کشد: «... در آن وقت وسط اطاق آتش روشن می‌کردند و به موازات آن در سقف سوراخی باز می‌کردند تا مقداری از انبوه دود را به بیرون منتقل کنند. غلغلۀ دود در سراسر اطاق چون ابری سنگین می‌چرخید و باعث جاری شدن اشک شادی همهٔ ما می‌شد. برای روشنایی از هیزم‌های خشک و سبک و نازک استفاده می‌گردید که با پیش کردن هیزم‌ها روشنایی تأمین می‌شد و من در پرتو همین شعله‌های دودآلود و چشمان اشک‌آلود شاهد باشکوه‌ترین و زیباترین و

۱. کوه دنا شاهنامه خواندن در آلونک‌ها یاد می‌آید، قصه‌های سهراب و رستم شیر نر یادت می‌آید.

رویایی‌ترین خاطرات زندگی‌ام بوده‌ام که اینک در تالارهای مجلل و زیر مشعشع‌ترین و زیباترین سقف‌ها... هر وقت به یاد آن می‌افتم در چشمانم اشک حسرت حلقه می‌زند. در پرتو کمرنگ آتش و هاله دود آلود آن، افراد متعدد، ما و چند همسایه دیگر جمع می‌شدیم و یکی از افراد با سواد با حرارتی چون همان‌تش^۱ و با قلبی به صفا و پاکی روزهای روشن آفتاب همان کوهستان و با غروری همتای قله‌های سر به فلک کشیده آن مشغول خواندن شاهنامه که به آن هفت لشکر هم می‌گفتیم، می‌شد. خواندن شاهنامه با آهنگ و ریتم مخصوص، فوق‌العاده مهیج و زیبا و دلنشین بود که بدون شك شاهنامه‌خوانی غیر از این سبک هرگز تأثیر و جذبه و شکوه روح حماسی آن را بیان نمی‌کند... باری آن روزهای طلایی را به یاد می‌آورم، با آن آهنگ‌های مردانه، پرصلابت، مهیج و آتشین و پُر از نشاط و عشق و محبت و جوانمردی و امید و اشتیاق و گاهی هم غمی شیرین چون مرگ سهراب و حسرتی آمیخته با غیرت و شرف چون کشته شدن بهرام در خون و پوست و رگ ما ریشه می‌دوانید...» (حسینی، ۱۳۷۴: ۱۱؛ به نقل از رضایی، ۱۳۹۹: ۳۹۹).

جشن عید نوروز

سال نو بنابر اعتقادات قومی منطقه، سرآغازی است برای از میان بردن کینه‌ها و گرایش به صلح و آشتی. عید نوروز از جشن‌های پراهمیتی است که مراسم خاص خود را دارد، از جمله چند روز قبل از سال نو خانم‌ها با خانه‌تکانی و تمیز کردن خانه‌های خود به استقبال بهار می‌روند. خانواده‌هایی که عزیزان‌شان را از دست داده‌اند، چند روز قبل از آغاز سال نو، غذایی محلی به نام شیربرنج (تهیه شده از شیر، برنج، رازیانه یا سیاه‌دانه) تهیه می‌کنند و به نام عیدی مردگان برای شادی روح اموات‌شان خیرات می‌کنند. همچنین در این روز مردم به دیدار ماتم‌زدگان و سوگواران قوم خود می‌روند و جامه سیاه را از تن آن‌ها به در می‌آورند و اصطلاحاً آنان را از عزا در می‌آورند و ادای احترام می‌کنند. در روز عید، افراد روستا معمولاً از اول صبح، بدون در نظر گرفتن رابطه فامیلی، به ترتیب به تک‌تک خانه‌هایی که فاقد حیاط و درب حیاط بودند، سرکشی می‌کرده و با روبوسی و تبریک سال جدید، به همدیگر تبریک می‌گفتند و به قول خودشان، غبار کینه و خصومت از قلب یکدیگر می‌زدودند.

عید فطر

یکی از عیدهای بزرگ اسلامی است که در روز اول ماه شوال برگزار می‌شود. مراسم عید فطر با دادن فطریه و خواندن نماز عید فطر آغاز می‌شود و بعد از نماز عید، مردم برای تبریک گفتن به خانه‌های همدیگر و بزرگان می‌روند.

جشن ختنه‌سوران

ختنه‌سوران جشنی است که به مناسبت سلامتی کودک پس از ختنه کردن بر پا می‌شود. زمان برگزاری این جشن معمولاً در بعدازظهر همان‌روز ختنه کردن است. رسم بر این است که میهمانان برای کودک تحفه‌ای بیاورند. در گذشته کار ختنه را، دلاک (یا سلمانی، پیرایش گر موی مردان) انجام می‌داد. برای کودک به این مناسبت جشنی نیز بر پا می‌شود. نوازنده محلی موسیقی محلی می‌نوازد. پسربچه، دامن قرمز رنگی می‌پوشد. اقوام به دیدن او می‌آیند و هر کدام پولی به او می‌دهند. دلاک نیز به صورت نقدی وجهی دریافت می‌کرد.

جشن خرمن

مردم روستاهای کهگیلویه و بویراحمد در سالی که شرایط آب و هوایی منجر به افزایش تولید محصول برنج شود جشن خرمن برپا می‌کنند. در این جشن از برنج تازه برداشت شده نوعی آتش عدس درست می‌کنند و موسیقی سنتی نیز نواخته می‌شود.

شروه خوانی

واژه شروه را «آواز، آهنگ و بانگ» معنی کرده‌اند. از دیگر نمونه‌های ادبیات شفاهی مردم استان سروده‌ها و شروه‌خوانی‌ها است. این سروده‌های شفاهی هنگام عزاداری یا در سوگ عزیزان توسط زنان قوم به صورت تکی یا دسته جمعی و یا ترکیبی از هر دو سروده و زمزمه می‌شود و همراه با آن مویه‌کنان بر سر و سینه می‌زنند^۱. در استان ک. ب. شروه (داغ‌نامه، مرثیه و سوگ‌سرایی) محزون‌ترین آوازی است که در سوگ از دست‌رفته‌ای با آوایی سنگین و ممتد به وسیله زنان شروه‌گو و گاه مردان مرثیه‌سرا خوانده می‌شود. شدت و حدت شروه‌گویی متناسب با ویژگی‌های سنی، جنسی و موقعیت اجتماعی فرد از دست‌رفته نوسان دارد. بدین ترتیب که اندوه‌ناک و حزن‌انگیزترین شروه‌ها برای جوانان، پسران و افرادی دارای پایگاه اجتماعی برجسته و والا سروده می‌شود. مضامین شروه نیز متناسب با ویژگی‌ها و موقعیت فردی است که شروه در مورد و به یادبود او سروده می‌شود. برای مثال در سوگ کودکان سروده می‌شود: کی بیی بینمون نهاییه د روز دیری، سر او، لو گرار بشورن طفل شیر^۲. زر مال و پشت مال بازی بچه‌گونه، هر چی سیل ای زنم بچه مردمونه^۳. در سوگ جوانان و نوجوانان این چنین سروده می‌شود: قبرمه کاشی کنین، کاشی

۱. رضایی، پیشین

۲. چه کسی هجران و جدایی بین من و تو انداخت که دارند لب آب تو را غسل می‌دهند و از من جدا می‌کنند.

۳. اطراف خانه کودکان مشغول بازی هستند. هر چه نگاه می‌کنم بچه خودم میان آن‌ها نیست.

لاجوردی، و جوونی مُردمه نه و پیری^۱. در ماتم نبود بزرگان ایل و ریش سفیدان بر نقش انسجام بخشی رهبر و تضعیف آن سروده می‌شود: ایلمون ترفقیه هر دریش یه جایه، کی بره جَمَش کنه میر کوشه پایه^۲. نمونه‌های فراوان دیگری از چنین شروه‌های سوزناکی در ادبیات شفاهی این استان وجود دارد (کرمی، ۱۳۹۳: ۱۵۵).

آوا و نواهای موسیقایی^۳

موسیقی مردمان زاگرس نشین با وجود هم‌زیستی مشترک و برخورداری از همانندی‌های فراوان به خاطر درهم‌آمیزی اقوام و داشتن روش معیشت هم‌گون و طبیعت یکسان و همین‌طور تاریخ و فرهنگ مشترک، دارای وجوه متفاوتی نیز هستند که دلایل فراوان مانند لهجه و عوامل سیاسی و اجتماعی در گذر زمان پدید آورده و هر کدام راهی جداگانه را پیموده‌اند و در کل به شدت وابسته به کلام موزون و شعرند (رضایی، ۱۳۹۹: ۲۷۵). موسیقی در استان کهگیلویه و بویر احمد جایگاه خاصی در زندگی روزمره دارد. موسیقی در هنگامه شادی و غم و همچنین در هنگام چرای گوسفندان به کار می‌رود. چوپانان در صحرا و نوازندگان حرفه‌ای در مجالس و شب‌نشینی‌ها از نی استفاده می‌کنند. آلات موسیقی رایج در این منطقه عبارتند از: ساز (کرنا)، دهل، نی (نین)، پیشه (که از نی کوتاه‌تر است) و به تازگی ارگ و سنتور. کرنا و دهل بیشتر در مراسم رزمی و بزمی به‌ویژه عروسی خاص و عام و تولد فرزندان بزرگان و همچنین آئین سوگواره با عنوان «ساز چپ» یا «طول (طبل) چپ» نواخته می‌شد و همراه با حرکت نمایی کاروان اسب و کُتل و مردمان سوگوار بود. نی، علاوه بر همراهی آئین شاهنامه‌خوانی و آواز مقام یاریار، ساز محبوب دیگر اقشار جامعه بود و در هر فرصتی نواخته می‌شد. نی لبک و پیشه که معمولاً با استخوان محکم بال کرکس ساخته می‌شد و در عرف به آن «قاب دال» می‌گفتند، سازهای چوپانی بودند که در کوه و صحرا، دشت و دمن همراه با چرای آرام رمه‌ها نواخته می‌شد. کاری را هم اکنون پژوهش‌گران اروپایی با افتخار از آن یاد می‌کنند و به عنوان یافته‌ای علمی قلمداد می‌شود، چرای حیوانات همراه با موزیک ملایم و پخش آهنگ است که سده‌ای پیش جامعه شبانی کهگیلویه و بویراحمد در دشت و صحرا انجام می‌داد. با رواج سازهای غربی در این دوره و استقبال نوازندگان و خوانندگان محلی از آن‌ها مانند «ویلون» و ساز ایرانی کمانچه و بعد از آن سازهای الکترونیکی، موسیقی مطربی رشد به سزایی کرد و موجی از

۱. قهرم را با سنگ لاجوردی کاشی کنید. زیرا من جانم را در جوانی از دست داده‌ام نه زمان پیری.

۲. ایل و طایفه‌مان به خاطر مشکلات پراکنده شده است. چه کسی می‌تواند وحدت را بین ایل برقرار سازد؟ تنها بزرگ و ریش سفید ایل آماده این کار است.

۳. اکثر مطالب این بخش برگرفته از کتاب در حال انتشار «قلمستان» اثر آقای مسعود رضایی (۱۳۹۹) است.

خوانندگان و نوازندگان در اقلیم فرهنگی کهگیلویه و بویراحمد پا به عرصه نهادند. بیت‌های رایج آهنگ‌های ویژه‌ای دارند که از آن به عنوان «قس» یاد می‌شود همانند قس خوشکله، قس برنو، قس یاریار و غیره. مقام «یاریار» که در گوشه‌های آواها و نواهای بویراحمدی از مقام و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و همواره با نوای نی همراه است، حاصل طبع لطیف و ذوق شاعرانه‌ی خداکرم‌خان است. هیچ آوازی به اندازه مقام «یاریار» که ریشه در عرف و عادات زندگی بومی مردم منطقه دارد و مضامین آن برگرفته از شریان‌های فرهنگ بومی و شیوه زندگی آنان در گذشته است، دل‌نشین و برانگیزاننده نیست. این سبک دل‌نشین ترانه‌سرایی در موسیقی کهگیلویه و بویراحمد و مردمان ممسنی که همواره دارای هم‌زیستی و اشتراکات جدایی‌ناپذیر فرهنگی و هنری با هم هستند، بعدها توسط هنرمندان صاحب سبک بویراحمدی، کهگیلویه‌ای و ممسنی مانند شیخ علی مرادتنهایی‌چرامی، احمد احمدی‌فهلپانی، سهراب شفيعی و میرزا ایرج موسوی به اوج رسید (همان: ۴۳۶).

«هیچ مقامی به اندازه مقام «یاریار» که روایت‌گر زندگی دائماً در حال کوچ و جدایی از یار و دیار را می‌طلبید، نمی‌توانست درد فراق و جدایی‌های فصلی را با نوایی سوزناک و خاطره‌آمیز بیان کند (همان: ۱۳۳). نمونه یا مرثیه‌خوانی از دیگر مقام‌های موسیقی سنتی کهگیلویه و بویراحمد است. این مقام با نی نواخته می‌شود و در برانگیختن احساس شنوندگان بسیار مؤثر است. از دیگر سرگرمی‌های پُر جاذبه در محافل شبانه خوانین و بزرگان ایلی و عشایری به ویژه در کهگیلویه و بویراحمد در روزگاران دور، شاهنامه‌خوانی و پرورش آوازه‌خوانان پُر شوری بود که با خواندن آثار حماسی و بزمی ضمن برافروختن چراغ عشرت و نشاط، روح دلاوری و شجاعت را در کانون سینه مرد و زن ایلی برای دفاع از خود یا تشجیع برای هجوم و یورش آماده می‌کردند (همان: ۲۷۹). انتشار آلبوم «ایل احساس» که مشتمل بر ترانه‌های بومی استان کهگیلویه و بویراحمد مانند «همه هلی»، «گل نورس»، «خدامی بلال»، «ایل احساس»، «داینی داینی»، «بلال بلال»، «پنج تیر پُرون»، «یار یار»، «آرمون» از مهم‌ترین آلبوم‌های استان با خوانندگی کوروش رضوانی‌فر هستند که علاوه بر جاذبه استانی و ملی چندین بار در کشورهای اروپایی اجرا شده است. این آلبوم از زمان انتشار آن تاکنون بیش از صد بار در مناسبت‌های مختلف فرهنگی و هنری در استان و سایر استان‌های کشور اقبال اجرا به صورت کنسرت یافته است. در این منطقه شعر گویشی لُری با نشر آثاری چون «که دنا» اثر طبع شاهرخ موسویان، «سوز سرمه» اثر طبع و ذوق مصطفی مبارکی، «ایل احساس» سروده فریدون داوری‌گام‌های بلندی برداشت و زمینه ظهور و شکوفایی تولید آلبوم‌های موسیقی محلی را با خوانندگانی چون کوروش رضوانی،

اسفندیار احمدی، شهریار کریمی، علی انصاری، ایرج موسویان، سهراب شفیعی و تعداد دیگری از هنرمندان خوش صدا و صاحب سبک را پدید آورد (همان: ۴۳۳).

بازی‌های محلی

از زمان‌های بسیار دور نوجوانان، جوانان و حتی افراد مسن با تهیه انواع وسایل ورزشی و پرداختن به ورزش‌های گوناگون، به صورت گروهی و دسته جمعی به رقابت و زورآزمایی می‌پرداختند، تا هم خود را سرگرم کنند و همه روحیه غیرت، شجاعت و سلحشوری را در نهاد خود تقویت نمایند. بازی‌های محلی جزئی از سنن و آداب و رسوم و در شالوده نظام اجتماعی فرهنگی جایگاه ویژه‌ای دارند و اغلب متناسب با فرهنگ و شرایط محیطی جوامع شهری و روستایی مورد توجه قرار می‌گیرند. در این استان بیش از ۶۰ نوع بازی محلی وجود دارد. نمونه‌هایی از این بازی‌ها عبارتند از: بازی الختر، چوگو، گورنا، بند و پا، کل کله برد (تقریباً همان هفت سنگ)، دوزگو، چندان، سوارکاری... د خصوص بازی‌های محلی عشایر ایران، از جمله عشایر بویراحمد، لطف‌الله عباسی کتابی با عنوان «مجموعه بازی‌های بومی- محلی عشایر ایران» نوشته که در آن تعدادی از بازی‌ها و سرگرمی‌های مرسوم در میان مردم عشایری کشور را معرفی و تشریح کرده است. البته بازی‌هایی که علاوه بر جنبه ورزشی، اصالت خود را حفظ کرده‌اند نظیر «ترنا»، «پنج قُل»، «گرگم به هوا»، «چادر بازی»، «آردا و یردی»، «بازی مرده‌لاش» و «خاله بازی» معرفی شده و در هر یک لوازم بازی، تعداد بازی‌کنان، سن بازی‌کنان، زمین بازی، اهداف بازی، جنسیت بازی‌کنان، و نیز نام شهرهایی که این بازی‌ها متعلق به آن‌جاست، بیان شده است (رضایی، ۱۳۹۹: ۳۱۹). این بازی‌ها یکی از مهم‌ترین منابع گردهم‌آیی و دورهم‌نشینی گروه‌های سنی، جنسی و تحصیلی مختلفی هستند که توانایی، فرصت یا امکان حضور در ورزش‌های قهرمانی را ندارند.

جشن‌ها و جریان‌های فرهنگی رسمی غیرسیاسی

منظور از این جشن‌ها و جریان‌های فرهنگی آن‌هایی است که سازمان یا ارگانی بسته به ماهیت نظام سیاسی حاکم، یا با اهداف مشخصی مانند معرفی پتانسیل‌های مختلف طبیعی و فرهنگی استان در هنگامه‌ها، مکان‌ها و زمان‌های معینی اقدام به برگزاری آن‌ها می‌کند. شرکت‌کنندگان در این مراسم هم مسئولان داخلی استان یا مدعوین مرتبط یا افتخاری خارج از محل برگزاری جشنواره هستند، هم بعضی از افرادی که به نوعی با جشن مرتبط پیوند دارند. معمولاً شرکت در این مراسم برای همه افراد یا امکان‌پذیر نیست یا همه افراد شوق و علاقه‌ای به حضور در این مراسم و جشن‌ها ندارند. معمولاً

برگزاری این جشن‌ها در سال‌های اخیر در استان رواج یافته است.

۱-۲-۱۴. جشنواره برفی پیست اسکی کاکان یاسوج در چهار سال اخیر

پیست اسکی کاکان در ۱۸ کیلومتری یاسوج و نزدیک به روستای کاکان، در ارتفاع ۲۶۰۰ متری قرار گرفته است. این پیست حدود ۶۰۰ متر ارتفاع دارد و از مزایای آن نزدیکی به شهرهای مرکزی و جنوبی است. در تعطیلات فصل‌های برفی، عده زیادی از فارس، اصفهان و خوزستان برای اسکی به آنجا می‌روند. این جشنواره ۴ سال است که در بهمن ماه در استان برگزار می‌شود. این جشنواره به مناسبت معرفی پتانسیل‌های گردشگری و امکانات تفریحی استان و به مناسبت بزرگداشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در بخش‌های مختلف مسابقه تندیس‌های برفی، مسابقه اسکی نمایشی و اسنوبورد و آلپاین، مسابقه برف‌پیمایی، پخت غذاهای محلی و نقاشی کودکان در محل پیست اسکی کاکان یاسوج برگزار می‌شود.

جشنواره صنایع دستی و تولیدات عشایری

جامعه عشایری کهگیلویه و بویراحمد با یک میلیون رأس دام سبک و سنگین ۳۵ درصد صنایع دستی شامل ۱۰ هزار متر مربع انواع گبه، جاجیم، قالی، گلیم و فرش استان را تولید می‌کنند.^۱ استان‌های شرکت‌کننده در این جشنواره شامل استان کهگیلویه و بویراحمد، فارس، لرستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، اصفهان، خراسان رضوی، بوشهر بودند که آداب، رسوم، سنن، صنایع دستی، سوغات محلی و فرهنگ‌ها و آئین‌های خود به‌ویژه در زمینه کوچ را در قالب بیش از ۱۰۰ غرفه و ۲۴ سیاه‌چادر در معرض دید بازدیدکنندگان قرار دادند. به‌علاوه، کارگاه‌های تولید صنایع دستی عشایر از جمله گلیم، جاجیم و حصیر نیز در این جشنواره برپا شد. از مهم‌ترین رشته‌های صنایع دستی در استان جاجیم بافی، رنگ‌رزی سنتی، سفره‌بافی، نمدمالی، نی‌چیت‌بافی، مشته‌بافی، رندبافی، گچمه‌بافی، سوزن‌دوزی، سنگ‌های قیمتی، سبدبافی، رودوزی‌های سنتی و سیاه‌چادربافی از مهم‌ترین رشته‌های صنایع دستی در استان هستند.

جشنواره کوچ عشایر

این جشنواره تاکنون ۵ بار در شهر یاسوج برگزار شده است. بنا به نظر مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کهگیلویه و بویراحمد، هدف از برگزاری این جشنواره معرفی آداب و رسوم، سبک زندگی عشایری و آشنا شدن مردم با فرهنگ اقوام و طوایف مختلف عشایر کشور است. این جشنواره سال ۸۵ با حضور ۱۵ استان، سال ۸۹ با

۱. برگرفته از سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ تیر ۱۳۹۸. جشنواره ملی فرهنگ عشایر ایران در یاسوج.

حضور ۱۴ استان، سال ۹۵ با حضور ۱۶ استان و سال ۹۷ با حضور ۲۰ استان برگزار شد. «نمایش‌های آیینی، خیابانی و آداب و رسوم»، «موسیقی مقامی، محلی و سنتی»، «بازی‌های بومی، محلی و حرکات موزون» و «شاهنامه‌خوانی و ادبیات بومی» از مهم‌ترین محورهای جشنواره هستند. همچنین، نمایش آیین‌های عشایری، موسیقی عشایری، تولیدات عشایر و تجلیل از پیش‌کسوتان و نخبگان عشایر و خانواده‌های شهدای عشایر از مهم‌ترین محورهای این جشنواره است^۱. این جشنواره ثبت ملی شده است و به میزبانی استان کهگیلویه و بویراحمد برگزار می‌شود. در چهارمین مراسم این جشنواره در روز اول از کتاب عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد با عنوان «صدای عشایر» و در روز دوم نیز از لباس محلی عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد به عنوان یکی از پوشش‌های مناسب و اصیل ایرانی رونمایی شد. همچنین آداب و رسوم مربوط به عشایر، شاهنامه‌خوانی و ادبیات بومی عشایر، موسیقی محلی و سنتی عشایر، آیین‌های نمایشی و نیایشی، پخت غذاهای محلی و سنتی عشایر، صنایع دستی عشایر و نمایش الگوهای زندگی و آداب و رسوم زندگی عشایری، از مهم‌ترین برنامه‌های چهارمین جشنواره کوچ عشایر بوده است^۱.

جشنواره برداشت انگور در سی سخت

سی سخت یکی از زیباترین، سرسبزترین و خوش و آب و هواترین مناطق استان است که با داشتن مناظر، چشمه‌سارها و چشم‌اندازهای طبیعی، همه ساله مقصد اصلی گردشگران زیادی است. این شهر با داشتن ۶۵۰۰ هکتار زمین زیر کشت باغات، و ۱۲۰۰ هکتار باغ انگور، مهم‌ترین قطب تولید انگور در استان است. برای معرفی این میوه مرغوب و تقدیر از باغداران منطقه، جشنواره‌ای با عنوان «یاقوت سحرانگیز دنا به مدت دو روز» در این شهر برگزار شد. هدف از برگزاری این جشنواره، معرفی فرآورده‌های تبدیلی میوه انگور، شناساندن آداب و رسوم، قابلیت‌ها، جاذبه‌های گردشگری، صنایع دستی و طبیعت گردی و توانمندی‌های باغی کهگیلویه و بویراحمد و شهر سی سخت عنوان شده است.

جشنواره مشک و ملار

جشنواره مشک و ملار در گچساران که طرفداران و منتقدان خاص خود را دارد یکی از جالب توجه‌ترین جشنواره‌های فرهنگی استان است. این جشنواره هر ساله از دی ماه شروع و در اواخر اسفندماه یا نوروز اختتامیه آن با برگزاری مسابقات مختلف بومی محلی بین تمامی روستائیان و عشایر گچساران و باشت با همکاری دهیاری‌ها و ادارات مختلفی هم چون ورزش و جوانان و ارشاد اسلامی و امور عشایری و بخشداری‌ها برگزار

۱. پنجمین جشنواره ملی فرهنگ عشایر با عنوان کوچ در یاسوج / <https://www.khabaronline.ir/news/1272994/>

می‌شود. در این جشنواره علاقمندان در رشته‌های طناب‌کشی، چوگو، الختر، گرنا، کلکله برد، آشپزی، فوتسال، والیبال و چند رشته دیگر با هم رقابت می‌کنند. در این جشنواره نمایندگان مجلس استان و افراد مشهور و سرشناس از طوایف و قومیت‌های گوناگون شرکت می‌کنند. موسیقی سنتی، برپایی سیاه‌چادر، پخت غذاهای محلی، حضور زنان و مردان با پوشش محلی از برنامه‌های جنبی جشنواره است. به بیان نماینده شهرستان گچساران و باشت، هدف جشنواره، احیای سنت‌های کهن، نشاطبخشی به محیط زندگی روستایی و معرفی جاذبه‌های مردم‌شناسی این خطه است که از سال ۱۳۹۳ تاکنون در شهرستان گچساران برگزار می‌شود.

جریان‌های فرهنگی - سیاسی نسبتاً رسمی و سازمان‌یافته

تعیین و مشخص کردن جریان‌های فرهنگی - سیاسی غالب استان مستلزم انجام مطالعه‌ای دقیق و مجزا است؛ اما اگر بپذیریم جریان فرهنگی به گروهی اطلاق شده است که گرایش‌های فرهنگی همگون یا یکسانی دارد و به سوی پدید آوردن یک خرده فرهنگ در حرکت است (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۱۸ به نقل از مهدی‌پور، ۱۳۹۳) می‌توان جریان‌های فرهنگی - سیاسی غالب در استان ک. ب. سه جریان غالب قومی - طایفه‌ای، اصول‌گرا - اصلاح‌طلب و نوگرا و سنتی هستند. سه جریانی که متأثر از بافت تاریخی - قومیتی، ورود مدرنیته و جریان‌های سیاسی غالب و تلقی از نسبت دین و مدرنیته بوده است. علاوه بر ماهیت و مبنای این جریان‌ها، بررسی دقیق‌تر آنها مستلزم اتخاذ نگاهی تاریخی به وضعیت مردم ساکن این استان است. البته این جریان‌های فرهنگی به صورت ضمنی در رفت و آمدها، ازدواج‌ها، دسته‌بندی‌ها، عروسی و سوگواری‌ها و به صورت آشکار و انسجام‌یافته‌تر در مناقشات و دسته‌بندی‌ها و به‌ویژه منازعات سیاسی حضور و نمود دارند. به نوعی می‌توان گفت کنش‌های اجتماعی - سیاسی تا حد زیادی تبلور و نشانه‌های عینی و تجسم‌یافته این جریان‌های فرهنگی عمده هستند. از این‌رو جریان‌های فرهنگی و کنش‌های اجتماعی - سیاسی مردم استان را می‌توان در پنج برهه زمانی قبل از دوران مدرن، دوران مدرنیزاسیون پهلوی، دوران محدود گذار به انقلاب اسلامی، بعد از انقلاب اسلامی تا ۱۳۷۶، و از ۱۳۷۶ تا الان تقسیم‌بندی و تحلیل کرد.

قبل از مدرنیزاسیون پهلوی، زندگی سیاسی ایلات و قومیت‌ها را می‌توان متأثر از شیوه زیست یک‌جانشینی یا کوچ‌نشینی‌شان به دو بخش تقسیم کرد. در بخش‌های مستقر، نمایندگان حکومتی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و با تعیین، انتصاب یا تأیید حاکمان محلی فعالیت سیاسی آن‌ها را زیر نظر داشتند. اما بخش کوچ‌نشین ایل از نظر سیاسی

خودمختار بودند و حاکمان ایلی به رتق و فتق امور مختلف درون و بین ایلی می‌پرداختند. در این دوره مهم‌ترین فعالیت سیاسی ایلات کهگیلویه و بویراحمد به درگیری و جنگ با ایلات و طوایف دیگر و در بعضی مواقع با نیروهای دولتی محدود می‌شد.^۱ امروزه، جریان قومی- قبیله‌ای از جمله جریان‌های ماندگار و پایدار حاکم بر تفکر و کنش مردم استان بوده و تقریباً در تمام تلقی‌ها، باورها، کنش‌ها، حرکات، مناسک و آیین‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و در حدی کمتر اقتصادی مردم استان نمود و حضوری پر رنگ دارد. شاید بتوان تجدد را اصلی‌ترین عنصر مجزاکنده فضای عمل و نظر در ایران معاصر دانست. اما اصل تجدد موجب تمرکز همه شکاف‌ها و انشقاق‌ها نشد. زیرا برخی مسائل قدیمی مانند دین یا قومیت نیز در پرتوی تجدد، بازخوانی و بازآفرینی شده‌اند و دگردیسی‌های مختلفی در آن‌ها رخ داده و معدود جریان‌هایی نیز وجود دارند که مانند جنسیت، مولود دوره مدرن به شمار می‌روند (مهدی‌پور، ۱۳۹۳). با مدرنیزاسیون^۲ و سیاست‌های «فوق‌العاده خشن، ستم‌گرانه و بی‌رحمانه» رضاشاه (سیاه‌پور، ۱۳۸۸: ۸۷) تمام «هستی» عشایر مورد هدف قرار گرفت. عشایر جنوب، و ایلات کهگیلویه و بویراحمد نیز به تقابل نظامی به شاه و ارتش وی پرداختند که شاید بتوان گفت بیش‌ترین نوشته‌ها و روایت‌های سیاسی کتبی و شفاهی و ادبیات فولکلریک استان در آن دوران و حتی دوران کنونی به ذکر رشادت‌های سرداران جنگجوی ایلی مانند کی لهراسب، میرغلام، ولی‌خان و علی‌خان، غلام‌حسین سیاه‌پور، خداکرم خان و تقابل آن‌ها با ارتش رضاشاه و پهلوی دوم طی جنگ‌های مشهور «تأمرادی و گجستان» مربوط می‌شود. تا جایی که می‌توان گفت کمتر اثری از نوشته‌های تاریخی- سیاسی نویسندگان معاصر استان وجود دارد که پیرامون این جنگ‌ها و رشادت‌طلبی‌ها مطلبی نگفته باشد. به عبارتی این وقایع به جزئی اساسی از آگاهی سیاسی^۳ این قوم تبدیل شده است. به تعبیر یکی از پژوهش‌گران محلی و اساتید تاریخ دانشگاه یاسوج، «تقریباً از سال ۱۳۷۰ تاکنون، نه اثر تاریخی از نویسندگان بومی کهگیلویه و بویراحمد منتشر شده، که درخصوص وقایع سال‌های ۱۳۴۱- ۱۳۴۳ و مبارزه ایل بویراحمد با حکومت پهلوی دوم مطالبی آورده‌اند» (سیاه‌پور، ۱۳۸۸: ۵۴). با شروع انقلاب اسلامی، شهرهای استان هماهنگ با سایر شهرهای کشور البته با

۱. برای مثال نگاه شود به بحث درگیری «قدرتمندترین ایل کهگیلویه به نام ایل نوئی با دولت قاجاریه بر سر مالیات و کشتن سربازان در تنگ پیر زال» (الله بخش آذر پیوند، ۱۳۹۵: ۸۸ به نقل از رضایی، مسعود (۱۳۹۹)، قلمستان، در حال انتشار) یا (سیاه‌پور).

۲. البته محقق می‌داند که تجدد با مدرنیزاسیون مترادف نیست. ولی در هر حال آغاز تقابل و مواجهه جدی ایلات و دولت در دوران مدرنیزاسیون رضاشاهی رخ داد و به مرور زمان پیامدهای مدرنیزاسیون در سایر ابعاد تجلی و تبلور پیدا کرد و به شکل‌گیری دیگر جریان‌های فکری انجامید.

تأخیر، در جریان‌های سیاسی انقلابی مشارکت کردند. در جریان انقلاب، گچساران پیشرو و فعال‌تر از سایر شهرها بود که این وضعیت به خاطر وجود کارکنان صنعت نفت در گچساران، بازار گچساران و فرهنگیان مذهبی در گچساران به رهبری آقای بهرام تاج‌گردون بود (پادیاب^۱، ۱۳۸۹: ۱۷۹ - ۱۸۰). در این دوره همه نیروها با انواع جهت‌گیری‌های سیاسی با برجستگی خاص نیروهای مذهبی، عناصر مارکسیستی، توده‌ای، منافقین خلق و ملی-مذهبی همه در کنار هم بودند و هدف مشترک همه آن‌ها مبارزه با و سرنگونی رژیم شاه بود. در این دوره مهم‌ترین چهره تأثیرگذار سیاسی در سطح استانی مرحوم آیت‌الله ملک‌حسینی بود. این دوره اتحاد و انسجام را می‌توان «دوره کوتاه فترت» نامید چون در سه سال اول انقلاب صف نیروهای مذهبی از نیروهای غیرمذهبی و حتی ملی-مذهبی جدا شد. شاید بتوان گفت برای اولین بار در تاریخ قومی و ایلی استان، نیروی فراقومی مذهبی به مهم‌ترین نیروی جهت‌دهنده و مشخص‌کننده مرزبندی‌ها، تقابل‌ها و تخصم‌های سیاسی استان تبدیل شد. در این دوره دو نیرو و جبهه «انقلاب و ضدانقلاب» در استان پدیدار شد و در پرونده‌سازی‌های سیاسی و گزینش کارکنان ادارات مختلف نمود و تجلی‌بارزتری یافت. در این دوره بچه‌های انقلابی با محوریت ایدئولوژی انقلابی حول «حزب جمهوری اسلامی» جمع شده و هویت یافتند.

از سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۶۵ با شکل‌گیری جبهه‌های چپ و راست در مجلس شورای اسلامی و انفکاک در حزب جمهوری اسلامی و تشکیل دو جریان «جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه»، در بین نخبگان سیاسی استان نیز دودستگی ایجاد شد که این دودستگی در جریان سیاسی معروف موسوم به اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی سال ۱۳۷۶ در استان تبلور، نمود و شدت و حدت بیشتری یافت. تا جایی که امروزه می‌توان گفت «دیدگاه‌های سیاسی استان بیشتر خود را در چارچوب اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی تعریف می‌کند و باعث یک سری محدودیت‌هایی شده که خود را در حوزه نیروهای انسانی بیشتر نشان داده است. وقتی اصول‌گراها در رأس قرار می‌گیرند، اقدام به حذف نیروها حتی نیروهای متخصص و کارآمد اصلاح‌طلب می‌کردند و برعکس، وقتی اصلاح‌طلبان پیروز می‌شدند هم همین کار را با اصول‌گرایان می‌کردند» (پادیاب، ۱۳۹۸: ۲۵۶).

فرهنگ و جهت‌گیری سیاسی در استان بیشتر به صورت افراطی نمود می‌یابد و تحمل و مدارای سیاسی با طرفداران نگرش‌های سیاسی رقیب نوعی «بی‌غیرتی سیاسی» محسوب

۱. البته باید گفت کتاب آقای پادیاب مجموعه سوال و جواب‌هایی با برخی از افراد مشهور استان در سه حوزه کهگیلویه، گچساران و بویراحمد است و در این جا به دلیل اختصار تنها پادیاب به عنوان مرجع ذکر می‌شود ولی این گفته‌ها مربوط به افراد متفاوت مصاحبه‌شوندگان است.

می‌شود. این جهت‌گیری‌های افراطی خود را در مواردی نشان می‌دهد که «بعضی‌ها به خاطر این که در مجلس جشنی دستی زده‌اند، [از کار] اخراج شدند» (همان: ۱۴۳)؛ «یا در هشت سال احمدی‌نژاد اعتقاد [اصول‌گرایان] این بود که «هرکس حرف از اصلاحات می‌زند باید جمع شود و نباید باشد» (همان: ۲۳۵). گفته‌های بالا را، به ترتیب، دو تن از مشهورترین و باتجربه‌ترین چهره‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی استان گفته‌اند کسانی که از نزدیک درگیر مسائل سیاسی استان بوده‌اند.

امروزه به نظر می‌رسد دوباره شدت و حدت جهت‌گیری‌های سیاسی مبتنی بر اصول ایدئولوژیک اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی تا حدی رنگ باخته است و جریان‌هایی متمایز درون هریک از گروه‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی با چاشنی عواطف قومی-طایفه‌ای در حال شکل‌گیری یا تقویت باشد که به زعم تمام نمایندگان، نخبگان، اندیشمندان و چهره‌های سیاسی جریان‌های سیاسی گوناگون استان پیامدهای مخربی برای وضعیت توسعه استان دارد. در کل شاید بتوان نیروهای اجتماعی مرسوم در استان را که به شکل‌گیری و جهت‌دهی نیروها و شکاف‌های سیاسی استان کمک کنند را به چهار نیروی مهم دسته‌بندی کرد: جریان‌های اصول‌گرایی، جریان‌های اصلاح‌طلبی، جریان‌های قومی-طایفه‌ای و جریان‌های مستقل.

می‌توان فرهنگ سیاسی کنونی استان و شهرستان‌های آن را به صورت مختصر و ناقص به صورت زیر توصیف کرد:^۱ بیش‌ترین شکاف‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی قومی-طایفه‌ای هنگام انتخابات نمایندگی مجلس و انتصاب افراد به جایگاه‌های مدیریتی و استخدام نیروهای جدید تبلور و نمود می‌یابد. البته در شهر گچساران، شکاف زبانی ترک‌ها-لرها، شدیدترین و پررنگ‌ترین شکاف محسوب می‌شود. در سایر شهرهای استان، شکاف‌های تیره-طایفه‌ای متفاوت که در قالب نام‌های گوناگون در مناطق جغرافیایی و سطوح سیاسی-اجتماعی گوناگون تبلور می‌یابد، جهت‌دهنده کنش‌های سیاسی هستند. در هنگامه انتخابات ریاست جمهوری و یا شکل‌گیری محافل و جبهه‌بندی‌های درون استانی، شکاف‌های مبتنی بر جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک اصولگرایی-اصلاح‌طلبی پررنگ‌تر از سوگیری‌های قومی-طایفه‌ای هستند. هر چند در مواقعی این شکاف‌های ایدئولوژیک و قومی طایفه‌ای می‌توانند همدیگر را قطع یا برهم دیگر بار شوند. البته اهمیت و وزن نسبی تقاطعی یا تراکمی بودن این شکاف‌های دوگانه تا حد زیادی به موقعیت‌ها و زمینه‌های امر مربوطه بستگی دارد.^۲ براساس فاکت‌ها و تجارب واقعی گذشته استان، اگر

۱. البته این تفسیر بیشتر براساس محتوای کتاب پادیاب (۱۳۹۸) و تجربه نویسنده در استان صورت گرفته است.

۲. البته تحلیل و اظهارنظر دقیق پیرامون این موضوع نیازمند بررسی و تحلیل تجربی دقیق موضوع است.

میزان و ملاک را جهت گیری سیاسی نماینده منتخب شهرستان‌ها در ادوار مختلف مجلس نمایندگی بدانیم، می‌توان گفت در شهرستان گچساران، هر چند رقابت بین نیروهای قومی تُرک-لُر و جریان‌های اصول‌گرایی-اصلاح‌طلبی شدید است، اما نیروهای اصلاح‌طلب در چند سال اخیر چیرگی نسبی داشته‌اند. در شهرستان کهگیلویه برعکس، رقابت‌های طایفه‌ای بین طوایف مختلف لُر این شهرستان، رقابت در درون جریان اصلاح‌طلبی، به همراه برجستگی سابقه تاریخی جریان‌های اصول‌گرایی، بیشتر به انتخاب نمایندگانی با جهت‌گیری اصول‌گرا منجر شده است. در شهرستان بویراحمد نیز بعد از چهار دوره انتخاب چهره‌های اصلاح‌طلب (دوره‌های پنجم و ششم) و اصول‌گرا (دوره‌های هفتم و هشتم)، به نظر می‌رسد نمایندگان ادوار بعدی بیشتر براساس جهت‌گیری طایفه‌گرایی انتخاب شده‌اند.

فعالیت‌های فرهنگی اداره ارشاد

این مناسبت‌ها و رخداد‌های مهم فرهنگی استان با محوریت اداره ارشاد و بر حسب وظیفه سازمانی و رسمی آن برگزار می‌شوند که مهم‌ترین این فعالیت‌ها در سه حوزه مهم فعالیت هنری، حوزه قرآن و عترت، و حوزه فرهنگ نمود می‌یابند.^۱

فعالیت هنری

مجموعه فعالیت‌هایی است که در فرآیند خلاقیت، تولید، تکثیر، اجرای صحنه‌ای، نمایش و توزیع آثار سینمایی، سمعی و بصری، موسیقایی، هنری نمایشی، هنرهای تجسمی و مرمت و بازسازی آثار تاریخی، فرهنگی و باستانی انجام می‌گیرد. در این راستا فعالیت‌هایی مانند برگزاری نمایشگاه کتاب استانی، جشنواره تئاتر فجر استانی، جشنواره فیلم کوتاه تهران، جشنواره منطقه‌ای سینمای جوان، جشنواره ملی آیین‌های نمایشی رضوی، جشنواره هنرهای تجسمی، تولید فیلم و مستند، جشنواره فیلم و عکس از سوی اداره ارشاد استان برگزار می‌شود.

حوزه قرآن و عترت

ترویج و نشر قرآن کریم و فرهنگ قرآنی در کشور ایران دارای قدمتی به بلندی تاریخ اسلام و اقبال ایرانیان به اسلام و قرآن کریم است. به منظور فعال‌سازی ظرفیت‌های استانی و استعداد‌های بالقوه، در حوزه قرآن و عترت فعالیت‌های مختلف در استان برگزار شده است. از جمله این فعالیت‌ها جشنواره رمضان، هفته‌های قرآن و عترت، محافل انس با قرآن، جشنواره‌های آیات، تشکیل اتحادیه‌های قرآنی، اجرای تلاوت نور در مساجد بوده است.

۱. منبع اطلاعات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد.

فعالیت هنری حوزه فرهنگ

مجموعه فعالیت‌هایی که برای توسعه ارتباطات فرهنگی، ترویج، عرضه، ارزش‌یابی، پژوهش، نقد و بررسی آثار فرهنگی و هنری، اجرای صحنه‌ای و مبادلات فرهنگی و یا برای پر کردن اوقات فراغت و آموزش‌های فرهنگی و هنری در جهت افزایش آگاهی‌های عمومی صورت می‌گیرد. این فعالیت‌ها شامل جشن‌های فرهنگ و هنر روستاها، هفته‌های فرهنگ و هنر در شهرستان‌ها و مرکز استان، جشنواره تجلیل از اهالی صنعت چاپ و نشر استان، همایش اهل قلم استان، انتخاب کتاب سال استان، جشنواره ملی شعر زاگرس، جشنواره منطقه‌ای شعر مشک تشنه، جشنواره منطقه‌ای شعر در سوگ آفتاب، جشنواره ملی داستان متیل، جشنواره ملی داستان سقلا تون، روز خبرنگار هستند.

از دیگر فعالیت‌های فرهنگی ادارات و سازمان‌های مختلف استان می‌توان به جشنواره فیلم فجر، جشنواره ادبیات پایداری، جشنواره عشایری مبارزه با مواد مخدر، جشنواره رضوی، جشنواره فرهنگ و هنر بومی و محلی، جشنواره رسانه‌ای ابوذر، جشنواره بازی‌های بومی و محلی، جشنواره تئاتر بومی و محلی منطقه‌ای، جشنواره شاهنامه‌خوانی، جشنواره‌های ادبی فرهنگی خوارزمی، مالک‌اشتر، شعر ققنوس، جشنواره پلیس و نقش مردم در امنیت، جشنواره استانی دختران یلدایی، جشنواره توانمندی‌های عشایر، جشنواره‌های شعر و داستان کوچ، افتو، نماز، دفاع مقدس، داستان سقلا تون، مشک تشنه، متیل، شعر زاگرس و شعر امام سجاد نام برد.

اهالی برجسته فرهنگ و هنر معاصر استان کهگیلویه و بویراحمد

از آنجا که تعریف مورد توافقی از فرهنگ و هنر وجود ندارد تعیین و معرفی چهره‌های برجسته فرهنگی استان نیز براساس معیارها و ملاک‌های صریح و شفافی که مورد توافق همه افراد، گروه‌ها، جریان‌های فکری و سیاسی باشد به راحتی امکان‌پذیر نیست. علاوه بر ابهام ذکر شده، قید معاصر هم محدوده زمانی صریح و مشخصی را شامل نمی‌شود. مهم‌تر از همه آیا منظور از استان مرز جغرافیایی استان است یا افرادی است که بیرون از مرز جغرافیایی استان بوده اما بر فرایند فرهنگی استان تأثیر چشمگیری داشته‌اند؟^۱ با همه ابهامات یادشده، در این جا افرادی به عنوان چهره برجستگی فرهنگی و هنر معاصر در استان عنوان شده‌اند که از دید افراد و جریان‌های هنری و فکری مختلف در ۱۰۰ سال گذشته بر جریان و تحول فرهنگی استان تأثیری ماندگار داشته یا دارند. اهالی برجسته

۱. برای مثال محمد بهمن بیگی یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های فرهنگی در استان کهگیلویه و بویراحمد بوده است اما در قلمروی جغرافیایی استان فارس قرار دارد.

فرهنگ و هنر استان را می‌توان از نظر اشتهار و معروفیت در دو سطح ملی و استانی نام برد. منظور از اهالی برجسته فرهنگ و هنرمندان استانی کسانی‌اند که در ۱۰۰ سال گذشته در عرصه‌های فعالیت دینی، هنر و سینما، بازیگری، خوانندگی، نویسندگی اثری ماندگار بر استان داشته و از منظر دیگر فعالان فرهنگی استان به عنوان افراد برجسته اشتهار داشته‌اند. براساس بررسی‌هایی که انجام گرفت سه کتاب در حوزه مشاهیر استان نوشته شده است. اثر اول تحقیقی از سیاه‌پور (۱۳۹۴) است که پیرامون «مشاهیر کهگیلویه و بویراحمد (از آغاز تا پیروزی انقلاب)»، انجام گرفته است. اثر دوم، کتابی با عنوان «استان کهگیلویه و بویراحمد، علل توسعه نیافتگی، رفتارشناسی و بررسی دیدگاه‌ها» از پادیاب که در سال ۱۳۹۸ به زیور طبع آراسته شده است. در این اثر با تعدادی از نخبگان و مسئولان و چهره‌های بیشتر سیاسی شهرستان‌های کهگیلویه، گچساران و بویراحمد مصاحبه صورت گرفته است. اثر سوم که در ارتباط با موضوع این پژوهش کامل‌تر و جامع‌تر به نظر می‌رسد اثری از رضایی با عنوان «قلمستان» است که هنوز انتشار نیافته و پژوهش‌گر با سخاوتمندی بی‌نظیر متن کتاب را جهت استفاده در اختیار این‌جانب قرار داد.

محقق با در نظر گرفتن این سه اثر تعدادی از برجسته‌ترین چهره‌های فرهنگی استان در حوزه‌های گوناگون را معرفی می‌کند. البته معرفی این افراد نباید به معنی نادیده گرفتن یا کم‌اثر دانستن تلاش و کوشش‌های سایر افراد و محققانی تلقی شود که هر یک با تلاش کم یا بیش‌تر خود خوشه‌ای بر خرمن فرهنگ دیرپا و هنر نورس^۱ حوزه استانی یا فرااستانی افزوده‌اند. البته باید اذعان کرد که منبع اصلی این بخش از تحقیق نوشته‌های رضایی و تا حد خیلی کمتری سیاه‌پور بوده؛ در مواقع خیلی نادری نیز از سایت‌های اینترنتی جهت تکمیل مطلب استفاده شده است. فهرست زیر که فهرست نسبتاً کاملی از هنرمندان و برجستگان فرهنگی استان محسوب می‌شود توسط اداره ارشاد در اختیار محقق قرار داده شده است. باید گفت که در معرفی اهالی برجسته فرهنگ سعی شده تنوع رشته‌ای، موضوعی و جنسیتی هم ملاحظه شود. شاید بتوان گفت براساس این معیار بعضی پژوهش‌ها یا پژوهش‌گران عامدانه و آگاهانه به عنوان برجسته طرح شده‌اند.

۱. هنر نورس، در این‌جا، هنری است که مدرن بوده و از اسباب و لوازم هنری مدرن برای بیان افکار، معانی و مقاصد استفاده می‌کند. و گرنه همه اقوام و تمدن‌ها از بدو شکل‌گیری با هنرها و ابزارهای گوناگون به بیان و انتقال احساسات، مقاصد و داشته‌های فرهنگی خود در فرم هنر اهتمام داشته‌اند و قوم لر و استان کهگیلویه و بویراحمد، به گواه تاریخ و سنگ‌نگاره‌ها، سرشار از این ذخایر و داشته‌های فرهنگی و هنری است.

بخش دوم: سیمای اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد | ۸۳

جدول ۵. معرفی تعدادی از چهره‌های برجسته فرهنگی استان به تفکیک نوع فعالیت، دامنهٔ اشتغال، محل سکونت

ردیف	نام و نام خانوادگی	نوع فعالیت	ملی/استانی	شهرستان / استان	توضیحات
۱	آقا میرعلی صفدر تقوی	تعلیم و تربیت دینی	ملی	استان	فوت شده
۲	سیدصدرالدین ملک‌حسینی	تعلیم و تربیت دینی	ملی	استان	فوت شده
۳	آیت‌الله سیدکرامت‌اله ملک‌حسینی	نمایندهٔ ولی فقیه	ملی	بویراحمد	فوت شده
۴	حجت‌الاسلام سیدمیراحمد تقوی	رئیس حوزهٔ علمیه	استانی	کهگیلویه	فوت شده
۵	سیدامراه حسینی	خوش‌نویس	ملی	بویراحمد	فوت شده
۶	حسین پناهی	بازیگر	ملی	کهگیلویه	فوت شده
۷	حسن غفاری	فیلم و عکس	ملی	دنا	
۸	سیدناصر حسینی	نویسنده	ملی	گچساران	
۹	جمشید جهان‌زاده	بازیگر	ملی	گچساران	
۱۰	عطا طاهری‌بویراحمدی	نویسنده	ملی	بویراحمد	فوت شده
۱۱	پریوش نظریه	بازیگر	ملی	گچساران	
۱۲	هادی محقق	فیلم و عکس	ملی	کهگیلویه	
۱۳	مصطفی تقوی‌مقدم	نویسنده	ملی	کهگیلویه	
۱۴	حسن بهرامی	شاعر	ملی	گچساران	
۱۵	دکتر سیدساعد حسینی	نویسنده	ملی	بویراحمد	
۱۶	یعقوب غفاری	نویسنده	ملی	کهگیلویه و بویراحمد	
۱۷	کوروش رضوانی	موسیقی (آواز)	استانی	بویراحمد	
۱۸	شهریار کریمی	موسیقی (آواز)	استانی	بویراحمد	

ردیف	نام و نام خانوادگی	نوع فعالیت	ملی/استانی	شهرستان/استان	توضیحات
۱۹	قادر طراوت پور	شاعر	استانی	بهمنی	
۲۰	فریدون داوری	شاعر	استانی	کهگیلویه	
۲۱	رضا گشتاسب	کارگردان	استانی	گچساران	
۲۲	علیرضا مسیح پور	قاری	استانی	بویراحمد	
۲۳	سیدمجید پرهیز	فیلم ساز	استانی	کهگیلویه	
۲۴	محمدعلی پیرسبزی	بازیگر	استانی	گچساران	
۲۵	شیخ علیمراد تنهایی	شاعر-آواز	استانی	چرام	
۲۶	احسان گنجی	کاریکاتور	استانی	کهگیلویه	
۲۷	اسحاق آقایی	عکاس	استانی	بویراحمد	
۲۸	نرگس دوست	شاعر	استانی	بویراحمد	
۲۹	سیدمحمد حسینی	عکاس	استانی	بویراحمد	
۳۰	ماندنی رگبارمقدم	نویسنده	استانی	بهمنی	
۳۱	میرزا شوقی کرای	نویسنده	استانی	لنده	فوت شده
۳۲	فتحعلی بزرگمهر	نویسنده	استانی	کهگیلویه	
۳۴	کاووس تابان سیرت	نویسنده	استانی	بویراحمد	
۳۵	حسین آذرشب	نویسنده	استانی	کهگیلویه	
۳۶	نورمحمد مجیدی کرای	نویسنده	استانی	لنده	
۳۷	سیدعلی موسوی نژاد	نویسنده	استانی	کهگیلویه	
۳۸	کوکب حاتمی	شاعر	استانی	بویراحمد	

ردیف	نام و نام خانوادگی	نوع فعالیت	ملی/استانی	شهرستان/استان	توضیحات
۳۹	مصطفی مبارکی	نویسنده	استانی	گچساران	
۴۰	خسرو حیدری	فیلم‌ساز	استانی	بویراحمد	
۴۱	محمد مختاری	فیلم‌ساز	استانی	بویراحمد	
۴۲	رسول سنایی	شاعر	استانی	بهمئی	
۴۳	علی فتح لایق زاده	فیلم و عکس	استانی	بویراحمد	
۴۴	یونس آبسالان	بازیگر	استانی	بویراحمد	
۴۵	کشواد سیاه‌پور	نویسنده	استانی	بویراحمد	
۴۶	علی انصاری	موسیقی	استانی	بویراحمد	
۴۷	محمود آسن	حافظ قرآن	استانی	دنا	
۴۸	فریدون امیریان	نویسنده	استانی	بویراحمد	
۴۹	سیداکبر سلیمانی	شاعر	استانی	لنده	

سید کرامت‌الله ملک حسینی

نامبرده در سال ۱۳۰۳ ش در روستای گوشه از توابع شهرستان بویراحمد به دنیا آمد. از استادان وی در حوزه علمیه قم بروجردی، سیدمحمدتقی خوانساری، حجت کوهکمری، سیدداماد یزدی و امام خمینی بوده‌اند. سپس به شیراز رفته و به تدریس طلاب علوم دین پرداخت. وی از مبارزان فعال در برابر پهلوی بود و اندکی قبل از انقلاب در یاسوج حضور یافت. وی نماینده مجلس خبرگان رهبری از استان کهگیلویه و بویراحمد در دوره چهارم و نماینده ولی فقیه در استان بود که پس از درگذشتش فرزندش سیدشرف‌الدین ملک حسینی، به جای او در هر دو جایگاه انتخاب شد. بنا به اذعان تمام افراد متعلق به جریان‌های سیاسی متفاوت و کتاب‌های مرتبط با تاریخ معاصر استان، نامبرده جزء تأثیرگذارترین چهره‌های فرهنگی استان قبل از انقلاب، دوران انقلاب و تا زمان فوتش به‌شمار می‌رود.

میراحمد تقوی

حجت الاسلام و المسلمین میراحمد تقوی، مؤسس نخستین حوزه علمیه کهگیلویه و بویراحمد، و از علمای برجسته بود که به پدر معنوی کهگیلویه شهرت داشت. وی پس از طی مدارج علمی در نجف اشرف به مدت ۵۰ سال در کسوت یک عالم دینی منشا خدمات فراوان و مرجع امور مردم بوده است. نام برده در سال ۱۳۰۲ در بهبهان دیده به جهان گشود و دو سال بعد به سرزمین پدریش یعنی کهگیلویه منتقل شد. پدر او میرعلی صفدر تقوی عالم منطقه کهگیلویه بود. میراحمد خواندن، نوشتن و مقدمات عربی و قرآن را نزد پدر آموخت، مقدمات را در بهبهان نزد شیخ عبدالهادی مجتهدی فراگرفت و در سال ۱۳۲۸ عازم نجف اشرف شد. ایشان در نجف اشرف از محضر عالمانی چون شیخ محمدعلی، شیخ علی رشتی، میرزا کاظم تبریزی، سیدجلیل یزدی، سیدعباس مهری، سیداسدالله مدنی، شیخ علی اصغر اراکی، آیت الله سیستانی استفاده کرد. در سال ۱۳۳۸ به ایران بازگشت و در وطن خود کهگیلویه که از محروم ترین نقاط کشور بود، سکونت گزید و به تبلیغ امور دینی و ارشاد پرداخت. سرانجام این عالم ربانی در صبح روز ۲۴ مردادماه ۱۳۹۸ در سن ۹۶ سالگی به علت کهنسنت سن در بیمارستان امام خمینی دهمدشت دار فانی را وداع گفته و به ملکوت اعلا پیوست.

حسین پناهی

حسین پناهی درکوه، شاعر، نقاش، نویسنده، بازیگر و کارگردان تئاتر و سینمای سه دهه اخیر، نامی آشنا برای مردم ایران و خارج از کشور است. وی ششم شهریور ماه سال ۱۳۳۵ در روستای درکوه دهمدشت کهگیلویه و بویراحمد چشم به جهان گشود. اصغر همت بازیگر صاحب نام سینما و تلویزیون که از دوستان نزدیک به او بود، درباره اش می گوید: «حسین پناهی مثل هیچ کس نبود و هیچ کس نمی تواند مثل او باشد» (پناهی، ۱۳۹۴: ۴۱). پناهی گر چه عمری نسبتاً کوتاه داشت، ولی آثار ماندگاری از خود بر جای نهاد و در همه ی آثارش چه در حوزه هنری مانند کارگردانی، بازیگری، نمایشنامه نویسی و چه در حوزه آثار ادبی که سروده های وی را دربر می گیرد، موفق ظاهر شد. این هنرمند خوشنام و محبوب ایران پس از چهل و هشت سال زندگی، با برجای نهادن انبوهی از آثار هنری مشتمل بر کارگردانی، داستان نویسی، نمایش نامه نویسی، فیلم نامه نویسی و مجموعه های ادبی، سرانجام در سال ۱۳۸۳ به علت عارضه قلبی در تهران چشم از جهان فرو بست و در زادگاه خود شهر «سوق» کهگیلویه به خاک آرمید. آثار حسین پناهی را از نظر موضوعی می توان به هفت بهره تقسیم کرد: الف) نمایش نامه و فیلم نامه؛ ب) کارگردانی؛ ج)

بازیگری؛ د) اشعار؛ ر) داستان کوتاه؛ ز) مصاحبه و گفتگو؛ و ح) آلبوم‌ها. حسین پناهی از انسان‌هایی بود که در عرصه هنر ملی و دینی آثار ماندگاری در داستان‌نویسی، نمایش‌نامه، شعر و بازیگری از خویش به یادگار گذاشته است. تعدادی از مجموعه‌های وی مثل خوابگردها و من و نازی بیش از ۱۲ بار تجدید چاپ و به چندین زبان زنده دنیا ترجمه شده است.

به دلیل کمبود جا در این جا تنها بعضی از آثار هنری وی ذکر می‌شوند^۱: من و نازی، دو مرغابی در مه، خروس‌ها و ساعت‌ها، چیزی شبیه زندگی، دل شیر، بی‌بی یون، پیامبران بی‌کتاب، گوش بزرگ دیوار، یک گل بهار، گل‌دان‌ها و آفتاب، ماجرای دونالدو و مادرش، خواب‌گردها، آسانسور، به سبک آمریکایی‌ها، یحیی و گلابتون. بازیگری در سریال و فیلم‌های سایه خیال، مزد ناتمام، آرزوی بزرگ، بی‌بی یون، مهاجران، در مسیر تند باد، چاووش، راز کوچک، هی جو، آینه خیال و... از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های هنری مرحوم پناهی است. جوایز که مرحوم پناهی به خاطر فعالیت‌هایش در عرصه‌های مختلف دریافت کرده شامل موارد زیر است:

- کاندید سیمرخ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد «مهاجران» دوره یازدهم جشنواره فیلم فجر (مسابقه سینمای ایران) سال ۱۳۶۱.
- کاندید سیمرخ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد «در مسیر تند باد» دوره هفتم جشنواره فیلم فجر (مسابقه سینمای ایران) سال ۱۳۶۷.
- کاندید سیمرخ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد «سایه خیال» دوره نهم جشنواره فیلم فجر (مسابقه سینمای ایران) سال ۱۳۶۹.
- برنده دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش اول مرد «سایه خیال» دوره نهم جشنواره فیلم فجر (سینمای ایران) سال ۱۳۶۹ (رضایی، ۱۳۹۹: ۷۱-۱۱۴).

عطا طاهری بویراحمدی (۱۳۰۷-۱۳۹۷)

کی عطا طاهری بویراحمدی را می‌توان در زمره نخستین آفرینش‌گران نقش قلم در جغرافیای فرهنگی نوین کهگیلویه و بویراحمد به شمار آورد. که براساس شناسنامه خرداد سال ۱۳۰۶ در ناحیه «دیلگون» واقع در پنجاه و پنج کیلومتری شهر یاسوج متولد شد (رضایی، ۱۳۹۹: ۲۹۹). عطا طاهری بویراحمدی که معمول به نام کی عطا طاهری شناخته می‌شود کنش‌گر سیاسی، نویسنده و تاریخ‌نگار ایرانی ساکن یاسوج بود. این چهره برجسته بارها از سوی ادارات و نهادهای مختلف کشوری و استانی برای خدمات فرهنگی ممتازش مورد تقدیر

۱. برای شرح مفصل آثار همه مشاهیر و اهالی برجسته فرهنگ استان، از جمله حسین پناهی، به رضایی، ۱۳۹۹ مراجعه شود.

قرار گرفت. او را به عنوان مؤسس اولین کتابخانه در کهگیلویه و بویراحمد می‌شناسند. کتاب‌های کوچ‌کوچ، درخت را نکشید، ممیرو، کی بانو، شاهنامه کی سالار، مشارکت و تعاون یا مردی از شوتاور و بخوان از مهم‌ترین تألیفات این نویسنده فرهنگ عامه هستند. کتاب کوچ‌کوچ وی در سال ۱۳۹۳ به عنوان کتاب برتر دهه هشتاد کهگیلویه و بویراحمد برگزیده شد. بخش‌هایی از این کتاب به زبان‌های دیگر برگردان شده است (ویکی پدیا، ۱۳۹۷ و خبرگزاری کتاب ایران (کینا)، ۱۳۹۷/۱/۹).

یعقوب غفاری

یعقوب غفاری فروردین ماه سال ۱۳۱۷ در روستای «مور دراز» بویراحمد چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در مصیری فارس سپری کرد و از دانش‌سرای عشایری فارغ التحصیل شد. سال‌ها در کسوت آموزگاری به کودکان عشایری خواندن و نوشتن آموخت. یعقوب غفاری یکی از معلمان و فعالان فرهنگی استان در زمینه‌های معرفی پیشینه‌های فرهنگی، تاریخی، آداب و رسوم، ادبیات و وضعیت جغرافیایی است. به نوعی مؤسس اولین دبیرستان، بنیادگذار اولین کتاب فروشی در شهر یاسوج و نخستین نویسنده در استان کهگیلویه و بویراحمد محسوب می‌شود. وی که عشایرزاده بود، از نزدیک با روش زندگی عشایر و آداب زندگی ایل‌ی آشنا بود. همین شناخت عمیق و ژرف از ساختار جامعه ایل‌ی، نخستین آموزگاران او برای پروردن محقق‌ی خودساخته شد. غفاری را می‌توان در زمره نخستین پیشگامان پژوهش و نویسندگی در کهگیلویه و بویراحمد برشمرد که آگاهانه و منطبق بر رویه‌های علمی، آثار گرانمایه و ماندگاری را درباره تاریخ، جغرافیا، فرهنگ شفاهی، زبان، آداب و رسوم استان پدید آورد و پس از وی انبوهی از پژوهش‌گران به پیروی از سبک او آثاری را نوشته و به دست چاپ سپردند. دور از انصاف نخواهد بود اگر با اتکا به آثار فراوانی که در زمینه آداب و رسوم اجتماعی استان سالیان دراز فراهم آورد، وی را پدر ادبیات فولکلور کهگیلویه و بویراحمد بنامیم. نامبرده دارای کارت همکاری انجمن بین‌المللی ایران‌شناسی است.

غفاری در حلقه پژوهش‌گران صاحب نامی چون نادر افشار نادری، جواد صفی‌نژاد، هوشنگ کشاورز، الویا رستریو، اریکا فرایدل همسر پروفیسور رینلهولد لوفلر^۱ انسان‌شناس آمریکایی اطریشی‌تبار و دیگر نام‌آوران عرصه پژوهش‌های اجتماعی و مردم‌نگاری، مورد وثوق و جایگاه ارزشمندی بوده و هست. یعقوب غفاری علاوه بر مجموعه آثار چاپ شده، مقالات ارزشمندی را در مورد ایلات و عشایر در جراید و فصل‌نامه‌های معتبر

پژوهش به چاپ رسانده است. تاکنون به پاس زحمات بی دریغی که در راه مطالعه، تحقیق و ترسیم سیمای اجتماعی، تاریخی و فرهنگی کهگیلویه و بویراحمد کشیده است از سوی سازمان‌ها مختلف علمی و پژوهشی، مراکز آموزشی، دواير دولتی، نهادهای اجتماعی و شخصیت‌های بزرگ علمی کشور مورد تکریم قرار گرفته است. مهم‌ترین آثار غفاری موارد زیر هستند:

- غفاری، یعقوب، ۱۳۳۷، مقدمه‌ای درباره پوشش گیاهی کهگیلویه و بویراحمد، چاپ داریوش، یاسوج.
- غفاری، یعقوب، ۱۳۶۲، نمونه‌ای از اشعار محلی مردم استان کهگیلویه و بویراحمد، امیر یاسوج.
- غفاری، یعقوب، ۱۳۷۴، بازی‌های محلی استان کهگیلویه و بویراحمد، نشر، روایت، تهران.
- غفاری، یعقوب، ۱۳۷۴، شناسنامه ایلات و عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد، نشر، روایت، تهران.
- غفاری، یعقوب، ۱۳۷۸، تاریخ اجتماعی، کهگیلویه و بویراحمد، انتشارات گل‌ها، اصفهان.
- غفاری، یعقوب، ۱۳۸۹، مراسم عروسی و دگرگونی‌های آن در استان کهگیلویه و بویراحمد، انتشارات نقش مانا، اصفهان.
- غفاری، یعقوب، ۱۳۹۱، پوشاک سنتی مردم استان کهگیلویه و بویراحمد، بهتا پژوهش، اصفهان.
- غفاری، یعقوب، ۱۳۹۱، طب سنتی و تاریخچه طب جدید در استان کهگیلویه و بویراحمد، نشر نقش مانا، اصفهان.
- غفاری، یعقوب، ۱۳۹۱، غذاهای سنتی مردم استان کهگیلویه و بویراحمد، بهتا پژوهش، اصفهان.

کوروش رضوانی‌فر

کوروش رضوانی‌فر، خواننده آثار فولکلوریک و مدحی استان کهگیلویه و بویراحمد، مهرماه سال ۱۳۵۰ در شهر یاسوج چشم به جهان گشود. اجرای چند برنامه مولودی نظیر «علی بی علی بی» در استودیوی مرکز صدا و سیمای استان «دنا» و همچنین انتشار چند آلبوم مرثیه‌خوانی محلی با عناوین «ماه‌هاشمی»، «یاس نینوا»، «مظلوم عالم»، «عمه زینب»، «رخش بی سوار»، «دا»، «درد گرون»، و «شرم او» که اشعار آن‌ها توسط فریدون داوری

سروده می‌شد، اسباب آوازه وی در مجامع هنری و فرهنگی استان شد و به‌طور رسمی به هنر آوازخوانی روی آورد. انتشار آلبوم «ایل احساس» که مشتمل بر ترانه‌های بومی استان کهگیلویه و بویراحمد مانند «همه هلی»، «گل نورس»، «خدای بلال»، «ایل احساس»، «داینی داینی»، «بلال بلال»، «پنج تیر پرون»، «یار یار»، «آرمون» و هنر غزل سرایی بومی فریدون داوری بود، تبدیل به نقطه عطفی در کارنامه هنری این خواننده و شاعر بومی استان شد. این اثر با استقبال مردم استان همراه شد و از آن پس در توفیق را بر روی خواننده گشود. به چند کشور اروپایی با معرفی دستگاه‌های فرهنگی و هنری برای اجرای برنامه سفر کرد و از زمان انتشار آن تاکنون بیش از صد بار در مناسبت‌های مختلف فرهنگی و هنری در استان و سایر استان‌های کشور اقبال اجرا به صورت کنسرت یافته است. این آلبوم با همکاری فریدون داوری (شاعر) امید قبادی (موسیقی) و به علیرضا شاه زیدی سال ۱۳۹۵ منتشر شد (رضایی، ۱۳۹۹: ۲۴۸ - ۲۴۹). نامبرده در تالار وحدت، کاخ سعدآباد، کاخ نیاوران، ارگ آزادی، کرمان، اصفهان، اهواز، شیراز، بندرعباس، بوشهر، بندر امام، بهبهان و یاسوج و حضور در شبکه‌های یک، دو، سه، شبکه شما، شبکه جام یک، دو، سه، شبکه تهران، شبکه افلاک، شبکه دنا، شبکه زاگرس، شبکه جهان‌بین و دیگر شبکه‌های استانی کشور به اجرای کنسرت پرداخته است. کوروش رضوانی‌فر دارای کارت صلاحیت درجه یک تدریس آواز و دارای درجه سه هنری آواز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و عضو خانه موسیقی ایران است. از افتخارات نامبرده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عرفی به عنوان چهره ماندگار عشایر ایران در فرهنگستان هنر تهران و عشایر کرمان، احراز رتبه اول در جشنواره روستا در جنوب ایران، تک‌تک خواننده‌های برتر عشایر ایران با حضور هیئت دولت در نمایشگاه بین‌المللی ایران در بهمن ماه ۹۱، خواننده فیلم سینمایی کی لهراس، مستند گبه، داستانی خروس و یک قدم تا دنا (صدا و سیمای کهگیلویه و بویراحمد، <http://yasouj.trib.ir>).

حسن غفاری

حسن غفاری، پژوهش‌گر و عکاس مردم‌نگار، نامی آشنا در پهنه فرهنگ و هنر ایران زمین است. وی در نخستین روز فروردین سال ۱۳۴۸ هنگام با برآمدن طلیعه خورشید بهار، در یاسوج چشم به جهان گشود و پس از طی کردن تحصیلات پایه در زادگاه خود، به دانشکده هنر دانشگاه تهران پیوست و در مقطع کارشناسی ارشد عکاسی فارغ التحصیل شد. غفاری بیش از سی سال است که با دوربین زندگی می‌کند، عشق می‌ورزد، می‌نویسد، بودن را معنا می‌کند و لحظه لحظه جاری عمر خود را در جام چشمان دوربینی می‌ریزد که همواره

یا بر پشت یا بر نگاه اوست. موضوع و مضمون تصاویر وی را غالباً سیمای اجتماعی و زندگی مردم ایلات و عشایر، وابستگی انسان و طبیعت، آداب و رسوم، پوشش و شیوه زندگی، نامهربانی انسان با طبیعت، مهربانی طبیعت با انسان، فقر و محرومیت تشکیل می‌دهد و به طور کلی تصاویر مفهومی و پرسش‌گر و برداشت‌هایی که در قالب و قاب خود بتواند ضمن ثبت و ضبط فرهنگ مردم با توجه به دگرگونی‌های شتابان اجتماعی، منبعی برای مطالعه پژوهش‌گران اجتماعی و نسل‌های آینده فراهم آورد.

غفاری علاوه بر آثاری فردی که منتشر کرده است، تاکنون مقالات پُر تعدادی درباره تاریخ عکاسی مستند، تاریخ عکاسی در ایران و جلوه‌های جهانگردی در مجلات و فصل‌نامه‌های پژوهشی به چاپ رسانده و در گستره ملی و استانی به دفعات نمایشگاه‌هایی با عناوین: فرهنگ ما، دو نگاه، نگاه آشنا، دریچه‌ای بر دیوار، ایل بویراحمد، یک نگاه از درون، همراه با روبان قرمز، نگاه سوم، دو نگاه موازی، زندگی سینمایی، نگاه نزدیک، کیا و پرویز پرستویی، پای خسته صورت خندان، معیشت چند هزار ساله، باور و ده‌ها نمایشگاه دیگر از سال هزار سصید و هفاد و دو تا هزار و سیصد و نود هفت برگزار کرده است. غفاری در تهیه «اطلس جامع گردشگری ایران و جهان» همکاری کرده است و آثاری هنری بی‌مانندی مانند رؤیای سرزمین چهار فصل، نفت و آفتاب، روزگار سپری شده، پنجره‌ای به سوی زندگی، و زیر بال عقابان دارد. ناصر فکوهی، در پیشگفتاری که بر اثر روزگار سپری شده نگاشته می‌گوید: «با دنبال کردن عکس‌های غفاری در زنجیره‌ای از زندگی‌های پر شور و بی‌ریا احساس زیباشناسی صمیمانه‌ای می‌کنیم و این هنر بزرگی است که عکاسی از این دست به ما عرضه می‌کند. تصاویر او ارزشی فزاینده به زندگی روزمره اما صادقانه‌ی انسان‌هایی می‌دهد که وجودشان گویای حرکت پرتوان است. عکس‌های غفاری فاقد پیچیدگی هستند و زرق و برق ندارند، اما زیبایی‌شان در شفافیت، و آرامش او در بازنمایی زندگی سخت مردمانی است که دوستشان دارد» (غفاری، ۱۳۹۵: ۴) (رضایی، ۱۳۹۹: ۳۲۵-۳۲۹).

کوکب حاتمی

کوکب حاتمی تیرماه ۱۳۳۲ در مسجدسلیمان پا به عرصه وجود نهاد. تحصیلات دوران ابتدایی را تا سطح آخر متوسطه در زادگاه خود گذراند. مقارن با سال ۱۳۵۲ که شور انقلاب در تمامی سطوح اجتماعی گسترش پیدا می‌کرد، به علت فعالیت‌های سیاسی در حالی که در سال آخر دوران متوسطه و آغاز روزگار جوانی بود، از دبیرستان به زندان افتاد و مدت پنج سال دوران سخت و رنج‌آوری را در محبس سپری کرد. پس از رهایی

از زندان مدت‌ها طول کشید تا توانست بر خاطره‌های رنج آور و دردناک زندان غلبه کند و سلامتی جسم و روح آزردۀ خود را باز یابد. حاتمی پیش از هفت سال به عنوان مشاور امور بانوان استاندار کهگیلویه و بویراحمد و رئیس کمیسیون امور بانوان صادقانه ایفای نقش کرد و در این مدت تمام تلاش او بر محور بهبود وضع زندگی و شرایط اجتماعی زنان استان کهگیلویه و بویراحمد سپری شد و در این مسیر نیز موفقیت‌هایی حاصل کرد. از بانو حاتمی آثار پُر تعدادی سروده و نوشته در قالب غزل، چهار پاره، مثنوی، مسمط، رباعی و شعر سپید بر جای مانده است. همچنین دفتری از سرودهای وی در قالب دوبیتی‌های محلی است. مضامین شعری او سرشار از داغ، درد، اندوه، وطن دوستی، مقاومت و پایداری، مدح پروردگار، بی‌پروایی، رهایی، آزادی، زندان، حسرت، خاطره‌های غبار آگین، شهید، فراق عزیزان، سکوت، فریاد، تنهایی، جلوه‌های طبیعت، جنگ و خون است. شاید پُربسامدترین واژه در سروده‌های حاتمی واژه «درد» است که ریشه در همه حسرتستان دفتر و دیوان او زده است. از مهم‌ترین آثار حاتمی: کوکب سوخته، کوکب رخشان، خلوت دل، نوای نهان، وقتی به تو می‌اندیشم، مرغک شیدا، من و یک شهر، کرکیت غم، و خاطرات نور هستند (رضایی، ۱۳۹۹: ۱۶۰ - ۱۷۲).

نورمحمد مجیدی کراییی

شاید تعجب‌آور باشد که نام نورمحمد مجیدی کراییی در فهرست اهالی برجسته فرهنگ و هنرمندان استان آمده است. اما باید گفت آثار تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این محقق تأثیری ماندگار در معرفی و شناخت ویژگی‌های مختلف مردم استان و الگوسازی برای پژوهش‌گران بعدی داشته است. نامبرده در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در لنده از توابع شهرستان کهگیلویه دیده به جهان گشود. مجیدی اندیشمند و محقق خود پروده بود که در دانشگاه ایل به مقامی ارجمند و شامخ رسید. تلاش و پوییش او در شناخت ارکان نظام ایلی و مطالعات جامعه‌شناختی وی به بار نشست و به کمک هوش سرشار و قلم شگرف و پژوهنده خود، آثار متنوعی را در زمینه فرهنگ و هنر بومی منطقه و همین‌طور تاریخ، جغرافیای طبیعی و تاریخ سیاسی و به‌خصوص معرفی ایلات و عشایر کهگیلویه و بویراحمد به سامان رساند. از مهم‌ترین آثار پژوهشی و علمی این محقق اثرگذار موارد زیر هستند: تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویراحمد، مردم و سرزمین‌های استان کهگیلویه و بویراحمد، شاپور خوره، ابر زنان ایران، اورنگ باختگان ایران، ناشکفته‌ها، ایل باستانی کراییی، آذرخش عشق در فرهنگ داستان سرایان، آثار باستانی و اسلامی شهر شیراز، یادواره نظام سنتی ایلات کوگیلویه و بویراحمد (رضایی، ۱۳۹۹: ۳۶۹ - ۳۷۷).

سیمین طاهری بویراحمدی

سیمین طاهری بویراحمدی سال ۱۳۳۶ در روستای دم چنار بویراحمد چشم به جهان گشود. بانو طاهری گرچه فرصت نیافت تحصیلات خود را در سطوح عالی دنبال کند، ولی قریحه ذاتی خود را با نوشتن آثار متعدد و ارزشمندی به رخ تاریخ فرهنگی کهگیلویه و بویراحمد کشید. وی علاوه بر نوشتن آثار داستانی و پژوهش در فرهنگ عامه دارای طبع شعر و ذوق نقاشی است و آثاری را در این زمینه‌ها خلق کرده است. نامبرده تاکنون از سوی مجامع فرهنگی و هنری متعددی مورد تکریم و تفقد قرار گرفته و کتاب فرهنگ لغات عامیانه وی به عنوان اثر برگزیده کتاب سال در بخش ادبیات عامیانه کهگیلویه و بویراحمد شناخته شد. گرچه هم اکنون مجموعه آثار داستانی او در حال چاپ است ولی برخی از این مجموعه را پیش از این به عنوان آثاری مستقل به چاپ رسانده بود. از آثار سیمین طاهری بویراحمدی علاوه بر داستان صنوبر و شهربانو و سروناز که به صورت داستانی منتشر شده‌اند، می‌توان از کتاب فرهنگ لغات عامیانه کهگیلویه و بویراحمد نام برد (پیشین: ۲۹۷ - ۲۹۹).

حسین آذرشب

حسین آذرشب، شهریور ماه ۱۳۳۹ در روستای آیرکان از توابع دهدشت کهگیلویه چشم به جهان گشود. دلیل ذکر نام آذرشب در بین اهالی برجسته فرهنگ و هنر استان این است که ایشان اقدام به جمع‌آوری افسانه‌ها و قصه‌های مردم استان کرده است. منابع فرهنگی‌ای که کمتر مورد توجه سایر نویسندگان قرار گرفته‌اند؛ منابعی که می‌توانند در عین این که بازتاب‌دهنده افکار، باورها و اندیشه‌های ناگفته و نیندیشیده مردم باشد بر زندگی روزانه و زیست اجتماعی آنها اثری ماندگار دارد. این آثار افسانه‌های مردم کهگیلویه و بویراحمد و ضرب‌المثل‌های استان کهگیلویه و بویراحمد نام دارند که در نوع خود آثاری مهم و بی‌نظیر برای شناخت فرهنگ عمومی مردم استان محسوب می‌شوند.

محسن بدره

محسن بدره در سال ۱۳۶۵ در روستای دارشاهی شهرستان دنا چشم به جهان گشود. تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود به پایان برد و با توجه به بروز استعداد و لیاقت به دبیرستان دانشگاه پیوست و با دریافت دیپلم ریاضی در رشته کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ ارتباطات دانشگاه امام صادق ادامه تحصیل داد. وی سپس در مقطع دکترای مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شد و از رساله دکترای خود با عنوان تحلیل و نقد مبانی معرفتی جریان فمینیسم اسلامی دفاع کرد. دکتر بدره با تسلط

کامل به دو زبان عربی و انگلیسی و همچنین آشنایی با فارسی تاجیکی و خوانش این زبان با رسم الخط سیریلیک تاکنون آثار معتابهی را با مشارکت همکاران علمی خود ترجمه و تألیف کرده است. مهم‌ترین آثار این محقق تخته‌پاره‌ها، درآمدی به فرهنگ ارتباطات، فهم هم‌جنس‌گرایی، مسجد پروانه، بیلدبرگی‌ها، بهم میاد، و عشق زیر روسری هستند (رضایی، ۱۳۹۹: ۴۱-۴۴).

فتحعلی بزرگمهر نژاد

فتحعلی بزرگمهر نژاد سال ۱۳۴۵ در روستای پاده بخش سرفاریاب کهگیلویه چشم به جهان گشود. ذکر ایشان در این جا به دلیل توجهی است که به یاد و خاطره شهیدان جنگ تحمیلی کرده است. زیرا شهادت و ایثار بخشی از فرهنگ و هویت معاصر ایرانیان و مردم سلحشور استان محسوب می‌شود. استانی که در بین استان‌های کشور به تناسب جمعیت، بیش‌ترین شهیدان را در جنگ هشت ساله تقدیم دفاع از خاک و میهن اسلامی کرده است. نخستین تجربه نویسندگی وی سال ۱۳۸۲ با انتشار مقاله‌ای تحت عنوان مقاومت در خندق آغاز شد و بعد از آن با انتشار بیش از پنجاه و چهار اثر به صورت گردآوری خاطرات، زندگی‌نامه و وصایای رزمندگان، شهدا و آزادگان استان کهگیلویه و بویراحمد تا سال ۱۳۹۷ ادامه پیدا کرد. افزون بر این با تألیف بیش از بیست و دو اثر در حوزه ادبیات پایداری نقش مهمی در ثبت و ضبط سهم مردم استان کهگیلویه و بویراحمد در جنگ هشت ساله ایران و عراق ایفا کرد و در تاریخ معاصر ایران به یادگار گذاشت. از جمله مهم‌ترین آثار وی عبارتند از: پهلوانان ایل احساس، ایل خورشید، پیام‌های آسمانی (رضایی، ۱۳۹۹: ۴۷-۵۱).

جمع‌بندی

در نظر گرفتن شرایط اکولوژیک، بافت اجتماعی و شکاف‌های تاریخی یک جامعه برای شناخت ویژگی‌های فرهنگی و هنری آن جامعه امری گریزناپذیر است. بر این اساس استان کهگیلویه و بویراحمد، براساس بافت اکولوژیک آن استانی چهار فصل با انواع توپوگرافی، زیست‌گونه‌های جانوری و گیاهی فراوان و متنوع و سه شیوه زیست عشایری، کشاورزی و صنعتی استانی منحصر به فرد در جنوب ایران تلقی می‌شود. براساس بافت اجتماعی این استان، استانی سرشار از باورها، آیین‌ها و آداب و رسوم و طوایف قومی گوناگون است که در عین این که با نگاهی برون‌نگرایانه تحت تأثیر برخورداری از مذهب، گویش و نام‌لری جمعیتی «همگن» محسوب می‌شود؛ با نگاه درون‌نگرایانه، دسته‌بندی‌های و شکاف‌های قومی-طایفه‌ای، گویشی، جغرافیایی و ایدئولوژیکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تمایزبخش این

جمعیت به ظاهر همگون است. بنابراین شناخت عمیق و دقیق مشخصه‌های فرهنگی و هنری این استان مستلزم توجه و ملاحظه هر دو نوع خصیصه‌های انسجام‌بخش و مشترک مردم این استان مانند (شاهنامه‌خوانی، سبک پوشش، مذهب، گویش) و ویژگی‌های تفرق‌آفرین و تمایزبخش ناشی از شکاف‌ها و چندگانگی‌های هویتی برجسته (مناطق سردسیری- گرمسیری، نام ایلات مانند طیبی و بهمئی، بویراحمدی و کهگیلویه‌ای) در درون این استان است. فصل گذشته به منظور ارائه تصویری اجمالی از همین ویژگی‌ها به توصیف برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد تدوین شده است.

بخش دوم:

گزارش توصیفی

وضعیت فرهنگی و هنری

استان کهگیلویه و بویراحمد

مقدمه

قطعا ارائه گزارش کامل و جامع شاخص‌های فرهنگی و هنری هر استانی، از جمله استان کهگیلویه و بویراحمد به دلایل متعددی اگر نه غیرممکن، دشوار و تقریباً امکان‌ناپذیر است. از جمله این دلایل می‌توان به عدم ثبت بیشتر این شاخص‌ها توسط سازمان‌های مرتبط، انجام فعالیت‌های فرهنگی یکسان یا متفاوت از سوی نهادهای مختلف و هم‌ارز در هر استان، تعاریف و تعابیر متفاوت از فعالیت‌های فرهنگی مهم و عدم همکاری بعضی از نهادها با محققان در ابعاد مختلف، به‌ویژه ارائه اطلاعات مرتبط اشاره کرد. از دیگر دلایل مهم چنین وضعیتی این است که در ایران فعالیت و نگاه علمی و پژوهشی هنوز ارج و منزلت والایی ندارد؛ به‌علاوه سازمان‌ها و نهادهای متعدد متولی و مسئول امور فرهنگی جهت دستیابی به اطلاعات و منابع علمی با نهادها، اشخاص و پژوهش‌گران علمی فاقد قدرت سازمانی، همکاری مناسب و کارآمدی ندارند.^۱

ارائه گزارش توصیفی وضعیت فرهنگی استان در این جا براساس چهار شاخص وضعیت فعلی و عملکرد اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و شهرستان‌های تابع به لحاظ ساختمان و ظرفیت اداری، نیروی انسانی، آمار و شاخص‌های کمی مرتبط با تولید

۱. این ادعاها بر تجربه شخصی چندین ساله این جانب جهت کسب اطلاعات مربوط از سازمان‌های مرتبط و عدم همکاری آن‌ها با این جانب یا دانشجویان تحصیلات تکمیلی مبتنی بوده است.

کالاها و خدمات فرهنگی در حوزه‌های مربوط به ارشاد؛ مهم‌ترین اقدامات و برنامه‌های ویژه اداره کل و واحدهای تابع و مهم‌ترین برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی و هنری در حال اجرا در استان و پتانسیل فضاها و عملکرد فرهنگی و هنری در دسترس مردم ارائه می‌شود. شایان ذکر است شاخص‌های برگزیده یادشده، براساس شاخص‌های مورد نظر کارفرما (مؤسسه پژوهشی فرهنگ و ارتباطات) انتخاب و اطلاعات مربوط به آنها با توجه به آمار و اطلاعات دریافتی از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و سایر مؤسسات مرتبط جمع‌آوری و تدوین شده است.

به منظور شناخت و ارزیابی دقیق‌تر وضعیت فرهنگی و هنری استان، مجری طرح بنا به این منطق علمی که دسترسی به اطلاعات برای شناخت وضعیت فرهنگی و هنری هر استانی لازم اما ناکافی است، به توصیف و تحلیل مقایسه‌ای وضعیت فرهنگی و هنری استان در روندی تقریباً ۱۰ ساله، همچنین مقایسه وضعیت کنونی شاخص‌های فرهنگی و هنری استان با دیگر استان‌های کشور پرداخت. مقایسه در زمانی^۱ و مقایسه هم‌زمانی^۲ دو تا از مهم‌ترین شیوه‌های مقایسه برای تحلیل و بررسی اطلاعات هستند. در مقایسه در زمانی، وضعیت فرهنگی و هنری جامعه هدف بررسی با گذشته خودش در بازه زمانی چندین سال‌های توصیف و ارزیابی می‌شود. در مقایسه هم‌زمانی، وضعیت فرهنگی جامعه هدف بررسی، به صورت هم‌زمان با واحدهای مشابه همتای خود به صورت کلی یا در شاخص‌های معینی مقایسه و رتبه و جایگاه آن استان به صورت کلی یا در شاخص‌های مورد نظر، در مقایسه با سایر استان‌ها تعیین می‌شود.

در این راستا، برای شناخت و ارزیابی دقیق وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد، مقایسه وضعیت کنونی آن استان با گذشته خودش، به علاوه مقایسه شاخص‌های فرهنگی و هنری کنونی آن با سایر استان‌ها ضروری و لازم بود. بر این اساس در این گزارش وضعیت فرهنگی و هنری استان از سه جهت متمایز معرفی و ارائه شده است: اول: وضعیت کنونی استان براساس شاخص‌های فرهنگی و هنری توصیف و ارائه شده است. دوم: وضعیت فرهنگی و هنری کنونی استان در شاخص‌های فرهنگی و هنری معینی طی روند زمانی ده ساله‌ای با گذشته استان مقایسه شده است.^۳ سوم: جایگاه وضعیت فرهنگی و هنری استان در سطح کشوری، در بعضی شاخص‌های فرهنگی و هنری

1. Diachronic

2. Synchronic

۳. قید معین بیان‌گر دو چیز است. اول مقایسه مشروط به وجود اطلاعات لازم و ضروری در بازه زمانی مورد نظر بوده است. دوم، در صورت برآورده شدن شرط اول، مقایسه تنها در شاخص‌های مورد نظر کارفرمای طرح صورت گرفته است.

تعیین و میانگین کل کشوری شاخص به همراه استان‌هایی که بالاترین یا پایین‌ترین رتبه را در شاخص مورد نظر دارند، ذکر شده است.

بر این اساس بخش‌های اساسی این گزارش را می‌توان ذیل سه بخش اصلی و چندین بخش فرعی متناسب با شاخص‌های مورد نظر کارفرما ارائه کرد:

- وضعیت فعلی فرهنگی و هنری استان
 - وضعیت فرهنگی و هنری استان در روندی زمانی
 - مقایسه و جایگاه نسبی استان کهگیلویه و بویراحمد با سایر استان‌های کشور
- براساس شاخص‌های فرهنگی و هنری

قبل از اقدام به ارائه گزارش شایان ذکر است که منابع و راه‌های کسب اطلاعات جهت تهیه این گزارش، متنوع و متفاوت بوده است. منابع اطلاعات براساس سایت اداره کل آمار و اطلاعات موجود در سال‌نامه آماری وضعیت تولید کالا و خدمات فرهنگی، سال‌نامه‌های آماری فرهنگ و هنر از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷، مراجعه حضوری به سازمان فرهنگ و ارشاد و بعضی سازمان‌های مرتبط استان بوده است. راه‌های کسب اطلاعات نیز علاوه بر فیش‌برداری از منابع نامبرده، تماس تلفنی با اداره آموزش و پرورش، کارشناسان اداره کل ارشاد استان در بخش‌های مختلف مربوطه و ستاد کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان بوده است. سازمان میراث هنری و گردشگری و کارشناس فرهنگی شهرداری استان هم اذعان کردند که وقت لازم را جهت ارائه شاخص‌ها ندارند و در کل فاقد اطلاعات لازم مربوط به شاخص‌های فرهنگی و هنری مورد درخواست کارفرما هستند.

سایت اداره کل و شهرستان‌ها

ساختمان و سایت اداره کل و شهرستان‌ها

در آذرماه سال ۱۳۵۳ اطلاعات و جهانگردی در یاسوج تأسیس شد. در همان سال نمایندگی فرهنگ و هنر که زیر نظر استان فارس بود، در استان فعالیت خود را به صورت مستقل شروع کرد. در سال ۱۳۵۵ نمایندگی فرهنگ و هنر به اداره ارتقا یافت. در آن زمان فرهنگ و هنر دارای چهار باب کتابخانه عمومی در شهرستان یاسوج- دوگنبدان- دهدشت- سی سخت و یک نمایندگی در گچساران بود. این روند به صورت مجزا تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه یافت. در سال ۱۳۵۹ فرهنگ و هنر توسط هیئت پاک‌سازی که در استان فعالیت داشتند، منحل اعلام شد. در آن زمان کل نیروی فرهنگ و هنر که ۲۶ نفر بودند به استثنای ۵ نفر به سایر ادارات منتقل شدند. در سال ۱۳۶۰ اطلاعات و جهانگردی با عنوان ارشاد اسلامی با فرهنگ و هنر بدون از واگذاری حتی کوچک‌ترین امکانات و تجهیزات

و نیروی انسانی ادغام شد. در همان سال کتابخانه‌های تعطیل شده دوباره راه‌اندازی شدند. در همان سال ابتدا اداره شهرستان گچساران تأسیس و سپس در سال ۱۳۶۱ اداره شهرستان کهگیلویه و بویراحمد تأسیس شد.

به دنبال تأسیس ادارات شهرستانی، اداره مرکز استان به اداره کل ارشاد و فرهنگ اسلامی استان تبدیل شد. به‌طور کلی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی که در واقع تلفیقی است از اداره فرهنگ و هنر و اطلاعات جهانگردی که با حداقل امکانات، فعالیت خود را در سطح استان با به‌کارگیری نیروهای اطلاعات جهانگردی و باقیمانده نیروهای فرهنگ و هنر شروع کرد.

اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کنونی استان دارای ۲۱ باب کتابخانه، سه باب ساختمان اداری و یک باب مجتمع فرهنگی و هنری جمعاً با مساحت عرصه ۴۷۰۱۰ متر مربع و زیربنای ۱۴۵۷۶ در حال فعالیت است. یک باب کتابخانه و یک باب مجتمع فرهنگی دیگر نیز در دست احداث و یک مجتمع فرهنگی نیز در شهرستان گچساران تأمین اعتبار شده است.^۱

ادارات تابعه و زیرمجموعه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ۵ اداره شامل ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان‌های بویراحمد، دنا، کهگیلویه، بهمئی و گچساران هستند. در حال حاضر کل مراکز فرهنگی و هنری استان از جمله مجتمع فرهنگی و هنری، تالار هنر، فرهنگ‌سرا، موزه هنرهای معاصر، خانه فرهنگ، خانه تئاتر و خانه مطبوعات در حال بهره‌برداری و مورد استفاده هستند. از مجموع ۱۳ مجتمع فرهنگی و هنری استان با مساحت زیربنایی ۴۹۲۱۲ متر مربع، ۱۶۶۰۳ متر مربع تکمیل و در حال استفاده؛ و ۳۳۱۴۹ متر مربع در حال ساخت است. بزرگ‌ترین مرکز فرهنگی-هنری متعلق به گچساران با ۵۰۰۰ متر مربع و ۲۸۰ صندلی و کوچک‌ترین مرکز فرهنگی هنری استان متعلق به شهرستان دنا، با ۸۵۰ مترمربع مساحت و ۲۸۰ صندلی است. تالار مرکزی شهر یاسوج به عنوان مرکز استان به مساحت زیربنای ۱۹۰۰۰ متر، مجتمع فرهنگی و هنری گچساران (پردیس فرهنگی و هنری شماره ۲ گچساران) به مساحت زیربنای ۸۰۰۰ متر با پیشرفت ۸۵ درصد و مجتمع فرهنگی و هنری لنده با مساحت زیربنای ۲۲۰۰ متر مربع و پیشرفت ۱۰ درصد نیز از دیگر مجتمع‌های در حال ساخت استان هستند. سرانه مراکز فرهنگی و هنری وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ادارات کل استانی با احتساب مراکز فرهنگی و هنری در حال بهره‌برداری و کل جمعیت شهری استان برابر با ۶۳ درصد

۱. اطلاعات این بخش برگرفته از سایت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کهگیلویه و بویراحمد است.

برای هر نفر است.^۱ در بین شهرستان‌های استان، شهرستان‌های چرام و باشت نیز فاقد مجتمع فرهنگی و هنری هستند. مشخصات کلی مراکز فرهنگی و هنری در حال استفاده و در حال ساخت شهرستان‌های استان به تفکیک در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. مشخصات فیزیکی مراکز فرهنگی هنری استان کهگیلویه و بویراحمد به تفکیک شهرستان و برخی ویژگی‌های مهم

ردیف	شهرستان	شهر	نام مرکز فرهنگی	مساحت زمین	مساحت بنا	سال شروع	سال خاتمه	وضعیت	تعداد صندلی	اعتبار هزینه شده	اعتبار مورد نیاز
۱	بویراحمد	یاسوج	یاسوج ۳	۵۷۰۰	۳۶۰۰	۷۹	۸۲	در حال استفاده	۳۶۰	۹۶۰۰	۳۰۰۰
۲	گچساران	گچساران	گچساران	۴۰۰۰	۵۱۰۰	۸۴	۹۵	"	۲۸۰	۱۸۰۰۰	۲۰۰۰۰
۳	بهمئی	لیکک	لیکک	۳۰۰۰	۱۵۵۰	۸۸	۹۵	"	۲۲۰	۹۵۰۰	۱۵۰۰۰
۴	کهگیلویه	دهدشت	کهگیلویه ۱	۴۸۸۰	۲۱۶۳	۸۴	۹۵	"	۳۰۰	۵۰۳۸۹	۶۰۰۰
۵	کهگیلویه	دهدشت	کهگیلویه ۲	۷۰۰۰	۲۸۰۰	۸۶	۹۵	"	۲۶۰	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
۶	دنا	سی سخت	دنا	۱۴۵۰	۸۵۰	۸۶	۹۴	"	۲۸۰	۱۴۰۷۵	۴۰۰۰
۷	بویراحمد	یاسوج	ساختمان اداری	۱۸۶۰	۱۵۰۰	۹۱	۹۵	غیرفعال			۳۵۰۰۰
۸	بویراحمد	یاسوج	هنرستان هنرهای زیبا	۲۳۰۰				"	۲۰۰		
۹	گچساران	گچساران	ساختمان اداری	۹۰۰				"			
۱۰	کهگیلویه	دهدشت	ساختمان اداری	۵۰۹				"			
۱۱	گچساران	گچساران	مجتمع پردیس شماره ۲	۸۲۰۰	۶۷۰۰	۹۶	۹۸	در حال ساخت	۱۴۰۰	۹۰۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰۰
۱۲	لنده	لنده	مجتمع فرهنگی و هنری	۲۸۰۰	۲۲۰۰	۹۲	۹۹	در حال ساخت	۱۱۵۰	۱۲۰۰۰۰	۲۵۰۰۰
۱۳	یاسوج	بویراحمد	تالار مرکزی فرهنگی و هنری	۱۹۰۰۰	۲۳۰۰۰	۸۷	۱۴۰۰	در حال ساخت	۵۰۰		

منبع: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد

وضعیت نیروی انسانی در مرکز و شهرستان‌های تابع

دومین شاخص مرتبط با وضعیت فرهنگی و هنری استان، نیروی انسانی این مراکز به تفکیک مدرک تحصیلی، سمت، نوع استخدام، جنسیت و... است. در کل مجموع کارمندان ادارات فرهنگی استان ۱۰۰ نفرند که در مرکز و شهرستان‌های تابع آن مشغول به کار هستند. از این تعداد افراد، ۴۴ نفر نیروی رسمی هستند که ۳۸ نفر آنان مرد و ۶ نفر زن هستند. مجموع نیروی قراردادی ادارات فرهنگ و ارشاد استان نیز ۴۸ نفرند که ۳۹ نفر از آنان مرد و ۹ نفر زن هستند. ۸ نفر نیز نیروی پیمانی هستند که شامل ۵ نفر مرد و ۳ نفر زن هستند. به طور کلی، از ۱۰۰ نفر کارمند استانی، ۸۲ درصد مرد و تنها ۱۸ درصد زن هستند.

از نظر مدرک تحصیلی یک نفر از کارکنان دارای مدرک تحصیلی زیر دیپلم، یک نفر دکترا، و سایر کارکنان دارای مدرک تحصیلی دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس هستند. بیشترین تعداد کارمندان اداره استان دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستند. از لحاظ توزیع جغرافیایی بیشترین نیروی انسانی استان (۶۳ نفر)، متعلق به یاسوج، به عنوان مرکز استان و کمترین تعداد مربوط به شهرستان چرام با یک نفر کارمند است. جزئیات ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نیروی انسانی فعلی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و شهرستان‌های تابعه، در جداول ۲ تا ۵ آمده است.^۱

جدول ۲. وضعیت نیروی انسانی ادارات فرهنگی-هنری استان به تفکیک بعضی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مهم

نوع قانون استخدامی															مشمول و غیرمشمول قانون خدمات کشوری			واحد ارقام به نفر		
نوع استخدام			پیمانی			قراردادی						جمع کل			موقت کارگری					
مدرک تحصیلی	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	مرد	جمع
کمتر از دیپلم		۱	۱					۷	۷					۱	۱			۹	۹	
دیپلم		۲	۲					۵	۵					۲	۲			۹	۹	
فوق دیپلم		۴	۴	۱		۱	۱	۶	۷					۱	۱	۲	۱۱	۱۳		
لیسانس	۳	۱۵	۱۸	۱	۱	۲	۷	۱۴	۲۱								۱۱	۴۱	۳۰	
فوق لیسانس	۳	۱۵	۱۸	۱	۴	۵	۱	۳	۴								۵	۲۷	۲۲	
دکترا		۱	۱															۱	۱	
جمع کل	۶	۳۸	۴۴	۳	۵	۸	۹	۳۵	۴۴					۴	۴		۱۸	۱۰۰	۸۲	

۱. اطلاعات این بخش براساس آمار و اطلاعات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد است.

جدول ۳. تعداد کل پست‌های مصوب به تفکیک داشتن یا نداشتن متصدی در مناطق مختلف استان

تعداد پست‌های مصوب		با تصدی		بلا تصدی		بلوکه شده برای اخذ مجوز جذب از استانداری		ستاره‌دار		تصدی‌گری قائم به فرد		مدیریتی (مدیر کل و معاون)		سرپرستی (رئیس اداره و گروه)		تعداد خروجی‌های رسمی و پیمانی از سال ۹۰ تاکنون	
مناطق کمتر توسعه‌یافته	سایر مناطق	مناطق کمتر توسعه‌یافته	سایر مناطق	مناطق کمتر توسعه‌یافته	سایر مناطق	مناطق کمتر توسعه‌یافته	سایر مناطق	مناطق کمتر توسعه‌یافته	سایر مناطق	مناطق کمتر توسعه‌یافته	سایر مناطق	مناطق کمتر توسعه‌یافته	سایر مناطق	مناطق کمتر توسعه‌یافته	سایر مناطق	مناطق کمتر توسعه‌یافته	سایر مناطق
۲۵	۵۱	۲۰	۳۰	۵	۲۱	-	-	-	۲	-	-	۴	-	۱۰	۲		۳

جدول ۴. جدول مربوط به سنوات خدمت و نوع استخدام کارکنان ادارات فرهنگی استان

مشمول و غیر مشمول قانون خدمات کشوری															واحد ارقام به نفر
سنوات خدمت			رسمی		پیمانی			کار معین		موقت کارگری		جمع کل			
زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	
۳	۱۰											۳	۲۲		۰ - ۱۰
۳	۱۳		۳	۵		۶	۱۷					۱۲	۳۵		۱۰ - ۲۰
	۶					۳	۷					۳	۱۳		۲۰ - ۲۵
	۸						۳						۱۱		۲۵ - ۳۰
	۱												۱		۳۰ به بالا
۶	۳۸	۴۴	۳	۵	۸	۹	۳۵	۴۴		۴	۴	۱۸	۸۲	۱۰۰	جمع

منبع: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد

جدول ۵. پراکندگی نیروی انسانی در مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد به تفکیک شهرستان‌ها و نوع استخدام

مرکز استان/نام شهرستان	تعداد پست‌های مصوب سازمانی		رسمی			پیمانی			قراردادی						جمع کل		
	مناطق کمتر توسعه یافته	سایر مناطق	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	کار معین			موقت کارگری			جمع	مرد	زن
									زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع			
کهگیلویه و بویراحمد (یاسوج)		۵۰	۴	۲۳	۲۷	۳	۲	۵	۶	۲۲	۲۸		۲	۲	۶۳	۴۹	۱۳
شهرستان گچساران	۵			۴	۴				۱	۴	۵				۹	۸	۱
شهرستان کهگیلویه	۵		۱	۷	۸		۲	۲	۲	۴	۶		۱	۱	۱۷	۱۴	۳
شهرستان دنا	۳			۱	۱					۲	۲		۱	۱	۴	۴	
شهرستان بهمنی	۳			۱	۱					۱	۱				۲	۲	
شهرستان لنده	۳		۱	۱	۲										۲	۲	۱
شهرستان چرام	۳			۱	۱										۱	۱	
شهرستان باشت	۳						۱	۱		۱	۱				۲	۲	
جمع	۲۵	۵۰	۶	۳۸	۴۴	۳	۵	۸	۹	۳۵	۴۴		۴	۴	۱۰۰	۸۲	۱۸

براساس داده‌های جدول ۶ می‌توان گفت فعالیت‌های فرهنگی و هنری عمده اداره ارشاد در حوزه نیروی انسانی شامل فعالیت‌های چهارگانه آموزش نیروی انسانی، اشتغال‌زایی، واگذاری مرکز فرهنگی و هنری، بزرگداشت مفاخر، مشاهیر و شخصیت‌های فرهنگی و هنری و تعداد استارت‌آپ‌های فعال در حوزه فرهنگی و هنری بوده است. این مرکز ۲ دوره آموزشی با تعداد ۱۰۰ نفر آموزش دیده برگزار کرده است. کل ساعات دوره‌های آموزشی برگزار شده ۵۶ ساعت بوده است. در طی شش ماه نخست سال ۱۳۹۸، اداره ارشاد ۴ وام خود اشتغال‌زایی و ۵ مجوز اشتغال خانگی اعطا و صادر کرده است. در این دوره ۱۰۰ جلسه بزرگداشت مشاهیر و اشخاص فرهنگی و هنری در استان برگزار شده است.

جدول ۶. فعالیت‌های فرهنگی و هنری در حوزه نیروی انسانی در ۶ ماهه اول ۱۳۹۸

ردیف	حوزه	عنوان فعالیت	تعداد/ دفعه
۱	نیروی انسانی	تعداد دوره‌های آموزش نیروی انسانی	۲
۲		تعداد نفرات آموزش دیده نیروی انسانی	۱۰۰
۳		ساعات دوره‌های آموزشی نیروی انسانی	۵۶
۴	اشتغال	مجوز اشتغال خانگی	۵
۵		تعداد وام‌های خوداشتغالی	۴
۶		آزمون‌های مهارتی	۱
		افراد استخدام شده (پیمانی، رسمی، قرارداد کار معین)	۱۰۰
۷	واگذاری مرکز فرهنگی و هنری		۱۵
۸	بزرگداشت مفاخر، مشاهیر و شخصیت‌های فرهنگی و هنری		۱۰۰
۹	تعداد استارت‌آپ‌های فعال در حوزه فرهنگی، هنری و دینی		۷
مجموع			

منبع: اداره کل ارشاد و فرهنگ اسلامی استان در نیمه اول ۱۳۹۸

تولید کالا و خدمات فرهنگی

در این بخش آمار تولید کالاها و خدمات فرهنگی استان براساس اقلام آماری موجود در سال‌نامه آماری و آمار و اطلاعات بدست‌آمده از اداره فرهنگ و ارشاد استان و سایر سازمان‌های استانی مرتبط با امور فرهنگی در شاخص‌های مجزای مورد نظر کارفرمای طرح ارائه می‌شود.

کتاب و نشر

کتاب، کتاب‌خوانی، تألیف، ترجمه و نشر کتاب از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی و هنری هر جامعه‌ای است. اهمیت کتاب و کتاب‌خوانی و امکانات زیرساختاری فرهنگی مرتبط با تأمین کتاب و فراهم کردن فضا برای مطالعه و دسترسی به کتاب بر هیچ‌کسی پوشیده نیست. بدون تردید یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته و تفاوت‌های مناطق توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته درون جوامع به امکانات زیرساختاری فرهنگی مانند تعداد کتاب‌فروشی، تعداد ناشر، تعداد مؤلفان، تعداد کتابخانه‌های

عمومی، تعداد استفاده‌کنندگان از کتاب و کتابخانه‌های عمومی و... مربوط است. مطالعه کتاب و سایر منابع خواندنی علاوه بر آن که فی‌نفسه به عنوان یک کالای فرهنگی دارای اهمیت اساسی است، می‌تواند از طریق طرح کردن جهان‌های ممکن، بازاندیشی در بعضی شیوه‌های تفکر و اندیشیدن مرسوم و در بعضی موارد نادرست و مقایسه جهان فرهنگی فرد با دیگر جهان‌های فرهنگی ممکن به رشد و ارتقای بینش افراد، گروه‌ها و در نهایت جامعه کمک کند. بدین دلیل است که امروزه میزان مطالعه به عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه فرهنگی و رفاه جوامع در نظر گرفته می‌شود. می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین نشان‌گرهای فعالیت‌های فرهنگی و هنری یک استان، فعالیت آن در حوزه کتاب و نشر است. این حوزه شامل مؤلفه‌هایی مانند تعداد کتاب‌های منتشرشده، ناشران، محافل شعر و ادب، کتاب‌فروشی‌ها، مراکز پخش، کتابخانه‌های عمومی، تعداد استفاده‌کنندگان از کتابخانه‌های عمومی و همایش‌ها، نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و مسابقات است.

آمار و شاخص‌های کمی این بخش براساس اطلاعات ارسالی کارشناس کتاب و نشر استان و اقلام آماری تعریف‌شده در فرابر و سال‌نامه آماری شامل وضعیت تولیدکالا و خدمات فرهنگی استخراج شده است. اطلاعات حوزه کتاب و نشر استان در دو بخش مجزای فعالیت‌های نشر و کتاب در سال ۱۳۹۸ و فعالیت‌های نشر و کتاب در طول ۷ سال از ۱۳۹۱ - ۱۳۹۷، به ترتیب به صورت مجزا ارائه می‌شود.

وضعیت کتاب و نشر استان در سال ۱۳۹۸

در مجموع تعداد کتاب‌های تألیف و انتشار یافته استان در سال ۱۳۹۸، ۸۳ جلد با ۹۰/۰۰۰ نسخه چاپی بوده است. به جز اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره آموزش و پرورش استان نیز اقدام به نشر ۲۵ جلد کتاب دارای شابک کرده که تعداد قابل توجهی است. بر این اساس با احتساب مجموع کتاب‌های منتشرشده دو اداره فوق می‌توان گفت در سال ۱۳۹۸، در مجموع ۱۰۸ جلد کتاب در استان انتشار یافته است.

در این سال، در کل استان ۱۱ واحد انتشاراتی، ۵۱ واحد چاپخانه، ۲۸ باب کتاب فروشی فعال و ۶۶ باب کتابخانه عمومی وجود داشته است. تعداد استفاده‌کنندگان از کتابخانه‌های عمومی استان، ۳۰۴۸۵ نفر بوده است. نسبت جمعیت استان به تعداد کتابخانه‌های عمومی ۱۰۹۷۰ نفر بوده که نسبت خیلی بالایی است. یعنی به ازای هر ۱۰۹۷۰ نفر یک کتابخانه عمومی در استان وجود دارد. در صورتی که این نسبت را از نظر چگونگی توزیع استانی امکانات کتابخانه‌ای و نشر در نظر بگیریم، بهتر می‌توانیم درمورد

وضعیت خیلی از شهرستان‌ها و نواحی استان اظهار نظر کنیم. در درون استان از ۱۱ مورد انتشاراتی بالا، ۹ مورد در شهرستان بویراحمد و ۱ مورد در شهرستان دنا قرار دارند و بقیه شهرستان‌های استان از جمله شهرستان‌های مهمی مانند کهگیلویه و گچساران فاقد انتشارات هستند. همچنین از مجموع ۵۱ چاپخانه استانی تحت نظارت ارشاد، ۲۱ واحد در شهرستان بویراحمد، ۱۳ واحد در کهگیلویه و ۶ واحد در گچساران واقع شده‌اند که ۷۸/۴۳ درصد چاپخانه‌های استان را تشکیل می‌دهند. اطلاعات مفصل‌تر شاخص‌های کتاب و نشر استان در جدول شماره ۷ آمده است.

در کنار اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل آموزش و پرورش، دانشگاه یاسوج و صدا و سیما استان نیز هر ساله در هفته پژوهش اقدام به برگزاری همایش و نمایشگاه دستاوردهای علمی، کتاب، پژوهش‌های انجام گرفته و مقالات در هفته پژوهش می‌کنند. نمایشگاه کتاب نیز توسط اداره کل ارشاد اسلامی در آبان ماه ۱۳۹۸ در محل مصلاي شهر یاسوج برگزار شده است.

جدول ۷. شاخص‌ها و ناگرهای حوزه کتاب و نشر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ک. ب نیمه اول سال ۱۳۹۸

عنوان شاخص یا ناگر	واحد	مقدار / تعداد
تعداد عناوین کتاب‌های منتشر شده	عنوان	۸۳۴
شمارگان کتاب‌های منتشر شده	هزار نسخه	۹۰۰۰۰
تعداد عناوین کتاب‌های تألیف شده	عنوان	۸۳
شمارگان کتاب‌های تألیف شده	هزار نسخه	۹۰۰۰۰
تعداد عناوین کتاب‌های ترجمه شده	عنوان	۲
شمارگان کتاب‌های ترجمه شده	هزار نسخه	۲۰۰۰
ناشران	واحد	۱۱
چاپخانه	واحد	۵۱
محافل شعر و ادب	-----	-----
کتاب‌فروشی‌ها	باب	۲۸ (فعال)
مراکز پخش	-----	-----
کتابخانه‌های عمومی	باب	۶۶

عنوان شاخص یا نماگر	واحد	مقدار / تعداد
تعداد استفاده‌کنندگان از کتابخانه‌های عمومی	نفر	۳۰۴۸۵
نسبت جمعیت به کتابخانه‌های عمومی	نفر	۱۰۹۷۰
نمایشگاه‌های کتاب	----	۲
برنامه‌های ترویجی و مسابقات کتابخوانی	---	۱۲
تعداد انجمن‌های ادبی تازه تأسیس در سال جاری (۱۳۹۸)	----	۲
نقد و بررسی و رونمایی از کتاب	---	۹
شعر	---	۱۰۰
داستان و قصه	--	۷

منبع: اداره فرهنگ و ارشاد استان ک. ب

وضعیت حوزه کتاب و نشر استان از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷

همان‌طور که گفته شد یکی از راه‌های مهم شناخت و ارزیابی هر فعالیتی از جمله فعالیت‌های فرهنگی و هنری، شناخت و ارزیابی آن در روندی زمانی و مقایسه وضعیت فعلی جامعه، بخش، سازمان یا مجموعه فعالیت‌ها با گذشته همان جامعه، بخش، سازمان یا مجموعه فعالیت‌ها است. البته آنچه می‌تواند موجب شناخت ناقص باشد عدم ثبت و گزارش مجموعه فعالیت‌های گذشته است که به نبود داده‌های کافی و مناسب برای انجام مقایسه منجر می‌شود. فقدان داده‌ها به دلایل متعددی مانند اضافه شدن فعالیت‌های فرهنگی جدید به فعالیت‌های قبلی، عدم حساسیت نسبت به بعضی شاخص‌ها در زمان گذشته یا حال، عدم تفکیک مجموعه فعالیت‌ها و... می‌تواند اتفاق بیفتد.

مهم‌تر از فقدان داده‌ها و اطلاعات، اطلاعات ناسازگار سازمان‌های گوناگون در مورد یک فعالیت واحد است که موجب سردرگمی و ابهام محقق و تحلیل‌گر اطلاعات و داده‌ها می‌شود. به منظور پیشگیری از ابهام، یادآوری اهمیت ثبت، ضبط و گزارش آمار و اطلاعات واقعی و پرهیز از داده‌سازی، اطلاعات مربوط به این بخش از گزارش براساس تفاوت منابع کسب اطلاعات ذی‌ربط، در دو بخش مجزا ارائه می‌شود. در این جا فعالیت‌های حوزه نشر و کتاب استان، از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ براساس آمار و اطلاعات دریافتی از منابع موجود ارائه می‌شود. منابع اصلی

کسب اطلاعات، دو سال‌نامه فرهنگی و هنری وزارت ارشاد (از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷) و گزارش اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه استان (از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴) بوده است.^۱ اطلاعات این دو منبع به صورت متمایز ارائه می‌شوند چون بعضی از شاخص‌های دو گزارش متفاوت بوده یا اصلاً در یکی از گزارش‌ها وجود نداشته‌اند.

در کنار منابع اصلی بالا، از کارشناسان دیگر سازمان‌ها و اداره‌های متولی امور فرهنگی نیز اطلاعاتی کسب شد که در بعضی جاها از آن‌ها استفاده شده است. در ضمن مجری طرح، جهت کسب اطلاعات فرهنگی و هنری استان طی ۱۰ سال گذشته با کارشناسان اداره ارشاد استان، کانون مساجد استان، اداره آموزش و پرورش و معاونت فرهنگی شهرداری استان تماس گرفت اما کارشناسان مربوطه بیان کردند یا اطلاعاتی درخصوص کمیت و کیفیت شاخص‌های فرهنگی و هنری در بازه ۱۰ ساله گذشته ندارند یا این که آنها این اطلاعات را ثبت و ضبط نکرده‌اند.

درخصوص عناوین و شمارگان کتاب‌های تألیف و ترجمه منتشر شده استان، می‌توان گفت در سال ۱۳۹۵ تعداد کل کتاب‌های تألیفی استان ۸۰ عنوان و تعداد عناوین ترجمه‌ای استان ۸ عنوان؛ در سال ۱۳۹۶، این ارقام، به ترتیب، ۸۷ و ۵ عنوان، و در سال ۱۳۹۷، به ترتیب، ۴۴ و ۱ عنوان بوده‌اند. بنابراین می‌توان گفت از سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷، در دو حوزه تألیف و ترجمه استانی، ما شاهد نوعی رکود محسوس و تقریباً ۵۰ درصدی در استان بوده‌ایم (جدول ۸). طی سه سال یادشده، تعداد ناشران استانی از ۷ ناشر در سال ۱۳۹۵، به ۴ ناشر در سال ۱۳۹۶ و ۵ ناشر در سال ۱۳۹۷ رسیده است. در ضمن، از نظر جنسیتی همه ناشران فعال استانی مرد بوده‌اند و زنان هیچ گونه فعالیتی در حوزه نشر نداشته‌اند.

جدول ۸. تعداد عناوین و شمارگان کتاب‌های منتشر شده استانی به تفکیک نوع اثر از ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷

سال	شاخص	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷
تألیف	عنوان	۸۰	۸۷	۴۴
	شمارگان	۷۸۸۰۰	۹۵۴۰۰	۴۷۵۰۰
ترجمه	عنوان	۶	۵	۱
	شمارگان	۶۴۰۰	۵۰۰۰	۱۰۰۰

منبع: سال‌نامه فرهنگ و هنر

۱. گزارش شاخص‌های فرهنگی و هنری سازمان برنامه و بودجه در پایان هریک از بخش‌های چهارگانه کتاب و نشر، مطبوعات و رسانه، هنر و سینما و حوزه قرآن و عترت آمده است.

براساس داده‌های جدول ۱۷ درخصوص شاخص‌های نشر و کتاب در طی دوره ۷ ساله‌ی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ می‌توان گفت تعداد کتابخانه‌های عمومی استان از ۵۶ باب در سال ۱۳۹۱، به ۷۴ باب در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته‌اند؛ با این وجود نسبت تعداد کتاب به اعضا، از ۷۰۲۳ نفر به ۱۱۴۰۹ نفر کاهش یافته است. یعنی اگر در سال ۱۳۹۱ به ازای هر ۷۰۲۳ نفر یک کتاب در کتابخانه‌های عمومی استان وجود داشته، در سال ۱۳۹۷ این نسبت به وضعیت هر ۱۱۴۰۹ نفر یک کتاب رسیده است. بنابراین افزایش صرف کتابخانه‌های عمومی استان نمی‌تواند به تنهایی شاخص مناسبی برای ارزیابی وضعیت استفاده از این کتابخانه‌ها باشد.

براساس اطلاعات جدول هر چند تعداد مراجعه‌کنندگان به کتابخانه‌های استان از ۱۰۸۰۵ نفر در سال ۱۳۹۱ به بیش از ۷۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ رسیده؛ اما این تعداد در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ حدود ۲۰/۰۰۰ نفر کاهش یافته است. این در حالی است که تعداد کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی استان روندی افزایشی داشته و از ۴۹/۲۰۳ نسخه در سال ۱۳۹۱ به بیش از ۵۸ هزار در سال ۱۳۹۶ و بیش از ۵۳ هزار نسخه در سال ۱۳۹۷ رسیده است.

براساس اطلاعات جدول شماره ۹ رشد کتاب‌های تألیف شده در کل و در حوزه کودک و نوجوانان امیدوارکننده و افزایشی بوده است. براساس شاخص مربوطه، در سال ۱۳۹۱ عناوین کتاب‌های منتشره در این حوزه ۲۰ عنوان بوده که این تعداد در سال ۱۳۹۶ به ۱۶۵ عنوان و در سال ۱۳۹۷ به ۸۰ عنوان رسیده است.

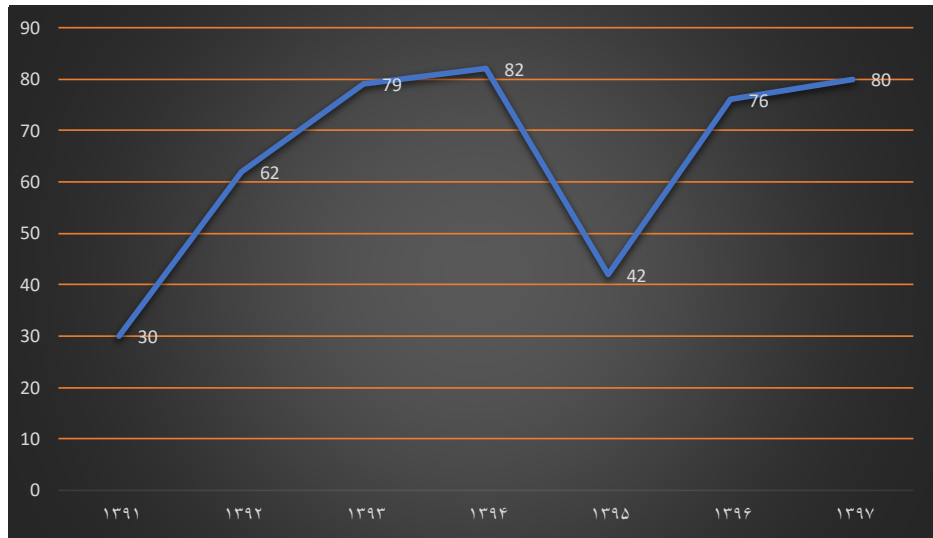
رشد کتاب‌های منتشر شده براساس سال مبنای ۱۳۹۱ در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، به ترتیب، ۷۲۵ و ۳۰۰ درصد بوده است. در حوزه کودک و نوجوان براساس سال مبنای ۱۳۹۱، کتاب‌های منتشر شده در سال ۱۳۹۶، رشد افزایشی ۱۲۰۰ درصدی داشته است. دو شاخص مهم فرهنگی و هنری دیگر در این حوزه تعداد چاپخانه‌های استان و تعداد مؤلفان هستند که تعداد چاپخانه‌ها از ۴۱ واحد در سال ۱۳۹۱ به ۵۴ واحد در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. تعداد مؤلفان نیز از ۳۰ نفر در سال ۱۳۹۱ به ۸۰ نفر در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. تعداد مؤلفان استانی طی هفت سال مزبور تقریباً ۱۶۷ درصد افزایش یافته است. البته روند این رشد در سال‌های گذشته صعودی نبوده است، برای مثال تعداد مؤلفان استانی از ۳۰ مؤلف در سال ۱۳۹۱ به تعداد ۸۲ نفر در ۱۳۹۴؛ و سپس بعد از افتی محسوس در سال ۱۳۹۵ (۴۲ نفر)، به ۸۰ نفر در سال ۱۳۹۷ رسیده است (جدول ۹).

جدول ۹. شاخص‌های فرهنگی و هنری مربوط به حوزه کتاب و نشر استان کهگیلویه و بویراحمد از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷

ردیف	عنوان	واحد	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷
۱	کتابخانه‌های عمومی (نهادی مشارکتی)	باب	۵۶	۵۹	۶۷	۶۸	۷۰	۷۵	۷۴
۲	نسبت تعداد کتاب به اعضا (نهادی مشارکتی)	کتاب-عضو	۷۰۲۳	۱۲۰۴۷	۱۳۰۰۶	۱۵۰۲۳	۱۶۰۰۰	۱۴/۶	۱۱۰۴۹
۳	تعداد مراجعان به کتابخانه‌ها (نهادی مشارکتی)	هزار نفر	۱۰۸۰۵	۶۹۵۰۸	۷۱۱۰۵	۷۰۱۰۸	۷۰۶۰۰	۵۲۰/۶	۵۲۳۱۶۰
۴	کتاب موجود کتابخانه‌های عمومی (نهادی مشارکتی)	هزار نسخه	۴۹۲۰۳	۵۰۰۹۰	۵۲۶۰۷	۵۳۸۰۳	۵۴۲۳۰	۵۸۳/۹	۵۳۳۳۱۰
۵	تعداد اعضای کتابخانه‌های عمومی	هزار نفر	۶۸	۴۰۰۸	۴۰۰۳	۳۵۰۱	۳۶۰۰	۴۰	۴۶۴۲۶
۶	تعداد عناوین کتاب‌های منتشر شده	عنوان	۲۰	۲۲	۲۴	۲۳	۲۵	۱۶۵	۸۰
۷	شمارندگان کتاب‌های منتشر شده	جلد	۱۶۰۰۰	۶۰۰۰۰	۷۲۰۰۰	۸۱۰۰۰	۸۲۰۰۰	۱۶۵۰۰۰	۹۶۰۰۰
۸	تعداد عناوین کتاب‌های منتشر شده کودک و نوجوانان	عنوان	۱	۲	۵	۵	۴	۱۳	۴
۹	تعداد شمارگان کتاب‌های منتشر شده کودک و نوجوانان	جلد	۱۰۰	۲۰۰۰	۴۵۰۰	۵۵۰۰	۵۷۰۰	۱۳۰۰۰	۴۸۰۰
۱۰	چاپخانه‌های استان	تعداد	۴۱	۴۵	۴۵	۴۶	۴۷	۴۹	۵۴
۱۱	تعداد مؤلفان	نفر	۳۰	۶۲	۷۹	۸۲	۴۲	۷۶	۸۰

منبع: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان

نکته قابل توجه ناسازگاری آمار و اطلاعات انتشار یافته در دو منبع متفاوت سال‌نامه اطلاعات فرهنگ و هنر و گزارش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان است. در این‌جا اطلاعات هر دو منبع جهت آگاهی از وضعیت شاخص‌های فرهنگی و هنری استان ارائه شده است. منبع اطلاعات همه نمودارها اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوده است.



نمودار ۱ - نمودار میله‌ای فراوانی تعداد مؤلفان استان کهگیلویه و بویراحمد از ۱۳۹۱ - ۱۳۹۷

از نظر ماهیت کتاب‌های ارائه شده تعداد کتاب‌های مربوط به کودک و نوجوانان در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۱، رشدی ۱۳ برابری داشته و از ۱ عنوان کتاب در سال ۱۳۹۱ به ۱۳ عنوان در سال ۱۳۹۶ رسیده که رشد قابل توجهی است. اما این رشد افزایشی از سال ۱۳۹۶ به سال ۱۳۹۷ روند کاهشی شدیدی داشته و به تعداد ۴ عنوان کتاب نزول پیدا کرده است.

دیگر شاخص مهم حوزه نشر و کتاب، تعداد کتابخانه‌های عمومی و اعضای کتابخانه و کتاب‌های موجود در آنها است. کتابخانه عمومی کتابخانه‌ای است که بدون در نظر گرفتن سن، تحصیلات، شغل، جنسیت، ملیت، مذهب و... می‌تواند با گذاشتن منابع مناسب در دسترس کاربرانی از تمام اقشار به رشد و نهادینه شدن فرهنگ مطالعه در جامعه کمک کند. اهمیت کتابخانه عمومی این است که در مواقعی که افراد، به دلایل گوناگونی، توانایی یا تمایل چندانی به خرید کتاب ندارند یا امکان خرید کتاب‌های گوناگون برایشان فراهم نیست، می‌توانند منابع مورد نیاز افراد در رده‌های تحصیلی و پژوهشی متفاوت را فراهم کنند. به علاوه، چنین فضایی می‌تواند مکان مناسبی را برای مطالعه گروه‌های مختلف تحصیلی فراهم کند. درخصوص اهمیت کتابخانه‌های عمومی همین بس که بخشی از مفاد مطروحه در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به تجهیز و ارتقای کتابخانه‌های عمومی اختصاص داده شده است. مهم‌تر این که کتابخانه‌های عمومی غیرمستقیم می‌تواند مردم را به کتاب‌خوانی و حضور در فضاهای فرهنگی تشویق کرده و

از این طریق به احساس تعلق، تعهد و انسجام فرهنگی نیز کمک کند. در کل کتابخانه عمومی مکان و فضایی عمومی در دسترس افراد و گروه‌های مختلف جامعه قرار می‌دهد. براساس گزارش سال‌نامه اطلاعات فرهنگی و هنری کشور، تعداد کتابخانه‌های عمومی استان از ۶۴ باب در سال ۱۳۹۵ به ۷۴ باب در سال ۱۳۹۷ رسیده است. تعداد کتابخانه‌های عمومی استان در سال ۱۳۹۱، ۵۶ باب، در سال ۱۳۹۵، ۵۹ باب و در سال ۱۳۹۴ به ۶۸ باب افزایش یافته است (جدول ۱۰). همچنین تعداد اعضای کتابخانه‌های عمومی از ۳۲/۲۷۶ نفر در سال ۱۳۹۵، به ۴۰/۳۸۳ نفر در سال ۱۳۹۷ رسیده است. نکته جالب توجه این است که تعداد کتاب‌های موجود از ۵۴۰/۳۵۱ عنوان در سال ۱۳۹۵، روندی کاهشی داشته و در سال ۱۳۹۷، به ۵۲۴/۰۲۸ عنوان کاهش یافته است.^۱ براساس آمار همین سال‌نامه، استان در سال ۱۳۹۵ دارای ۴ سالن چندمنظوره بوده اما در سال ۱۳۹۷ هیچ سالن چند منظوره‌ای نداشته است [!؟].

جدول ۱۰. تعداد کتابخانه‌های عمومی، اعضای کتابخانه و کتاب‌های موجود در آن از ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷^۲

۱۳۹۵		۱۳۹۶	۱۳۹۷
کتابخانه	۶۴	۷۱	۷۱
اعضا	۳۲۲۷۶	۴۰۴۹۳	۴۰۳۸۳
کتاب موجود	۵۴۰۳۵۱	۵۰۵۲۵۹	۵۲۴۰۲۸

منبع: سال‌نامه آماری فرهنگ و هنر

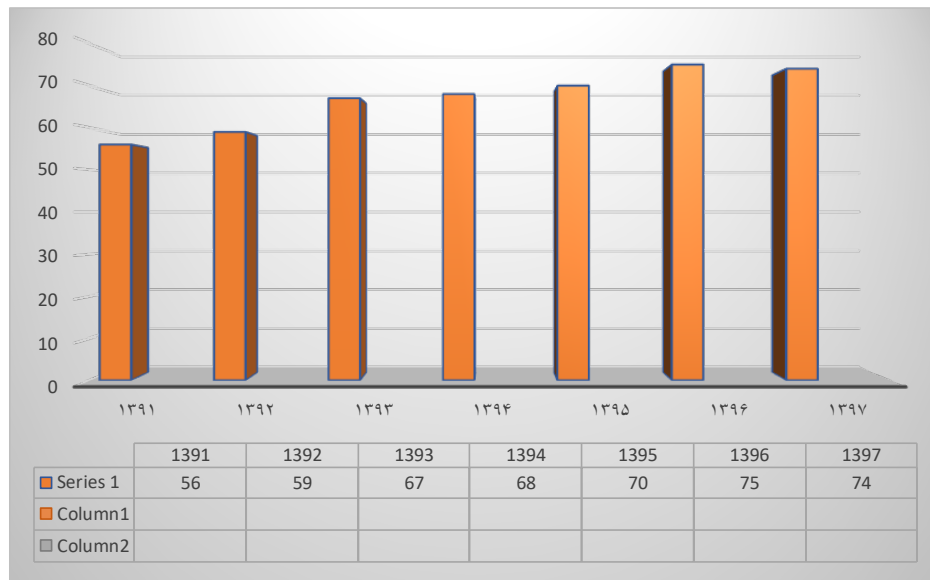
برای بررسی دقیق‌تر شاخص‌های سه گانه تعداد کتابخانه‌های عمومی، اعضای کتابخانه و کتاب‌های موجود از اطلاعات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان استفاده شد. همان‌طور که گفته شد این اطلاعات مربوط به بازه زمانی ۷ ساله‌ای است که از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ را دربر می‌گیرد. هر چند مهم‌ترین نکته در تمام اطلاعات نا همخوانی اطلاعات منتشره سال‌نامه اطلاعات فرهنگی و هنری کشور با اطلاعات منتشر یافته اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ درخصوص بعضی شاخص‌هایی است که در هر دو منبع ارائه شده‌اند. بررسی صحت و سقم این داده‌ها مسئله‌ای جدی است، اما انجام و بحث و بررسی آن مستلزم تلاشی مجزا و پی‌گیری همه‌جانبه نهادهای متولی است. ضمن این که مجری می‌داند بدون صحت اطلاعات هر

۱. مجری طرح با مقایسه اعداد و تعجب از روند کاهشی یادشده، دو مرتبه اعداد و ارقام مربوط به دو سال را کنترل کرد و از صحت اطلاعات و روند کاهشی یاد شده براساس گزارش‌ها اطمینان حاصل کرد.

۲. مأخذ اصلی داده‌های ۱۳۹۵ - ۱۳۹۷ گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد بوده که از اداره کل فرهنگ و ارشاد و اداره کتابخانه‌های عمومی استان دریافت شده است.

گونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی راه به جایی نمی‌برد و ناقص است؛ اما در این‌جا ما به ارائه اطلاعات و آمار مربوطه می‌پردازیم.

براساس اطلاعات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، تعداد کتابخانه‌های عمومی استان از ۵۶ باب در سال ۱۳۹۱ به ۷۴ باب در سال ۱۳۹۷ رسیده است. یعنی در طول ۷ سال ۱۴ باب کتابخانه عمومی به مجموع کتابخانه‌های عمومی استان اضافه شده است (نمودار ۳). منبع اطلاعات تمام نمودارها اطلاعات دریافتی از اداره فرهنگ و ارشاد استان بوده است.

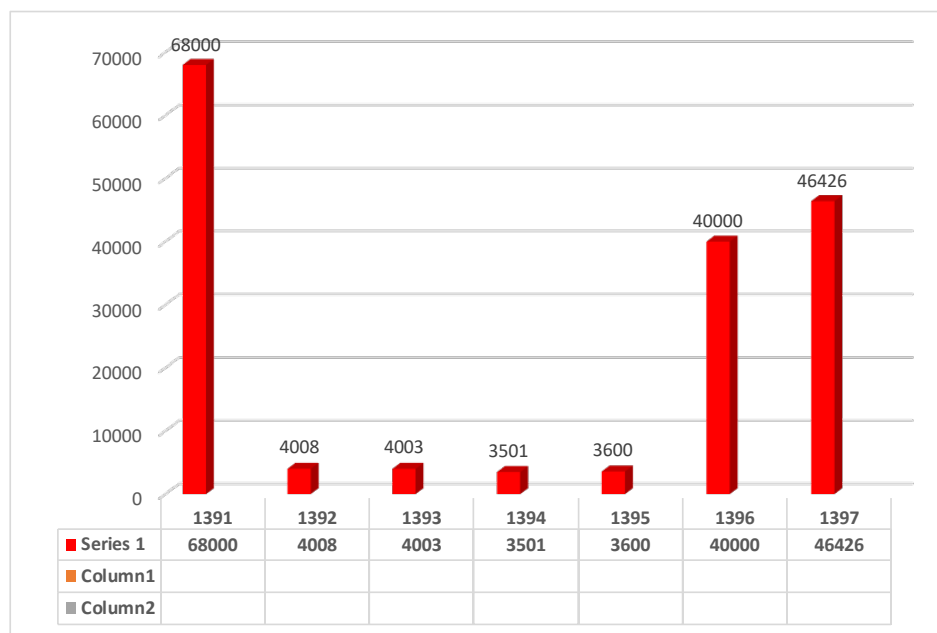


نمودار ۳- تعداد کتابخانه‌های عمومی استان کهگیلویه و بویراحمد از ۱۳۹۱ - ۱۳۹۷

مهم‌تر از تأسیس و ساخت فیزیکی کتابخانه‌های عمومی، استفاده از کتابخانه‌های عمومی است که در نرخ مراجعه عملی مردم و گروه‌های مختلف جامعه به کتابخانه‌های عمومی تبلور می‌یابد. بنابراین مهم‌تر از شاخص تعداد کتابخانه‌ها، تعداد و میزان مراجعان به کتابخانه‌های عمومی است. تعداد اعضای کتابخانه‌های عمومی استان تا حدی می‌تواند بیان‌گر استقبال مردم از کتاب و کتاب‌خوانی افراد آن جامعه باشد.

همان‌طور که در نمودار شماره ۴ می‌بینیم در سال (۱۳۹۱) شصت و هشت هزار نفر عضو کتابخانه‌های عمومی استان بوده‌اند. این تعداد در سال‌های بعد تا سال ۱۳۹۵ با روند کاهشی شدیدی مواجه شده و به عدد ۳۶۰۰ نفر تقلیل پیدا کرده است. اما در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، تعداد اعضای کتابخانه‌های عمومی استان مجدداً افزایش و

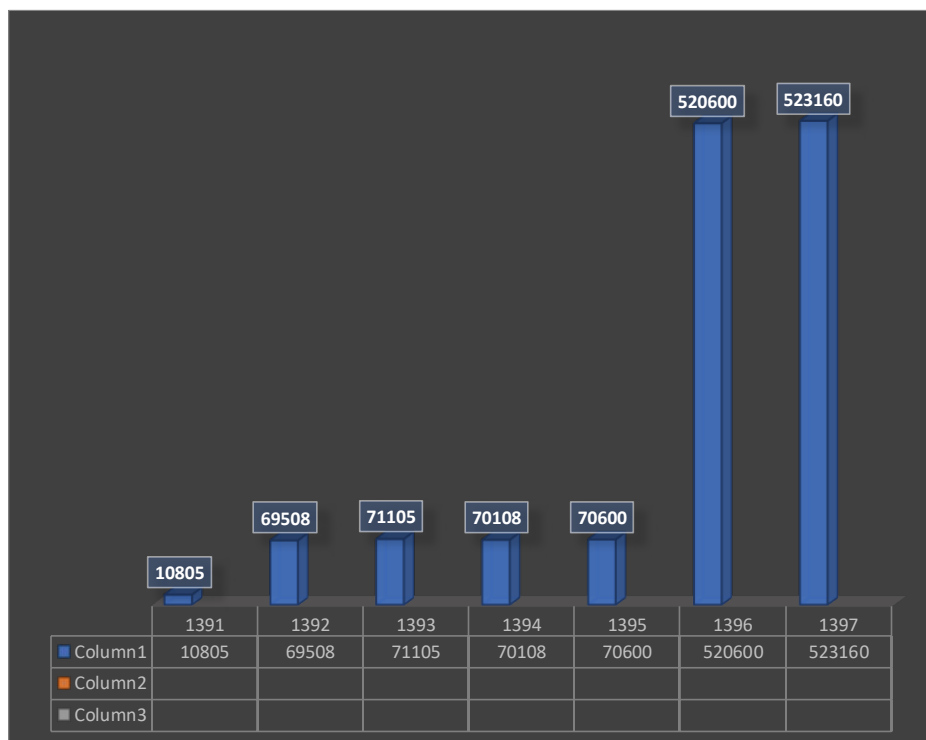
به تعداد ۴۶۴۲۶ نفر رسیده است. بنابراین براساس این آمار و ارقام می‌توان گفت الزاماً تعداد بیشتر زیرساخت‌های عمومی فرهنگی مانند افزایش تعداد کتابخانه‌های عمومی به معنای افزایش استفاده مردم از این امکانات نیست.



نمودار ۴- تعداد مراجعان به کتابخانه‌های عمومی استان از سال ۱۳۹۱ - ۱۳۹۷

براساس شاخص تعداد مراجعان به کتابخانه‌های عمومی استان داده‌های اداره فرهنگ و ارشاد استان بیان‌گر رشد تقریباً ۵ برابری تعداد مراجعان به کتابخانه‌های عمومی از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ است. بدین ترتیب که تعداد مراجعان به کتابخانه‌های عمومی از ۱۰/۸۰۵ نفر در سال ۱۳۹۱ به ۵۲۰/۶۰۰ نفر در سال ۱۳۹۶ و ۵۲۳/۱۶۰ نفر در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است.

می‌توان گفت با افزایش تعداد کتابخانه‌های عمومی تعداد مراجعان به کتابخانه‌ها هم رشدی چشم‌گیر داشته است. وضعیت روند مراجعه به کتابخانه‌های عمومی استان از سال‌های ۱۳۹۱ - ۱۳۹۷ در نمودار شماره ۵ به تصویر کشیده شده است. با مقایسه نمودار عضویت در کتابخانه‌های عمومی و نمودار تعداد مراجعان به کتابخانه‌های عمومی استان می‌توان گفت روند این دو شاخص در جهت یکدیگر هستند. بدین ترتیب که هر چه از سال ۱۳۹۱ به سمت سال‌های پایانی دهه ۱۳۹۰ پیش می‌رویم تعداد مراجعان به کتابخانه‌ها به میزان زیادی افزایش می‌یابد اما از تعداد عضویت آنها در کتابخانه‌های عمومی به نحو چشم‌گیری کاسته می‌شود.



نمودار ۵- تعداد مراجعان به کتابخانه‌های عمومی استان کهگیلویه و بویراحمد از ۱۳۹۱ - ۱۳۹۷

از دیگر شاخص‌های مهم حوزه نشر و کتاب، تعداد کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی و کتاب‌هایی است که بالقوه می‌تواند در دسترس افراد قرار بگیرد. براساس نتایج تحقیقات تجربی و فرهنگ عامه رایج می‌توان گفت هزینه خرید کتاب هیچ جایگاهی در سبد هزینه‌ای اکثر قریب به اتفاق خانه‌های ایرانی به‌ویژه مناطق کمتر توسعه‌یافته و محروم ندارد. مهم‌تر آن‌که در چند سال اخیر افزایش نسبی قیمت کالاهای فرهنگی بر عدم تمایل و ناتوانی اکثر مردم به خرید کالاهای فرهنگی از جمله کتاب افزوده است. از این‌رو دولت و نهادهای دولتی می‌توانند با تهیه، تأمین و افزایش تعداد کتاب‌های کتابخانه‌های عمومی این خلا فرهنگی را تا حدی جبران کرده، به رشد و ارتقای دسترسی به کتاب و گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی کمک کند.

روند رشد تعداد کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های استان از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ نسبتاً ثابت و کمی افزایشی بوده است. اما از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۶ تقریباً تعداد کتاب کتابخانه‌های عمومی استان ۱۰ برابر افزایش یافته که رقم قابل توجهی است (از ۵۴/۲۳۰ به ۵۸۳/۹۰۰ تعداد کتاب). بر عکس در سال ۱۳۹۷ تعداد کتاب‌های کتابخانه‌های

عمومی استان بیش از ۵۰ هزار نسخه کاهش می‌یابد که نکته قابل توجهی است. با این وجود براساس سال مبنای ۱۳۹۱، می‌توان گفت تعداد کتاب‌های کتابخانه‌های عمومی استان از ۴۹/۲۰۳ نسخه ۱۳۹۱ به ۵۳۳/۳۱۰ کتاب در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است که بیان‌گر رشدی افزایشی و تقریباً ۱۲ برابری است.

شاخص‌های تعداد کتابخانه‌های عمومی یا تعداد مراجعه‌کنندگان به کتابخانه‌ها به تنهایی نمی‌توانند شاخص مناسب و دقیقی برای ارزیابی وضعیت ویژگی‌های فرهنگی یا فرهنگ کتابخوانی مردم یک جامعه باشد. در کنار این شاخص‌ها توجه به شاخص مهم و گویاتر، تعیین نسبت تعداد کتاب‌ها به اعضای یک جامعه فرضی اهمیتی اساسی دارد. از این‌رو، نسبت تعداد کتب کتابخانه‌ها به اعضا، برای تصمیم‌گیری و قضاوت پیرامون کیفیت روند سیاست‌گذاری فرهنگ کتابخوانی و سرمایه‌گذاری فرهنگی شاخص مهمی است.

نسبت تعداد کتاب‌ها به اعضای کتابخانه‌های استان، در سال ۱۳۹۱، در حدود ۷/۰۲۳ نفر بوده است که این نسبت با تشدید و تقلیل قابل ملاحظه به ۱۱/۴۰۹ نفر در سال ۱۳۹۷ رسیده است. یعنی به ازای هر نفر ۱۱/۴۰۹ نفر عضو کتابخانه عمومی در استان یک کتاب در کتابخانه‌های عمومی این استان وجود داشته است. اوج کاهش این نسبت در سال ۱۳۹۵ بوده که نسبت تعداد کتاب به تعداد اعضای کتابخانه‌ها رشد کاهشی ۱۲۷/۸۲ درصدی داشته است. در این سال نسبت تعداد کتاب کتابخانه‌های عمومی استان به تعداد اعضا، ۱۶/۰۰۰ عنوان بوده است. این نسبت هر چند تا سال ۱۳۹۷ با تعداد ۱۱/۴۰۹ کتاب به ازای هر نفر بهبود نسبی یافته؛ با این وجود هنوز هم نسبت به سال ۱۳۹۱، رشد کاهشی ۵۷/۳۲ درصدی داشته است. این نسبت نابرابر نسبتاً تصاعدی تعداد کتاب به ازای افراد می‌تواند ناشی از رشد بیش از حد جمعیت به خاطر زاد و ولد، به‌ویژه مهاجرت به درون استان، باسواد شدن اکثر افراد جامعه استانی و مراجعه به کتابخانه‌های عمومی و خرید کتاب کمتر برای کتابخانه‌های عمومی در سال‌های اخیر باشد.

از مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش‌های حوزه فرهنگ، شاخص چاپ و چاپخانه است. چاپ به فن و صنعت تکثیر نقوش دو بعدی (حروف، ارقام، خطوط و تصاویر و...) به وسیله انداختن اثر این نقوش به روی کاغذ و پارچه یا مواد دیگر گفته می‌شود. بنا به اهمیت چاپ روز ۱۱ شهریور در ایران به عنوان روز صنعت چاپ نام‌گذاری شده است. صنعت، فنون و قطع چاپ متأثر از رشد و نوآوری تکنولوژی پا به پای علوم ارتباطات

در معرض پیشرفت تکنیک، سرعت، تغییر مواد و فضای مورد نظر است. در سال‌های اخیر کاربرد کامپیوتر تحولی حیرت‌انگیز در این صنعت به وجود آورده است. چاپ در سه عرصه هنری، صنعتی و فرهنگی جامعه تأثیرگذار است که این نشان از اهمیت و جایگاه آن دارد. امروزه با دیجیتالی شدن تولید و نشر اطلاعات هر چند صنعت چاپ با رقیبی جدید و قوی مواجه شده است؛ اما ویژگی‌های خاص چاپ و محتوای چاپی مانند تمرکز و ثبات و پایداری، آن را به رسانه‌ای منحصر به فرد تبدیل می‌کند.

از نظر وضعیت صنعت چاپ، استان کهگیلویه و بویراحمد وضعیت در حال رشدی را تجربه می‌کند. براساس فراوانی تعداد چاپخانه‌ها، می‌توان گفت تعداد چاپخانه‌های استان از ۴۱ واحد در سال ۱۳۹۱ به ۵۴ واحد در سال ۱۳۹۷ رسیده است. رشدی که به صورت خام و بدون در نظر گرفتن دیگر شاخص‌های مهم مانند رشد جمعیت، رشدی ۳۱/۷۰ درصدی است.

مطبوعات و رسانه

دومین مقوله فرهنگی-هنری عمده به حوزه مطبوعات و رسانه‌ها مربوط است که شامل شاخص‌های رسانه‌های چاپی، رسانه‌های الکترونیکی، مجوز رسانه‌های چاپی و الکترونیکی، کانون‌های تبلیغاتی، خبرگزاری‌ها (و نمایندگی‌ها)، پایگاه‌های خبری، دکه‌های مطبوعاتی، مؤسسه‌های مطبوعاتی و انجام‌های مرتبط، همایش‌ها، نمایش‌گاه‌ها، جشنواره‌ها و مسابقات است. براساس ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات، منظور از مطبوعات و رسانه، کلیه رسانه‌های چاپی (مطبوعات) و الکترونیکی شامل برخط (خبرگزاری و پایگاه‌های خبری) و غیربرخط (انواع حامل‌های داده) است. براساس ماده ۲ این آیین‌نامه، رسانه‌های چاپی (مطبوعات) و رسانه‌های الکترونیکی غیربرخط به لحاظ زمان انتشار منظم می‌توانند با یکی از فواصل زمانی روزی یک‌بار (روزنامه)، هفته‌ای یک‌بار (هفته‌نامه)، ماهی یک‌بار (ماه‌نامه)، سه ماه یک‌بار (فصل‌نامه)، شش ماه یک‌بار و سالی یک‌بار (سال‌نامه) منتشر شوند.^۱

در این بخش نیز وضعیت مطبوعات و رسانه استان در دو بخش فرعی و مجزای وضعیت مطبوعات و نشریات استانی در سال ۱۳۹۸؛ و وضعیت آنها در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۷ اراده می‌شود.

وضعیت مطبوعات و رسانه‌ها در سال ۱۳۹۸

لازم به ذکر است که در این جا تنها آن شاخص‌های مطبوعات و رسانه‌هایی ارائه شده‌اند

۱. سایت رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی، قوانین و مقررات، آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات (۱۳۹۵).

که درخصوص آنها اطلاعات و آمار ارائه شده وجود دارد. اطلاعات این بخش از کارشناس مطبوعات و رسانه‌های استان دریافت شده است. براساس اطلاعات دریافتی در کل ۱۲۷ رسانه چاپی در استان وجود دارد که از این تعداد ۷۰ درصد (۸۹ مورد) رسانه‌های الکترونیکی برخط هستند. کل کانون‌های تبلیغاتی استان ۲۵ مورد هستند. تعداد پایگاه‌ها و خبرگزاری‌های استان، ۱۳۴ واحد است که ۹۱ مورد از آنها پایگاه‌های خبری، و ۳۰ مورد نمایندگی روزنامه‌های سراسری در استان هستند. مجموع همایش‌ها و جشنواره‌های مطبوعاتی برگزار شده در استان ۵۵ مورد بوده است (جدول شماره ۲ - ۷).

در سطح استان ۵ روزنامه، ۱۷ مورد هفته‌نامه، ۱۰ مورد ماه‌نامه، فصل‌نامه و دوفصل‌نامه وجود دارد. در مجموع ۳۲ رسانه مطبوعاتی روزانه، هفتگی، ماهیانه و فصل‌نامه و دو فصل‌نامه‌ای در استان وجود دارد. از نظر توزیع جغرافیایی از این تعداد، هر ۵ روزنامه (۱۰۰ درصد)، ۱۱ مورد هفته‌نامه (۶۴/۷۰ درصد) و از ۹ ماه‌نامه، فصل‌نامه و دوفصل‌نامه، ۸ مورد (۸۸/۹ درصد) در یاسوج هستند. براساس اطلاعات انتشار یافته، تعداد شمارگان و عناوین مجله‌ها و مطبوعات در دو فصل پاییز و بهار با هم تفاوت دارند. در بهار ۱۳۹۸، تعداد عناوین نشریات، تعداد عناوین مطبوعات انتشار یافته و تعداد عناوین مجله‌های استان به ترتیب، ۳۵، ۱۲۰ و ۰ عنوان بوده است. اما در فصل پاییز تعداد عناوین نشریات، تعداد عناوین مطبوعات انتشار یافته، و تعداد عناوین مجله‌های استان، به ترتیب، ۳۷، ۱۲۵ و ۷ مورد بوده‌اند.

در سال ۱۳۹۸، در کل استان، ۱۳۴ پایگاه خبرگزاری وجود دارد که تعداد ۹۱ مورد از آنها پایگاه‌های خبر و ۳۰ مورد نمایندگی روزنامه‌های سراسری در استان هستند. تعداد همایش‌ها، نمایشگاه و جشنواره مطبوعاتی برگزار شده در استان ۵۵ مورد بوده است. به مرور زمان و با رشد فناوری‌های نوین و گسترش فضای مجازی و رسانه‌های الکترونیک، تعداد رسانه‌های برخط و بنابراین مخاطبان این رسانه‌ها در استان زیاده‌تر شده است. در حال حاضر از مجموع ۱۲۷ رسانه چاپی استان، ۶ رسانه غیربرخط و ۸۹ مورد رسانه‌های الکترونیکی برخط هستند.

بر این اساس می‌توان گفت توزیع جغرافیایی انتشارات مطبوعاتی در استان به شدت نابرابر و اکثریت این انتشارات در مرکز استان متمرکز هستند (جدول شماره ۱۲). علاوه بر رسانه‌های یادشده، آموزش و پرورش استان نیز در هفته معلم اقدام به چاپ نشریه‌ای به نام معلم در سطح استان می‌کند. به علاوه پایگاه خبری پانا نیز متعلق به آموزش و

پروژه و تحت نظارت سازمان دانش‌آموزی استان است.

جدول ۱۱. شاخص‌ها و نماگرهای مطبوعات و رسانه استان در سال ۱۳۹۸

عنوان شاخص یا نماگر	مقدار / تعداد	مجموع
رسانه‌های چاپی برخط	۳۲	۱۲۷
رسانه‌های چاپی غیربرخط	۶	
رسانه‌های الکترونیکی (برخط)	۸۹	
مجوز رسانه‌های چاپی و الکترونیکی	-----	-----
کانون‌های تبلیغاتی	۲۵	۲۷
مجوز تبلیغات محیطی، بیلبوردها و فضای بیرون	۱	
برگزاری کارگاه‌های آموزشی مطبوعاتی و تبلیغاتی و رسانه‌ای	۱	
خبرگزاری‌ها (و نمایندگی‌ها)	۱۳	۱۳۴
نماینده‌ی روزنامه‌های سراسری	۳۰	
پایگاه‌های خبری	۹۱	
دکه‌های مطبوعاتی	۴۵	۴۵
مؤسسه‌های مطبوعاتی و انجام‌های مرتبط	-----	
همایش‌ها، نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و مسابقات	۵۵	۵۵
جشن‌ها و مناسبت‌های مطبوعاتی	۴	۵
نمایشگاه مطبوعاتی و رسانه‌ای	۱	

منبع: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان

جدول ۱۲. تعداد عناوین و شمارگان مطبوعات محلی استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۸

سال	شهرستان	شرح (قطع)			تعداد عنوان	شمارگان (تیراژ) برای هر نشریه
		روزنامه	هفته‌نامه	دو هفته‌نامه		
۱۳۹۸	بویراحمد	۵	۱۱	--	۱۶	۱۰۰۰ نسخه
	کهگیلویه	—	۱		۱	۷۰۰ نسخه
	گچساران		۴		۴	۷۰۰ نسخه

سال	شهرستان	شرح (قطع)			تعداد عنوان	شمارگان (تیراژ) برای هر نشریه
		روزنامه	هفته‌نامه	دو هفته‌نامه		
۱۳۹۸	دنا		۱		۱	۷۰۰ نسخه
	بهمنی	---	-----	----- --		
	باشت	----- --	----- --	-----		
	چرام	-----	----- --	-----		
	لنده	----- --	----- --	-----		
	قطع ماه‌نامه		قطع فصل‌نامه	قطع دو فصل‌نامه	تعداد عنوان	شمارگان (تیراژ)
	بویراحمد	۱	۳	۴	۸	۳۰۰ نسخه
	کهگیلویه	-----	----- --	-----		
	گچساران	۱			۱	۳۰۰ نسخه
	دنا	----- --	----- --	----- --		
	بهمنی	۱	----- --	----- --	۱	۳۰۰ نسخه
	باشت	----- --	----- --	-----		
	چرام	----- --	----- --	----- --		
	لنده	----- --	----- --	-----		

منبع: اداره کل ارشاد و فرهنگ اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد

روند مطبوعات و رسانه در استان از سال ۱۳۹۱ - ۱۳۹۷

مطبوعات در استان که مجوز آن توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مطابق قانون صادر می‌شود از پیشینه چندان‌نی برخوردار نیست. تمامی نشریات بعد از انقلاب اسلامی

مجوز فعالیت گرفته‌اند. گزارش وضعیت مطبوعات و رسانه‌های استان کهگیلویه و بویراحمد طی بازه زمانی تقریباً ده ساله، براساس گزارش‌های اداره فرهنگ و ارشاد استان کهگیلویه و بویراحمد، اطلاعات انشار یافته سال‌نامه فرهنگی و هنری کشور و گزارش اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه استان ارائه می‌شود. شایان ذکر است که داده‌های مطبوعاتی از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ براساس گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان ارائه شده است اما داده‌های ۱۳۹۷ براساس گزارش سال‌نامه فرهنگ و هنر کشور ارائه شده است.

همان‌طور که قبلاً گفته شد ارقام و تعداد مربوط به دو منبع یاد شده در بعضی از شاخص‌ها با هم تفاوت دارند. برای مثال براساس گزارش سال‌نامه فرهنگ و هنر تعداد دهه‌های مطبوعاتی استان در سال ۱۳۹۶، ۴۵ دهه؛ اما براساس گزارش اداره فرهنگ و ارشاد استان تعداد دهه‌های مطبوعاتی استان، در همان سال ۶۶ دهه گزارش شده است. همچنین تعداد کانون‌های تبلیغاتی استان در سال‌نامه فرهنگ و هنر ۸۴ کانون؛ اما در گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان ۶۱ کانون ذکر شده است.

علاوه بر تفاوت تعداد شاخص‌های متفاوت، همه شاخص‌های ارائه شده در دو منبع یکسان نبوده و بعضی شاخص‌ها در سال‌نامه فرهنگ و هنر ذکر نشده‌اند. بنابراین در این جا شاخص‌های مربوط به سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ به صورت مجزا و خارج از فضای جدول مربوطه ارائه می‌شود.

شمارگان روزنامه برای هر هزار نفر در استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۴، ۱۰ نسخه بود. در سال نام‌برده ۱۷ هفته‌نامه، ۹ ماه‌نامه، ۸ فصل‌نامه، ۴ دوفصل‌نامه (در مجموع ۵۱ نشریه) و ۳۹ پایگاه خبری نیز در استان مجوز فعالیت گرفتند. با اقدامات انجام گرفته در سال ۱۳۹۵ شمارگان روزنامه برای هر هزار نفر در استان به ۱۲ نسخه افزایش پیدا کرد. در سال ۱۳۹۶، نیز ۵ روزنامه، ۱۷ هفته‌نامه، ۸ دوهفته‌نامه، ۹ ماه‌نامه، ۸ فصل‌نامه، ۴ دوفصل‌نامه (مجموعاً ۵۱) نشریه و ۳۹ پایگاه خبری مجوز فعالیت گرفتند^۱.

در سال ۱۳۹۷، کانون‌های تبلیغاتی استان ۴۵ کانون و تعداد دهه‌های مطبوعاتی استان ۳۵ دهه بوده است. در همین سال جمع کل رسانه‌های دارای مجوز در استان ۱۳۱ عنوان بوده است. از مجموع این تعداد رسانه، ۳۲ عنوان رسانه‌های چاپی شامل ۵ عنوان روزنامه، ۱۷ عنوان هفته‌نامه، ۲ عنوان ماه‌نامه، ۱ عنوان دوماه‌نامه، ۳ عنوان فصل‌نامه،

۱. گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد ۱۳۹۶، ص ۴۶۵.

۴ عنوان دوفصل‌نامه بوده‌اند. ۹۹ رسانه نیز غیرچاپی و به صورت الکترونیک برخط و غیربرخط بوده‌اند.

براساس داده‌های جدول ۱۳ مجموع عناوین نشریات منتشر یافته استان از ۳۵ عنوان در سال ۱۳۹۱، به ۱۲۰ عنوان در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. افزایش تعداد نشریات استان طی این ۷ سال تقریباً ۲۴۳ درصد بوده است. دیگر شاخص مربوط به مقوله نشریات که طی این ۷ سال رشد افزایشی داشته تعداد کانون‌های تبلیغاتی استان بوده است.

تبلیغات که هنری مرکب از علم و هنر است در جهان کنونی و در عصر صنعتی و حتی فراصنعتی، نیازی اساسی است و به یکی از اضلاع و محورهای اساسی فعالیت‌های فرهنگی تبدیل شده است. در این راستا کانون‌های تبلیغاتی می‌توانند نقش بسزایی در فرهنگ‌سازی جامعه ایفا کنند.

دکه مطبوعاتی که با نام‌های دیگری مانند دکه، باجه روزنامه فروشی یا کیوسک روزنامه فروشی در زبان عامیانه اشتها دارد، محلی برای توزیع جراید و مطبوعات محلی، ملی یا بین‌المللی است. دکه‌های مطبوعاتی به عنوان عرضه‌کنندگان رسانه‌های چاپی نه تنها به عنوان بخشی از فرایند گردش اطلاعات محسوب می‌شوند بلکه می‌توان گفت بخشی از نمای فرهنگی هر جامعه را نیز تشکیل می‌دهند. تعداد دکه‌های فروش مطبوعات در استان کهگیلویه و بویراحمد در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده است. اما این روند افزایشی تداوم نداشته و در سال ۱۳۹۷ کاهش شدید و محسوسی داشته و از ۶۶ دکه در سال ۱۳۹۶، به ۴۰ دکه در سال ۱۳۹۷ رسیده است.

در کل و براساس مقایسه تعداد دکه‌های استانی در سال ۱۳۹۱ با سال ۱۳۹۷ می‌توان گفت، تعداد دکه‌های مطبوعاتی استان در مدت این ۷ سال، ۲۳/۰۷ درصد کاهش یافته است. این امر می‌تواند ناشی از افزایش دامنه استفاده از اینترنت، نشریات و اخبار الکترونیک و گسترش فضای مجازی در کشور و استان باشد. تغییری که به همراه استفاده از موبایل هوشمند موجب پی‌گیری و دسترسی به اخبار از طریق تکنولوژی‌های فردی مانند موبایل گردیده است.

یکی دیگر از شاخص‌های مهم رسانه‌ها و مطبوعات مصرف سرانه کاغذ در استان است. از نظر این شاخص، می‌توان گفت نسبت مصرف کاغذ به نفر در استان، از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ روندی صعودی؛ اما بعد از این سال تا سال ۱۳۹۷ روندی کاهشی اندکی داشته است.

در سال‌های اخیر تعداد کانون‌های تبلیغاتی استان رشدی تقریباً ۱۰۰ درصدی داشته است و از ۳۰ کانون تبلیغاتی در سال ۱۳۹۱، به ۶۱ کانون در سال ۱۳۹۷، افزایش یافته است. در مقابل افزایش کانون‌های تبلیغاتی، تعداد خبرگزاری‌های استان هستند که از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ روند کاهشی ۲۹/۱۶ درصدی داشته است و از ۲۴ مرکز در سال ۱۳۹۱، به ۱۷ مرکز در سال ۱۳۹۷ کاهش پیدا کرده است.

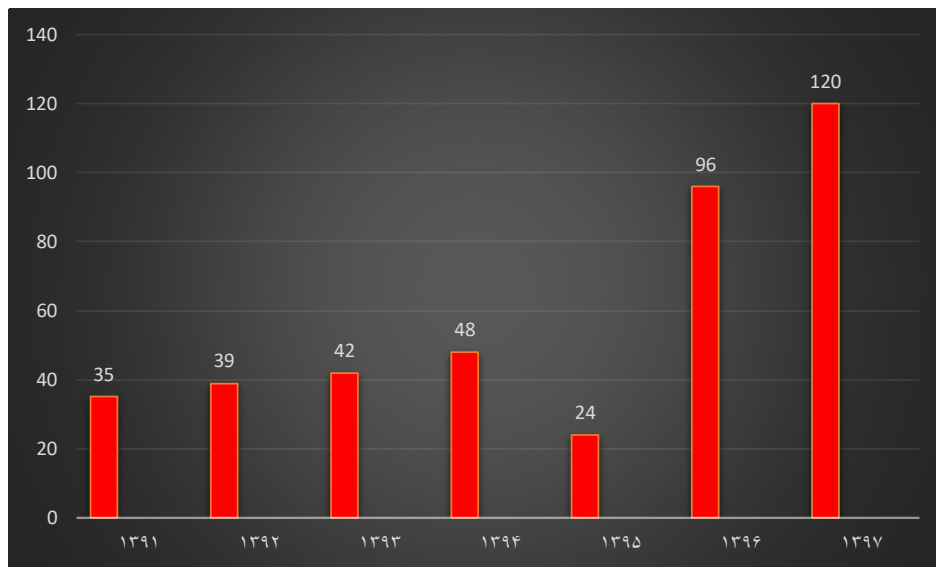
دیگر شاخص‌های مهم نشریات و مطبوعات استانی، شمارگان نشریات و نسخه شمارگان نشریات یافته در استان هستند. براساس اطلاعات موجود رشد شمارگان انتشاراتی نشریات استان از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۷، رشد افزایشی ۸۴/۳۱ درصدی داشته که درصد قابل توجهی است. در مقابل در همین دوره، شمارگان نشریات انتشار یافته استانی از ۵۱۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۹۱، بعد از کاهش قابل توجه در سال ۱۳۹۵ (۲۳/۰۰۰ نسخه)، به ۸۰/۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. سایر شاخص‌های نشر و مطبوعات مانند تعداد نمایش‌های تولید و اجرا شده، تعداد نگارخانه‌های فعال، تعداد خبرگزاری‌ها و تعداد دکه‌های فروش مطبوعات استان کاهش یافته‌اند.

جدول ۱۳. تعداد، عناوین و شمارگان نشریات و سایر فعالیت‌های مرتبط به حوزه نشر و مطبوعات استان از ۱۳۹۱ - ۱۳۹۷

ردیف	عنوان	واحد	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷
۱	عناوین نشریات منتشر شده	عنوان	۳۵	۳۹	۴۲	۴۸	۲۴	۹۶	۱۲۰
۲	شمارگان نشریات به هزار نفر	نسخه	۵۱۰۰۰	۵۳۰۰۰	۵۹۰۰۰	۶۱۰۰۰	۲۳۰۰۰	۴۵۰۰۰	۸۰۰۰۰
۳	تعداد عناوین نمایش‌های تولید و اجرا شده	عنوان	۱۰۵	۸۵	۷۰	۷۲	۷۰	۸۴	۵۶
۴	سرانه کاغذ مصرفی مطبوعات	نفر/کیلوگرم	۵۰	۵۲	۵۵	۵۵	۶۰	۹۰	۸۷
۵	کانون‌های تبلیغاتی	کانون	۳۰	۳۶	۴۰	۴۲	۵۶	۶۱	۶۱
۶	دکه‌های فروش مطبوعات	دکه	۵۲	۶۰	۶۲	۶۳	۶۵	۶۶	۴۰
۷	نگارخانه‌های فعال	باب	۷	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۸	خبرگزاری‌ها	مرکز	۲۴	۲۴	۲۵	۲۵	۱۴	۱۵	۱۷

در این جا بنا به اهمیت نشریات و مطبوعات، تنها وضعیت روند مطبوعات و رسانه استان طی روند زمانی ۷ ساله به صورت نمودار ستونی یا میله‌ای از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ ارائه می‌شود.

همان‌طور که نمودار ۹ نشان می‌دهد تعداد نشریات استان از ۳۵ عنوان در سال ۱۳۹۱ به ۹۶ عنوان در سال ۱۳۹۶ و ۱۲۰ واحد در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. به عبارتی تعداد نشریات استان از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ رشدی ۱۷۴/۲۸ درصدی و تا سال ۱۳۹۷ رشدی ۳۲۸/۵۷ درصدی داشته است.



نمودار ۹- تعداد نشریات استان از سال ۱۳۹۱ - ۱۳۹۷

هنر و سینما

هنر و سینما یکی دیگر از زیرساختارها و امکانات فرهنگی و هنری هر استان است که شاخص‌های جزئی و فرعی‌تر آن سینماها تعداد و ظرفیت آنها فیلم‌های تولید شده، فیلم‌های اکران شده، سالن تئاتر (تعداد و ظرفیت)، اجرای موسیقی (کنسرت)، گالری‌های هنری، مجوزهای سینمایی و نمایشی و هنری، آموزشگاه‌های سینما، تئاتر، موسیقی و سایر حوزه‌های هنری، خانه مد (مزون‌های دارای مجوز)، مؤسسه‌ها و انجمن‌های هنری سینمایی و همایش‌ها، نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و مسابقات هستند. در این جا وضعیت استان کهگیلویه و بویراحمد از نظر این شاخص‌ها در سال ۱۳۹۸ ارائه می‌شود.

در ارتباط با سینما هم وضعیت استان و هم وضعیت صنعت سینمای استان نگران‌کننده است. این در حالی است که سینما را صنعت هنری برتر قرن بیستم و روز ۲۱ شهریورماه را، در تقویم

جمهوری اسلامی ایران، روز سینما می‌نامند. در کل استان کهگیلویه و بویراحمد ۵ سینما وجود دارد که ساختمان بعضی از آن‌ها از اساس به منظور استفاده سینمایی ساخته نشده است (مانند سالن آملی تئاتر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر یاسوج که از طرف ارشاد به عنوان سینما استفاده می‌شود). شهرستان گچساران دومین شهرستان مهم استان نیز فاقد سینما است. در حال حاضر براساس سامانه «اطلاعات سالن‌های سینمایی کشور» در استان کهگیلویه و بویراحمد تنها سینما دهناد دهدشت فعالیت دارد و شهرستان‌های گچساران و بویراحمد (با مرکزیت یاسوج به عنوان شهر مرکز استان) فاقد سینما هستند.

وضعیت صنعت سینمای استان از این جهت نگران‌کننده است که استقبال چندانی از این صنعت نمی‌شود. براساس گفته معاون فرهنگی و مطبوعاتی وقت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کهگیلویه و بویراحمد، «استقبال از سینماها در استان ضعیف است، به طوری که در چهار سانس برای یک فیلمی که به صورت همزمان با سراسر کشور اکران شده، ۵۰ نفر استقبال کردند»^۱

در این جا وضعیت هنر و سینمای استان به تفکیک شاخص‌های مختلف در دو بخش مجزای وضعیت هنر و سینمای استان در سال ۱۳۹۸ و وضعیت هنر و سینمای استان از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ ارائه می‌شود.

وضعیت هنر و سینمای استان در سال ۱۳۹۸

براساس اطلاعات دریافتی در سال ۱۳۹۸، در کل استان ۳ باب سینما وجود دارد که هر باب از این سینماها در یکی از سه شهرستان عمده استان یعنی شهرستان‌های بویراحمد، کهگیلویه و گچساران، واقع شده‌اند. اما دیگر شهرستان‌های استان فاقد سینما هستند. این سه سینما در مجموع در سال ۱۳۹۸، ۸۲/۰۰۰ نفر تماشاگر داشته‌اند (جدول ۱۴). اطلاعات این بخش از کارشناس مربوطه اداره کل ارشاد و فرهنگ اسلامی استان اخذ شده است.

در همین سال در کل استان ۷ سالن تئاتر وجود دارد که از این تعداد ۴ سالن در شهرستان‌های بویراحمد و کهگیلویه (هر کدام ۲ سالن) و ۳ سالن دیگر در شهرستان‌های گچساران، دنا و بهمئی قرار دارند. شهرستان‌های باشت، چرام و لنده نیز فاقد سالن تئاتر هستند.

تعداد اجراهای هنری استان در سال ۱۳۹۸، ۲۵۲ اجرای تئاتر و ۵۶ اجرای موسیقی بوده است. تعداد تماشاگران برنامه‌های تئاتر و موسیقی، به ترتیب، ۳۳/۸۸۰ و ۱۴/۸۵۰ نفر بوده است. نکته جالب توجه این است که شهرستان لنده با این که فاقد سالن هنری است بالاترین تعداد اجرائیات تئاتری و موسیقی استان را به خود اختصاص داده است. در این شهرستان ۷۴

۱. سرویس‌های خبری، وضعیت سینما در کهگیلویه و بویراحمد نگران‌کننده است، استان کهگیلویه و بویراحمد، خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، ۲۱ شهریور ۱۳۹۴، کد خبر ۹۴۰۶۲۱۳۲۸۷.

برنامه تئاتر و ۱۸ برنامه موسیقی در سال ۱۳۹۸ اجرا شده است (جدول ۱۴)^۱. در مجموع در نیم سال اول ۱۳۹۸، فعالیت های حوزه هنر و سینمای استان که با مجوز و زیر نظارت اداره فرهنگ و ارشاد استان انجام شده است شامل ۴۹ فعالیت در حوزه موسیقیایی؛ ۱۱۱ نوع فعالیت در بخش های مرتبط با حوزه سینمایی و سمعی و بصری؛ ۱۸۶ برنامه در حوزه هنر و سینما؛ و ۱۳۴ برنامه در حوزه هنرهای تجسمی بوده است. بیش ترین فعالیت در حوزه موسیقی، مربوط به اجرای برنامه های موسیقیایی سنتی، پاپ و محلی با فراوانی ۳۸ فعالیت در حوزه سینمایی فعالیت برجسته و اساسی، برگزاری ۳۰ کارگاه آموزشی سینمایی و ۳۰ مورد نمایش فیلم؛ در حوزه هنر و سینما، بیش ترین فعالیت، اجراهای تئاتر صحنه ای با ۱۳۶ مورد و نشست های هنری با ۳۶ مورد و در بخش هنرهای تجسمی نیز بیش ترین فعالیت برگزاری کارگاه های آموزشی هنر تجسمی با فراوانی ۶۴ مورد و نشست های هنری با ۳۲ نشست بوده اند. اطلاعات تفصیلی تر در جدول ۱۴ آمده است.

جدول ۱۴. مجموع فعالیت های حوزه هنر و سینمای استان کهگیلویه و بویراحمد در نیمه اول ۱۳۹۸

ردیف	حوزه	عنوان فعالیت	تعداد/ فعالیت	مجموع
۱	موسیقی	موسیقی (کلیه اجراهای موسیقی اعم از سنتی، پاپ و محلی)	۳۸	۴۹
۲		کارگاه آموزش موسیقی	۱	
۳		نشست های هنری در حوزه موسیقی	۱۰	
۴		افتتاح سینما و تجهیز سالن های چند منظوره به سیستم دیجیتال	۱	۱
۵	سازمان سینمایی و سمعی و بصری	نقد و بررسی فیلم و فیلمنامه	۱۰	۱۱۱
۶		نمایش فیلم	۳۰	
۷		جشنواره و هفته های فیلم و عکس	۱۵	
۸		کارگاه های آموزشی سینمایی	۳۰	
۹		تولید فیلم (فیلم کوتاه، فیلم بلند)	۱۱	
۱۰		نشست های حوزه سینمایی	۱۵	

۱. شایان ذکر است این تعداد ارقام و اطلاعات تنها به اجرائیات هنر و سینمایی زیر نظر اداره ارشاد استان مربوط می شود. ولی قطعاً این تعداد برابر با کل اجراهای هنری صورت گرفته در استان نیست.

ردیف	حوزه	عنوان فعالیت	تعداد/ فعالیت	مجموع
۱۱	هنر و سینما	تئاتر (تعداد اجراهای صحنه‌ای، خیابانی، نمایشنامه‌ای)	۱۳۶	۱۸۶
۱۲		تعداد مجوزهای همایش	۸	
۱۳		کارگاه‌های تخصصی نمایشی	۳	
۱۴		نشست‌های هنری در حوزه نمایش	۳۶	
۱۵	هنر تجسمی	کارگاه‌های آموزشی هنر تجسمی	۶۴	۱۳۴
۱۶		برگزاری نمایش‌های هنرهای تجسمی	۱۱	
۱۷		جشنواره‌های هنرهای تجسمی (فجر، جوانان ایران)	۷	
۱۸		نشست‌های هنری در حوزه تجسمی	۳۲	

منبع: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان

جدول ۱۱. سینماها و تماشاگران فیلم‌های سینمایی استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۸

نام شهرستان	تعداد سینما	گنجایش	تعداد تماشاگر
بویراحمد	۱	۲۲۰	۳۵/۰۰۰ نفر
کهگیلویه	۱	۳۵۰	۲۵/۰۰۰ نفر
گچساران	۱	۲۸۰	۲۲/۰۰۰ نفر
دنا	----	-----	-----
بهمئی	----		
باشت	-----		
چرام	-----		
لنده	-----		
جمع	۳	۱/۰۲۰	۸۲/۰۰۰

منبع: اداره کل ارشاد و فرهنگ اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد

جدول ۱۵. سالن‌ها وابسته به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و برنامه‌های اجرا شده استان در سال ۱۳۹۸

سال و نام شهرستان	تعداد سالن	گنجایش	تعداد برنامه		تعداد اجرا		تعداد تماشاگر (نفر)	
			تئاتر	موسیقی	تئاتر	موسیقی	تئاتر	موسیقی
۱۳۹۸	۷	۱/۰۴۵	۱۶۹/۵	۴۵	۲۵۲	۵۶	۳۳/۸۸۰	۱۴/۸۵۰
بویراحمد	۲	۱۰۰	۱۲	۴	۶۰	۸	۱۳/۵۰۰	۳/۲۰۰
کهگیلویه	۲	۵۳۰	۶	۳	۱۸	۷	۱/۴۰۰	۸۰۰
گچساران	۱	۱۵۰	۱۱	۴	۳۶	۸	۲/۴۰۰	۱/۱۰۰
دنا	۱	۸۰	۶	۳	۶	۳	۵۰۰	۵۰۰
بهمئی	۱	۱۸۵	۵۲	۱۰	۵۲	۱۰	۱/۲۵۰	۱/۸۰۰
باشت	---	----	۲	۱	۳	۱	۳۸۰	۶۵۰
چرام	----	----	۲	۱	۳	۱	۴۵۰	۸۰۰
لنده	---	----	۸۵	۱۹	۷۴	۱۸	۱۴/۰۰۰	۶/۰۰۰

منبع: اداره کل ارشاد و فرهنگ اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد

وضعیت هنر و سینمای استان در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷

هنر یکی از زبان‌های انتقال عواطف و احساسات هنرمند به انسان است که در قالب‌های متفاوتی مانند عکاسی، نقاشی، آهنگ‌سازی، فیلم‌سازی، نمایش، تئاتر و... تجلی می‌یابد. هر چند هنر را معمولاً امری فردی، ذوقی و تخیلی می‌دانند، اما شاید وجه اجتماعی هنر برجسته‌تر و مهم‌تر باشد که زمینه انسجام، هویت و تعلق‌خاطر و ماندگاری فرهنگ جمعی را فراهم می‌آورد. از طرف دیگر خود هنر متأثر از شرایط و زمینه اجتماعی‌ای است که در بستر آن تولد، بسط و رشد می‌یابد و یا جلوه‌های گوناگونی می‌پذیرد.

در طول تاریخ هیچ جامعه‌ای بدون هنر و شیوه‌هایی برای انتقال هنر متعالی و مورد نظرش نبوده است. اما در گذشته متأثر از پراکندگی جوامع و اجتماعات مختلف، هنرهای آنها متناسب با وضعیت بوم‌شناختی، آداب و رسوم، شیوه معیشت و... با یکدیگر فرق داشته و متفاوت بودند. با وقوع مدرنیته و گسترش شیوه تفکر، ابزار و نهادهای

آن به سراسر جهان تا حد زیادی شاهد همانندیِ فرم و قالب‌های هنری در سطحی جهانی یا جامعه‌ای هستیم که جنبه‌های فیزیکی و زیرساختاری آن در مواردی مانند سینما، تئاتر، فیلم، سالن‌ها و جشنواره‌های متعدد نمود و بروز می‌یابد.

در این جا برای شناخت بهترِ دگرگونیِ وضعیت هنر و سینمای استان، براساس اطلاعات سال‌نامه فرهنگ و هنر و گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان برنامه و بودجه استان، سیر کمی ۱۱ مورد از شاخص‌های حوزه هنر و سینمای استان طی روندی ۷ ساله ارائه می‌شود.

براساس اطلاعات دریافتی از گزارش‌های فرهنگی و هنری استان در سال ۱۳۹۷، ۵ سالن سینمایی در استان فعالیت داشتند. رشد سالن سینما طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ تقریباً ۱۵۰ درصد بیشتر شده و از ۲ سالن در سال ۱۳۹۱ به ۵ سالن در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. البته از این ۵ سینمای استان، تنها ۳ سینما فعال بوده و به ارائه خدمات مشغول هستند.

عناوین فیلم‌های اکران شده در استان از ۲ عنوان با ۸۰۰ تماشاگر در سال ۱۳۹۱، به ۱۵ عنوان با ۱۱/۴۷۵ تماشاگر در سال ۱۳۹۶ و ۳۰ اکران و ۱۵/۰۰۰ تماشاگر در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است که به ترتیب رشد چشم‌گیر ۶۵۰ و ۱۴۰۰ درصدی داشته است. اجرای صحنه‌ای موسیقی از ۳۸ دفعه در سال ۱۳۹۱ به ۱۱۴ دفعه در سال ۱۳۹۷ و تعداد آموزشگاه‌های هنری از ۴۰ باب در سال ۱۳۹۱ به ۷۴ باب در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. مجتمع‌های فرهنگی و هنری استان از ۱ باب در سال ۱۳۹۱ به ۶ باب در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است.

با توجه به تعداد کمی شاخص‌های هنر و سینمایی موجود در استان و مقایسه آن‌ها در طول سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ می‌توان گفت همه شاخص‌های یازده‌گانه هنر و سینمایی استان به استثنای تعداد هنرستان‌های هنری و تعداد هنرجویان هنرستان‌های هنری (تا سال ۱۳۹۶) روندی افزایشی داشته‌اند. اما رشد شاخص‌های تعداد هنرستان‌های هنری و تعداد هنرجویان هنرستان‌های هنری (تا سال ۱۳۹۶) نسبتاً ثابت و حتی کاهشی بوده است (جدول ۱۶).

به صورت مختصر درخصوص روند تغییرات بعضی شاخص‌های هنری و سینمایی استان می‌توان مطالب زیر را بیان کرد.

تعداد عناوین نمایش‌های تولید و اجرا شده در استان از ۱۰۵ مورد در سال ۱۳۹۱ به ۸۴ مورد در سال ۱۳۹۶ و سپس ۵۶ مورد در سال ۱۳۹۷ کاهش یافته است. به عبارتی

رساتر، تعداد نمایش‌های تولید و اجرا شده در استان طی روندی ۷ ساله، با کاهشی تقریباً ۴۷ درصدی مواجه بوده است. هر چند روند کاهشی تعداد نمایش‌ها تا سال ۱۳۹۵، شیبی نسبتاً ملایم داشته اما این شیب کاهشی از سال ۱۳۹۶ به ۱۳۹۷ تشدید یافته و از ۸۴ نمایش و اجرا به ۵۶ نمایش و اجرا رسیده است.

آنچه در بحث سینما و سالن‌های هنر و سینمایی اهمیت بیشتری دارد، میزان علاقه، استقبال و تمایل افراد به استفاده و حضور در این مکان‌های فرهنگی و هنری است. همان‌طور که گفته شد مردم استان تمایل و علاقه چندانی به حضور در سینما ندارند. دلایل این امر می‌تواند متعدد باشد و نیاز به تحقیقات علمی مستقل دارد. اما می‌توان حدس زد که پررنگ بودن روابط اجتماعی رو در رو و چهره به چهره در این استان که در شب‌نشینی‌ها و گردهمایی‌ها در مناسبت‌های جمعی گوناگون تبلور می‌یابد؛ جایگزین شدن تکنولوژی موبایل و تلویزیون دیجیتال و ماهواره‌ای به جای صنعت سینما؛ تعداد کم یا نبود سینما در استان و نهایتاً عدم استفاده از سینما در دوران جامعه‌پذیری اولیه و دوران کودکی از مهم‌ترین دلایل عدم حضور یا حضور کم‌رنگ در سینما باشد.

روند وضعیت ظرفیت صندلی‌های استان طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ نشان می‌دهد ظرفیت صندلی‌های سینما در استان در سال‌های اخیر روبه افزایش بوده اما این ظرفیت در سال ۹۷ به شدت کاهش یافته است. خط سیر روند افزایشی سریع اولیه (از سال ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳) و کاهش شدید آن در سال‌های بعدی (از ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷) فرضیه احتمال گسترش استفاده از دستگاه‌های تلویزیون دیجیتال و تکنولوژی موبایل به جای سینما را قوی‌تر می‌سازد. می‌توان گفت با نزول تدریجی استفاده از صنعت سینما و در نتیجه با کاهش درآمد آن مسئولان هیچ‌گونه تمایل یا تمایل اندکی به احداث، تعمیر یا تجهیز سالن‌های سینما خواهند داشت.

تعداد عناوین فیلم‌های اکران شده یکی دیگر از شاخص‌های هنر و سینمایی است. روند تعداد عناوین فیلم‌های اکران شده در استان نشان می‌دهد تعداد عناوین فیلم‌های اکران شده استان در بازه زمانی ۷ ساله، از ۲ عنوان در سال ۱۳۹۱ به ۱۰ عنوان در سال ۱۳۹۵، ۱۵ عنوان در سال ۱۳۹۶، و ۳۰ عنوان در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. به عبارتی روند تعداد عناوین فیلم‌های اکران شده در استان روندی کاملاً صعودی و افزایشی داشته است. روندی که با نرخ افزایشی قابل توجه ۱۴۰۰ درصدی همراه بوده است.

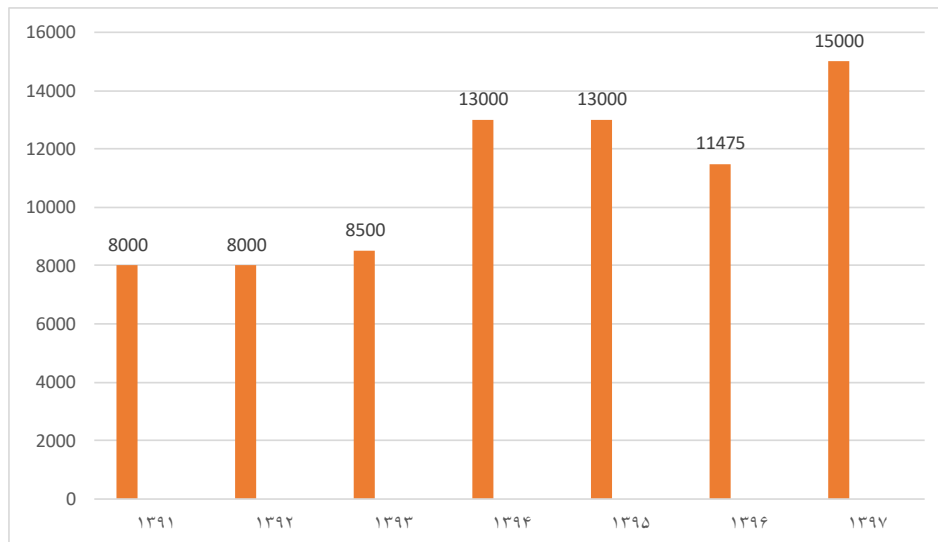
وجود فیزیکی سالن سینما به همراه افزایش تعداد عناوین فیلم‌های اکران شده، تنها زمینه‌ها و بسترهایی عینی برای استفاده افراد فراهم می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت هر

چند وجود زیرساختاری امکانات سینمایی و هنری مهم بوده و نقشی تعیین کننده در وضعیت سینمایی یک جامعه یا استان دارند؛ اما آنچه در نهایت تعیین کننده و بیان گر وضعیت فرهنگی و هنری یک استان است استقبال یا عدم استقبال افراد از این صنعت است که در نرخ و تعداد تماشاگران صحنه های نمایشی نمود دارد. درخصوص تعداد تماشاگران صحنه های نمایشی می توان گفت روند حضور تماشاگران فیلم در سالن سینماهای استان افزایشی بوده است.

درخصوص روند تعداد تماشاگران فیلم در سالن های سینمای استان کهگیلویه و بویراحمد می توان گفت این روند شیب افزایشی نسبتاً ملایمی از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ (۶۲/۵ درصد افزایش) داشته؛ سپس این روند از سال ۱۳۹۴ تا سال ۱۳۹۵ ثابت بوده و حتی در سال ۱۳۹۶ با کاهش ۱۱/۷۳ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۴ همراه بوده است. شدت و میزان افزایش تعداد تماشاگران در سال های نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ (از ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷) در مقایسه با نیمه اول این دهه (۱۳۹۱ - ۱۳۹۴) که رشدی ۶۲/۵ درصدی داشته، ملایم تر و با رشدی ۱۵/۳۸ درصدی همراه بوده است. در کل تعداد تماشاگران از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۷ با رشد افزایش ۸۷/۵ درصدی همراه بوده است.

توجه به این روندها و میزان افزایش و شدت فراز و فرود شاخص های متفاوت هنر و سینمای استان در سال های پیاپی یا متناوب، اهمیتی اساسی در ارزیابی فعالیت ها و مصرف فرهنگی مردم، روند تغییر و تحولات آن، و برنامه ریزی و سیاست گذاری فرهنگی دارد. با مقایسه شاخص های مربوط به تعداد سالن سینماها، سالن های تئاتر و نمایش و تعداد تماشاگران مربوط به هریک از فعالیت هایی که در این سالن ها اجرا می شود می توان گفت نسبت بین افزایش تعداد زیرساختارها با افزایش تعداد و مشارکت تماشاگران در هر یک از این فعالیت ها متقارن نیست.

این عدم تقارن در نسبت بین فیلم های اکران شده و تعداد تماشاگران سالن های سینما هم وجود دارد. زیرا هر چند تعداد فیلم های اکران شده در استان رشدی ۱۴۰۰ درصدی داشته، اما رشد تماشاگران سالن های سینما تنها ۸۷/۵ درصد افزایش داشته است. در مقابل هر چند رشد سالن های تئاتر در استان در سال های مورد اشاره ۵۰ درصد بوده، رشد تعداد تماشاگران این عرصه ۵۴/۲۸ درصد بوده است. از این رو می توان گفت استقبال و میزان حضور افراد از صحنه های تئاتر و نمایش بیشتر اما تدارک امکانات ساختاری در این بخش کمتر بوده است.



نمودار ۱۸ - تعداد تماشاگران فیلم در سالن‌های سینمای استان از ۱۳۹۱ - ۱۳۹۷

تئاتر را بسیاری کامل‌ترین هنرهای زیبا می‌دانند زیرا تئاتر در عین آن که هنری مستقل محسوب می‌شود دربر گیرنده تمامی هنرهای دیگر چون ادبیات، موسیقی، هنرهای تجسمی و... است. از سوی دیگر نمایش با زندگی انسان پیوند خورده است. آن چه تئاتر نیاز دارد تنها فضایی خالی است تا تبلور احساسات و عقاید انسان‌ها در آن فضا رخ بنماید. مهم‌تر آن که تئاتر ریشه در فرهنگ، اعتقادات و آداب و رسوم تاریخی این مرزوبوم دارد و مردم این سرزمین از روزگاران دیرین تا به امروز در قالب نمایش پیام‌های اندوهناک و حزین خود را در سور و سوگ سیاوش، سهراب، قهرمانان دینی مانند امام حسین (ع)، قهرمانان وطنی مانند ابومسلم خراسانی، و اخیراً سرداران شهید دوران دفاع مقدس هشت ساله و شهدای اخیر ناشی از حضور در حوزه مقاومت اسلامی و... به مخاطبان خود منتقل کرده؛ مخاطبانی که کاملاً با این هنر آشنا هستند و به راحتی می‌توانند پیام مورد نظر گردانندگان این تئاترها و نمایش‌ها را درک و دریافت کرده و با این نوع هنر ارتباط برقرار کنند.

علاوه بر این نمایش‌های متمرکز بر بزرگداشت اسطوره‌ها و شخصیت‌های بزرگ ملی، مذهبی و وطنی که پس از اسلام و پیوند آن‌ها با واقعه کربلا، در قالب تعزیه به عنوان اصلی‌ترین جلوه نمایش ایرانی جلوه‌گر شده‌اند، اجرای نمایش‌های بومی - محلی بخش دیگری از فرهنگ و هنر رایج و مرسوم ایرانیان و هر یک از اقوام ایرانی ساکن مناطق مختلف این کشور است. از جمله این نمایش‌ها می‌توان به نمایش‌هایی چون روحوسی،

سیاه‌بازی و خیمه‌شب‌بازی اشاره کرد که تا دهه‌های اخیر می‌توانستیم آن‌ها را در سطح کشور مشاهده کنیم.

از نظر تاریخی اولین برخورد ایرانیان با آن چه تئاتر می‌نامیم به زمان ناصرالدین شاه قاجار برمی‌گردد. سالن تئاتر دارای یک صحنه است که بازیگران در آن به اجرای نمایش می‌پردازند. معمولاً سالن‌های تئاتر به صورت یک طبقه یا چند طبقه ساخته می‌شوند و مخاطبین در صندلی‌های روبه‌رو یا در بالکن‌های کناری تئاتر را تماشا می‌کنند. از آنجا که تئاتر به ابزار و تکنولوژی فنی خاص و پیشرفته‌ای نیاز ندارد؛ از طرف دیگر زبان شفاهی، بدنی و حرکات طبیعی مورد استفاده در آن به راحتی امکان انتقال پیام و معنا به مخاطبان را فراهم می‌آورد؛ به علاوه مضمون آن می‌تواند متأثر از بافت فرهنگی و اجتماعی هر منطقه متنوع و گوناگون باشد، شاید بتوان گفت این هنر می‌تواند رساترین هنر عصر مدرن در جوامع نسبتاً سنتی مانند استان کهگیلویه و بویراحمد باشد.

با وجود این سنخیت فرهنگی، زیرساخت‌هایی مانند سالن تئاتر اولین و ضروری‌ترین گام برای برگزاری، اجرا و تماشای تئاتر است. از این‌رو روند و سیر تعداد سالن‌های تئاتر استان کهگیلویه و بویراحمد از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ در نمودار شماره ۱۹ ارائه شده است. براساس نمودار شماره ۱۹، تعداد سالن‌های تئاتر استان از ۶ باب در سال ۱۳۹۱ به ۹ باب در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. به عبارتی تعداد سالن‌های تئاتر و نمایش استان با افزایشی ۵۰ درصدی همراه بوده است.

نمودار ۱۹ بیان‌گر تعداد تماشاگران نمایش‌های اجرا شده در استان از سال ۱۳۹۱ - ۱۳۹۷ است. همان‌طور که فراز و نشیب روند نمودار میله‌ای نشان می‌دهد، برخلاف سایر هنرهای مدرن تعداد تماشاگران این صنعت هنری در سال‌های پایانی دهه ۹۰ سیر صعودی و افزایشی شدیدی داشته و از ۲/۶۰۰ نفر در سال ۱۳۹۴ به ۱۰/۸۰۰ نفر در سال ۱۳۹۷ رسیده است. شاید علت این افزایش علاوه بر سنخیت فرهنگی نسبتاً مشابه بین فرم تئاتر و شاهنامه‌خوانی که در بالا به آن اشاره شد، عدم نیاز تئاتر به تجهیزات زیرساختی مدرن باشد که امکان اجرای آن را در هر دیاری با هر امکاناتی امکان‌پذیر می‌سازد. به علاوه حضور در آن چه به عنوان بازیگر چه به عنوان تماشاگر در مقایسه با سایر فرم‌های هنری، نیازمند آداب، آیین و تشریفات رسمی خاص و پردامنه‌ای نیست.

براساس گزارش سال‌نامه فرهنگ و هنر کشوری ۱۳۹۷، استان کهگیلویه و بویراحمد، از نظر تعداد مؤسسات فرهنگی و هنری چند منظوره فعال در رتبه آخر استان‌های کشور قرار دارد. تعداد مجتمع‌های فرهنگی و هنری استان در سال‌های ۱۳۹۱ - ۱۳۹۷، از ۱ باب در

سال ۱۳۹۱، با روند افزایش تدریجی به ۶ مورد در سال ۱۳۹۷ رسیده است. البته شایان ذکر است از این ۶ باب مجتمع فرهنگی و هنری تنها ۴ باب از آن‌ها فعال هستند.

توسعه فرهنگ و هنر از شاخص‌های مهم مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جوامع مختلف است. با چرخش فرهنگی اواخر قرن بیستم نقش شاخص‌های فرهنگی در توسعه مهم‌تر از توسعه اقتصادی و سیاسی عنوان شده است. یکی از مهم‌ترین بروز و نمود توسعه فرهنگی به‌ویژه در بین نسل جوان مصرف موسیقی است.

در دهه‌های اخیر موسیقی به زبان فراگیر نسل‌های متفاوت تبدیل شده و مصرف موسیقی همان‌گونه که بیان‌گر هویت و ویژگی‌های اجتماعی و روان‌شناختی یک گروه یا نسل است به سهم و نوبه خود، سازنده آن نیز محسوب می‌شود. هرچند گسترش رسانه‌های تکنولوژیک به‌ویژه دستگاه‌های صوتی و تصویری متحرک و سیال انفرادی مانند موبایل موجب توجه کمتر به اجراهای موسیقی صحنه‌ای شده است اما هنوز هم اجرای موسیقی‌های صحنه‌ای جایگاه و اهمیت خاص خود را دارد.

بر استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی و با توجه به بند ۱۲ ماده ۱۲ قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۲، اجرای صحنه‌ای موسیقی (کنسرت)، شامل تک‌خوانی، هم‌خوانی (هم‌سرایی)، تک‌نوازی و اجرای کنسرت فردی و جمعی در مجامع عمومی و برای عرضه به افراد جامعه از هر قشر و گروهی تلقی می‌شود. درخصوص تعداد اجراهای صحنه‌ای موسیقی استان نیز آمار و ارقام منتشره گزارش‌های مختلف نه تنها یکسان نیستند بلکه اختلاف نسبتاً فاحشی با یکدیگر دارند. برای مثال براساس گزارش سال‌نامه فرهنگ و هنر، تعداد اجرای صحنه‌ای موسیقی در استان کهگیلویه و بویراحمد، در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ به ترتیب ۱۰۱ و ۱۱۴ دفعه بوده است. اما براساس گزارش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، تعداد این اجراهای صحنه‌ای در دو سال یاد شده به ترتیب ۸۵ و ۲۶ دفعه بوده است. این تفاوت فاحش شاید ناشی از برگزاری اجراهای صحنه‌ای موسیقی در فضاهای باز مانند پارک‌ها یا در جشن‌های متعددی باشد که به مناسبت‌های مختلف در سازمان‌های مختلف برگزار می‌شود و نیازی به مجوز اداره فرهنگ و ارشاد استان ندارند.

بر خلاف جدول ۲-۱۶ که اطلاعات اجرای صحنه‌ای موسیقی به صورت کلی ارائه شد، در نمودار ۲۱ تنها نمودار تعداد اجراهای صحنه‌ای موسیقی ارائه شده است که دارای مجوز از اداره ارشاد بوده‌اند.

درخصوص تعداد اجراهای صحنه‌ای موسیقی در استان طی سال‌های متوالی ۱۳۹۱

تا ۱۳۹۷ می‌توان گفت تعداد اجراهای صحنه‌ای موسیقی استان با ۳۸ دفعه در سال ۱۳۹۱، بعد از داشتن شیب افزایشی نسبتاً تند تا سال ۱۳۹۳ (۱۰۲ دفعه) تا سال ۱۳۹۶ روندی تقریباً ثابت دارد و سپس با شیب کاهشی نسبتاً شدیدی به ۲۶ دفعه در سال ۱۳۹۷ می‌رسد. بنابراین می‌توان گفت روند اجراهای صحنه‌ای موسیقی طی سال‌های دهه ۱۳۹۰ روندی یکسان (افزایشی، ثابت یا کاهشی) نداشته و با نوسانات فراوان و شدیدی مواجه بوده است.

به نظر می‌رسد این نوسانات بیش از هر چیزی به سیاست‌گذاری‌های حاکم بر روند اجرایی و سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه و جایگاه متفاوت موسیقی در گفتمان‌های سیاسی متفاوت در جامعه برمی‌گردد. زیرا یکی از چالش‌های و مجادله‌آمیزترین سیاست‌های فرهنگی در جامعه ایران به بحث موسیقی، اجرای صحنه‌ای آن و تشویق یا ممانعت از از برگزاری عملی اجراهای صحنه‌ای موسیقی مربوط می‌شود.

از دیگر شاخص‌های مقوله هنر و سینما نگارخانه‌ها و تعداد آنها است. نگارخانه‌ها مکان‌هایی هستند که سایر آثار هنری به جز نقاشی در آن‌ها به نمایش گذاشته می‌شود. از جمله این آثار هنری هنرهای تجسمی، آثار معماری، آثار مربوط به طرح‌های داخلی و... هستند. هدف از تأسیس نگارخانه تلاش برای ارتقای آشنایی مردم با آثار هنری و اشاعه مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی و هنری، فراهم آوردن زمینه‌های رشد و اعتلای هنرهای تجسمی و سنتی از طریق معرفی هنرمندان و آثار هنری، عرضه و فروش آثار هنری است. نگارخانه رویداد بسیار بزرگ فرهنگی است که می‌تواند نقش کلیدی در توسعه فرهنگ ایفا کرده و فرهنگ و هنر را به مخاطبان معرفی کند. درخصوص تعداد نگارخانه‌های فعال در استان طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷، می‌توان گفت تعداد نگارخانه‌ها از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ روندی کاهشی داشته و بعد از آن تا سال ۱۳۹۷ تعداد نگارخانه‌های فعال استان ثابت بوده است.

جدول ۱۶. وضعیت زیرساخت‌ها، فعالیت‌ها و تماشاگران حوزه هنر و سینمای استان کهگیلویه و بویراحمد از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷

ردیف	عنوان	واحد	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷
۱	سینما	باب	۲	۲	۲	۲	۳	۸	۳
۲	ظرفیت سینماها	صندلی	۶۶۲	۶۶۲	۱/۷۵۰	۱/۷۵۰	۱/۷۵۰	۱/۹۷۰	۱/۱۲۰
۳	عناوین فیلم‌های اکران شده	عنوان	۲	۲	۲	۲	۱۰	۱۵	۳۰

بخش سوم: گزارش توصیفی وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد | ۱۳۷

ردیف	عنوان	واحد	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷
۴	تعداد تماشاگران فیلم در سالن‌های سینما	نفر	۸/۰۰۰	۸/۰۰۰	۸/۵۰۰	۱۳/۰۰۰	۱۳/۰۰۰	۱۱/۴۷۵	۱۵/۰۰۰
۵	سالن‌های تئاتر و نمایش	باب	۶	۶	۶	۶	۹	۹	۹
۶	تعداد تماشاگران نمایش‌های اجرا شده	هزار نفر	۷	۵	۵	۲/۶	۴۵	۶/۲۰۰	۱۰/۸۰۰
۷	مجتمع‌های فرهنگی و هنری	باب	۱	۱	۲	۲	۶	۶	۶
۸	هنرستان‌های هنری	باب	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۹	تعداد هنرجویان هنرستان‌های هنری	نفر	۱۰۲	۱۳۰	۱۲۵	۱۷۵	۸۴	۷۶	۱۴۰
۱۰	تعداد عناوین نمایش‌های تولید و اجرا شده	عنوان	۱۰۵	۸۵	۷۰	۷۲	۷۰	۸۴	۵۶
۱۱	نگارخانه‌های فعال	باب	۷	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۱۲	آموزشگاه‌های آزاد هنری	باب	۴۰	۴۲	۴۵	۴۷	۳	۳۵	۴۱
۱۳	اجرای صحنه‌ای موسیقی	اجرا	۳۸	۱۰۲	۷۰	۶۵	۷۰	۸۵	۲۶

منبع: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان

همچنین براساس سال‌نامه آماری فرهنگ و هنر تعداد عناوین، دفعات اجرا و تماشاگران نمایش‌های تولید و اجرا شده سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ در استان کهگیلویه و بویراحمد در جدول ۱۷ آمده است.

جدول ۱۷. تعداد عناوین، دفعات اجرا و تماشاگران همایش‌های تولید و اجرا شده در استان کهگیلویه و بویراحمد از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷

سال	نمایش			جشنواره‌های هنری برگزار شده		نمایشگاه هنرهای تجسمی	آموزشگاه‌های آزاد هنری و هنرجویان	
	تعداد	دفعات اجرا	تماشاگران	تعداد	اجرای صحنه‌ای موسیقی		تعداد	هنرجویان
۱۳۹۵	۱۲۹	۱/۰۳۲	۱۲/۳۸۴	۲۶	۵۷	۳۱	۲۷	۸۱۶
۱۳۹۶	۱۰۹	۸۷۲	۱۹/۱۸۴	۳۵	۱۰۱	۱۲۵	۲۹	۱/۶۶۲
۱۳۹۷	۱۲۱	۹۸۵	۴۵/۱۳۰	۹	۱۱۴	۵۰	۷۴	۴/۸۳۵

حوزه قرآن و عترت

ترویج و نشر قرآن کریم و فرهنگ قرآنی در کشور ایران دارای قدمتی به بلندی تاریخ اسلام و اقبال ایرانیان به اسلام و قرآن کریم است. آثار مکتوب حجمی و معماری به جا مانده از این دوره مشعشع سند افتخاری است برای هر ایرانی مسلمان که در جای جای این سرزمین کهن و موزه‌های برتر دنیا چشم هر بیننده‌ای را به خود معطوف می‌کند. شاخص‌های حوزه قرآن و عترت به عنوان یکی دیگر از مقوله‌های فعالیت‌های فرهنگی و هنری استان شامل شاخص‌هایی مانند محصولات مذهبی و قرآنی، آموزشگاه‌های قرآنی، مؤسسه‌های فرهنگی قرآن و عترت، انجمن‌های قرآنی، کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، کتابخانه‌های مساجد، خانه‌های نور و همایش‌ها و نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و مسابقات هستند.

معاونت قرآن و عترت یکی از معاونت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که دارای وظایف متعدد و چندگانه‌ای مانند سیاست‌گذاری برای چگونگی برگزاری نمایشگاه‌های قرآن و عترت، تدوین سیاست‌ها و ضوابط برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات قرآن و عترت، صدور مجوز و نظارت بر اجرای آن و... است. این معاونت سازمان‌ها و مراکز تابعه متعددی مانند سازمان سینمایی و سمعی بصری کشور، انجمن آثار و مفاخر ایرانی، سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی، هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور دارد.^۱

مؤسسات فرهنگی قرآن و عترت با اهداف فرهنگی، غیرسیاسی و با رویکرد تعمیم و تعمیق ایمان، شناخت و ارتباط و انس با قرآن و تحقق آموزه‌های قرآنی در رفتارهای فردی و اجتماعی به فعالیت می‌پردازند. از اهداف مؤسسات فرهنگی قرآن و عترت تمسک به تعالیم انسان‌ساز قرآن کریم و معارف اهل بیت علیهم السلام و تلاش در جهت تقویت ایمان و اعتقاد افراد جامعه به قرآن و عترت، تعمیق معرفت عمومی، تعمیم فهم و درک و تدبیر قرآن کریم و ارتقای التزام عملی به قرآن و عترت در ابعاد فردی و اجتماعی، اشاعه و ترویج آیات و مفاهیم قرآن کریم در حوزه فرهنگ عمومی و تجلی آن در نمادسازی، محاوره‌های مردمی، تبلیغات رسانه‌ای و معرفی و بازشناسی فرهنگ مهدویت و هدایت جامعه به سمت فرهنگ انتظار است.

در این جا اطلاعات مرتبط با فعالیت‌های قرآن و عترت استان در دو بخش مجزای فعالیت‌های قرآن و عترت در سال ۱۳۹۸ و فعالیت‌های قرآن و عترت از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ ارائه می‌شود.

۱. درگاه اینترنتی معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فعالیت‌های حوزه قرآن و عترت استان در سال ۱۳۹۸

اطلاعات ارائه شده در این بخش برگرفته از کارشناس مرتبط اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، سازمان تبلیغات اسلامی استان و ستاد کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان است. براساس اطلاعات اداره ارشاد استان در مجموع ۴۴ مؤسسه قرآن و عترت زیر نظر این اداره وجود دارد که از این تعداد ۲۸ مؤسسه در حال حاضر فعال و ۱۶ مؤسسه غیرفعال هستند. به عبارتی دیگر بیش از یک سوم (۳۶/۳۶ درصد) کل مؤسسات قرآن و عترت استان غیرفعال هستند که نسبت قابل توجهی است. براساس گزارش کارشناس مربوطه اداره ارشاد در سال ۱۳۹۸ تعداد ۳۳ مجوز قرآنی از سوی اداره کل ارشاد استان صادر شده است. اطلاعات کامل‌تر مربوط به شاخص‌های حوزه قرآن و عترت در جدول شماره ۱۸ آمده است. بیش از نیمی از این مؤسسات (۵۲/۲۷ درصد) در شهرستان بویراحمد واقع شده‌اند. از طرف دیگر هیچ مؤسسه فعال قرآنی و عترتی در شهرستان بهمئی وجود ندارد. براساس اطلاعات ستاد کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان ۶۴۴ کانون فرهنگی و هنری، ۶۶ واحد خانه نور، ۴۳۴ طرح تلاوت نور، ۱۱۶ باب کتابخانه بسته و ۲۳۰ باب کتابخانه باز در سطح استان وجود دارد. براساس گزارش همین کانون در سال ۱۳۹۸، ۱ کانون فرهنگی و هنری مساجد و ۳ جشنواره مسابقات قرآنی در سطح استان وجود داشته است. بنا به گفته مدیر مسئول کانون فرهنگی و هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد استان کهگیلویه و بویراحمد، در سال ۱۳۹۹ تعداد ۶۴۰ کانون فرهنگی و هنری در مساجد استان فعالیت دارند. ۷۰ درصد این کانون‌ها در مناطق روستایی و محروم قرار دارند. ۵۷/۰۰۰ نفر از نوجوانان و جوانان و مردم استان عضو این کانون‌ها هستند. از این تعداد ۶۳ درصد را مردان و ۳۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.^۱

جدول ۱۸. عناوین و تعداد فعالیت‌های فرهنگی و هنری قرآنی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در نیمه اول سال ۱۳۹۸

ردیف	عنوان	تعداد
۱	نمایشگاه‌های قرآن	۳
۲	محافل قرآنی	۱۰۴
۳	کارگاه‌های آموزش قرآن	۱۰
۴	نشست‌های قرآنی در حوزه قرآنی و عترت	۲۵
	مجموع	۱۴۲

۱. عضویت ۵۷ هزار نفر از نوجوانان و جوانان کهگیلویه و بویراحمد در کانون فرهنگی و هنری مساجد، ۲۸ خردادماه ۱۳۹۹، خبرگزاری خبربان.

جدول ۱۹. تعداد مؤسسات قرآن و عترت فعال و غیرفعال استان در سال ۱۳۹۸

سال و نام شهرستان	شاخص / نماگر	
۱۳۹۸	تعداد مؤسسات قرآن و عترت	
	غیرفعال	فعال
جمع	۴۴	۴۴
بویراحمد	۸	۱۵
کهگیلویه	۴	۳
گچساران		۳
چرام		۲
لنده		۳
دنا	۲	۲
بهمئی	۲	---
جمع	۱۶	۲۸

منبع: اداره کل ارشاد و فرهنگ اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد

فعالیت‌های حوزه قرآن و عترت استان از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷

وضعیت فعالیت‌های فرهنگی و هنری استان براساس شاخص‌های محصولات مذهبی، آموزشگاه‌های قرآنی، مؤسسه‌های قرآنی و عترت، انجمن‌های قرآنی، کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، کتابخانه‌های مساجد و خانه‌های نور و همایش‌ها، نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و مسابقات قرآنی طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ در جدول ۲۰ ارائه شده است. هم‌چنان‌که فراوانی شاخص مربوطه نشان می‌دهد تعداد مؤسسات فرهنگی قرآن و عترت استان در سال ۹۷ به یکی از پایین‌ترین حدود خود در سال‌های اخیر رسیده است. بالاترین تعداد این مؤسسات در این بازه چندساله به سال ۱۳۹۶ (۶۰ مؤسسه) مربوط است که این تعداد در سال ۱۳۹۷ تقریباً به نصف نزول کرده است. در این‌جا نیز تعداد داده‌ها و اطلاعات منتشر شده دو منبع اطلاعات سال‌نامه فرهنگ و هنر و اداره فرهنگ و ارشاد استان با یکدیگر تفاوت دارند.

مقایسه شاخص‌های تعداد مربوط به فراوانی نمایشگاه‌های برگزار شده و تعداد اعضای کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد نشان می‌دهد فراوانی و تعداد هر دو شاخص در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است.

جدول ۲۰. تعداد عناوین، دفعات اجرا و نمایش‌های تولید و اجرا شده فعالیت‌های قرآنی استان از ۱۳۹۵ - ۱۳۹۷

سال	تعداد مؤسسات فرهنگی قرآن و عترت ۶	تعداد حافظان قرآن کریم			تعداد نمایشگاه‌های قرآنی برگزار شده	کانون فرهنگی و هنری مساجد	
		جمع	زن	مرد		تعداد	اعضا
۱۳۹۵	-----	--	---	--	۱۷	۵۶۰	۱۰۰۲۴۰
۱۳۹۶	-----	--	--	--	۶۰	۶۱۰	--
۱۳۹۷	۳۱	۱۰۶۹	۸۲۱	۲۴۸	۱۵	۶۲۵	۵۶۸۹۰

منبع: سال‌نامه آماری فرهنگ و هنر از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷

همان‌طور که داده‌های جدول ۲۱ نشان می‌دهد، تعداد کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان از ۴۰۰ باب در سال ۱۳۹۱ به ۶۲۷ باب در سال ۱۳۹۷ افزایش پیدا کرده است. تعداد اعضای کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان از ۶/۵۰۰ نفر در سال ۱۳۹۱ با رشدی پیوسته افزایش یافته و ۸۲۳ درصدی، به ۶۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۹۷ رسیده است. اما نکته جالب توجه کاهش شدید و بیش از ۵۰ درصدی تعداد مؤسسات فرهنگی قرآن و عترت استان در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶ است.

در ادامه نمودار فعالیت بعضی از مهم‌ترین فعالیت‌های حوزه قرآن و عترت استان کهگیلویه و بویراحمد طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷، براساس اطلاعات اداره فرهنگ و ارشاد استان ارائه می‌شود.

از نظر تعداد مؤسسات فرهنگی قرآن و عترت در استان می‌توان گفت تعداد این مؤسسات از ۴۳ مؤسسه در سال ۱۳۹۱، پس از روند افزایشی تدریجی تا سال ۱۳۹۴، با شیب افزایشی شدیدی به ۱۰۹ مؤسسه در سال ۱۳۹۶ رسیده است. دومرتبه این تعداد با داشتن شیب کاهشی شدیدی به ۴۵ مؤسسه در سال ۱۳۹۷ کاهش یافته است. به عبارتی از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶ تعداد مؤسسات قرآنی در استان کاهشی تقریباً ۵۹ درصدی داشته است.

دیگر شاخص مهم حوزه قرآن و عترت کانون‌های فرهنگی هنری مساجد هستند که در کنار مساجد و با استفاده از نیروهای متخصص و متعهد با انجام فعالیت‌های مختلف فرهنگی و هنری زمینه حضور مؤثر و معنوی نوجوانان و جوانان را در مساجد فراهم می‌کنند. با عنایت به تنوع فعالیت این مراکز در محورهای قرآنی، آموزشی، فرهنگی، هنری،

پژوهشی، ورزشی و به منظور سامان‌دهی، هماهنگ‌سازی و استانداردسازی فعالیت‌های مذکور و همچنین به منظور آگاهی از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های کانون‌های کل کشور دبیرخانه ستاد عالی بر سیاست‌گذاری‌ها و فعالیت‌های چنین کانون‌هایی نظارت دارد.^۱

درخصوص تعداد کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان کهگیلویه و بویراحمد طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷، می‌توان گفت تعداد این کانون‌ها از ۴۰۰ کانون در سال ۱۳۹۱ به ۶۲۷ کانون در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. بیش‌ترین رشد این کانون‌ها از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶ اتفاق افتاده است. براساس فراوانی کانون‌ها در طول سال‌های مورد نظر می‌توان گفت تعداد این کانون‌ها از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۶ رشد افزایشی ۵۳ درصدی داشته است. همچنین اگر تعداد کانون‌ها در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۱ را مبنای محاسبه قرار دهیم، این رشد افزایشی طی هفت سال ذکر شده بیش از ۵۶ درصد بوده است.

از این‌رو می‌توان گفت کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد با توجه به گسترده‌گی مساجد در تمام نقاط شهری و روستایی استان و فعالیت مردان و زنان در مساجد، در مقایسه با سایر نهادهای فرهنگی و هنری، می‌توانند تأثیری اساسی و فراگیر بر فعالیت‌های فرهنگی تمام اقشار و گروه‌های اجتماعی جامعه داشته باشند.

مهم‌تر از تعداد کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، مشخص کردن تعداد اعضای این کانون‌ها است. براساس خط سیر زمانی تعداد اعضای کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ می‌توان گفت تعداد اعضای این کانون‌ها در استان از ۶/۵۰۰ نفر در سال ۱۳۹۱ با سیر افزایشی نسبتاً تدریجی، به ۲۷/۴۰۰ نفر در سال ۱۳۹۶ و در این سال با سیر افزایشی چشم‌گیری به ۶۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۹۷ رسیده است. سیر افزایش تعداد اعضای کانون‌های فرهنگی و هنری استان از سال ۱۳۹۱ به سال ۱۳۹۷ با رشد افزایشی بیش از ۸۲۳ درصدی همراه بوده است.

در پایان این بخش درخصوص بخش قرآن و عترت می‌توان گفت هر چند آمار و اطلاعات دقیقی از تعداد و فراوانی جشن‌ها و آیین‌های قرآنی برگزار شده و تعداد شرکت‌کنندگان در آنها در روندی زمانی در استان وجود ندارد^۲ اما مهم‌ترین فعالیت‌های جمعی و آیینی سالیانه و دوره‌ای مرتبط با حوزه قرآن و عترت استان شامل برگزاری هفته‌های

۱. برگرفته از سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وظایف کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد.

۲. این ادعا بنا به پاسخ کارشناسان ذی‌ربط در اداره فرهنگ و ارشاد استان و کارشناس کانون‌های فرهنگی مساجد استان به درخواست این‌جانب جهت دریافت گزارش‌های مربوطه طی روندی ده ساله صورت گرفته است و صحت و سقم آن جای بحث و مجادله است.

قرآن و عترت، جشنواره رمضان، برگزاری محافل انس با قرآن، تشکیل اتحادیه‌های قرآنی، اجرای طرح تلاوت نور در مساجد، برگزاری جشنواره‌های آیات و حمایت از مؤسسات قرآن و عترت بوده‌اند.

براساس رشد کمی این مؤسسات مطابق با آمار و اطلاعات منتشره تعداد مؤسسات فرهنگی قرآن و عترت دارای پروانه فعالیت در استان، از ۴۳ باب در سال ۱۳۹۱ به ۱۰۹ باب در سال ۱۳۹۶ افزایش و با شیب نزولی شدید به ۴۵ باب در سال ۱۳۹۷ رسیده است. تعداد نمایشگاه‌های قرآنی برگزار شده در استان در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ به ترتیب ۶۰ و ۱۵ مورد بوده است.^۱

جدول ۲۱. تعداد کانون‌های فرهنگی اعضا و مؤسسات حوزه قرآن و عترت استان از سال ۱۳۹۱ - ۱۳۹۷

ردیف	عنوان	واحد	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷
۱	تعداد کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد	باب	۴۰۰	۴۵۶	۴۶۰	۴۶۷	۴۷۰	۶۱۲	۶۲۷
۲	تعداد اعضای کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد	نفر	۶/۵۰۰	۱۳/۹۵۰	۲۴/۰۰۰	۲۶/۵۰۰	۲۶/۶۲۰	۲۷/۴۰۰	۶۰/۰۰۰
۳	مؤسسات فرهنگی قرآن و عترت	باب	۴۳	۵۰	۶۱	۷۰	۴۹	۱۰۹	۴۵

منبع: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان

مهم‌ترین اقدامات و برنامه‌های فرهنگی و هنری در حال اجرا

بخش سوم فعالیت‌های فرهنگی و هنری به گزارش کیفی از مهم‌ترین اقدامات و برنامه‌های ویژه اداره کل فرهنگ و ارشاد و گزارش مهم‌ترین برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی و هنری در حال اجرا (۱۳۹۸) در استان مربوط می‌شود. فعالیت‌هایی که در راستای تحقق گسترش دسترسی همگانی به کالا و خدمات فرهنگی صورت می‌گیرد. بر این اساس مهم‌ترین اقدامات و برنامه‌های فرهنگی و هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و واحدهای تابع و سایر ادارات فرهنگی مربوطه استان در سال ۱۳۹۸ این‌جا ارائه می‌شوند. شایان ذکر است هر چند هر یک از بخش‌های فرهنگی و هنری برشمرد شده در این گزارش، همایش‌ها، نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و مسابقات خاص خود را دارند اما به دلیل نبود آمار جامع و کامل، هم عرض بودن فعالیت‌های فرهنگی بعضی از سازمان‌ها و نبودن

۱. سال‌نامه آماری فرهنگ و هنر ۱۳۹۷.

بانک اطلاعاتی منسجم و یکپارچه درخصوص فعالیت‌های فرهنگی استان گسترده‌تری خود مفهوم فرهنگ و هنر و تعاریف متفاوت و متنوع از این مفهوم، برای تهیه فهرست جشنواره‌ها، همایش‌ها و مسابقات برگزار شده استانی با سازمان‌های متولی‌ای مانند اداره فرهنگ و ارشاد، سازمان کانون مساجد و کارشناسان صدا و سیما و کارشناسان فرهنگی آموزش و پرورش تماس گرفته شد. به تفکیک سازمان‌های مختلف استان، فعالیت‌های فرهنگی و هنری سازمان‌های مختلف در این جا ارائه می‌شود.

فعالیت‌های فرهنگی و هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در سال ۱۳۹۸

اهم فعالیت‌های فرهنگی و هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در سال ۱۳۹۸ در جدول ۱۶ ذکر شده است. بیش‌ترین فعالیت حوزه معاونت فرهنگی در نشست‌های فرهنگی، شعر، داستان و قصه بوده است. در بخش هنرهای نمایشی، تعداد اجراهای تئاتری با ۲۴۰ مورد بیش‌ترین فعالیت بوده است. نشست‌های هنری مربوط به حوزه نمایش از نظر فراوانی دومین فعالیت در این بخش بوده است. در بخش موسیقی اجراهای انواع موسیقی با ۷۴ اجرا، بیش‌ترین فعالیت بوده است. در بخش هنرهای تجسمی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه‌های مختلف نقاشی، مجسمه‌سازی، نگارگری، خوشنویسی و... بیش‌ترین فعالیت صورت گرفته بوده است (۹۹ کارگاه). کمترین فعالیت فرهنگی و هنری در بخش مد و لباس با مجموع ۲ نشست هنری در این حوزه بوده است. در حوزه امور سینمایی مهم‌ترین فعالیت صورت گرفته، نمایش فیلم با فراوانی ۷۰ مورد بوده. در بخش مطبوعات بیش‌ترین فعالیت مربوطه برگزاری جشن‌ها و مناسبت‌های مطبوعاتی با ۱۱ مورد بوده است. نهایتاً در حوزه قرآن و عترت بیش‌ترین فعالیت به محافل قرآنی با فراوانی ۱۹ مورد اختصاص دارد. سایر فعالیت‌های هر بخش به تفکیک موارد مربوطه در جدول ۲۳ ذکر شده است.

جدول ۲۲. فعالیت‌های فرهنگی و هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۸

ردیف	عنوان برنامه	تعداد فعالیت
۱	شعر	۱۶۹
۲	داستان و قصه	۱۰۹
۳	نقد و بررسی روممایی از کتاب	۱۸
۴	نمایشگاه‌های کتاب	۱۳
۵	برنامه‌های ترویجی و مسابقات کتاب‌خوانی	۶۶

بخش سوم: گزارش توصیفی وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد | ۱۴۵

ردیف	عنوان برنامه		تعداد فعالیت
۶	معاونت فرهنگی	جشنواره‌های فرهنگی	۱۲
		نشست‌های کارگاهی	۱۷۸
		کارگاه‌های آموزشی و فرهنگی	۴۲
		تعداد انجمن‌های ادبی تازه‌تأسیس در سال جاری	۴
۱۰	هنرهای نمایشی	تئاتر (تعداد اجراهای صحنه‌ای، خیابانی، نمایشنامه‌خوانی)	۲۴۰
تعداد مجوزهای نمایش		۴۵	
جشنواره‌های نمایشی (استانی، منطقه‌ای، فجر، مقاومت، کودک، عروسکی، سنتی)		۱۵	
کارگاه‌های تخصصی نمایشی		۲۷	
تعداد انجمن‌های تازه‌تأسیس در سال جاری		۰	
نشست‌های هنری در حوزه نمایش		۱۰۳	
۱۷	هنرهای موسیقی	موسیقی (کلیه اجراهای موسیقی اعم از سنتی، پاپ، محلی)	۷۴
تعداد مجوزهای موسیقی		۴۵	
جشنواره‌های موسیقی (فجر، نواحی، مقاومت، جوان، کودکان)		۰	
حمایت از تولید آلبوم موسیقی		۲	
کارگاه آموزشی موسیقی		۲۰	
تعداد انجمن‌های موسیقی تازه‌تأسیس در سال ۹۸		۱۰	
نشست‌های هنری در حوزه موسیقی		۲۳	
کارگاه‌های آموزشی (نقاشی، مجسمه‌سازی، نگارنگری، خوشنویسی)		۹۹	
۲۵	هنرهای تجسمی	تعداد مجوزهای راه‌اندازی نگارخانه در سال ۹۸	۳
تعداد حمایت از خرید آثار از هنرمندان		۴	
برگزاری نمایشگاه هنرهای تجسمی		۳۲	
جشنواره‌های هنرهای تجسمی (فجر، جوانان ایران)		۱	
نشست‌های هنری در حوزه تجسمی		۳۷	

ردیف	عنوان برنامه	تعداد فعالیت
۳۰	مد و لباس	برگزاری نمایشگاه مد و لباس
۳۱		جشنواره مد و لباس (فجر، دانشجویی)
۳۲		کارگاه آموزشی مد و لباس
۳۳		نشست‌های هنری در حوزه مد و لباس
۳۴	سازمان امور سینمایی و سمعی، بصری	افتتاح سینما و تجهیز سالن‌های چندمنظوره به سیستم دیجیتال
۳۵		نقد و بررسی فیلم و فیلم‌نامه
۳۶		نمایش فیلم
۳۷		جشنواره‌ها و هفته‌های فیلم و عکس
۳۸		کارگاه‌های آموزشی و سینمایی
۳۹		تولید فیلم (فیلم کوتاه، فیلم بلند)
۴۰		نشست‌های حوزه سینمایی
۴۱	معاونت مطبوعاتی و اطلاع رسانی	مجوزهای کانون‌ها و مؤسسات تبلیغاتی
۴۲		مجوز صدور نشریات و یا پایگاه‌های خبری (سایت) جدید در سال ۱۳۹۸
۴۳		مجوز تبلیغات محیطی، بیلبوردها و فضای بیرون
۴۴		جشنواره‌های مطبوعاتی فجر، استانی
۴۵		برگزاری کارگاه‌های آموزشی مطبوعاتی و تبلیغاتی و رسانه‌ای
۴۶		جشن‌ها و مناسبت‌های مطبوعاتی (رویدادها، همایش‌ها، گردهمایی و روز خبرنگار)
۴۷		نمایشگاه مطبوعاتی و رسانه‌ای
۴۸		مجوز تبلیغات و آگهی‌ها (رسانه‌ای، پیک‌های تبلیغاتی، آگهی‌نامه‌ها)
۴۹	معاونت قرآن و معنیت	مجوز مؤسسات قرآنی در سال ۱۳۹۸
۵۰		نمایشگاه‌های قرآنی
۵۱		جشنواره‌های و هفته‌های قرآنی
۵۲		محافل قرآنی

ردیف	عنوان برنامه		تعداد فعالیت	
۵۳	معاونت قرآن و معارف	کارگاه‌های آموزشی قرآنی	۴۰	
۵۴		تعداد آثار فروخته شده هنرمندان	۵	
۵۵		نشست‌های قرآنی در حوزه قرآن و عترت	۷۰	
۵۶	معاونت توسعه منابع	آموزش نیروی انسانی	تعداد دوره‌های آموزشی نیروی انسانی	۱۷
۵۷			تعداد نفرات آموزش دیده نیروی انسانی	۳۰۹
۵۸			ساعات دوره‌های آموزشی نیروی انسانی	۵۶۰۲
۵۹	اشتغال		مجوزهای اشتغال خانگی	۸
۶۰			تعداد وام‌های خود اشتغالی	۷
۶۱			آزمون‌های مهارتی	۲
۶۲			افراد استخدام شده (پیمانی، رسمی، قراردادکار معین)	۰
۶۳	واگذاری	واگذاری مراکز فرهنگی و هنری (کل یا بخشی از یک مجموعه)	۱۵	
۶۵	سایر فعالیت‌های فرهنگی، هنری و قرآنی	بزرگداشت‌ها	بزرگداشت مفاخر، مشاهیر و شخصیت‌های فرهنگی و هنری	۳۷
۶۶		استارت آپ	تعداد استارت‌آپ‌های فعال در حوزه فرهنگی، هنری و دینی	۰
۶۷			تعداد طرح‌های پذیرفته شده استارت‌آپ‌ها	۰
		جمع کل فعالیت‌ها		۲۵۶۳

مهم‌ترین برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی و هنری دیگر سازمان‌های استان در سال ۱۳۹۸

هر چند ضمن اصطلاحات جشنواره، مسابقه و همایش از همدیگر متمایز بوده و مقاصد و کارکردهای متفاوتی دارند؛ در این جا همه فعالیت‌هایی از این دست که توسط سازمان‌های مختلف استان ذیل اقدامات و برنامه‌های فرهنگی ارائه و عنوان شده‌اند، ذکر گردیده‌اند. شایان ذکر است منبع گردآوری و اطلاع از این اقدامات تماس با کارشناسان رسمی و رسانه‌ای سازمان‌های مختلف مانند کارشناسان صدا سیما، آموزش و پرورش، اداره فرهنگ و ارشاد و تماس با اشخاص حقیقی فعال در حوزه‌های فرهنگ و هنر استان بوده است. فهرست کامل این اقدامات در جدول ۲۴ آورده شده است.

درخصوص ماهیت و دامنه این جشنواره‌ها می‌توان گفت برخی از این جشنواره‌ها در راستای جشنواره‌های تعریف و تنظیم شده ملی هستند (مانند جشنواره‌های برگزار شده در آموزش و پرورش استان یا جشنواره هفته پژوهش، برگزاری نمایشگاه کتاب). دسته دوم از این جشنواره‌ها ماهیتی منطقه‌ای دارند و مشمول مردم و مناطقی می‌شود که ویژگی‌های فرهنگی و هنری مشترکی با مردم استان کهگیلویه و بویراحمد دارند مانند جشنواره کوچ عشایر. دسته سوم از جشنواره‌ها متناسب با خصوصیات جغرافیایی و فرهنگی مردم استان یا مناطق مختلف خاصی از استان هستند. برای مثال، جشنواره انگور سی سخت با توجه به وضعیت شهرستان دنا و شهر سی سخت مختص مردم این شهر و گرمی داشت برداشت انگور و توجه به اهمیت راهبردی این محصول است. اما اقدامات فرهنگی دیگری مانند شاهنامه‌خوانی، کم و بیش در مناطق مختلف استان، برگزار می‌شود. از نظر تداوم یا تناوبی بودن برگزاری این جشنواره‌ها هم می‌توان گفت نظم و ثبات خاصی درخصوص الزامی بودن بیشتر این جشنواره‌ها وجود ندارد. در کل، تعداد کل این جشنواره‌ها و مسابقات ۵۷ مورد بوده است که به مناسبت‌های گوناگون بومی یا ملی به صورت متوالی یا متناوب در مرکز استان یا دیگر شهرهای استان برگزار شده‌اند.

بدون شک تعداد جشنواره‌های استانی از این تعداد بیشتر و گونه‌های آن متنوع‌تر است. زیرا خیلی از سازمان‌ها به صورت مستقل اقدام به برگزاری مسابقات قرآنی، بزرگداشت مقام شهدا، مسابقات فرهنگی درون سازمان و جشنواره‌های بومی و محلی می‌کنند، بدون این‌که درخصوص زمان، تعداد و سایر ویژگی‌های این جشنواره‌ها گزارشی به سازمان‌های ذی‌ربط ارائه دهند. به نظر می‌رسد هر چند اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی به صورت رسمی به عنوان متولی امور فرهنگی و هنری شناخته می‌شود؛ اما سازمان‌های دیگری نیز هستند که به صورت موازی و مستقل خودشان را به شدت درگیر برنامه‌ها و موضوعات و امور فرهنگی می‌کنند. از این رو تهیه فهرست کاملی از جشنواره‌ها و برنامه‌های فرهنگی، اگر غیر ممکن نباشد، قطعاً دشوار و خیلی پیچیده است. در جدول شماره نام، روند و محل برگزاری برخی از مهم‌ترین جشنواره‌های فرهنگی و هنری استان در سال ۱۳۹۸ ذکر شده‌اند.

جدول ۲۳. برخی از جشنواره‌های برگزار شده به مناسبت‌های گوناگون در استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۸

نام جشنواره	روند و محل برگزاری	نام جشنواره	روند و محل برگزاری
جشنواره برفی پیست اسکی کاکان	۴ سال اخیر	جشنواره رسانه‌ای ابوذر	--

بخش سوم: گزارش توصیفی وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد | ۱۴۹

نام جشنواره	روند و محل برگزاری	نام جشنواره	روند و محل برگزاری
صنایع دستی و تولیدات عشایری	هر ساله	جشنواره بازی‌های بومی و محلی	--
جشنواره فیلم فجر	هر ساله	جشنواره کوچ عشایر	
جشنواره ادبیات پایداری		جشنواره برداشت انگور	هر ساله (سی سخت)
جشنواره عشایری مبارزه با مواد مخدر	۲ بار در یاسوج	جشنواره تئاتر بومی و محلی منطقه‌ای	هر ساله
جشنواره رضوی		جشنواره خوارزمی	(دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم آموزش و پرورش)
جشنواره مشک و ملاز ۷	هر ساله (گچساران)	جشنواره مالک‌اشتر	---
جشنواره فرهنگ و هنر بومی محلی	هر ساله	جشنواره شعر ققنوس	--
جشنواره پلیس و نقش مردم در امنیت	--	جشنواره استانی دختران یلدایی	--
جشنواره ملی قصه‌گویی	--	جشنواره توانمندی‌های عشایری	---
جشنواره تئاتر معلولان خلیج فارس	میزبانی استان	جشنواره آواها و نواهای زندانیان کهگیلویه و بویراحمد	---
جشنواره کوچ عشایر اقوام ایران‌زمین	--	جشنواره شهر و داستان رضوی	استانی (از ۹۰ تا ۹۵)
شعر و داستان کوچ	اداره ارشاد ۵ سال	جشنواره استانی شعر امام خمینی (ره)	۵ دوره اداره ارشاد
شعر و داستان افتوا	اداره ارشاد ۵ سال	جشنواره شعر دفاع مقدس	۳ دوره بنیاد حفظ آثار
جشنواره استانی شعر نماز	ستاد اقامه نماز ۵ سال	جشنواره داستان سقلا تون	۶ دوره اداره ارشاد
جشنواره منطقه‌ای مشک تشنه	۵ دوره ارشاد	جشنواره ملی شعر زاگرس	۲ دوره اداره ارشاد
جشنواره داستان متیل	اداره ارشاد	جشنواره ملی شعر امام سجاد (ع)	۴ دوره اداره ارشاد
جشنواره مسابقات قرآنی	۳ مورد کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد	مسابقات قرآن، نماز و عترت	آموزش و پرورش سالیانه

نام جشنواره	روند و محل برگزاری	نام جشنواره	روند و محل برگزاری
مسابقات فرهنگی و هنری دانش آموزان	هر ساله (اداره آموزش و پرورش)	جشنواره شهید رجایی	-----
مسابقات مهر ریاست جمهوری دانش آموزان و معلمان	(آموزش و پرورش سالیانه)	جشنواره جابر ابن حیان	(دانش آموزان ابتدایی آموزش و پرورش)
المپیاد ورزشی دانش آموزی و دانشجویی	تربیت بدنی آموزش و پرورش و دانشگاه (سالیانه)	جشنواره خیرین مدرسه ساز	آموزش و پرورش
جشنواره فیلم رشد	آموزش و پرورش و دانشگاه (سالیانه)	همایش هفته معلم	سازمان آموزش و پرورش استان و شهرستانها
همایش آسیب های اجتماعی	آموزش و پرورش	مسابقات با موضوع آب	آموزش و پرورش
نمایشگاه هفته دفاع مقدس	---	همایش های پیاده روی در ادارات مختلف	دو هفته یک بار تربیت بدنی و آموزش و پرورش
نمایشگاه هفته سوادآموزی	آموزش و پرورش	اردوهای راهیان نور	آموزش و پرورش و دانشگاه
جشنواره «دست هایم کو مم حسن»	اداره ارشاد (یاسوج)	نمایشگاه پوستر آسیب های اجتماعی	یاسوج
نمایش «من گم شدم»	اداره ارشاد در گچساران	نمایشگاه پوستر حماسه ۹ دی	باشت
نمایشگاه حریم پایداری	یاسوج	نمایشگاه الگوی عزت ملی	یاسوج
نمایشگاه پوستر شهادت سردار سلیمانی	یاسوج	نمایشگاه کتاب در مصلاهی امام خمینی (ره)	یاسوج
همایش ها و جشنواره شاهنامه خوانی	اکثر شهرها (صدا و سیما و اداره ارشاد)	جشنواره تقدیر از تألیفات برگزیده و نویسندگان برتر استان	اداره فرهنگ و ارشاد

منبع: کارشناسان ذی ربط اداره های ارشاد، آموزش و پرورش، کانون مساجد، فعالان رسانه ای و صدا و سیما

پتانسیل فضاها و عملکرد فرهنگی و هنری در دسترس مردم استان

پتانسیل فضاها و عملکرد فرهنگی و هنری در دسترس مردم استان شامل ظرفیت موجود تولید و توزیع مصرف کالا و خدمات فرهنگی در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی به طور مبسوط و سایر نهادها و سازمان های دولتی شامل سازمان حج و اوقاف، شهرداری، سازمان تبلیغات اسلامی، اداره کل صدا و سیما و آموزش و پرورش و سازمان میراث فرهنگی

است. فضاها و عملکرد فرهنگی و هنری در دسترس مردم استان را می‌توان براساس شاخص‌های مراکز فرهنگی و هنری و کتابخانه‌های اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، تعداد چاپخانه‌های تحت نظارت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تعداد عناوین و شمارگان مطبوعات محلی و تعداد مؤسسات قرآن و عترت استان ذکر کرد. از آنجا که پتانسیل فضاها و مراکز فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش‌های قبلی ذکر شد این‌جا تنها به فضاها و مراکز فرهنگی سایر سازمان‌های استان پرداخته می‌شود. براساس جدول ۲۵ یاسوج با داشتن ۴ مجتمع فرهنگی در کل بیش‌ترین تعداد مجتمع فرهنگی را در استان دارد. اما از آن‌جا که یکی از این مراکز در حال ساخت و دیگری غیرفعال هستند، بیش‌ترین تعداد مراکز فرهنگی و هنری فعال استان را شهر دهدشت دارا است که دارای ۳ مجتمع فرهنگی و هنری فعال است. گچساران نیز ۳ مرکز فرهنگی و هنری دارد که تنها ۲ مورد از آنها در حال استفاده است. در مجموع در کل استان ۱۳ مرکز فرهنگی و هنری فعال، غیرفعال یا در حال ساخت وجود دارد که تنها ۸ مورد از آنها در حال استفاده است.

جدول ۲۴. مراکز فرهنگی و هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۸

ردیف	شهرستان	شهر	نام مجتمع فرهنگی و هنری	مساحت زمین	مساحت بنا	وضعیت	تعداد صندلی
۱	بویراحمد	یاسوج	یاسوج	۵/۷۰۰	۳/۶۰۰	در حال استفاده	۳۶۰
۲	دوگنبدان	گچساران	آفتابگردان	۴/۰۰۰	۵/۱۰۰	در حال ساخت	۲۸۰
۳	بهمنی	لیکک	فجر	۳/۰۰۰	۱/۵۵۰	در حال استفاده	۲۲۰
۴	کهگیلویه	دهدشت	کهگیلویه ۱	۴/۸۸۰	۲/۱۶۳	در حال استفاده	۳۰۰
۵	کهگیلویه	دهدشت	کهگیلویه ۲	۷/۰۰۰	۲/۸۰۰	در حال استفاده	۲۶۰
۶	دنا	سی سخت	دنا	۱/۴۵۰	۸۵۰	در حال استفاده	۲۸۰
۷	بویراحمد	یاسوج	ساختمان اداری	۱/۸۶۰	۱/۵۰۰	غیر فعال	---
۸	بویراحمد	یاسوج	هنرستان هنرهای زیبا	-----	۲/۳۰۰	در حال استفاده	۲۰۰
۹	گچساران	گچساران	ساختمان اداری	-----	۹۰۰	در حال استفاده	---
۱۰	کهگیلویه	دهدشت	ساختمان اداری	-----	۵۰۹	در حال استفاده	-----

ردیف	شهرستان	شهر	نام مجتمع فرهنگی و هنری	مساحت زمین	مساحت بنا	وضعیت	تعداد صندلی
۱۱	گچساران	گچساران	مجتمع پردیس شماره ۲	۸/۲۰۰	۶/۷۰۰	در حال ساخت	۱۴۰۰
۱۲	لنده	لنده	مجتمع فرهنگی و هنری	۲/۸۰۰	۲/۲۰۰	در حال ساخت	۱۱۵۰
۱۳	بویراحمد	یاسوج	تالار مرکزی	۱۹/۰۰۰	۲۳/۰۰۰	در حال ساخت	۵۰۰

منبع: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان

براساس جدول ۲۶ در کل استان ۴۴ مؤسسه قرآن و عترت وجود دارد که ۲۵ مورد از آنها فعال و ۱۹ مورد غیرفعال هستند. بیشترین تعداد به طور کلی (۲۳) و تعداد مؤسسات فعال (۱۵) قرآن و عترت به شهرستان بویراحمد به عنوان مرکز استان تعلق دارد. بنا به گفته سازمان تبلیغات اسلامی استان در کل استان ۱۸ مؤسسه آموزشگاه قرآنی دارای مجوز رسمی و ۵ مؤسسه در شرف اخذ پروانه کسب وجود دارد. همچنین ۹۷۰ خانه قرآن در استان جهت آموزش های عمومی^۱ دایر هستند که در نقاط مختلف استان به آموزش عمومی قرآن می پردازند.

جدول ۲۵. تعداد مؤسسات قرآن و عترت استان کهگیلویه و بویراحمد به تفکیک شهرستان و وضعیت عملکرد

ردیف	نام شهرستان	تعداد	وضعیت ^۱	
			فعال	غیر فعال
۱	بویراحمد	۲۳	۱۵	۸
۲	دنا	۴	۲	۲
۳	کهگیلویه	۷	۳	۴
۴	گچساران	۳	۳	---
۵	چرام	۲	۱	۱
۶	لنده	۳	۱	۲
۷	بهمنی	۲	---	۲
جمع		۴۴	۲۵	۱۹

منبع: سازمان تبلیغات اسلامی استان

۱. خانه های قرآن آموزش های عمومی و مؤسسات قرآنی آموزش های تخصصی ارائه می دهند.

براساس جدول ۲۷ در کل استان ۵۲ چاپخانه وجود دارد که ۴۰ درصد از این چاپخانه‌ها (۲۱ مورد) در شهرستان بویراحمد فعال هستند. از نظر داشتن تعداد چاپخانه شهرستان کهگیلویه با داشتن ۱۳ واحد چاپخانه و گچساران با داشتن ۶ واحد چاپخانه، از این نظر، در مراتب دوم و سوم استان قرار دارند.

جدول ۲۶. تعداد چاپخانه‌های تحت نظارت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۹۸

شهرستان	تعداد
بویراحمد	۲۱
کهگیلویه	۱۳
گچساران	۶
دنا	۱
بهمنی	۴
باشت	۲
چرام	۳
لنده	۲
جمع	۵۲

بخش چهارم: گزارش تحلیلی وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد

مقدمه

در این بخش نقاط ضعف و تهدیدات فرهنگی، نقاط قوت و فرصت‌های فرهنگی، خواست‌ها و نیازهای فرهنگی و هنری و ظرفیت‌های فرهنگی و هنری بومی استان براساس نظر تعدادی از مصاحبه‌شوندگان و مطلعان فرهنگی-هنری استان ارائه می‌شود. شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین و دشوارترین بخش‌های هر کار علمی در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، به میزان انطباق و سازگاری گفته‌های افراد منتخب (نمونه) با وضعیت فرهنگی-اجتماعی واقعی جامعه بزرگ‌تر (جامعه هدف) مربوط می‌شود. وضعیتی که در تحقیقات کمی ذیل عنوان «نمایا یا معرف بودگی» از آن یاد می‌شود. چون فرض بر این است که هر چه ویژگی‌های واحدهای نمونه به جامعه بزرگ‌تر نزدیک‌تر باشد، توان و قدرت تعمیم‌پذیری نتایج حاصل از نمونه به جامعه تحقیق، بیشتر و علمی‌تر است. در تحقیقات کیفی، حساسیت نسبت به سازگاری نمونه منتخب با جامعه بزرگ‌تر تا حد زیادی فرق دارد. چون در تحقیقات کیفی هدف کانونی تحقیق و محقق، نه تعمیم‌دهی نتایج بلکه دسترسی به دامنه یا عمق پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی از منظر مشارکت‌کنندگان در فضاهای فرهنگی و اجتماعی مورد نظر است. با این وجود نکته دیگر که ذکر آن ضروری است این که معیارهای انتخاب مشارکت‌کنندگان در هر تحقیق تا حد زیادی به خود موضوع و ماهیت آن تحقیق بستگی دارد. برای مثال انتخاب مشارکت‌کنندگان در

موضوعاتی مانند «مصرف کنندگان الکل» چندان دشوار نیست؛ زیرا افرادی را می‌توان به عنوان مشارکت‌کننده انتخاب کرد که مصرف‌کننده الکل هستند. به عبارتی ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان و دامنه و دایره تحقیق مشارکت‌کنندگان در چنین تحقیقاتی تا حد زیادی از قبل مشخص است. اما در مواردی دیگر مانند «ارزیابی وضعیت فرهنگی و هنری» یک جامعه، انتخاب مشارکت‌کنندگان به دلایل زیر پیچیدگی و مشکلات خاص خود را دارد. فرهنگ موضوعی پیچیده است و تعاریف متعدد و متنوعی (حدود ۳۰۰ تعریف) از آن وجود دارد. هم این‌که، شاخص‌های فرهنگی و هنری، تخصصی شده‌اند و افراد نمی‌توانند در همه ابعاد و حوزه‌های فرهنگی و هنری، تخصص، و بنابراین اطلاعات لازم و کافی داشته باشند. برای مثال کسیکه در حیطه شعر و ادبیات اطلاعات لازم و کافی دارد، چه بسا نمی‌تواند در حیطه‌های دیگری مانند موسیقی، تئاتر، سینما، قران و عترت ... که ذیل مقوله فرهنگی و هنری جای می‌گیرند، اطلاعات لازم و کافی داشته باشد. بنابراین یکی از محدودیت‌ها و مسائل این تحقیق، به گستردگی دامنه شمولیت موضوعی آن مربوط بود که هم فرهنگ عمومی استان و هم فعالیت‌های فرهنگی و هنری سازمان یافته‌تر در حوزه‌های متعددی مانند کتاب، مطبوعات، رسانه خبری و تبلیغات، ... تا هنرهای تجسمی را شامل می‌شد. بر این اساس و متناسب با این محدودیت مجری طرح درصدد برآمد تا در حد امکان، با افرادی مصاحبه و گفت‌وگو کند که در فعالیت‌های مختلف فرهنگی و هنری اطلاع داشته باشند (جدول ۳۰).

تعدادی از مصاحبه‌ها به صورت حضوری و رو در رو بوده است (۶ مصاحبه)؛ تعدادی دیگر از طریق تماس تلفنی با موبایل یا واتس‌آپ انجام گرفتند (۷ مورد). تقریباً مدت زمان انجام مصاحبه‌ها بین ۱ ساعت تا ۱ ساعت و نیم طول کشیده است. همه مصاحبه‌ها براساس شاخص‌های پیشنهادی کارفرمای طرح (بند ز و ح) صورت گرفته است. تحلیل داده‌ها نیز براساس مضمون مصاحبه‌ها و شاخص‌های مورد نظر کارفرما صورت گرفته است. برای تحلیل مضامین، ابتدا همه مصاحبه‌ها توسط مجری طرح مطالعه شد. سپس مفاهیم اصلی مربوط به فعالیت‌های هنری مختلف در ابعاد وضعیت فرهنگی و هنری استان (مزایا و معایب)، نیازهای فرهنگی و هنری استان و شاخص‌های متعدد کتاب، مطبوعات، رسانه و ... تحلیل شده‌اند.

بخش چهارم: گزارش تحلیلی وضعیت فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد | ۱۵۷

جدول شماره ۳۰- تاریخ، زمان، نحوه و برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

نام استعاری	تاریخ مصاحبه	زمان مصاحبه	نحوه مصاحبه	جنس	سن	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	محل اشتغال
۱	۹۹/۸/۲۶	۷۰ دقیقه	حضور	مرد	۴۷	دکتر	ادبیات فارسی	امور فرهنگی دانشگاه
۲	۹۹/۸/۲۷	۹۰ دقیقه	حضور	مرد	۳۴	کارشناسی ارشد	مدیریت برنامه‌ریزی روستایی	امور فرهنگی دانشگاه
۳	۲۷/۸/۹۹	۷۰ دقیقه	حضور	زن	۳۳	کارشناسی	ادبیات فارسی	امور فرهنگی دانشگاه (۱۱ سال سابقه)
۴	۹۹/۹/۱۶	۹۰ دقیقه	تلفنی	زن	۳۹	فوق دیپلم	صنایع دستی	دبیر اتحادیه زنان استان
۵	۹۹/۹/۱۹	۶۰ دقیقه	تلفنی	زن	۳۹	کارشناسی ارشد	ادبیات فارسی	کتاب‌دار
۶	۲/۱۰/۹۹	۶۵ دقیقه	حضور	زن	۴۳	دانشجوی دکتر	شیمی	معاون سابق آموزش و پرورش - ۱۰ سال سابقه مدیریت مدرسه
۷	۸/۱۰/۹۹	۷۵ دقیقه	حضور	مرد	۵۰	دانشجوی ارشد	فقه و مبانی حقوق	رئیس دایره قرآن سازمان اوقاف استان
۸	۹۹/۱۰/۲۰	۶۰ دقیقه	تلفنی	مرد	۴۵	دکتر	روانشناسی	معاونت فرهنگی و رئیس مرکز مشاوره دانشگاه
۹	۲۶/۱۰/۹۹	۱۲۰ دقیقه	تلفنی	مرد	۴۸	دکتر	ادبیات فارسی	هیئت علمی دانشگاه یاسوج
۱۰	۷/۱۱/۹۹	۶۰ دقیقه	حضور	مرد	۴۹	کارشناسی ارشد	زبان و فرهنگ‌های باستان	مدیر پژوهشی اداره ارشاد استان
۱۱	۹۹/۱۱/۷	۹۰ دقیقه	حضور	مرد	۵۲	کارشناسی ارشد	ادبیات فارسی	بازنشسته آموزش و پرورش و از مشاهیر فرهنگی استان
۱۲	۹۹/۱۱/۱۱	۳۰ دقیقه	حضور	مرد	۴۴	دکتر	مهندسی ژنتیک	هیئت علمی دانشگاه (غیربومی)
۱۳	۹۹/۱۱/۱۳	۷۰ دقیقه	تلفنی	مرد	۴۹	دکتر	تاریخ	هیئت علمی و پژوهش‌گر استانی

وضعیت فرهنگی و هنری استان از منظر مصاحبه‌شوندگان

اولین سؤالی که از همه مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد این بود که به زعم خودشان و با در نظر داشتن فرهنگ و هنر در دو قالب فرهنگ و هنر به معنای عمومی و عام آن و فرهنگ و هنر به معنای سازمانی و تخصصی آن مانند حوزه‌های کتاب، موسیقی و... که نهادها و سازمان‌های خاصی متولی سیاست‌گذاری و اجرای امور مرتبط با آنها هستند، نقاط قوت و ضعف فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد را بیان کنند. در این جا پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان تحلیل می‌شود. شایان ذکر است که به دلایل مختلف، مصاحبه‌شوندگان اجازه ضبط گفت‌وگوهایشان را ندادند؛ اما، تمام صحبت‌های آنان نوشته و سپس در زمان مناسب جهت تحلیل مضامین مندرج در آن‌ها تایپ شد. واحد تحلیل در بیشتر موارد جملات بوده است. مضمون مورد نظر و شیوه تحلیل، تحلیل تماتیک و موضوعی بوده است. بدین ترتیب که مضامین و موضوعاتی که به یک عنصر یا حوزه خاص مربوط می‌شدند ذیل یک عنوان جای گرفته و تحلیل شدند. بنابراین محور اصلی تحلیل گفته‌های مصاحبه‌شوندگان است که در مواردی جهت اعتباریابی تفسیر مجری و حفظ امانت‌داری، گفته‌های مشارکت‌کنندگان عیناً در گیومه ذکر شده‌اند. شایان ذکر است که به دلایل متعدد از ذکر هویت واقعی مصاحبه‌شوندگان خودداری شده و برای مکتوم ماندن هویت واقعی آنها از نام استعاری برای اسناد گفته‌ها استفاده شده است. مهم‌ترین مقوله‌های پوشش‌دهنده مضامین و محتوای گفته‌های مصاحبه‌شوندگان موارد زیر بوده‌اند.

نگاه تاریخی و نوستالژیک گونه به ویژگی‌های فرهنگی استان

یکی از مهم‌ترین مضامین مندرج در مصاحبه‌ها این بود که اکثر مشارکت‌کنندگان وضعیت کنونی فرهنگی و هنری استان را در فرآیندی زمانی و در نسبت با گذشته فرهنگی و هنری استان ارزیابی و مدنظر قرار می‌دادند. البته گذشته ارجاعی مورد نظر مشارکت‌کنندگان، به دو نقطه تاریخی جداگانه مربوط می‌شد یا ویژگی‌های فرهنگی کنونی جامعه استانی را در ابعاد مختلف به‌ویژه ویژگی‌های روحی-اخلاقی مردم را در مقایسه با گذشته فرهنگی ایل و مختصات فرهنگی و هنری ایل و تحولات ایجاد شده در مقایسه با آن نوع فرهنگ ارزیابی می‌کردند. از این نظر تقریباً همه مشارکت‌کنندگان نوعی نگاه نوستالژیک و حسرت‌گونه به خصوصیات مثبت گذشته قومی و ایلی خود داشتند. خصوصیات که به دلایل مختلف عینی مانند نوسازی، شهرنشینی، گسترش تکنولوژی‌های نوین به‌ویژه قابلیت‌های رسانه‌های مجازی و ذهنی مانند گسترش روحیه خودخواهی، پول‌پرستی، استقلال‌طلبی

دگرگون گشته یا حتی از بین رفته‌اند. نقطهٔ دوم ارجاع مقایسه‌ای مشارکت‌کنندگان، به‌ویژه در ارزیابی وضعیت شاخص‌های فرهنگی و هنری سازمان یافته و رسمی حوزه‌های مختلف فرهنگی و هنری استان، وقوع «انقلاب اسلامی ایران» و تحولات تا حدی مثبت بعد از آن بوده است. بدین ترتیب که مشارکت‌کنندگان به نوعی گسترش فعالیت‌های فرهنگی و هنری مانند گسترش فعالیت‌های قرآنی، گسترش نویسندگی، انتشار کتاب، شعر و... را تا حد زیادی به وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و زمان‌های بعد از آن نسبت می‌دادند. البته هر چند به تعبیر مشارکت‌کنندگان، شاخص‌های فرهنگی استان بهبود یافته است؛ اما آنها امکانات استان خود را در مقایسه با سایر استان‌های کشور کم دانسته و نوعی ارزیابی انتقادی به وضعیت فرهنگی و هنری استان ک.ب. در مقایسه با سایر استان‌های کشور داشته‌اند. ارزیابی‌ای که تا حد زیادی با نوعی «احساس محرومیت نسبی» در اکثر شاخص‌های فرهنگی و هنری همراه بوده است. واحد سازمان‌دهنده تحلیل مضامین مصاحبه‌ها، مقوله‌های انتزاعی و محوری^۱ و ابعاد فرعی هر یک از این مقولات انتزاعی هستند.

هویت جمعی و ویژگی‌های فرهنگی مردم استان

هویت که به کیستی و چیستی یک شیء فرد یا جمع اشاره دارد ابعاد و سطوح متعددی دارد که هم متأثر از گذشته آن شیء، فرد یا جمع است هم متأثر از نسبت فضایی-اجتماعی و شباهت و تفاوت آن واحد تحلیل با سایر واحدهای قابل مقایسه. به‌علاوه هویت می‌تواند ابعاد متعددی داشته باشد که همهٔ این ابعاد «برجستگی» یکسان و مشابهی برای واحدهای متعلق به آن هویت ندارند. هم‌چنین شاخصه‌ها و ویژگی‌های هویتی می‌تواند در سطح آگاهی عمومی و امری رهواره‌ای باشد یا این که به سطح هوشیاری سیاسی ارتقا یابد.^۲ مهم‌تر آن که هویت و عناصر و مؤلفه‌های آن متأثر از دگرگونی‌های تاریخی-اجتماعی-تکنولوژیکی احیا، تداوم یا دگرگون می‌شوند یا جایگاه و میزان اهمیت هر یک از این عناصر در هویت بخشی فرد یا گروه تحول پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد، براساس گفته‌های مشارکت‌کنندگان، می‌توان گفت بنا به تحلیل مضامین مشارکت‌کنندگان در تحقیق، مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی-هویتی مردم استان را در خصیصه‌های چندگانهٔ خصوصیات جغرافیایی-مکانی، ویژگی‌های تاریخی-حماسی، خصوصیات اجتماعی-روانشناختی، هویت دینی-مذهبی یک‌پارچه و تمایز و تبعیض جنسیتی فراگیر دسته‌بندی و تحلیل کرد (جدول ۳۱). البته شایان ذکر است

1. abstract and axial categories

۲. در این جا منظور از آگاهی عمومی awareness است که همهٔ افراد و اجتماعات بشری به نوعی واجد آن هستند؛ در مقابل، هوشیاری معادل consciousness است که معادل ارتقای ویژگی‌های هویتی به سطح آگاهی هدف‌مند و تقریباً تقابل جویانه و مبتنی بر رقابت و حتی خصومت جمعی است.

که همه این خصوصیات را می‌توان در بُرداری زمانی به تصویر کشید که گذشته دور ساکنان استان تا وضعیت کنونی‌شان را به تصویر می‌کشد. فرضی که به صورت مضمونی در گفته‌ها و تحلیل مندرج است و هر تحلیل‌گری باید آن را در تحلیل فرهنگی خویش مد نظر داشته باشد. مسلم است بعضی از این خصوصیات در گذشته مهم‌تر بوده‌اند و در حال حاضر کم‌رنگ‌تر شده، حتی در مواردی اهمیت خود را از دست داده، بی‌اهمیت و حتی خصلتی ضدارزش به خود گرفته‌اند.

جدول ۳۱- بازنمایی مختصر مضامین برجسته مصاحبه‌ها و روند تحلیل داده‌ها و استخراج مفاهیم، مقوله‌های اولیه و محوری پژوهش

مفاهیم	مقوله‌های اولیه	مقوله‌های محوری و عمده
تنوع آب و هوا- اقلیم- معادن- منابع- شکاف‌های جغرافیایی (سردسیر- گرمسیر)...	خصیصه‌های جغرافیایی- مکانی	هویت جمعی و خصوصیات اجتماعی- روان‌شناختی مردم استان
اوسانه سرایی‌های حماسی- شاهنامه خوانی- هویت بخشی دلاوری‌های رزمی گذشتگان و افتخار به خصلت جنگجویی و شجاعت افراد قوم و قبیله خود...	ویژگی‌های تاریخی- حماسی	
شیعه بودن یک‌پارچه، باورها و آیین‌های مذهبی قوی، وجود بقاع متبرکه مشهور...	هویت دینی- مذهبی یکپارچه	
نبود حقوق برابر برای زنان در تمام محیط‌های خصوصی خانوادگی، کار، بازنمایی رسانه‌ای، نبود امنیت شغلی برای زنان ...	تمایز و تبعیض جنسیتی فراگیر	
پیشینه فرهنگی قوی، نوع لباس، سبک گویش و پوشش محلی، صنایع دستی قدیمی و متنوع، ظرفیت شعری...	داشته‌های فرهنگی- هنری انحصاری بومی استان	
نیازهای آموزشی، تهیه و تدارک زیرساخت‌های آموزشی، پاس‌داشت و احترام به تنوعات فرهنگی و فکری، عدالت فرهنگی، نگاه فرهنگی فراگیر و همه‌جانبه...	نیازهای فرهنگی و هنری استان	

خصیصه‌های جغرافیایی- مکانی

جدول ۳۲- بازنمایی مختصر مفاهیم و عناصر مهم مقوله جغرافیایی- مکانی استان کهگیلویه و بویراحمد

مفاهیم و عناصر مهم	مقوله
--------------------	-------

ویژگی جغرافیایی- مکانی استان	چهار فصل بودن استان- منابع طبیعی، جانوری، گیاهی، زیرزمینی غنی- مکان‌مندی خصوصیت‌ها و تنازع جمعی درون استانی- خط‌کشی‌های هویتی مکان بنیاد- پیروزی‌های مبتنی بر ویژگی‌های مکانی- نام‌ها و مکان‌های جغرافیایی افتخارآمیز مانند تنگ تامرادی...- عدم تعلق مکانی به شهر یاسوج- گویش‌ها و خصائل طبیعی
---------------------------------	--

مؤلفه جغرافیایی- مکانی را می‌توان در خرده محورهای تنوع آب و هوایی و وضعیت توپوگرافی متفاوت استان، مرزبندی‌های هویتی مبتنی بر مکان، جایگاه‌های سلحشوری و مقاومت در برابر غریبه‌ها و حالات روان‌شناختی ناشی از سیالیت و صعوبت مکانی دسته‌بندی و تحلیل کرد. «استان کهگیلویه و بویراحمد به استان چهار فصل معروف است. این استان رنگین‌کمانی از محیط زیست، طبیعت بوم و سنت و مسائل فرهنگی است. خود استان پاره‌های جالبی دارد: کهگیلویه، گچساران نفت‌خیز، یاسوج زاگرس‌نشین یک پاره دیگر است...» (شماره ۶). مکان که در گذشته اهمیتی بی‌بدیل در انطباق و سازگاری مردم استان با طبیعت بکر و دست نخورده استان داشت، اهمیتی که بیشتر در ییلاق و قشلاق جهت مقابله با گرما و سرمای طبیعی و تأمین علوفه دام‌های ساکنین منطقه تبلور می‌یافت و البته هر از گاهی به محل مناقشه گروه‌های مختلف در «سرحدات» بود؛ امروزه به نوعی یکی از مهم‌ترین مرزبندی‌های سیاسی ساکنین مختلف استان را تشکیل می‌دهد که در قالب «سردسیری/ گرمسیری»، «کهگیلویه‌ای/ بویراحمدی» و... تجلی می‌یابد. مکانی که به نظر می‌رسد آثار آن هنوز به طریقی دیگر در روح و روان و خصائل مختلف هر سه گروه اقتصادی عشایری، روستایی و حتی «شهرنشینان» استان تداوم یافته و تا حد زیادی انگیزش کنش جمعی و سیاسی آنان در حوزه‌های مختلف را فراهم می‌آورد. زیرا گذار از زندگی عشایری به سمت زندگی روستایی در این استان خیلی زود و در برهه زمان تاریخی خیلی کوتاهی اتفاق افتاده است. بنا به گفته شماره (۲) در استان کهگیلویه و بویراحمد، گذر از زندگی عشایری به سمت زندگی شهری با سرعت خیلی زیادی اتفاق افتاد، یعنی یک سیر ناقص بوده است. خود ماهیت این سیر موجب شکل‌گیری مشکلاتی برای استان شده است زیرا بعضی از خصوصیات فرهنگی متناسب با زندگی عشایری به صورت دست نخورده وارد زندگی شهری و شهرنشینان شده است. مهم‌ترین این مسائل «نزاع دسته‌جمعی، بحث‌های قومی و قبیله‌ای» هستند. اولویت‌بندی‌ها در استان متفاوت از اولویت‌بندی‌های سایر استان‌ها است برای مثال «خط‌کشی‌های سردسیری- گرمسیری، بویراحمد علیا- سفلی، قوم خویش‌گرایی در ادارات، رسیدگی مقامات رسمی به مناطق خاستگاه خود و نادیده گرفتن مناطق دیگر» از مهم‌ترین خطوط فرهنگ عمومی استان هستند».

بدون شک خصایص جغرافیایی- مکانی هر منطقه تبعات کوتاه مدت و درازمدت خود را دارد و میزان تأثیر آن در هویت بخشی افراد در گذر زمان کمتر یا بیشتر می‌شود. این مکان در گذشته توانسته است تا حد زیادی اسباب خصلت مقاومت و مبارزه‌طلبی سیاسی مردم این استان در برابر بیگانگان «غیرقومی» را فراهم کند. بیگانه در تعبیر ساکنین گذشته استان هر کسی بود که بدون اجازه از مرزهای جغرافیایی و سرحدات مشخص هر ایل، طایفه یا قوم تجاوز می‌کرد و قصد ورود به منطقه مورد نظر را داشت. کمتر نقطه جغرافیایی- مکانی در استان است که آثاری از درگیری و خشونت جمعی در سطوح مختلف در آن هویدا نباشد. این درگیری‌ها از درگیری‌های محدود بین طوایف تا درگیری‌ها با بیگانگان غیرایرانی مانند اسکندر تا درگیری با دولت‌ها و حکام سیاسی داخلی مانند حکومت پهلوی را شامل می‌شود. بنا به گفته شماره ۱۱، «ما بیشتر با طبیعت درگیر بودیم و با خودمون، ما تاریخ را که باز می‌کنیم می‌بینیم ککاکشی (برادرکشی) بوده است... به خاطر گیر آوردن زمین یا زن خود آن‌ها قلم برداشتند و بخشی دیگر برنو داشتند بخشی از برنو برداشتن به موقع بود مثل کی لهراس، چون می‌خواستند با دولتی مبارزه کنند که به مردم ظلم می‌کرد».

ویژگی‌های جغرافیایی هر منطقه خصلت‌های روان‌شناختی- اجتماعی خاصی را موجب می‌شود. در این منطقه کوچ‌نشینی مداوم در امتدادهای مکانی (سردسیر- گرمسیر)، مانع از تعلق خاطر به مکان خاص به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی شکل‌گیری «مدنیت» و تعلق به شهر شده است. به نوعی می‌توان گفت امروزه نیز واحد هویت بخش ساکنین، نه واحدهای جغرافیایی- مکانی شهری مانند محله، خیابان، میدان که واحدهای فرامکانی و «عصبیت» خویشاوندی است که یا در یک مکان خاص (مانند حاشیه‌های شهرهای یاسوج و گچساران) یا در مکان‌های جغرافیایی متعدد شهر سکونت دارند اما تعلق خاطر آنان بیشتر از آن‌که محله‌ای باشد، تعلق خاطر خویشاوندی و ایلی- تباری است. به عبارت واضح‌تر می‌توان گفت در شهرهای استان، محلات پایین شهر- بالا شهر کمتر به عنوان واحدهای هویت بخش اهالی کرد حضور دارند. «استان کهگیلویه و بویراحمد ریشه شهرنشینی و یک‌جانشینی نداشته، تجربیاتی که از شهر یاسوج می‌شود گفت هم یاسوجی نیست یعنی بازگوکننده تمدن یاسوج نیست. در یاسوج یک‌جانشینی، تعاملات دو طرفه در سطوح مختلف وجود نداشته است... ماهیت یاسوجی بودن شکل نگرفته است که خود را متعلق به شهر بداند، برای مثال اگر آسفالت خیابان خراب شد، هیچ کسی زنگ نمی‌زند به عوامل، پی‌گیری نمی‌کنند» (شماره ۱۲). طبیعت بکر و بعضاً خشن استان حتی در

کلام، شعر و آهنگ ساکنین و حضور و پررنگی دارد.

ویژگی‌های تاریخی - حماسی

جدول ۳۳ - بازنمایی مختصر مفاهیم و عناصر مهم مقوله ویژگی‌های تاریخی - حماسی استان کهگیلویه و بویراحمد

مفاهیم و عناصر مهم	مقوله
نام‌ها و اماکن تاریخی حماسی - بناهای تاریخی برجسته - اتل متل‌ها و داستان‌های بومی محلی مشاهیر تاریخی، حماسی استانی - ادبیات حماسی - هویت‌یابی از طریق سلحشوران و رزم‌آوران محلی ایلی، طایفه‌ای - آشنایی کامل با تبار و آنسب تاریخی یکدیگر - شفافیت هویتی متقابل براساس تصورات قالبی مانند ترسو یا شجاع دانستن طوایف دیگر - محافظه‌کاری تاریخی - منفعت‌جویی استراتژیک - تجسس و کنجکاوی بی‌جا در کار یکدیگر	ویژگی‌های تاریخی - حماسی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویتی هر مردمی ویژگی‌های تاریخی آن مردم است که در نمادهای متعدد از راه‌های گوناگون و در مناسبت‌های جمعی گوناگون انتشار یافته، بازتولید و باز یادآوری می‌شود. مردم استان ک.ب. نیز متأثر از شرایط زیست - جغرافیایی خود ویژگی‌های تاریخی خاصی دارند که طی سالیان سال شکل گرفته و در اشعار، ضرب المثل‌ها، اوسانه‌سرایی‌ها، داستان‌های حماسی آنها جلوه و نمود دارد. شاید بتوان گفت نماد عینی و محسوس هویت تاریخی مردم این سرزمین را می‌توان در مجسمه سردار جنگی، آریو برزن متجلی دید که سوار بر اسب، کلاه بر سر و شمشیر به دست در فلکه ورودی شهر یاسوج، از سمت شیراز نصب شده است. همچنین نام‌های نام‌آشنایی مانند گردنه بیژن واقع در سی سخت، بلاد شاپور در دهدشت و... تداعی‌کننده ویژگی‌های تاریخی و رشادت‌های تاریخی مردم این مرز و بوم هستند. در بین مردم این سرزمین، نکوداشت و یادآوری خاطره قهرمانان، بزرگ‌مردان، نیاکان و درگذشتگان به‌ویژه درگذشتگان جنگاور قوم مانند کی لهراسب، یک نوع رسم، سنت و آیین پسندیده تلقی می‌شود. برای مثال بیشتر افراد برای معرفی خود به دیگران بیشتر از آن‌که به نام و نام خانوادگی خود تمسک جویند^۱، قهرمانان و بزرگان ایلی و فامیلی خود را مبنای شناسایی و معرفی

۱. البته در گذشته چنین وضعیتی رایج و حتی رسم بوده است ولی به مرور زمان با تدوین شناسنامه و برجسته شدن مشخصات سجلی فردی در سال‌های اخیر این روند رو به ضعف گراییده است؛ هر چند هنوز هم در استان حضوری پررنگ دارد.

خود به دیگران قرار می‌دهند. شماره ۱۲ می‌گوید: «در خانه تعریف از گذشته شکوهمند دور می‌کند که پسر احساس غرور می‌کند. این باعث می‌شود درک درستی از تغییرات اجتماعی وجود نداشته باشد و حتی نیازهای روز نادیده گرفته می‌شوند... در زمانی که رستم هنر می‌کرد چک و سفته و بانک ملی نبود».

به‌علاوه در طول تاریخ شرایط زیست باعث شکل‌گیری ویژگی‌های تاریخی خاصی در بین مردم استان شده که تا هنوز هم ادامه دارد. وضعیتی که تمام ابعاد زندگی فردی و جمعی ساکنین استان را تحت‌تأثیر قرار داده است. در محیط فرهنگی استان هنوز فرهنگ شهری گمنامی^۱ ظهور و بروز نیافته است. وضعیتی که خود به‌سان تیغی دو دم، مزایا و معیب خاص خود را دارد. چنین وضعیتی باعث شکل‌گیری نوعی «شفافیت» هویتی گشته است که افراد با انتساب خودشان به یک طایفه یا ایل تا حد زیادی خصوصیات هویتی و شخصیتی خودشان را به دیگران ارائه می‌دهند و افراد دیگر نیز براساس شناخت تاریخی و تحت‌تأثیر انگاره‌های واقعی یا قالبی رایج، ویژگی‌ها و خصوصیات خاصی را به آن فرد یا گروه یا طایفه نسبت می‌دهند. مثلاً می‌گویند فلان ایل جنگجوی‌اند، فلان ایل ترسوی‌اند، فلان ایل میهمان نوازند... به نظر می‌رسد دلاوری‌های رزمی و خو و خصلت رزمی و جنگجویی از نظر این مردم بارزترین خصلت هویت تاریخی و معرف کیستی و چیسیتی آنها محسوب می‌شود. شماره ۶ می‌گوید: «این استان در گذشته رشادت‌ها و حماسه‌سازی‌های زیادی داشته است... آریو برزن از سرداران نام‌آور ما بودند، ما دلاوری‌های زیادی کردیم، این‌ها پیشینل [پیشینیان] خوبی برای ما هستند، جنگ گجستان، جنگ تامرادی، همه باید کنار هم باشیم». به غیر از خصلت جنگجویی، شرایط زیست تاریخی موجب شکل‌گیری خصایل دیگری شده است که درگفته‌های مشارکت‌کننده شماره ۱ نمود دارد. «در طول تاریخ ایرانی به‌ویژه لر، مجبور بوده که هشت تا چشم داشته باشد، یعنی محافظه‌کار باشد، مداوم منافعش در خطر بوده، برای حفظ منافعش مجبور بوده، محافظه‌کار باشد، محافظه‌کاری لوازمی دارد، چشم بستن بر روی حقایق، چون منافع ایجاب می‌کند، برای حفظ منافع، لوازم محافظه‌کاری باعث افسردگی، شکست روحی، خرد شدن روان افراد، و خرد شدن روان افراد باعث شکل‌گیری جامعه افسرده می‌شود...» (شماره ۱).

هویت دینی - مذهبی یکپارچه

جدول ۳۴ - بازنمایی مختصر مفاهیم و عناصر مرتبط با مقوله هویت دینی - مذهبی رایج در استان کهگیلویه و بویراحمد

مقوله	مفاهیم و عناصر
هویت دینی - مذهبی	شیعه بودن یکپارچه - اعتقادات و باورهای دینی احساسی و سطحی - برگزاری پرشور آیین‌ها و مناسک دینی به‌ویژه عاشورا - وجود اماکن و زیارتگاه‌های برجسته و متعدد - تضعیف هویت دینی در سال‌های اخیر - اعتقاد و توسل شدید به امام‌زاده‌ها - سوگند، نشان تعهد و صداقت (بیشتر در گذشته) - سفرهای زیارتی و مذهبی متعدد - ارزیابی مسئولان بر مبنای شاخصه‌های دینی و مذهبی - رقابتی و طایفه‌ای بودن برگزاری آیین‌ها و مناسک مذهبی - کمبود امکانات زیرساختاری مذهبی مانند مسجد، حسینیه - ملوث شدن احساسات و مناسک مذهبی با باورهای قومی - ضعف خصوصیات مادی دیگرخواهانه دینی مانند وقف، خمس و زکات

بدون شک یکی از برجسته‌ترین ابعاد هویت جمعی مردم ایران، از جمله مردم استان کهگیلویه و بویراحمد به‌ویژه بعد از ورود اسلام به ایران، هویت دینی - مذهبی بوده است. تا جایی که می‌توان گفت اکثر مشارکت‌کنندگان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی استان را «شیعه بودن» تقریبی تمام مردم استان دانسته‌اند. به عبارتی اعتقادات و باورها، آیین‌ها و مناسک، سور و سوگ‌ها، وجود و زیارت اماکن و مقبره‌های مذهبی یکی از بارزترین ویژگی‌های هویتی مردم استان محسوب می‌شود. تقریباً تمام شهرها و حتی روستاهای استان دارای بقاع متبرکه مذهبی هستند. اما چندین مورد از این بقاع اشتهار فرااستانی دارند و مردمانی از سراسر استان و استان‌های دیگر به قصد زیارت این اماکن مذهبی به محل استقرار این بقاع متبرکه سفر می‌کنند. بنا به گفته مشارکت‌کنندگان روحیه و آیین‌های مذهبی در سال‌های اخیر تحت تأثیر عملکرد علمای مذهبی و متولیان امور مذهبی و گسترش تکنولوژی‌های مدرن به‌ویژه فضای مجازی رو به ضعف گراییده‌اند. شماره ۱۳ می‌گوید: «یکی از مزایای فرهنگ ما اعتقادات قوی مذهبی بوده است، نماز، روزه، اما همین موبایل می‌تواند آن را دچار تزلزل کند». شماره ۷ می‌گوید: «مردم استان اعتقاد خاصی به امام‌زاده‌ها به‌ویژه در گذشته، داشتند. در اوایل عید، ما سفره هفت سین را در بقاع متبرکه داریم. هر سال این سفره در ابتدای عید، روز اول عید انداخته می‌شود، در بقاع متبرکه با دعوت و حضور مردم سفره هفت سال [تحويل سال نو] در بقاع متبرکه برگزار می‌شود. شاخص ترین این امام‌زاده‌ها هم بی‌بی حکیمه است که با همکاری صدا و سیما انجام و پخش می‌شود... اعتقادات مردم به امام‌زاده‌ها در زمان قبل خیلی بیشتر بود. ما یادمان است که طرف می‌گفت می‌رویم ابوذر قسم می‌خوریم، این قد اعتقادات‌شان بالا بود... ولی با برنامه‌های جدید، باز اعتقادات خوبه ولی مثل گذشته نیست. در همین سال‌های اخیر با توجه به تعداد زواری که ما در امام‌زاده‌های

شاخص داریم، یکی از ملاک‌های شاخص تعداد زوّار زیاد است، [سند و اعتبار] بعضی از این اماکن مذهبی مشخص است و با واسطه به امام می‌رسد ولی بعضی بدون واسطه به امامان می‌رسد. بیشتر امام‌زاده‌های ما یا به امام موسی جعفر (ع) یا به امام سجاد (ع) می‌رسند... با توجه به زوّاری که در امام‌زاده‌ها می‌آیند ما تخمین می‌زنیم که در هر روز ۲۰/۰۰۰ زائر به بی‌بی حکیمه مراجعه و زیارت می‌کنند. هر چند جاده‌اش هم صعب‌العبور و سخت است. بعضی از روزها از ۱۰ نفر تا ۲۰۰ نفر تا ۳۰۰ نفر مراجعه کننده داشته است. اهالی گناوه، دیلم، خوزستان، در تابستان بیشتر به صورت گروهی سفر می‌کنند. از دیگر امام‌زاده‌های استان امام‌زاده جعفر گچساران، امام‌زاده مختار، امام‌زاده محمود (دهدشت) را داریم. ابراهیم اسدالله را داریم در بهمنی، امام‌زاده حسن، امام‌زاده قاسم».

باورها و هویت‌های مذهبی در مواردی معیار و اسباب داوری و ارزیابی عملکرد مسئولان، متولیان و مردم عادی هستند. شماره ۱: «با استناد به حدیث امام علی (ع) می‌گوید: «از قرآن و صوت و لحن زیبای آن شکم‌هایشان را پر می‌کنند». به نظر مشارکت‌کنندگان در سال‌های اخیر، هم ماهیت سطحی و هیجانی اعتقادات مذهبی مردم و هم گسترش نفوذ باورهای مدرن، موجب تضعیف و دگردیسی باورها و اعتقادات مذهبی مردم این استان شده است. به علاوه، روح قوم‌گرایی در ایجاد انشقاق در تجمعات و آیین‌های مذهبی تأثیر اساسی داشته و به جدایی‌گزینی برگزاری اجتماعات و سوگ‌های مذهبی انجامیده است. شماره ۹ به تفصیل در این خصوص سخن گفته است. ایشان می‌گوید: «اعتقادات سنتی مردم در مواجهه با فضای جدید مدرنیته و انتقال فرهنگی آن آسیب دیده‌اند. یکی از دلایل بی‌اعتقادی به مبانی دینی نسل جدید در استان ما این است که اعتقادات قدیمی ما همراه با شناخت معرفتی عمیق نبوده است و نتوانسته با تحولات دنیای مدرن به شعور و احساسات نسل جدید انتقال پیدا کند، جدیداً مناسب‌تر شده‌اند اما معلول رقابت‌های عشیره‌ای و طایفه‌ای هستند و هر طایفه‌ای برای خودش هیئتی درست کرده است. در گذشته شب‌ها عزاداری می‌کردند، دور آتش و زن و مرد با هم بودند، اشعاری مانند این که «امام حسین را کشته‌اند، ای خاک بر سر ما». همان گذشته اعتقادات و احساسات عمیق و عاطفی نشان می‌دادند حتی اگر خالی از معرفت بودند؛ اما الان بیشتر حالت مُد پیدا کرده است. یک شق دیگری بعد از انقلاب در استان به وجود آمده است، در بین باورمندان و در باورهای دینی، آن هم یک نسلی است که خیلی شبیه باورمندان استان‌های دیگر است، ولی باز هم خیلی اعتقادات همراه با معرفتی از مسائل دینی

دارند، مانند بچه مذهبی، بچه بسیجی با اعتقاد هستند و این‌ها خیلی شبیه به بچه‌های استان‌های دیگر هستند و این نسل هم با استان‌های دیگر و نسل‌های دیگر شیعه شبیه هستند که در سایر استان‌های دیگر وجود دارد».

یکی از نمودهای عینی و ملموس هویت دینی و مذهبی مردم احساس و رفتارهای «دیگرخواهانه» و نوع دوستانه است که در اعمال و رفتارهای عینی متعددی از جمله «وقف» و گسترش روحیه وقف نمود می‌یابد. در استان کهگیلویه و بویراحمد آمار و ارقام و گفته‌های افراد مرتبط با این سازمان نشان می‌دهد که فرهنگ وقف در این استان هنوز نهادینه نشده است و مردم تمایل اندکی به اهدای وقف عام و خاص دارند. هر چند بیشتر موارد وقفی نیز به زمین برای ساخت مسجد یا احداث آن اختصاص می‌یابد. بنا به گفته فرد شماره ۷: «وقف در استان هنوز جا نیفتاده است، یکی به خاطر فقر مردم بوده است در گذشته، یکی هم آشنایی آن چنانی با وقف نداشته‌اند. الحمدالله از ۱۵ سال گذشته تا الان با برنامه‌ریزی‌های اوقاف... خوشبختانه ما کم و بیش وقف داریم، اما وقف بیشتر درخصوص مساجد داریم، زمین را وقف می‌کردند و احساس می‌کردند که با وقف زمین برای مساجد ثواب بیشتری عایدشان می‌شود، اما در سطح استان یک سری وقف‌هایی انجام می‌گیرد».

نابرابری و تبعیض جنسیتی فراگیر

جدول ۳۵- بازنمایی مختصر مفاهیم و عناصر برجسته مقوله نابرابری و تبعیض جنسیتی در استان کهگیلویه و بویراحمد

مفاهیم و عناصر	مقوله
کم توجهی به برابری جنسیتی فراگیر- حضور کم زنان در پست‌های مدیریتی- بی توجهی به برابری جنسیتی- نادیده گرفتن حقوق مادی و معنوی زنان- حقوق و دست‌مزد پایین‌تر زنان- کم توجهی به تحصیل زنان (بیشتر در گذشته)- عدم بازنمایی رسانه‌ای زنان سلحشور و موفق استانی- عدم مستندسازی فعالیت‌های فرهنگی زنان- به چالش کشیده شدن نابرابری جنسیتی از سوی نسل جوان- عدم حضور پررنگ زنان در فعالیت‌های فرهنگی نوین مانند بازیگری، موسیقی و...	نابرابری و تبعیض جنسیتی فراگیر

یکی از دیرپاترین و فراگیرترین ویژگی‌های مردم ایران به‌ویژه قومیت‌های ایرانی زاگرس‌نشین، نابرابری و تبعیض جنسیتی شدید است. البته تبعیض جنسیتی که قبل از ورود فرهنگ، آموزش و بینش مدرنیته به این مناطق، امری طبیعی و مقبول تلقی می‌شد؛ امروزه با گسترش فرهنگ و آموزش مدرن بیش از پیش اعتبار و مشروعیت آن از سوی افراد، به‌ویژه زنان و دختران جوان به چالش کشیده می‌شود. اکثر مصاحبه‌شوندگان به‌ویژه زنان مصاحبه‌شونده، در گفته‌های خود به وجود برخی نابرابری‌ها و تبعیض جنسیتی اشاره کرده‌اند؛ البته وضعیتی که نسبت به گذشته تضعیف شده و هر روز از شدت اعتقاد و عمل به آنها کاسته می‌شود. حتی برای اشاره به این نابرابری از مفاهیم و اصطلاحات جدید مانند نبود حقوق برابر، نبود امنیت شغلی، دست‌مزد پایین، نبود بیمه، عدم حضور پررنگ در فضاهای عمومی جامعه... استناد شده است. هم‌چنین این نابرابری‌ها در عرصه‌های گوناگون مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

شماره ۴ در این خصوص می‌گوید: «یک کارگر زن در کارگاه‌های خصوصی حقوق برابری با مردان ندارد، در صورتی که توان و کارکرد زنان بهتر از مردان است... الان بیشتر از کارگران و کارفرمایان زن استفاده می‌کنند چون حقوق‌شان را می‌توانند کمتر بپردازند، من یک مدت پیش دنبال کار بودم، که دنبال یک منشی تمام وقت بودند ولی مبلغ پرداختی بسیار ناچیز بود... اکثر کارفرمایان، زن را بیمه نمی‌کنند، الان ۸۰ درصد از زنان بیمه ندارند، امنیت شغلی ندارند».

۷۰ درصد کارگران صنایع دستی زن هستند. کارفرمایان اکثراً آقایان هستند، بافندگان اکثراً روستایی هستند، آموزشگاه داخل شهر دایر می‌کنند، کارفرمایان آموزش می‌دهند و آموزش هم کیفیت چندانی ندارد (شماره ۴). مصاحبه‌شونده شماره ۶ با اشاره به محدودیت حضور فعال زنان در فضاهای عمومی و جایگاه‌های مدیریتی می‌گوید: «... چقدر در این جامعه مدرن امروزی دل‌مان می‌خواهد مدرنیته را داشته باشیم اما کنارش حضور سنت‌ها را هم داشته باشیم! آیا یک فرد سنتی اجازه می‌دهد خانمش در فضای مدیریتی باشد؟ امروزه زنان به خاطر فضای فرهنگی حاکم بر جامعه وارد فضای اجتماعی نشده‌اند، چقدر اجازه بروز و ظهور داریم؟» مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ با اشاره به محدودیت‌های قدیمی پیش روی زنان و دختران جهت ادامه تحصیل و حضور در شهرهای دیگر به قصد تحصیل می‌گوید: «فضای مناسبی به دست زنان نیفتاد، و لاش کن تا بره بای حیونل (دختره)، دختر ایره من شهر کسی را نداره»^۱.

۱. خیلی دنبالش نگرد، بذار دنبال گله و چوپانی برو، دختر به شهر می‌رود اونجا هم کسی را ندارد و آسیب می‌بیند.

البته اکثر مصاحبه‌شوندگان به این موضوع هم اشاره کرده‌اند که در گذشته زنان و مادران عشایری قدرت، روحیه عفت، عصمت، و خصلت پاکدامنی وصف ناپذیری داشتند که کمتر به تصویر کشیده شده‌اند. یا این که امروزه در سطح استان نیز زنان موفق و وجود دارند که می‌توانند نمونه کامل یک زن موفق باشند و الگوی سایر زنان قرار بگیرند. به صورت ضمنی می‌توان گفت این مصاحبه‌شوندگان به لزوم توجه و بازنمایی بیشتر و برجسته‌تر خصایص فرهنگی زنان استان اشاره کرده‌اند. هم‌چنین آن‌ها بیشتر تحولات و فرصت‌های جدید پیش روی زنان را ناشی از آموزش و گسترش سوادآموزی و فضای کسب و کار مدرن در استان دانسته‌اند. فرد شماره ۵ می‌گوید: «زنان بزرگی هم در استان بودند شاید شرایطی نداشتند که تفنگ به دست بگیرند و این‌ها باید مستند شوند». البته در سال‌های اخیر وضعیت زنان دگرگون شده است. الان ۱۴/۰۰۰ نفر عضو خانه کارگر استانی هستند. ۴ تا ۵ هزار نفر از آنان زن هستند، (فرد شماره ۴). مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ می‌گوید: «در سال‌های اخیر دختران خیزش‌های خیلی خوبی برداشته‌اند. در حوزه فرهنگی و هنر مانند هنرهای نمایشی، ورزش، حفظ قرآن، هوش ریاضی...»

با این وجود به نظر می‌رسد توجه نهادهای رسمی به حقوق زنان و سیاست‌های جنسیتی رسمی، تحت تأثیر گرایش‌های سیاسی حاکم بر کشور تغییر می‌یابد و سیاست یکسانی در دوره‌های مختلف درخصوص مواجهه با تبعیض جنسیتی صورت نمی‌گیرد. فرد شماره ۶ می‌گوید: «این سیستم روی کار می‌آید نگرش مثبت به زنان دارد (تقریباً ۳۰ درصدی) به محض این که سیستم در حال تغییر باشد سیستم جدید مدیریتی ممکن است عکس عمل کنند و فرهنگ ما هم به تبع این موقتی است... و عقیم می‌ماند». علاوه بر سیاست‌گذاری متزلزل و نامتداوم نهادهای رسمی در نهاد خانواده هم حقوق زنان، به‌ویژه زنان کارمند، رعایت نمی‌شود و آن‌ها در عمل و در واقعیت زندگی هم ناچارند به تنهایی وظایف سنتی مانند خانه‌داری، بچه‌داری، نظیف و... را انجام دهند، هم این که در مواردی در خصوص هزینه کرد حقوق ماهیانه خود استقلال عمل نداشته و از استقلال اقتصادی لازم و کافی برخوردار نیستند. فرد شماره ۵ می‌گوید: «زنان امروز ما (کارمندان) متأسفانه هم کار می‌کنند، هم کارت حقوقی‌شان در دست شوهرشان است، کار خانه و میهمان هم انجام می‌دهند، کار شوهر را انجام می‌دهند و زود شکسته می‌شوند، زنان کارمند مظلوم واقع شده‌اند».

نقاط قوت - فرصت و نقاط ضعف - تهدیدهای استان

هر فرهنگی نقاط قوت - فرصت و نقاط ضعف و تهدیدات خاص خود را دارد. این که داوران و ارزیابیان نقاط قوت و ضعف هر فرهنگی چه کسانی اند؟ مبنای معرفت شناختی و داوران در خصوص نقاط و ضعف چیست اند؟ نقطه مرجع زمانی برای ارزیابی نقاط قوت و ضعف یک فرهنگ چیست اند؟ همه سؤال هایی هستند که پاسخ سراسر است و یکسانی دارند. در این جا نقاط قوت - فرصت ها و نقاط ضعف - تهدیدهای فرهنگی استان از منظر مردم در دامنه ای زمانی از گذشته تا زمان حال بیان میشود. اما به صورت مختصر می توان گفت ارزیابی ویژگی های نرم فرهنگی بیشتر در محوری زمانی و از نظرگاه ویژگی های گذشته زندگی ایللی و طایفه ای «مردم» ارائه شده است. ویژگی های فرهنگی که به مرور زمان کم رنگ و تضعیف شده است. تقریباً اکثر مصاحبه شوندگان نوعی حسن نوستالژیک نسبت به خصوصیات اخلاقی - فرهنگی گذشته تاریخی مردم سرزمین خود داشته اند. اما در ابعاد سخت و زیرساختاری فرهنگ، مصاحبه شوندگان با مینا قرار دادن وقوع انقلاب اسلامی ایران و تحولات فرهنگی و هنری متعاقب آن ارزیابی مثبتی از امکانات زیرساختاری فرهنگی و هنری استان داشته اند. هر چند در نگاه آنان نیز نوعی احساس محرومیت نسبی در مقایسه با سایر استان های کشور برجسته است. بنابراین مناسب تر آن است که با تمسک به گفته های مصاحبه شونده شماره ۱۳: «در ارزیابی ویژگی های فرهنگی و هنری حداقل «سه عنصر زمان، مکان و اشخاص» را لحاظ کنیم. براساس این سه عنصر باید «بسنجیم که فرهنگ این مردم در آن زمان و در آن مکان یا توسط آن مردم عیب محسوب می شود یا حسن؟» شاید بتوان موجزترین و در عین حال رساترین گفته در خصوص نقاط قوت و نقاط ضعف استان را در این گفته ابراز کرد که «نخ تسیح فرهنگی ما روح عشیره ای و قبیله ای ما است که هم کارکردهای منفی داشته است و هم کارکردهای مثبت» (فرد شماره ۹).

در این جا نقاط قوت - فرصت ها و نقاط ضعف - تهدیدهای فرهنگی و هنری استان به صورت مختصر ارائه می شود.

نقاط قوت و فرصت‌های فرهنگی و هنری استان

جدول ۳۶- بازنمایی مختصر شاخصه‌ها و عناصر فرهنگی مقوله نقاط قوت و فرصت‌های فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد

مقوله	شاخصه‌ها و عناصر فرهنگی
نقاط قوت و فرصت‌های فرهنگی و هنری استان	پیشینه فرهنگی قوی، موسیقی فولکلوریک متکامل و مرسوم، لباس محلی، فضای فرهنگی- مذهبی یک‌دست، منابع انسانی قوی و تحصیل کرده جوان، صنایع دستی قدیمی و متنوع، ظرفیت شعری و ادبی گویش لری، طبیعت بکر استان، حل و فصل مسالمت‌آمیز نزاع‌ها، غذاهای بومی- محلی، احترام به بزرگ‌ترها در تمام سطوح، خصوصیات مثبت مانند صداقت، وفای به عهد، امانت‌داری (بیشتر در گذشته)، میهمان‌نوازی، پشت گرمی اعضای خانواده به یکدیگر، احساس هم‌گرایی و همبستگی شدید، پشتیبانی و حمایت متقابل همه‌جانبه در آیین‌ها و مناسک شادی و سوگواری، راه‌حل‌های قومی و کدخدامنشانه برای حل مسائل اجتماعی شدید مانند قتل، شفافیت شناختی متقابل و فراگیر، طبیعت‌گردی و انس با طبیعت، حرمت همسایه‌ها، احساس مسئولیت همه در برابر همه به‌ویژه در سطح طایفه و هم‌وندی‌ها، پاکدامنی و حیای زنانه، اهمیت دادن به کار و تلاش، داشتن عرق ملی شدید، روحیه سلحشوری، کنترل و نظارت عشیره‌ای، عاطفی و هیجانی بودن

اکثر مصاحبه‌شوندگان در این مطالعه، یکی از مهم‌ترین مزایای مناطق لرنشین از جمله استان کهگیلویه و بویراحمد را «برخورداری از پیشینه فرهنگی قوی و سنتی» دانسته‌اند. در چنین فرهنگی افراد خانواده به هم احترام می‌گذارند، وعده و وعیدهای راستین صورت می‌گیرد و وفای به عهد یکی از ویژگی‌های فرهنگی رایج بوده است. البته تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان برای بیان نقاط قوت و مزایای فرهنگی استان، از چشم‌اندازی فرآیندی و در زمانی به بحث پرداختند و همان‌طور که گفته شد بیشتر دورنمای گذشته وضعیت فرهنگی و هنری استان را به عنوان وضعیتی ایده‌آل ترسیم کرده‌اند. برای مثال مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان می‌کند: «در گذشته افراد از نظر فیزیکی دور بودند ولی از نظر قلبی به هم نزدیک بودند... در گذشته ییلاق و قشلاق وجود داشت. صداقت، مهربونی، امانت‌داری و پشت گرمی اعضای خانواده وجود داشت». در مجموع مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی- روان‌شناختی مردم استان از منظر مصاحبه‌شوندگان شامل موارد زیر بوده‌اند:

– هم‌گرایی شدید: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی مردمی با پشتوانه قومی- قبیله‌ای، احساس همبستگی و هم‌گرایی شدید است که در احساس باهم بودگی و «ما» ی قوی پدیدار می‌شود. این هم‌گرایی در هنگامه بروز آیین‌ها و مناسک شادی یا سوگواری، قرار گرفتن در محیط‌های بزرگ‌تر و مواجهه با خطراتی مانند جنگ به اوج می‌رسد.

شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین علل پایداری و ماندگاری زیست حیات عشایری در مقابله با انواع حوادث طبیعی و اجتماعی همین احساس و واقعیت «هم‌گرایی» شدید بوده است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ می‌گوید: «به طور کلی استان‌هایی که دارای ساختار قومی و سنتی هستند از یک هم‌گرایی بسیار بالایی برخوردارند. هم‌گرایی در جبهه‌های مختلف، شناختی که از هم دارند، این‌ها به عنوان یک سری اهرم‌هایی هستند که مردم را به هم وابسته می‌کنند، این باعث وابستگی شدید مردم به هم می‌شود».

- میهمان‌نوازی: میهمان‌نوازی یکی از خصوصیات دیرینه و ماندگار مردم این سرزمین محسوب می‌شود که هنوز هم البته نه با شدت و حدت گذشته، در بین مردم استان وجود دارد. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: مثل این که ویژگی مشترک همه مناطق عشایری دنیا میهمان‌نوازی است... ما ممکن است میهمان‌نوازی‌مان رنگ و بوی دینی پیدا کرده باشد، به نظر من ویژگی زائده عشایری بودن، میهمان‌نوازی است که ما داریم (شماره ۹). «برخوردشان، مهمان‌نوازی، کمک‌کردنشان، با جان و دل کمک می‌کنند. خاصیت شهرهای بزرگ بی‌تفاوت بودن است در یاسوج افراد به افرادی که به کمک نیاز دارند، کمک می‌کنند» (شماره ۱۲).

- نوع‌دوستی و سنت‌های نیکو: ویژگی‌هایی مانند «نوع‌دوستی و ارتباطات بسیار نزدیک در بین افراد ساکن استان وجود دارد... در این استان مسائل ضدارزشی و مسائل جدی مانند قتل را می‌توان هنوز از طریق راه‌حل‌های قومی و قبیله‌ای حل و فصل کرد... افراد متنفذ سنتی جایگاه خاص خود را دارند (شماره ۲). «هم‌هنجارها و هم‌ارزش‌های خوبی داشتیم. برای مثال ما گدا نداشتیم، مردم به هم کمک می‌کردند، دست‌همدیگر را می‌گرفتند... [الان] مردم‌همدیگر را می‌شناسند، جهان‌بینی، ارزش‌ها و هنجارهای همدیگر را می‌شناسند، معلمی که تدریس می‌کند فرهنگ و جهان‌بینی همدیگر را می‌دانند...» (شماره ۵). «فرهنگ و آداب و مناسک زمان قدیم مانند جریان عروسی زمان قدیم که یک سری محاسن و آداب حسنه داشتند مانند «قبه‌حالو [دایی]»، نشان می‌داد که طرف برای دایی‌اش خیلی ارزش قائل است و نسبت به فامیل عروس احترام قائل است» (شماره ۴).

- وحدت و انسجام مذهبی: یکی از ویژگی‌های متمایز و برجسته جوامع بشری وجود شکاف‌های اجتماعی است که می‌توانند جهت‌دهنده سوگیری‌ها، تعصبات، افکار، رفتار و برخورد با دیگر طرفین این شکاف‌ها باشند. امروزه دو تا از برجسته‌ترین شکاف‌های «اسمی» در جهان و در مناطقی از ایران شکاف‌های مذهبی و قومی-قبیله‌ای هستند. از منظر مصاحبه‌شوندگان یکی از مهم‌ترین مزایا و پتانسیل‌های اجتماعی روان‌شناختی در

استان انسجام مذهبی و برجستگی مذهب تشیع است که زمینه جهان‌بینی و آیین‌های مذهبی مشترک و فراگیر در استان را فراهم کرده است. «استان تمام شیعه است، از لحاظ مذهبی تعارضی نداریم... ما در مسائل فرهنگی می‌توانیم از این پتانسیل استفاده کنیم در قالب برنامه‌های فرهنگی مانند هنر، تئاتر...» (شماره ۳).

- پیوند با طبیعت: یاسوج به عنوان پایتخت طبیعت شهرت دارد و در کمتر از ۱۰ دقیقه از مرکز این شهر می‌توان به دامنه طبیعت بکر و زیبای محیط اطراف دسترسی یافت. مردم این استان بنا به این موقعیت استراتژیک و بنا به الفت دیرینه با طبیعت، اغلب روزها بخشی از وقت خود را به بهانه‌های مختلف کوهنوردی، شکار، دورهم‌نشینی و... در طبیعت زیبای اطراف شهرها سپری می‌کنند. چنین پیوند عمیقی با طبیعت در اکثر اشعار محلی استان نیز بازتاب دارد. «از آنجاکه قدمت شهری به بیش از ۴۰ سال نمی‌رسد مردم با طبیعت بیشتر درگیر هستند و طبیعت هنوز برای مردم استان مهم است» (شماره ۲).

- نفوذ فرهنگی استان‌های هم‌جوار: یاسوج به نوعی کریدور ارتباطی استان‌ها و شهرهای بندری و صنعتی- فرهنگی جنوب مانند بوشهر، بندرعباس، خوزستان و فارس به نواحی مرکزی ایران محسوب می‌شود. همچنین هم‌جواری با دو استان اصفهان و فارس ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی مردم این استان را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید یکی از مزایایی استان به‌ویژه شهر یاسوج، «نزدیکی فاصله با شهر شیراز است. این نزدیکی می‌توانست باعث شود فرهنگ شهرنشینی شهر شیراز بر فرهنگ شهر یاسوج اثر مثبت بگذارد» (شماره ۲).

- رعایت حرمت‌ها: یکی از ویژگی‌های برجسته و ماندگار فرهنگ ایرانی در کل و قومیت‌های ایرانی به طور خاص، جایگاه و حرمت بزرگ‌ترها در تمام ابعاد و حوزه‌های زندگی است. در کل می‌توان مدار و هستی زندگی مردم در اجتماعات سنتی بر مدار و محور «حرمت»‌ها می‌چرخد و سامان پیدا می‌کند. دامنه این حرمت‌ها وسیع است و از حرمت به برادر و خواهر، تا حرمت به پدر و مادر، تا حرمت به همسایه، تا حرمت به آیین‌ها و مراسم‌ها، حتی حرمت به طبیعت و آتش و آب و... را شامل می‌شود. «احترام به بزرگ‌ترهای فامیل و اجرایی کردن سخنان فامیل. وقتی بزرگ‌تر تصمیمی می‌گیرد ما تمکین می‌کنیم، زیرا بزرگ‌تر از لحاظ تجربه، چیزهای بیشتری می‌داند و ما به آنها اقتدا می‌کنیم، ما در مراسم عروسی و عزا حرمت‌ها را رعایت می‌کنیم، سازهای محلی و مراسم در گذشته بیشتر بود، یک هفته مردم عروسی داشتند با هم همکاری می‌کردند، وقتی

عزاداری داشتیم، چله‌نشین رفتگان داشتیم، این‌ها سنت‌های ماندگار هستند، بازی‌های محلی، کل‌کله برد [شبهه همان هفت سنگ]، ولی احساس می‌کنم نتوانستیم این‌ها را به بچه‌هایمان منتقل کنیم ما انتقال‌دهنده خوبی نبودیم (شماره ۵).

- احساس مسئولیت بزرگ‌ترها در سطوح متعدد: در فرهنگ ایرانی و به‌ویژه فرهنگ‌های اقوام ایرانی مانند لرهای استان کهگیلویه و بویراحمد، کوچک‌ترها حرمت بزرگ‌ترها را داشتند و بزرگ‌ترها در مقابل، نسبت به همه کوچک‌ترها و ضعیفان قوم و خانواده احساس مسئولیت می‌کردند و می‌کنند. بیشتر آیین‌ها و رسوم برجای مانده از گذشته بیان‌گر چنین احساس مسئولیتی هستند. برای مثال در صورتی که مردی متأهل فوت می‌کرد، برادران وی یا در صورت نداشتن برادر، خویشاوندان نزدیک و درجه یک وی، خودشان را موظف می‌دیدند برای جلوگیری از رنجش و «دُر به دُر» زن و عیال وی با همسر متوفی ازدواج کنند و «بچه‌های آن را زیر پر و بال خود بزرگ کنند». «فرزند بزرگ‌تر خانواده سنگ صبور خانواده بود، ولی تقریباً این‌ها جدیداً از بین رفته‌اند... همیشه یک بزرگ‌تری بود تصمیم می‌گرفت، اختلافات زن و شوهر را حل و فصل می‌کرد، اما در سطح بزرگ‌تر هم بزرگ‌ترها اجازه نمی‌دادند اختلافات بیشتر شود، این‌ها یعنی بزرگ‌تر قوم بودند خودش جزء داشته‌های فرهنگی استان است. (شماره ۸).

- احساس شجاعت و دلیری: لرها در همه جای ایران خودشان را مردمی شجاع و دلیر می‌دانند و افراد شجاع و دلیر جایگاه و پایگاه خاصی در بین افراد منتسب به این قوم دارند. برای مثال گفته می‌شود «فلانی باغیرت است». چه بسا در اکثر موارد افراد خاستگاه مهاجرتی خود را به درگیری و وقوع قتل در مکان پدری اصلی خود و جابجایی و مهاجرت از آن سرزمین اصلی به خاطر پیامدهای فلاکت بار قتل، نسبت می‌دهند. شاید بتوان اوج چنین احساسی را در شاهنامه‌خوانی و رواج روح دلیری و شجاعت از طریق زمزمه و بازخوانی اشعار حماسی فردوسی در هر کوی و برزن استان مشاهده کرد. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان «شاهنامه، خیلی وقت‌ها باعث پدیده خشم، و تحسین آن در بافت قومی لُری می‌شود. خود شاهنامه، موتور محرکه شاهنامه انتقام است. مثل این‌که شما یک شمشیر را در دست زنگی مست قرار داده باشند. دقیقاً این وضعیت فرهنگی جامعه ما بوده است» (شماره ۹).

- پاک‌دامنی و حیای زنان: در فرهنگ ایللی و عشیره‌ای زن و حجب و حیای زنانه مقام و جایگاهی هم پایه مقدسات و محرمات اجتماعی دارد. در چنین وضعیتی است که زنان و دختران در تمام ساعات شبانه‌روز حتی در خلوت‌ترین مکان‌ها در حضور پدران، برادران و

فرزندان و یا در پایان شب در هنگام آرمیدن، با وضعیتی محجبه ظاهر می‌شدند. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان: «مادران ما آفتابی بودند که هیچ‌گاه، زن عشایری، کسی بغازیش (گردنش) را ندید. منیژه منم دخت افراسیاب برهنه ندیده تنم آفتاب!

زنان را همین بس بود یک هنر نشینند و زاینده مردان نر» (شماره ۱۱)

اهمیت دادن به کار: کار کردن به دلایل شرایط اقلیمی و وضعیت معیشتی کشاورزی و یا دامداری، جزء لاینفک زندگی عشایری و سنتی بوده است. به علاوه، امروزه به خاطر گسترش روحیه سرمایه‌دارانه و افزایش مهاجرت به مراکز شهری فاقد صنایع فراگیر، اغلب جوانان، حتی دانش‌آموزان و دانشجویان، در حین تحصیل به کار و اشتغال می‌پردازند. بنابراین می‌توان گفت «کار» اجباری ناشی از شرایط زندگی، وضعیت اقتصادی نامناسب و یاهم‌چشمی یکی از خصیصه‌های فرهنگی رایج در بین مردم استان است. «یکی از شقوق تفاوتی، اهمیت دادن به کار است. نسل جدید یاسوج مرزبندی‌های گذشته یاسوج را از بین می‌برد، کار کردن را جوان یاسوجی هنر می‌داند، دختر در یکی از شهرهای یاسوج در بازاریابی شبکه‌ای بر جی ۷۴ میلیون درآمد دارد» (شماره ۱۲).

- رفع خصومت‌ها و عداوت‌ها با مکانیسم‌های غیررسمی: «در استان ما اگر قتلی اتفاق می‌افتد کمتر به قصاص و بیشتر به صلح و سازش منتهی می‌شود. پس این امنیتی است که استان ما جزء استان‌های پیش‌رو است. قطعاً عامل اولیش همین بحث قومی و قبیله‌ای است» (شماره ۹).

- داشتن عرق ملی شدید: مردم استان عرق و تعلق خاطر زیادی به ایران و ایرانی بودن خود دارند. بنا به گفته یکی از مصاحبه‌کنندگان «مردم این استان عرق زیادی به نمادهای ملی دارند، احساس می‌کنند این‌ها قومی بودند که هزاران سال در برابر متجاوزان به ایران جنگیدند» (شماره ۱۲).

- کنترل و نظارت عشیره‌ای: «فرهنگ عشیره‌ای و قبیله‌ای را همه بیشتر به عنوان یک تهدید، منشأ تعصبات و عدم قانون‌گرایی مطرح می‌کنند، اما این فرهنگ نقاط خوب و فرصت‌آموزی هم دارد». به تعبیر یکی از مصاحبه‌شوندگان برخلاف تصور همه، استان ما یکی از استان‌های دارای درجه بالای امنیت است، یکی از مهم‌ترین دلایلش بحث عشیره و قبیله است. چون با پتانسیل عشیره بهتر می‌توان بحث ناامنی و ناهنجاری‌ها را کنترل کرد... در یک بُنکو، در یک طایفه خود طایفه نظاره‌گر کنترل اجتماعی است، اگر یک جوانی بخواهد مسیر خلاف برود، از آن جا طرد می‌شود، جایگاه قبیله‌ای و طایفه‌ای‌اش را از دست می‌دهد، چون بحث عاطفه و هیجان از درون طایفه تعریف می‌شود، چون کسی

که دنبال کار خلاف است از درون همان طایفه طرد می‌شود. در قدیم این بحث قوی‌تر بوده است چرا یک جوان، در قدیم نمی‌توانست مسائل اخلاقی داشته باشد در حالی که هر دوی دختر و پسر با هم چوپان بودند، یک متلکی، یک اهانتی داشته باشد، چون خود نهادهای نظارتی به آن [پسر] اجازه نمی‌دادند، بحث طهارت اخلاقی تنها مانع نبوده است، بلکه کنترل اخلاقی عشیره مهم‌ترین بوده است» (شماره ۹).

- عاطفه و هیجان قبیله‌ای: به تعبیر اکثر جامعه‌شناسان و اندیشمندان اجتماعی یکی از ویژگی‌های گریزنان‌پذیر مدرنیته، فراگیر شدن روح عقلانیت، عقلانی‌نگری و تضعیف هیجانات و احساسات انسانی است. اندیشمندانی مانند ماکس وبر و نوربرت الیاس بیشتر بر این جنبه از ویژگی‌های مدرنیته تأکید کرده‌اند. مصاحبه‌شوندگان وجود عاطفه و هیجان قبیله‌ای را یکی از خصوصیات ممتاز و متمایز مردم استان در شرایطی دانسته‌اند که روح «پول‌پرستی و عقلانیت ابزاری» مدرنیته هر روز ابعاد بیشتری از زندگی اجتماعی را تسخیر می‌کند. «اصلاً عشیره و قبیله عاطفه ایجاد می‌کند، این عاطفه پتانسیلی قوی برای جامعه امروزی است که به یک بیل مکانیکی قوی هیکل تبدیل شده است... در این اکوسیستم فرهنگی عاطفه‌زدای امروزی، فرهنگ عشیره‌ای عاطفه‌زا است. فرهنگ عشیره‌ای یک اکوسیستم فرهنگی عاطفه‌زا و خیلی غنیمت است در جامعه امروزی که عاطفه زدا است. خلاً امروزی بشر عاطفه است اما در جامعه ما هنوز هم در مقایسه با فرهنگ‌های شهری، [عاطفه‌ورزی و داشتن عاطفه] یک موجودی و داشته بزرگ است» (شماره ۹).

- احترام و پاس‌داشت جایگاه متفاوت زنان و مردان: «روحیه حماسی و تأثیرات شاهنامه بر ما... فردوسی خداوندگار ادبیات و دیده‌بان آگاه کشور ایران. [فرهنگی که متأثر از] شاهنامه هم به نقش پدران اهمیت می‌دهد هم به جایگاه مادران. در حماسه نقش پدران بیشتر است در عاطفه نقش مادران» (شماره ۱۱).

- شفافیت‌شناختی از یکدیگر: یکی از ویژگی‌های اجتماعی زندگی در شهرهای بزرگ، «گمنامی اجتماعی»^۱ است. ویژگی که می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی متعددی برای ساکنین داشته باشد. در بعد مثبت، افراد آزادی عمل دارند و میتوان گفت قدرت «عاملیت» افراد افزایش پیدا می‌کند؛ در بعد منفی، این گمنامی می‌تواند زمینه اقدام به کنش‌های ناهنجار را فراهم آورد. زیرا افراد نگران از دست دادن «آبروی» خود نیستند و نسبت به آن دغدغه‌ای ندارند. «... در شهرهای بزرگ که قبیله وجود ندارد، آن خانواده شناخت چندانی از طرف ندارد فقط ویژگی‌های فردی مانند شغل، تحصیلات و... را بررسی می‌کند، ولی

در جوامع قبیله‌ای شناخت از داماد خیلی قویتر است، داماد درون یک دایره وسیع‌تری تعریف و هویت‌یابی می‌شود، بعد می‌گویند این طایفه و این بنکو این خصایص را دارد، بحث شخص به تیره نسبت داده می‌شود. خصوصیات تیره که شناخته شده است، این بنکو... مثلاً زن آبادکن هستند یا زن ذلیل‌کن... و این می‌تواند باعث شناخت کامل طرفی باشد. در جوامع قبیله‌ای افراد راحت‌تر شناسایی می‌شوند و امکان شناخت بیشتر است» (شماره ۹).

بزرگ‌ترین نقاط ضعف و تهدیدهای فرهنگی و هنری استان

جدول ۳۷- بازنمایی مختصر شاخصه‌ها و عناصر مهم نقاط ضعف و تهدیدهای فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد

مقوله	شاخصه‌ها و عناصر مهم
نقاط ضعف و تهدیدهای فرهنگی و هنری استان	تمسخر بعضی فعالیت‌های فرهنگی و هنری مانند بازیگری زنان یا فعالیت موسیقایی، ارزیابی‌های شخصی و نگاه‌های سلیقه‌ای مسئولان به فرهنگ، کم توجهی به داشته‌های فرهنگی بومی- محلی مانند موسیقی، زبان، پوشش و... نبود امکانات و زیربناهای فرهنگی و هنری مانند استودیو تولید فیلم و بازیگری و...، عدم خلاقیت و نوآوری در صنایع دستی و هنری، عدم توجه به دستاوردهای هنری و عدم تکریم هنرمندان فرهنگی، نادیده گرفتن پتانسیل‌های زنان در حوزه‌های هنری، تصور کلیشه‌ای جنسیتی قوی، انحصارگری فکری- سیاسی فراگیر، پایین بودن آستانه تحمل، کلام خشن، تهی شدن فرهنگی قومی از محتواهای پسندیده سنتی مانند احساس علقه، همکاری، صداقت و...، تعصب ورزی مطلق نسبت به خودی در برابر غیرخودی، وابستگی شدید و استفاده کنترل نشده از فضای مجازی، نادیده گرفتن ارزش‌های مدرن مانند تکریم حقوق برابر، قانون...، آگاهی کم تاریخی، عدم تحمل دگراندیشی سیاسی و اجتماعی، رقابت‌های قومی و قبیله‌ای شدید، قوم و خویش‌بازی و عدم شایسته‌سالاری، روحیه پرخاشگری و نزاع جمعی، احساس محرومیت نسبی فراگیر، دور زدن قانون با انحازگوناگون، ضعف فرهنگ مطالعه، رعایت نکردن حد و حدود دیگران، تقابل‌های ارزشی شدید، سیاست‌زدگی شدید، سوگیری شناختی در مباحث علمی، تقدس نیاکان، عدم حمایت از هنرمندان استانی، سطحی‌نگری و عاطفی بودن شدید، رواج چشم و هم‌چشمی‌های، اعتقادات مذهبی سطحی، شیوع رفتارهای پرخطر

در مجموع ارزیابی یک فرهنگ نیازمند داشتن مبنا، منظر و معیار خاصی است که براساس آن مبنا و از آن منظر به ارزیابی آن فرهنگ پرداخت. معمولاً افراد متناسب با سطح شناخت، تجربه، دیدگاه و هویت خود از مناظر و معیارهای دینی، سنتی- تاریخی، مدرنیته عقل بنیاد و ارزش‌ها و نهادهای هم پیوند با آن به ارزیابی فرهنگ می‌پردازند. به نظر می‌رسد در این‌جا نیز مصاحبه‌شوندگان براساس معیارهای رایج تصویری یا واقعی خود از گذشته‌شان، تعهد و پایبندی به آموزه‌های دینی یا آشنایی با فرهنگ و ارزش‌های مدرن

به ارزیابی و بیان نقاط ضعف و تهدیدات فرهنگی استان اشاره کرده‌اند. بر این اساس، اکثر مصاحبه‌شوندگان مهم‌ترین ضعف فرهنگی استان را تهی شدن فرهنگ قومی استان از محتوای پسندیده و مثبت سابق خود مانند احساس غلظه، همکاری، همدلی، اعتماد متقابل، قناعت و... دانسته‌اند. بنا به گفته مصاحبه‌شونده شماره ۱: «امروزه با وجود وسایل ارتباط جمعی در روستا... واقعیتش اینه که مصداق‌های قوی و پیشینه فرهنگی رنگ باخته‌اند، وفای به عهد کم شده است، عاطفه‌ها کم شده‌اند، اون موقع حرف افراد سند بود، اما امروزه یک توبره قرآن سوگند بخورد هم ارزش ندارد [یعنی نمی‌شود به حرف او اعتماد کرد]».

در مجموع از منظر مصاحبه‌شوندگان مهم‌ترین نقاط ضعف و تهدیدهای فرهنگی و هنری استان موارد زیر بوده‌اند:

- رواج چشم و هم‌چشمی: «بر مصرف‌گرایی جامعه افزوده شده است، رقابت کاذب به شدت بالاست، چشم و هم‌چشمی بالاست. حتی در مواقعی به خاطر چشم و هم‌چشمی وام می‌گیرند و بدهکار می‌شوند» (شماره ۲). «چشم و هم‌چشمی در مراسم تشییع جنازه، فاتحه‌خوانی نمود دارد و اگر کوتاهی شود افراد واکنش شدید نشان می‌دهند» (شماره ۳). «عشیره و قبیله آمادگی این را دارد که رقابت در آن صورت گیرد، چشم و هم‌چشمی حتی در مردان در مراسم عروسی، در رقابت‌های زنان، در بحث طلا، در مناسبات، به همان سستی که عشیره‌ای بودن باعث شناخت می‌شود، به همان نسبت هم این پتانسیل را دارد که در موارد منفی دخیل شود» (شماره ۹).

- آگاهی کم مردم از حقوق شهروندی: «مردم از حقوق شهروندی خودشان اطلاع کمی دارند یا پایبند به آن نیستند. نگاه‌های سلیقه‌ای در بین مسئولان وجود دارد. دستگاه‌های اداری و اجرایی چندان رغبتی ندارند که مردم از حقوق خود آگاه شوند... صدا و سیما هم در این زمینه موفق عمل نکرده است» (شماره ۲).

- ستیزه‌خویی و هیجان‌طلبی کنترل نشده: «در مباحث فرهنگی هر پدیده مثبت فرهنگی بالقوه می‌تواند یک لبه تیز منفی داشته باشد، مثلاً شاهنامه‌خوانی. در استان ما شاهنامه‌خوانی یک پدیده فرهنگی مثبت است، ولی هیچ کس تا الان نیامده است جنبه منفی آن را تحلیل کند چون ما همیشه جنبه مثبت و ایجابی آن را دیده‌ایم! روح شاهنامه روح شجاعت است، اما روح شجاعت و حماسه اگر در کنار روح عرفانی، روح اخلاقی، روح معرفتی هم‌زمان رشد نکند بسیار خطرناک است. چرا؟ چون شخصی که شجاعتش به تنهایی رشد می‌کند یا جامعه‌ای که به تنهایی شجاعتش رشد می‌کند، ولی اخلاق

و معنویت هم‌زمان رشد ندارد، تبدیل به یک جامعه خشن و عصبانی می‌شود، چون خشونت را باید اخلاق و معرفت تنظیم کند، کنترل کند، مثلاً اگر در کنار شاهنامه، مولانا، حافظ و سعدی هم‌زمان جایگاه همسانی داشتند، اون موقع شاهنامه یک پدیده مثبت فرهنگی بود یعنی شجاعت بصیرت‌مندانه، شجاعت همراه با بصیرت.» (شماره ۹).

- فرهنگ کمتر توسعه‌یافته: «سبک زندگی تابع لایتجزا از نرخ درآمدها خانوارها در یک جامعه است. هر چه نرخ درآمد و امنیت در یک جامعه افزایش یابد، سبک زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در استان ما نرخ درآمد متأثر از سه مؤلفه درآمدی در استان است: کشاورزی و دامداری، بازرگانی (تجارتی)، و کارمندی. هر سه مؤلفه شغلی از امنیت خوبی برخوردار نبودند، تورم اقتصاد را تهدید کرد، بلایای طبیعی کشاورزی را و از طرف دیگر وجود دلان باعث یک نوع عدم امنیت اقتصادی در کشاورزی شد. ... این که درآمد اقشار در کوران زمان از خیزش رو به رشدی برخوردار نبوده است که بخواهد براساس آن سبک زندگی‌اش را تعیین کند، نوع نگرش‌اش را تعیین کند.

- پایین بودن آستانه تحمل مردم: «مردم بیشتر به دنبال فیلم‌های [اکشن] مانند جومونگ هستند. در این منطقه آستانه تحمل و صبر مردم به شدت پایین است در محیطی خشن زندگی می‌کنند، با ناملایمات قوی دست به گریبان بوده‌اند...» (شماره ۲).

- برجستگی مباحث قومی قبیله‌ای: «مباحث قومی و قبیله‌ای به شدت برجسته است. یک پیرمرد یک روزی می‌گفت که اتفاقاتی برای جومونگ می‌افتد گویی در جامعه ما اتفاق می‌افتد» (شماره ۲).

- رواج مسائل و آسیب‌های مربوط به خانواده: «فرهنگ عامه در ازدواج دارد آسیب‌میبیند. صدا و سیما هم زندگی لوکس را ترویج می‌کند هم استانی و هم کشوری. لوکس‌گرایی و تجمل‌گرایی را ترویج می‌کنند. چون خانواده‌ها پتانسیل برای برآورده کردن آن را ندارند، سبک زندگی تغییر می‌کند و آسیب‌ها افزایش می‌یابد. پس افراد چون نمی‌توانند هزینه را تأمین کنند مجرد می‌مانند. یا اگر ازدواج کنند چون نمی‌توانند نیازها را برآورده کنند سرخورده می‌شوند و این توقع و سرخوردگی باعث افزایش طلاق می‌شود» (شماره ۳). «میزان خشونت در بین زنان استان: خشونت فیزیکی کم شده، خشونت کلامی است، خشونت روانی وجود دارد، خشونت هنوز وجود دارد. خشونت خانگی وجود دارد: زنان علیه شوهران، پدران علیه فرزندان اما به سبک جدید، ولی

خیلی به روز شده‌اند» (شماره ۸).

- شیوع رفتارهای پرخطر: «مصرف داروهای روان‌گردان، انواع قرص، به محض سردرد دنبال رهایی خودش از هیجانات منفی است. رفتارهای مخاطره‌آمیز در کل بیشتر شده است. یکی از رفتارهای مخاطره‌آمیز که نسبت به گذشته بیشتر شده است روابط جنسی محافظت نشده است،» (شماره ۸).

- نادیده گرفتن جایگاه بزرگ‌ترها: «ما یک حسنی داریم هم دارد خراب می‌شود خانواده‌ها قبلاً تنیده‌تر بودند، پدر و مادر تصمیم گیرنده بودند، جایگاه‌ها مشخص‌تر بودند، الان بچه‌بازی شده است، یک حدی مانده ولی نه به آن حدی که توقع می‌رود. من خودم سالی سه چار تا خونه را جمع می‌کنم، حل و فصل دعاوی به شیوه ریش سفیدی و کدخدامنشانه» (شماره ۱۱).

- تعصب در رقابت‌های سیاسی: یکی از ویژگی‌های فرهنگی محیط‌های قومی- قبیله‌ای افراط و تفریط در سوگیری‌های مختلف، به‌ویژه هنگام رقابت‌ها و تقابل‌های سیاسی- اجتماعی قومی- قبیله‌ای است. در چنین موقعیت‌ها و زمینه‌هایی که همه افراد یک قبیله، طایفه یا بنکو... احساس هویت جمعی «ما»ی قوی‌ای دارند، بُرد یا باخت تنها بُرد یا باخت سیاسی و انتخاباتی نیست. بلکه بُرد یا باخت کل هویت و حیثیت آن واحد جمعی را تعیین و متأثر می‌کند و در امکان‌پیدایی فرصت‌های تصویری و واقعی متنوع پیش روی افراد متعلق به یک واحد جمعی نقشی تعیین‌کننده دارد. از این رو رقابت‌ها، خصومت‌ها و زدوخوردهای سیاسی در تمام مراحل انتخاباتی حضوری پررنگ و غیر قابل انکار دارد. پدیده‌ای که به وضوح در تمام گفته‌های مشارکت‌کنندگان مورد اشاره قرار گرفته است. مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید: «در انتخابات منفی مثل تعصبات و یارگیری‌های منفی قبیله‌ای باعث تحت‌الشعاع قرار دادن این فرصت‌ها می‌شود. یعنی ما براساس شناخت‌مان از [طایفه] کاندیداها در استان می‌توانیم ویژگی‌های یک کاندیدا را شناخت [بشناسیم]». فرد شماره ۱۳ می‌گوید: «در دوران جدید و بعد از انقلاب عامل مهم انتخابات هم وارد مباحثات و مجادله‌ها شده، هر چند انتخابات نماد دموکراسی است، اما این انتخابات، علاوه بر عوامل قبلی منجر به درگیری‌های خونین بین طوایف شده، بعد به سختی هم جمع شده، یعنی حتماً باید کار به دادگاه و پاسگاه کشیده شود تا حل و فصل شود. در گذشته ریش سفیدان مسائل را حل و فصل می‌کردند و تبعات کمتر بودند، اما امروزه تبعات مسائل و کشمکش‌ها افزایش پیدا کرده‌اند». «درگیری سخت و سنگین به خاطر مسائل بی‌ارزش و پوچ در سطح استان و بعضاً در بین مسئولان سیاسی داریم... به

خاطر مسائل «لیش^۱» و بی‌ارزش» (شماره ۱).

- گسترش فضای مجازی: فضای مجازی مزایا و محاسن و البته طرفداران و منتقدان خاص خود را دارد. در تمام سطح و سلسله مراتب اجتماعی این دیدگاه و نگرش دوگانه وجود دارد. در این جا بعضی از مصاحبه‌شوندگان با دیدی منفی به ارزیابی پیامدهای فضای مجازی پرداخته‌اند. مصاحبه‌شونده^۱ می‌گوید: «فضای مجازی همه چیز را به باد تمسخر می‌گیرد».

- تضعیف احترام به بزرگ‌ترها: بدون شک یکی از مهم‌ترین آثار و پیامدهای تفکر مدرن گسترش برابری و مساوات فردی و تضعیف تمایزات و نابرابری‌های سنتی مبتنی بر سن و جنس است. شاید در زمینه‌هایی چنین پدیده‌ای اساس و شرط ضروری توسعه و شهروندی تلقی شود، اما در محیط‌هایی با سوابق فرهنگی قومی و قبیله‌ای، یا شاید از منظر افراد مسن‌تر چنین اتفاقی پدیده‌ای ناخوشایند محسوب شود. فرد شماره ۱ می‌گوید: «در گذشته احترام به بزرگ‌ترها یکی از ویژگی‌های اصیل و برجسته فرهنگی قومی مردم استان محسوب می‌شد. [امروزه] «احترام به پدر و مادر وجود ندارد... ما از سبک زندگی اسلامی و زندگی پاک عشایری بریدیم و وارد زندگی چشم و هم‌چشمی شدیم و وارد زندگی لوکس شدیم».

- نفوذ ارزش‌های مدرن هم‌زمان با ماندگاری ارزش‌های سنتی (شکاف ارزشی): به نظر می‌رسد نقد و ارزیابی هر فرهنگی از منظر و موضع و جایگاه خاصی صورت می‌گیرد. بدون شک یکی از مهم‌ترین مواضع نقد فرهنگ استان و بیان ضعف‌های آن از زاویه «ارزش‌های مدرنیت» صورت می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین ضعف‌های فرهنگی استان عدم تحقق ارزش‌های مدرنیت و درج‌ازدن و توقف در «حالت‌گذار» فرهنگی است. چنین حالت‌گذاری موجب سردرگمی، ابهام در تصمیم‌گیری و شاید بی‌اطمینانی فراگیر می‌شود. ویژگی‌هایی که در گفته‌های اکثر مصاحبه‌شوندگان نمود دارد. «ما در دوره گذار هستیم، تک تک افراد جامعه باید آن را تجربه کنند، [مدرنیت] یک جریان فراگیر و یک‌دست نیست... بخشی از جامعه رفته و بخشی از جامعه نرفته است» (شماره ۱). «نسل جدید تعبیر نوی اجتماعی را که در غرب ریشه دارد به راحتی پذیرفته است، دوست دختر و دوست پسر بودن را پذیرفته است، که باور آن در یک جامعه سنتی سخت است، دوست دختر و دوست پسر را دوستان اجتماعی معرفی می‌کنند» (شماره ۱۲).

- عدم انتقال و توجه به داشته‌های تاریخی خویش: یکی از مهم‌ترین منابع هویت‌ساز هر

۱. کم ارزش، بی‌اهمیت، جزئی.

گروه، اجتماع یا جامعه‌ای خاطرات، داشته‌ها و میراث‌های فرهنگی آن واحد است که باعث هویت‌یابی آن واحد و تمایز آن با واحدهای هم سطح می‌شود. به علاوه این داشته‌ها باعث پیوند با گذشته و تقویت روح همبستگی و تعلق خاطر افراد متعلق به این واحدها می‌شود. متأسفانه تحت تأثیر آموزش و رواج تعبیر نادرست از مفهوم سنت و نسبت آن با مدرنیته در مواقعی پیوند با سنت و نشانه‌های سنتی با عقب‌ماندگی، ارتجاعی بودن و بی‌فرهنگی معادل پنداشته می‌شود. چنین نگاهی بین افراد و گروه‌های بی‌سواد یا تازه به دوران رسیده که فهم دقیق و عمیقی از نسبت سنت با مدرنیته ندارند، فراگیرتر است. البته گسترش اندیشه‌های پست مدرنیستی و آشنایی با مسائل تمدن و تفکر مدرن و بازاندیشی در اصول و آموزه‌های مدرن نیز در یادآوری و لزوم توجه به سنت بی‌تأثیر نبوده است. به هر حال تعدادی از مصاحبه‌شوندگان یکی از ضعف‌های اجتماعی-روان‌شناختی مردم استان را بی‌توجهی به داشته‌های تاریخی خود دانسته‌اند. "ما فرزندان خوبی برای نسل گذشته نیستیم، ما هیچ الگوی مکتوبی ننوشتیم، رسم‌های خوب، داستان‌های خوب در مورد زندگی و بزرگی‌های آن‌ها، در همین گرما در همین سرما، داستان‌هایی تعریف می‌کنند که فقط یک عرفان کامل می‌تواند آن‌ها را انجام دهد... ما انتقال‌دهنده خوبی نیستیم، ما به سرعت هنجارهای خارج از جامعه را می‌پذیریم، اشکال ندارد ولی ما آن فرهنگی را که در سینه و اندیشه بزرگان بوده‌اند آن‌ها را نادیده گرفته‌ایم، مکتوب نکرده‌ایم و نادیده گرفته‌ایم" (شماره ۵).

- سیطره فرهنگ سیاسی بر پتانسیل‌های فرهنگ فولکلوریک- دینی محلی: یکی از رایج‌ترین و شناخته‌ترین تمایزهای اخیر در تفکر جامعه‌شناختی، تفکیک قلمروی جامعه به دو عرصه «اجتماع»^۱ و «نظام»^۲ است. تفکری که در بینش نظری کسانی مانند هابرماس و گیدنز و مارکسیسم جامعه‌شناسانه پولانزاس نمود برجسته‌ای دارد. به تعبیر هابرماس ارزش‌ها و معیارهای ارزشمند در حوزه سیستم مانند پول و یا قدرت به صورت رو به افزایش ارزش‌های حوزه اجتماع یا «جهان زندگی» مانند توافق مبتنی بر گفت‌وگو یا فهم بین‌الذهانی را به سیطره می‌کشانند. در چنین وضعیتی زندگی در سطح اجتماع سخت و دشوار می‌شود زیرا معیارهای انتزاعی متعلق به سطح نظام مانند پول واسطه تعاملات افراد در سطوح خرد می‌شود. سطوحی که انسجام آن‌ها نیازمند واسطه‌هایی مانند تصدیق، فهم و گفت‌وگوی متقابل و سازنده است. چنین وضعیتی در گفته بعضی از مصاحبه‌شوندگان مورد اشاره قرار گرفته است. «فکر می‌کنم غلبه فرهنگ سیاسی باعث شده است بسیاری از فرهنگ مردم که می‌توانند ایفاگر نقش بسیار گسترده باشند یا به اقتصاد منطقه کمک کنند مانند موسیقی، لباس و پوشش نادیده گرفته شده‌اند،... بسیاری

1. community

2. system

از این منابع فرهنگی بومی روبه فراموشی اند، بسیاری رو به مرگ اند، نهایتاً بدنه جامعه روز به روز دارد لاغرتر می شود... نسل ۶۰ سال به بالا علقه خاصی به مسائل آیینی و دینی دارند ولی متأسفانه نسل جدید علاقه کمتری نشان می دهند. « (شماره ۱۰).

- احساس ناامنی و نبود امنیت شغلی: همان طور که گفته شد یکی از ویژگی های فرهنگی زندگی در محیط های کوچک آشنایی است که پیامدهای مثبتی مانند کنترل و امنیت اجتماعی را به بار می آورد. اما روی دیگر سکه آشنایی، عدم احساس امنیت و عدم تحمل و مدارا با دگراندیشی نگرشی و رفتاری است. وضعیتی که با تشدید فرآیندها و ابزارهای نظارتی سیاسی و در دسترس بودن شبکه های ارتباطی و جاسوسی به ناامنی و احساس ناامنی بیشتر افراد یا گروه هایی منجر شده است. وضعیتی که در گفته های بعضی از مشارکت کنندگان بیان شده است. «ما به عنوان دو تا تحصیل کرده در یک محیط دانشگاه به راحتی آرامش فکری و امنیت شغلی نداریم، اما در گذشته اعتماد کامل برقرار بوده است. حتی دو دشمن هم به هم اعتماد کامل داشتند و الان پیامد هر سخنی در هر محیط اداری حتی در جامعه روستایی زیاد است. (شماره ۱۳).

- رقابت های قومی و قبیله ای شدید: رقابت های قومی و قبیله ای برجسته ترین و مشهودترین ویژگی فرهنگی مردم این استان است. رقابتی که از منظر بیرونی نوعی خصوصیت منفی و آسیب فرهنگی و از منظر درون قومیتی و از دید اعضا به مثابه نوعی «تکلیف و احساس مسئولیت» قومی قبیله ای درک و ارزیابی می شود. شاید بتوان گفت از منظر همه مشارکت کنندگان برجسته ترین ویژگی اجتماعی- روان شناختی مردم استان و مبنای اکثر مسائل فرهنگی استان، رقابت های قومی و قبیله ای است. رقابتی که ریشه برخی ویژگی های منفی مانند قوم و خویش بازی، پارتی بازی، عدم شایسته سالاری، قانون گریزی، نزاع و درگیری و در کل «باعث یک سری خودزنی ها» شده است. رقابت قومی به شکل گیری «رقابت کاذبی منجر شده است که نردبانی برای ترقی همه نمی شود و باعث نوعی حذف متقابل شده است... همه چی در قالب بحث های قومیتی گنجانده و تعبیر و تفسیر می شود. شایسته سالاری وجود ندارد، کسی هم که در جریان انتخابات پیروز می شود مجبور است از قاعده مردم تبعیت کند... افراد رشد خود را در پرتوی حذف دوستان شان می بینند» (شماره ۲).

- ارجحیت حفظ کیان هویتی قبیله تا قانون پذیری و قانون مداری: خو و خصلت روان شناختی و نظم سامان اجتماعی اجتماعات عشایری مبتنی بر محور "هم وندی ها" در سطوح متفاوت است. به تعبیری زیبا می توان گفت در اجتماعات عشایری تقابل و رقابت

برادر با برادر در سطح خانواده، برادران با پسرعموها در سطح خویشاوندی، پسرعموها با غریبه‌ها در سطح اولاد، هم اولادها با اولادهای دیگر در سطح بنکو، هم طایفه‌ای‌ها با طوایف دیگر در سطح طایفه، هم ایلی و هم قوم‌ها در سطوح ایلات و قومیتی جهت‌دهنده تمام خصائل روان‌شناخت- فرهنگی افراد ایل است. البته در مواقع اضطرار و نیاز چنین تقابل و رقابتی ناخودآگاهانه، بدون دلیل و بدون درنگ، به حمایت بی‌قید و شرط از «هم‌وندِ خودی» در برابر «غیرهم‌وندِ خود» تبدیل می‌شود. بدین دلیل است که در مواقعی مرز بین خصومت و رفاقت و حمایت در اجتماعات ایلی چندان روشن و شفاف نیست و حقوق و تکالیف افراد در برابر یکدیگر بیش از آن‌که صبغه‌ای فردی داشته باشد، صبغه‌ای جمعی و «هم‌وندی» دارد. چنین وضعیتی مزایا و محاسن خاص خود را دارد. مزایای آن این است که نوعی سرمایه اجتماعی ماندگار و بدون قید و شرط را برای افراد فراهم می‌آورد که در بخش مزایا به تعدادی از آنها اشاره شد. اما معایب آن بیشتر از منظر ملزومات یک زندگی مدرن و شهرنشینی مبتنی بر قانون‌گرایی، شایسته‌سالاری و... ارزیابی می‌شود. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «خود همین قبیله که یک فرصت و مزیت است، تهدید بزرگی برای توسعه است. رمز کلید توسعه قانون است و متأسفانه مناطق عشیره‌ای و قبیله‌ای خیلی قانون‌پذیر و قانون‌مدار نیستند چون عواطف دارند و در حفظ کیان و هویت قبیله در حال دور زدن قانون، در حال انتصابات و انتخابات غیرعقلانی هستند. افراد دنبال اسم و رسم هستند از این‌رو افراد قبیله‌اش را در رأس مناصب قرار می‌دهد، افراد تخلف‌راندگی می‌کنند، مأمور جریمه می‌کند، ... بعد از این که می‌فهمید اهل یک طایفه هستید، جریمه را لغو می‌کند یا یکی از افراد استان را در گمرک می‌گذرانند یا یک بازرسی یک شوتی یک بار قاچاق می‌آورد چون آن فرد مال این استان است یا مال یک طایفه است، آن بحث قاچاق «زیر سیلی» رد می‌کنند و می‌آورند و [طایفه‌گرایی و به تبع آن بی‌قانونی] یک سرعت‌گیر بزرگ در اتوبان توسعه است» (شماره ۹). «آسیب‌ها هم تهدید و مسائل قومیتی است. در جای جای استان پررنگ است. در جاهای مختلف، انتخاب مدیران یک برگشت فرهنگی به گذشته و ما پیشرفت نمی‌کنیم ما توقع داریم که این‌ها کمرنگ‌تر شوند ولی الان تشدید یافته‌اند، قبلاً گرمسیر- سردسیر بود، الان طایفه‌ای، علیا- سفلی و حتی به سطح محله‌ای کشیده می‌شود. این اشتباه مسئولان فرهنگی است که نتوانسته‌اند مسیر مناسبی را برای جامعه مشخص کنند» (شماره ۳).

«قوم‌گرایی یک چالش یک شمشیر دولبه است هم جزء نقاط قوت بود و خود همین قوم‌گرایی که هر تصمیمی در استان گرفته می‌شود، هر رفتاری که آدم بخواد بکنه [متأثر

از قبيله است] ضعف استان...» (شماره ۸).

– **روحیه پرخاشگری و درگیری جمعی:** «دیدگاه دیگرانی که به استان ما سفر می کنند [خیلی منفی است]، ...راندگی، بی احتیاطی رانندگان استان، یکی هم خشونت و درگیری جمعی که در استان صورت می گیرد، غیرت کاذب بین مردم لر وجود دارد که باعث نزاع و درگیری جمعی می شود و سالانه چندین نفر هم کشته می شوند. کاذب یعنی غیرت الکی روی چیزهای الکی غیرت نشان می دهند، برای نشان دادن خود یا غرور کاذب» (شماره ۴).

– **احساس محرومیت نسبی در مقایسه با استان های هم جوار:** اکثر مصاحبه شوندگان، خصوصیات متعدد فرهنگی و هنری مردم استان و امکانات فرهنگی زیرساختاری استان را براساس مقایسه وضعیت استان خود با استان های هم جوار با اکثریت غیر لرنشین مانند فارس و اصفهان یا نسبتاً لرنشین مانند چهارمحال و بختیاری و لرستان ارزیابی و قضاوت کرده اند. ارزیابی و قضاوتی که به شکل گیری نوعی احساس محرومیت در بین آنها انجامیده تا جایی که وضعیت فرهنگی و هنری خود استان خود را در مقایسه با استان های دیگر مطلوب و مناسب نمی دانند. «خیلی استان ها پیشرفت می کنند و ما در جا می زنیم. کی باید این ها را توجیه کند؟... خیلی به موسیقی بها نمی دهند، ما صاحب سبک در موسیقی هستیم، [اما] موسیقی ما مظلوم بوده در کنار موسیقی قشقایی و بختیاری» (شماره ۵). «کچی و هیچی یعنی دنا اگر دست یک آدم اصفهانی بود، مهم ترین وضعیت را داشتند» (شماره ۱۱). «از نظر هنرهای تجسمی اصلاً استان ما قابل مقایسه با شیراز نیست، و از نظر زیرساختی قابل مقایسه نیستیم ولی در حد خودش خوب است» (شماره ۵). «...ما در بعضی استان ها بعضی مدارس حفظ شبانه روزی [کلاس های حفظ قرآن] داریم ولی در این جا متأسفانه امکاناتش را نداریم... مثلاً در اصفهان برنامه های متعددی دارند، مردم برنامه های متعددی دارند ولی متأسفانه در استان ما کمتر مردم به این سمت سوق پیدا می کنند» (شماره ۷). «استان های هم جوار در موسیقی از ما قوی تر بوده اند مانند بختیاری لرستان» (شماره ۹). «هم به لحاظ کتاب آثار هنری، آثار نوشتاری و آثار گفتاری فکر کنم استان وضعیت بدی نداشته باشد ولی آن چیزی که مد نظره، با توجه به تغییرات سریع که در دنیا اتفاق افتاده، ما کمی عقب هستیم، اما وضعمون بد هم نیست» (شماره ۸).

– **ضعف فرهنگ مطالعه:** اکثر مصاحبه شوندگان به ضعف فرهنگ مطالعه به عنوان مسئله ای کشوری اشاره کردند، ولی گفته اند چنین وضعیتی در استان کهگیلویه و بویراحمد تشدید یافته تر است. سرانۀ مطالعه در استان ۲ دقیقه است... کتاب خانه های عمومی ما

دارند خاک می‌خورند... از هر هزار نفری که مطالعه می‌کنند تنها یک نفرشان می‌فهمد و آن یک نفر مطالبه‌جو می‌شود...» (شماره ۱۱).

- تناقض انگاره‌های شناختی و هنجارهای عینی: از ویژگی‌های تمدن‌ها و اجتماعات سنتی این بود که سقف آرزوها و محتوای جهت‌گیری‌های شناختی-عاطفی افراد توسط هنجارها و ارزش‌های مسلط حاکم بر جامعه یا اجتماع جهت‌دهی، تحدید و مقید می‌شد. در نتیجه چنین وضعیتی نوعی انسجام شناختی-هنجاری بین انتظارات و آرزوهای فردی و واقعیت هنجاری حاکم بر جامعه وجود داشت. امروزه با گسترش فضاهای مجازی و رشد آموزش، «ایده‌ها» و اصول انتزاعی مورد نظر و درخواست افراد دگرگون شده است (تغییر انگاره‌های شناختی)؛ اما، واقعیت‌های هنجاری و شرایط عینی، متناسب با این ایده‌ها و اصول انتزاعی تحول نیافته‌اند. برای مثال ایده انتزاعی ازدواج عاشقانه بین نسل جوان وجود دارد؛ اما والدین به شدت بر ازدواج خویشاوندی تأکید دارند. چنین وضعیتی به وضعیتی انجامیده که می‌توان آن را ناسازگاری شناختی-واقعی نامید که پیامدهای متعدد روان‌شناختی و اجتماعی برای افراد یا گروه‌های خاص دارد. علاوه بر فضای مجازی سرعت تغییرپذیری افراد و گروه‌ها هم متفاوت است که پیامدهای منفی متعددی دارد. به عبارتی بعضی از افراد و گروه‌ها به راحتی تغییرات را می‌پذیرند و بعضی دیگر به سختی در برابر تغییرات مقاومت می‌کنند. چنین وضعیتی در گفته‌های اکثر مصاحبه‌شوندگان ابراز شده است. فرد شماره ۱ می‌گوید: «تغییر زود در ذهن و فضای ذهن [عده‌ای] ایجاد می‌شود ولی در ذهن بعضی دیگر مانند بتون است مانند بتون لایه‌های متعددی دارد...». مصاحبه‌شونده شماره ۸ می‌گوید: «واقعیت این‌ه ما تکلیف‌مون با زندگی‌مون مشخص نیست، به هر حال می‌پذیریم ابزار و لوازم مدرنیته را ولی همشو نپذیرفتیم... با همون نگرش [سنتی] با خانواده با دختر برخورد می‌کنند، ما نپذیرفته‌ایم که زندگی شهری با روستایی فرق دارد یکی از نقاط ضعف ما این است که ما پاهامون در سنت است ولی می‌خواهیم مدرن زندگی کنیم...». یکی دیگر از افراد مورد مصاحبه می‌گوید: «مجری خانم سیمای استانی لباس محلی پوشیده است، فارسی صحبت می‌کند، یعنی تناقض رفتار و گفتار وجود دارد، ما دچار تشویش فرهنگی می‌شویم. در پوشش مردانه، این لباس‌های محلی که به عنوان چغه، زناره می‌پوشند در برنامه‌های تلویزیون، ما به ازای خارجی ندارد، مگر استثنایی در برنامه‌های خاص در جشنواره‌ای، وگرنه مردم دیگر واقعا این لباس را نمی‌پوشند» (شماره ۹).

- تقابل گرایی شدید ارزشی: تفاوت و تقابل وجوه سنتی و غیر سنتی زندگی در

تمام ابعاد آن در سطح استان شدید است. به علاوه وجه شناختی-نگرشی افراد بیشتر از آن که متمایل به تعادل و میانه روی باشد به سمت افراط یا تفریط میل پیدا می کند. یعنی در این جا بیشتر با یک دیدگاه و منطق دو شقی افراطی و تفریطی، یا این یا آن و سفید یا سیاه مواجه هستیم. «یک نگاه کاملاً آخرت محور است و دیگری آخرت ستیز است» (شماره ۱۲). «ما در شهر زندگی می کنیم اما نگرش ها نگرش مدرن نیست، نگرش های جامعه سنتی است، ما گوشی دادیم دست دختران اما وقتی با شبکه های جدیدی ارتباط برقرار می کند، دیگه دختر سنتی و قدیمی نیست، تکلیف مون را با دنیای مدرن روشن نکردیم» (شماره ۸).

- شیفستگی نسبت به مسائل سیاسی: «مردم استان بیشتر درگیر مسائل فرااستانی هستند و حتی بین المللی» (شماره ۱). بین لرها حتی آدم های بی سواد خیلی خیلی آدم های تحلیل گر هستند، بعد از انقلاب چون حتی در دانشگاه ها همیشه انجمن های اسلامی مانند بسیج دست لرها بود، در تحلیل ها ممکن است خیلی هم اشتباه کنند ولی معمولاً سعی می کنند در جریان مسائل سیاسی کشور باشند. قبل از انقلاب جغرافیای سیاسی هر کسی محدود به منطقه خودش بود ولی امروزه در جغرافیای سیاسی جهانی زندگی می کنند» (شماره ۹).

- آگاهی کم تاریخی: بدون شک یکی از مهم ترین منابع هویت یابی مردم هر منطقه و قوم تکرار، مرور و بازیابی خاطرات فرهنگی، تاریخی و هنری منطقه و قوم خود و در صورت لزوم نقد بازاندیشه آن خاطرات است. خاطراتی که می توانند به صورت شفاهی و سینه به سینه یا در قالب متن نوشتاری از نسل های گذشته به نسل های جدید منتقل شوند و همانند نخ تسبیحی افراد و نسل های مختلف زمانه و زمینه های مختلف را به هم پیوند داده و به نوعی انسجام فرهنگی بینشی و روشی منتهی شوند. از منظر بعضی از مصاحبه شوندگان آگاهی از گذشته تاریخی و بنابراین انتقال فرهنگی به درستی و به نحو شایسته در جامعه استانی صورت نگرفته است. برای تبیین چنین وضعیتی توجه به هر دو شرایط و بستر تاریخی استان و وضعیت کنونی استان ضروری است. از نظر تاریخی شرایط جغرافیایی و اقلیمی و شیوه زیست عشایری استان یکی از مهم ترین علل عدم آگاهی تاریخی بوده است. وضعیت صعب العبور و کوهستانی بودن استان مانع از تبادلات و ارتباطات فرهنگی مداوم و مستمر اجتماعات مختلف عشایری بوده است. خود شیوه زیست عشایری و دامپروری که بیلاق و قشلاق را به امری ضروری و حیاتی تبدیل می کرده تا حد زیادی مانع از تحقق فرصت ها و امکانات لازم و مورد نیاز برای پرورش رسمی و

انتقال فرهنگی از طریق منابع مکتوب بوده است. امکاناتی مانند ساخت مدرسه، مسجد، تربیت مربی رسمی، استقرار آموزش رسمی و... اما امروزه، هر چند استان «در رشد آموزش و افزایش کمی و کیفی تحصیلات»، «جهش خوبی» داشته است اما باز هم تسری و تداوم همان خو و خصلت «قوم‌مداری» مانع از انتقال فرهنگی مناسب و به نسل جوان شده است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ می‌گوید: «نقش‌های برجسته تاریخی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف داریم، مواریث تاریخی پیشین ما در نتیجه بی‌دقتی حاکمان، بی‌اهمیت جلوه دادن آنها در نزد مردم و ناآگاهی نسل جوان ناشناخته مانده و نقش‌شان بی‌رنگ شده است. مثلاً بازی‌های محلی که در ابعاد مختلف که از زندگی فرهنگی مردم تأثیرگذار بود چه نشاط، سرور و چه ورزش و چه آمادگی روحی و روانی و جسمی، نوجوانان و جوانان و میانسالان تقریباً به فراموشی سپرده شده‌اند، چون کسی کاری روی آنها انجام نداده است (شماره ۱۳). «اتفاقاً نسل جوان ما چون نمی‌دانند ریشه داشته‌های فرهنگی‌مان چیست و چون جریان آن را نمی‌دانند، خیلی به آن علاقه و حساسیت ندارند...» (شماره ۸).

- سوگیری شناختی در مباحث علمی: درک، بینش و منش علمی داشتن و پایبند به روش و ملاحظات علمی بودن مستلزم تربیت علمی، سخت‌کوشی و پرهیز از سوگیری‌های شناختی و ارزشی است. یکی از ویژگی‌های شناختی جوامعی با پیشینه عشایری و ایلی قومی، چنان‌که گفته شد سوگیری شناختی به سمت هم‌وندی‌های خودی و برجسته کردن نقات قوت و مزایای آنان است. البته این خصیصه مختص به مردم قومی و ایلی نیست زیرا به تازگی ادعای معرفت عینی و فارغ از سوگیری پوزیتیویست‌ها و اندیشمندان اثبات‌گرا نیز از سوی کسانی مانند هابرماس و پست‌مدرنیست‌ها به چالش کشیده شده‌اند. بنا به گفته مصاحبه‌شوندگان «امروزه کسانی که دست به قلم می‌برند و زاد عشایر و ایلاتی دارند سوگیری زیادی دارند. مثلاً افراد تعریف بابای خودش را می‌دهد و پرده‌داری می‌کند... به نظر می‌رسد تشکیلات صنفی حرفه‌ای برای نظارت بر تصحیح و ارزیابی متون تاریخی و کتبی فرهنگی در استان شکل نگرفته است. تا جایی که منابع اطلاع‌رسانی و تاریخی بیشتر از آن‌که حامل انتقال فرهنگی عام محسوب شوند، فضا و زمینه‌ای برای «تسویه حساب سیاسی، قومی و قبیله‌ای» فراهم کرده‌اند. (شماره ۱).

- عدم حساسیت نسبت به امور فرهنگی: به تعبیر بوردیو، توجه و حساسیت به امور فرهنگی مانند هر فعالیت اجتماعی-فرهنگی دیگری، امری اکتسابی است. به نظر می‌رسد مسئولان و مردم استان بنا به دلایل گوناگون حساسیت چندانی نسبت به امور

فرهنگی ندارند. چنین ویژگی‌ای در گفته‌های اکثر مصاحبه‌شوندگان ذکر شده است. برای مثال بزرگان قوم برای تحقیر و استهزا کسانی که دنبال یادگیری موسیقی هستند به آنان و خانواده‌هایشان می‌گویند: «گر فلانی هم ره مهتر وابی!»^۱. مسئولان فرهنگی نیز بحث حساسیت‌های فرهنگی را مد نظر قرار نمی‌دهند یا نسبت به آن علم و اطلاع چندانی ندارند. «... ۱۱ سال هنوز هم هیچ پایان‌نامه‌ای راجع به امور فرهنگی انجام نشده است» (شماره ۳). «رسانه‌های ما خیلی ضعیف عمل می‌کنند، ... چون ما اگر بخواهیم حساب کنیم، بیشتر رسانه‌های جمعی باعث ترویج فرهنگ می‌شوند، مثلاً برنامه‌های شوی [شب‌های] دنا که اکثر مردم بیننده آن هستند، بیشتر مسخره است، بار علمی ندارند، مردم واقعاً چیزی از آن یاد نمی‌گیرند...» (شماره ۴). «یک استراتژی و یک برنامه‌ریزی خاصی برای پیشرفت فرهنگ و هنر نداشتیم. متولی رسمی اداره ارشاد است، اما آموزش و پرورش هم می‌تواند متولی فرهنگ باشد، قلم و دوات، نقاشی شاکله درس هنر ما بود ما در خوش‌نویسی خیلی ضعیف عمل کردیم، این‌ها را امروزه بچه‌ها فراموش کرده‌اند...» (شماره ۶).

- سطحی‌نگری و عاطفی بودن شدید: «کارهایمان سطحی است، برای مثال شاهنامه‌خوانی بعد از یک مدتی کم‌رنگ شد، چون خوب و عمیق فکر نکردیم، سطحی بهش پرداختیم، ... در چند درصد از منازل ما شاهنامه وجود دارد، ما شاید سالی یک بار حافظ را باز کنیم آن هم برای فال» (شماره ۶).

- عدم حمایت از هنرمندان استانی: «ما فرهنگ حمایت از هنرمندان نداریم، مثلاً حسن فقهی که داره تئاتر می‌سازه، در سطح شهر خیلی از آن استقبال نمی‌شود...» (شماره ۸). «ما اهل هم‌افزایی نیستیم، هیچ سروبی [سرود] برای بچه‌های خودمان نمی‌گوییم [غریبه‌پرستیم]» (شماره ۱۱).

- عدم اعتماد به نفس بومی - محلی نامحسوس: خودباختگی فرهنگی یعنی این‌که افراد در قاب‌های رسمی مانند صدا و سیما نه از نشانه‌های هویت واقعی بلکه از نشانه‌های هویتی عاریه‌ای یا وانمودی استفاده کنند. نامحسوس بدین منظور اضافه شده است که به عنوان امری «طبیعی» جلوه داده شده و مورد توجه اغلب افراد واقع نمی‌شود. «مجری تلویزیون استانی، لباس لُری می‌پوشد، اما فارسی حرف می‌زند... مصاحبه‌گر یا تهیه‌کننده گزارش استانی لُری سؤال می‌کند، مصاحبه‌شونده شروع به فارسی صحبت کردن بد قیافه، بد شکل می‌کند... یا موقع عروسی که هر

۱. پسر فلانی هم رفت نوازنده شد.

دو طرف و اقوام هر دو طرف لُر هستند نماینده دو طرف، چرا باید در جمع بومی فارسی صحبت کند این می‌تواند نشانه عدم اعتماد به نفس باشد اما صدا و سیما نباید آن را تشدید کند، زیرا وظیفه صدا و سیما ایجاد اعتماد به نفس بومی-محلی است... (شماره ۹). «ما خودمان گویش لُری خودمان را لِه کردیم تا رفت، ما بچه‌هایمان را می‌بریم تا فارسی حرف بزنند، بختیاری‌ها لباس‌هایشان عوض نشد، زبان‌شان عوض نشد ولی ما نه» (شماره ۱۱).

«بارها گفتم خدای بالاسری شرمشو و ابو کسانی که رها کردن زبان مادری، هیچ زبونی نیست و زیبایی زبون مادری...» ترک ترکی حرف می‌زند، خیلی کم اتفاق می‌افتد که بره فارسی حرف بزند، کرد زبان کردیش را دارد، البته زبان یکی از نشانه‌های فرهنگی است... (شماره ۱۱).

- رواج چشم هم‌چشمی: «در یاسوج جدای از فرهنگ مهربانی، پول درآوردن و زندگی برای دیگران کردن از اوجب واجبات است. چشم و هم‌چشمی بی‌داد می‌کند و این یکی از نشانه‌های بالقوه رشد شهر می‌تواند باشد این یک محرک اجتماعی ساده است که اگر درست هدایت شود می‌تواند به جاه‌طلبی‌های مثبت افراد بینجامد» (شماره ۱۲).

- اعتقادات دینی سطحی: «به صورت سنتی یک اعتقاد و علاقه زیادی به اهل بیت و قرآن در استان وجود داشته است. به‌ویژه بعد از دوره صفویه ولی به نظر می‌رسد این اعتقادات بیشتر اعتقادات عاطفی و هیجانی بوده‌اند و در این اعتقادات هیجانی عمق و شناخت کمتر بوده‌اند. اعتقادات هیجانی غلیظ اما فاقد عمق و شناخت کافی.» (شماره ۹).

نیازهای فرهنگی و هنری استان

جدول ۳۸- بازنمایی مختصر مصادیق واقعی نیازهای فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد

مقاله	مصادیق واقعی نیازهای فرهنگی
نیازهای فرهنگی و هنری استان	نیازهای آموزشی فراگیر در تمام سطوح تحصیلی و حوزه‌های فرهنگی و هنری- تأسیس رشته‌های هنری دانشگاهی در دانشگاه یاسوج، پاسداشت و تکریم حرمت بزرگان، تأسیس و بازسازی امکانات زیرساختی فرهنگی استان و شهرستان‌ها، برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی کارآمد، توجه واقعی و نه ادعایی به فرهنگ، روراستی و صداقت مسئولان، شناساندن امکانات فرهنگی به نسل جوان، معرفی داشته‌ها و نقاط قوت فرهنگی به دیگران و جوانان، نظارت جدی‌تر بر عملکرد مالی صنایع دستی و هنری، توجه بیشتر به حق و حقوق زنان در عرصه‌های کار و خانواده، حمایت جدی از هنرمندان، حمایت بیشتر دولت از داشته‌های فرهنگی استان، فراهم کردن زمینه تبلیغ و نمایش تولیدات صنایع هنری و دستی بومی استان، تهیه اطلس فرهنگی استان، واگذاری مسئولیت به جوانان، تثبیت سیاست‌های فرهنگی و هنری، هزینه کردن برای امور فرهنگی و هنری، برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری متنوع، الگوسازی و ترویج الگوهای موفق استانی، استفاده بیشتر از متخصصان علوم انسانی، توجه به فرهنگ بومی- محلی در کنار فرهنگ مذهبی، پرهیز از انحصارگری فکری، شاداب‌سازی جوانان، برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی تبادل فکر و اندیشه، حمایت از هنرمندان استانی

نیازهای فرهنگی امری نسبی هستند و به پتانسیل امکانات و زیرساخت‌ها، انتظارات، شناخت و سطح بینش افراد و ارزش‌های حاکم و رایج در هر اجتماع یا جامعه‌ای بستگی دارند. در این‌جا مهم‌ترین نیازهای فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد، از منظر افراد مصاحبه‌شونده بیان می‌شود. مهم‌ترین نیازهای فرهنگی و هنری استان از منظر مصاحبه‌شوندگان شامل موارد زیر بوده است:

– **نیاز آموزشی:** «اولین نکته آموزش، تا آموزشی نباشد خیزشی به وجود نمی‌آید» (شماره ۱۱). «نیاز آموزش مداوم و تعلیم و تربیت مداوم. استمرار در آموزش و تعلیم و تربیت، آموزش به معنای عام، اما با امکاناتی که دولت و حکومت مهیا کند و هزینه کند برای آموزش، چه آموزش در خانواده چه در مدرسه چه در دبیرستان یا دانشگاه و در سطح عمومی که دسترسی افراد و نوجوانان به آن آسان و سخت‌گذر نباشد» (شماره ۱۳).

– **پاسداشت حرمت بزرگان:** «حرمت بزرگان^۱ را پاس بداریم. بزرگان نخوانند اهل خرد که نام بزرگان به زشتی برند... مثل جاده‌سازی با ما برخورد کردند، نه به لطافت

۱. البته این‌جا بیشتر اما نه منحصر بزرگان فرهنگی مدنظر بوده است.

اوریشم (آویشن) چیدن! از بس فرهنگ نازک بود، فرهنگ... شیشه میاز کفم افتاد و گفتم هی بگیر سیکه نازک بود مینا از صدای هی شکست»^۱. (شماره ۱۱).

- تأمین و بازسازی امکانات زیرساختی فرهنگی: «استان از باب توسعه زیربناهای فضاهای فرهنگی در رنج است. متأسفانه تعریف‌های علمی که برای مسأله نسبت جمعیت به امکانات فرهنگی داریم، در این جا خیلی جالب نیست. ما نمی‌بینیم که ساخت و ساز زیربناهای فرهنگی منطبق با گسترش جمعیت باشد برای هر هزار نفر ایجاب می‌کند که ما ۴ نفر صندلی داشته باشیم که ما اصلاً نداریم، بسیاری از زیرساخت‌های فرهنگی در حال تخریب هستند ضمن این که ما هیچ اقدامی برای بازسازی آنها انجام نمی‌دهیم. به‌علاوه یک سری کنش‌های سیاسی برای دخل و تصرف مسائل فرهنگی وجود دارد» (شماره ۱۰). «یک سالن این‌جا وجود دارد هم‌سن و سال من است. هنوز آن سالن سینما آباد نشده است. هنوز کتاب‌خانه‌های عمومی ما غیر از خاک روشن نشده است» (شماره ۱۱). «ما هنوز سینما نداریم» (شماره ۲)؛ گفته‌ای که به کرات و در گفته‌های اکثر مصاحبه‌شوندگان ابراز شده است.

- برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی کارآمد: «یک واقعیت موجود است. این قدر مهم است که همه برنامه‌ریزی‌های فرهنگی ما را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. اول در قالب یک مثال اگر ما یک پرانتزی داشته باشیم که داخل آن هزار عدد مثبت باشد، اگر پشت آن اعداد مثبت یک عدد منفی قرار دهیم همه آن اعداد منفی می‌شوند، فرض می‌کنیم ما در تمام فعالیت‌های فرهنگی فعال هستیم و با حالت ایده‌آل کار کنیم، متولیان فرهنگی کارشان را خوب پیش می‌برند، اما یک منفی پشت این فعالیت‌ها گذاشته‌اند، آن منفی هم واقعیت، واقعیت ورود به دهکده جهانی است. ما در واقع بخواهیم یا نخواهیم در حال گذار از فضای سنت به مدرنیته هستیم... فرهنگ یک بسته است، ما معماری‌مان تهرانی است، آشپزخانه، غذا و لباس‌هایمان تهرانی است، درس و کتاب‌هایمان تهرانی و فقط ما زبان‌مان را پشت در نگه داشتیم این نمی‌شود... کسی که روی مبل نشسته و به تلویزیونی نگاه می‌کند که فرهنگ تهرانی است، حتی مبلغش هم تهرانی است نمی‌تواند بگوید من می‌خواهم زبان را حفظ کنم که لری است... این پیکره فرهنگی ما به سمت دهکده جهانی می‌رود و در این دهکده جهانی مرزهای جغرافیایی وجود ندارد، وارد فضای سایبر می‌شوید یعنی مجوز اقامت همه فرهنگ‌های دنیا را کسب کرده‌اید. بنابراین این واقعیت موجود است که خرده فرهنگ‌ها در فرهنگ‌های بالا هضم می‌شوند. نکته ظریف

۱. شیشه شراب از دستم افتاد و گفتم آن شیشه را بگیرد؛ به قدری شیشه نازک بود که حتی با صدای هی شکست.

این جا این است که پذیرش این مسئله این واقعیت، نباید باعث وادادگی فرهنگی و عدم تلاش برای حفظ فرهنگ موجود شود... فایده این تلاش دارای یک پارادوکس است. تلاش پارادوکسی ما این فایده را دارد که نحوه انتقال ما از سنت به مدرنیته شبیه یک زایمان طبیعی است که کودک فرهنگی جدید ناقص الخلقه نخواهد بود، یعنی ما وقتی انتقال از سنت به مدرنیته با ضوابط، با قوانین درست رعایت کنیم آسیب های آن به حداقل می رسد. فایده آن این است که انتقال، یک انتقال با کمترین درصد آسیب است و با چارچوب های درست اتفاق می افتد» (شماره ۹).

- تأسیس رشته های دانشگاهی مرتبط با فرهنگ و هنر در استان: اکثر مصاحبه شوندگان لزوم تأسیس رشته های مرتبط با امور فرهنگی و هنری مانند رشته هنر، معماری، موسیقی شناسی، تئاتر، بازیگری و... را متذکر شدند. «نداشتن دانشکده هنر برای پوشش دادن خیلی از مسائل» (شماره ۲).

- واقع نگری فرهنگی: «فرهنگ کیمیای گم شده مان است. به جای شعار از فرهنگ، به صورت واقعی به فرهنگ چنگ بزنیم. رفتار ما واقعی باشد، ما به مناسبت این که آبرویم نرود، هر چه مسئولان گفتند بگویم چشم» (شماره ۱). «نگاه ها و ارزیابی های شخصی و سلیقه ای فرهنگی و هنری در استان برجسته است... برای مثال [بعضی ها] ساز و نقاره را حذف کرده اند» (شماره ۲). در مواردی سبیل ها و سبک فرهنگی گذشته، نیندیشیده و عجولانه طرد می شوند... مراکزی که به مسائل اجتماعی می پردازند فعال تر باشند، باید از آرمان گرایی بیاییم بیرون و باید به سمت اجرایی شدن پیش برویم. نمایشگاه های پژوهشی همه خالی اند، پارک علم و فناوری داریم اما باید به جامعه جوان شناسیمشون» (شماره ۶).

- معرفی داشته ها و نقاط قوت فرهنگی: استان همان طور که گفته شد منبعی غنی از داشته ها و امکانات و نمادهای فرهنگی، تاریخی، طبیعی و مذهبی است که متأسفانه به دلایل متعدد مانند کوتاهی و قصور مسئولان یا عدم شناخت و آگاهی مردم مغفول مانده، طرد و حذف شده یا مورد بی توجهی قرار گرفته اند. «به داشته های فرهنگی استان مانند موسیقی، زبان بومی - محلی، پوشش... توجه بیشتری شود» (شماره ۹). «به بخش های هنری مانند صنایع دستی مانند قالی بافی توجه علمی بیشتری شود» (شماره ۴).

- نظارت جدی تر بر پرداخت و هزینه کرد حمایت های مالی از صنایع هنری و دستی: «افرادی فقط وام صنایع دستی را می گیرند، در صورتی که هیچ سر رشته و فعالیتی در آن حوزه ندارند و فقط با پرونده سازی و مدرک ظاهری وام های ۵۰۰ میلیون تومانی

می گیرند و آن را در صنایع دستی هزینه هم نمی کنند» (شماره ۴).

– توجه بیشتر به حق و حقوق زنان در عرصه خانواده و کار

– حمایت جدی تر از هنرمندان استان: «من یک کارمند صنایع دستی هستم که مورد ظلم واقع شده ام، تنها بافنده زن استان هستم متأسفانه مورد حمایت میراث فرهنگی قرار نگرفتم، نه وامی نه حمایتی با وجودی که کارگاه فعال دارم...» (شماره ۴). ... دولت حمایت نمی کند، ما برای کتاب عکاسی آقای حسینی یک نامه نوشتیم و ۱۰۰ نسخه از آن را خریدند و در وزارت خانه گذاشتند و به افراد خارجه بازدیدکننده دادند در دانشگاه شیراز موقع هدیه دادن یک کتاب نویسنده شیرازی را هدیه می دهند... دو کتاب مرحوم حسین پناهی را به مردم بدهند به مناسبت های فرهنگی و روزهای جشنواره ای... (شماره ۸).

بهبود کیفی و تقویت جنبه زیبایی شناختی صنایع دستی استان: «تولیدات من کمتر جنبه تزئینی دارند» (شماره ۴).

– فراهم کردن ابزارهای فرهنگی ارتباطات بین المللی: «امروزه ما در فضایی جهانی زندگی می کنیم که زیستن در آن و نمایش و عرضه توان و دارایی های فرهنگی و هنری خود نیازمند داشتن ابزارهای لازم مانند آشنایی با زبان بین المللی است. در سطح شهر و استان ابزارهای بین المللی لازم برای برقراری و عرضه بین المللی داشته های هنری و فرهنگی وجود ندارد. «من دوست دارم که صنایع دستی ام به یک فعالیت بین المللی تبدیل شود... اما زبان انگلیسی ام صفر است» (شماره ۴).

– فراهم کردن زمینه تبلیغ و نمایش تولیدات صنعتی خانگی- بومی: «من باید یک تبلیغاتی داشته باشم... می خواستم یک مستندی از کارم بسازم از برش موی بز تا تبدیل به نی چیت، متأسفانه یک کارگردان درستی گیرم نیامد، فیلم بردار درستی گیرم نیامد... پول لازم برای این کار را نداشتم» (شماره ۴).

– تهیه اطلس فرهنگی استان درخصوص ویژگی های فرهنگی استان

– واگذاری مسئولیت به جوانان و فراهم کردن فرصت برای آنان

– تثبیت سیاست های فرهنگی

– هزینه کردن برای امور فرهنگی: «برای مثال ما نیاز داریم برای اشاعه فرهنگ هزینه خرج کنیم، بحث تاب آوری اجتماعی برای مثال که مطرح شد اما در حد یک حرف باقی ماند، ما می توانیم این ها را در روستاهای خودمان گسترش بدهیم، آموزش نیاز به هزینه دارد. ما باید برای فرهنگ هزینه کنیم، وقتی هزینه نشود، ما چه توقعی داریم فردی که در روستا است و دور است چگونه رفتار کند؟» (شماره ۶).

هزینه کردن بودجه‌های فرهنگی در جاهای مناسب: «بودجه هست، باید سلیقه هزینه کردن بودجه را داشته باشیم، در یک جاهایی بودجه خوب مصرف می‌شود، نمی‌توانیم چیزی [نتیجه] مناسبی ازش بگیریم، اما اون جاهایی که باید مصرف شود، انجام نمی‌شود» (شماره ۶).

– **برگزاری نمایش‌نامه‌های با مضامین متنوع و متفاوت:** «قبلاً نمایش‌نامه‌های مذهبی، نمایش‌نامه‌های ملی اجرا می‌شد اما الان هیچی نیست، زمان قدیم ما تعزیه داشتیم در فرهنگ مذهبی، بچه‌ها یاد می‌گرفتند و الان کم‌رنگ شده‌اند، متولیان باید بیایند پای کار هم فکرکنند و هم عمل کنند... لزوم برگزاری مسابقات فرهنگی و هنری مختلف مانند مسابقات نهج البلاغه، کتاب و کتاب‌خوانی، شعرخوانی و...» (شماره ۶).

– **الگوسازی و ترویج الگوهای موفق استانی:** «صدا و سیما چند نفر تحصیل کرده و با فرهنگ را که با فقر و بدبختی بزرگ شده‌اند که جامعه روی آنها حساب می‌کند، نشان دهند که می‌شود با فقر هم به جایی رسید... ما می‌توانیم به عنوان الگو از این‌ها استفاده کنیم» (شماره ۴).

– **احیا و انتقال داشته‌های فرهنگی گذشتگان:** «استفاده و بهره گرفتن از فرهنگ غنی نسل قبل با ابزارهایی مانند نوشتن داستان‌های خوب و کوتاه، ساختن فیلم کوتاه، نوشتن رمان کوتاه» (شماره ۵).

– **مستندسازی فعالیت‌های اساسی زنان بزرگ و تأثیرگذار در استان**

– **استفاده بیشتر از متخصصان علمی در خانواده‌ها:** «در خانواده‌ها باید بیشتر کار شود، از روان‌شناسان خوب باید بیشتر استفاده شود، در مراکز مشاوره‌ای، مراکز مشاوره هزینه بردار است، افراد نیاز دارند اما هزینه ندارند» (شماره ۶).

– **تقبل یا پرداخت هزینه‌های مشاوره‌های فرهنگی:** «افراد زیادی مسئله دارند، که هزینه مراجعه به مشاوره ندارند» (شماره ۶).

– **توجه به فرهنگ‌های ملی در کنار فرهنگ مذهبی.**

– **بودجه‌بندی عادلانه‌تر نهادها و مؤسسات فرهنگی هنری:** «بودجه یک سری نهادها خوب است ولی بعضی نهادها خیر».

– **شاداب‌سازی جوانان**

– **برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی تبادل فکر و اندیشه برای جوانان و دانشجویان.**

– **پرهیز از انحصارگری فکری:** «تفکرات و سلاقی مختلف استفاده کنیم و از انحصار و انسداد فکری پیرامون گرایش‌های سیاسی مانند اصلاح‌طلبی یا اصول‌گرایی پرهیز کنیم» (شماره ۶).

– تحمل و شنیدن صدای یکدیگر.

– حمایت مالی و معنوی کافی از هنرمندان بومی: «... ما کارگردانانی مانند مجید پرهیز داریم که الان پیمان کار ساختمانی است، دیگه تئاتر خریداری ندارد، ما یک فیلم ساز داریم یک مستندساز داریم چون حمایت نمی شوند... رسول صناعی یک شاعر در منطقه بهمئی، هیچ کسی شعرهای آن را نمی خرد، حتی کارمند شهرداری هم نشده است...» (شماره ۸).

– توجه بیشتر به داشته‌های فرهنگی استان: «خیلی از سنت‌های گذشته خیلی دور ما میمون بود، این سنت‌ها می توانستند خیلی کمک کنند، رسوماتی مانند بستن [کله] قند به کمر دختر عروس توسط پسر عمویش و... موسیقی و ادبیات فولکلریک استفاده نمی کنیم، اشعار محلی که می توانست خیلی کمک کنه، خیلی از گفته‌های فرهنگی را منتقل کنه، ... صنایع دستی، به ویژه گلیم بافی‌هایی که تنها و تنها مختص یک روستا مانند درغک است و فقط یک زن می بافد، از پشت می بافد و بعد از اتمام و برگرداندن آن نقش اش ظاهر می شود، این‌ها پتانسیل‌هایی است که دیگه نیست و دیده نمی شوند و این‌ها دارد گم می شوند و باید سرمایه گذاری شوند (شماره ۸). با کم اهمیت شدن یا بی اهمیت شدن نقش بزرگان و ریش سفیدان در روستاها و طوایف و به تدریج کنار زدن آنها و فوت بسیاری از پیران پیش از انقلاب (سرمایه فرهنگی استان) تقریباً دیگر امیدی به حل و فصل مسائل فرهنگی در ابعاد مختلف به صورت ریش سفیدی و کدخدامنشانه وجود ندارد (شماره ۱۳).

ظرفیت‌های فرهنگی بومی استان

جدول ۳۹- بازنمایی مختصر عناصر و مفاهیم مرتبط با مقوله ظرفیت‌های فرهنگی و هنری بومی استان کهگیلویه و بویراحمد

مقوله	عناصر و مفاهیم
ظرفیت‌های فرهنگی و هنری بومی استان	پیشینه فرهنگی قوی، داشته‌های فرهنگی بومی- محلی متنوع و تاریخی مانند لباس محلی، موسیقی محلی، آیین‌های محلی...، فضای فرهنگی- مذهبی یکدست، ظرفیت شعری و ادبی گویش لری، صنایع دستی قدیمی و متنوع، حل و فصل مسالمت‌آمیز نزاع‌ها، بوم‌گردی‌های سبک زندگی‌های متنوع عشایری- روستایی و اکوتوریسم متعدد و متنوع

هر چند موجه‌ترین و رایج‌ترین واحد تحلیل فرهنگی در بین علما و اندیشمندان علوم

اجتماعی، واحد جامعه‌ای بوده است؛ اما در درون هر جامعه‌ای نیز گروه‌ها و اجتماعات قومی- فرهنگی متعددی وجود دارد که هر یک ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های خاص خود را دارد. از آنجا که فرهنگ هر گروهی متأثر از ویژگی‌های تاریخی، موقعیت جغرافیایی و خصوصیات اجتماعی- روان‌شناختی افراد متعلق به آن گروه است، این عناصر متفاوت و گوناگون در تعامل با هم ظرفیت و پتانسیل فرهنگی آن گروه را تعیین می‌کنند. در این جا ظرفیت‌های فرهنگی بومی استان کهگیلویه و بویراحمد از منظر مصاحبه‌شوندگان بیان می‌شود:

- پیشینه فرهنگی قوی: «ما پیشینه فرهنگی مان خیلی قدرتمند است، موسیقی ما یکی از منحصر به فردترین موسیقی‌هایی است که از گذشته تا به حال با وجود بروز بحران‌های مختلف، یک روند روبه رشد را طی کرده است، آن هم نه به دلیل حمایت دولت و نهادهای فرهنگی بلکه این موسیقی در بطن و متن زندگی مردم وجود دارد. این باعث شده که موسیقی در تمام طول تاریخ هم‌زمان با زندگی مردم پیش بیاید و خاموش نشود و این تافته زندگی مردم است و بخشی از هوایی است که ما تنفس کردیم و جریان دارد، نه متولی نهادهای سیاسی باعث شده که این موسیقی در جا بزند و نه تشویق کردن این‌ها باعث شده که پویایی آن بیشتر شود، اگر به عنوان یک مؤلفه اقتصاد فرهنگی دیده شود می‌تواند پیامد مناسبی داشته باشد، ضمن این که می‌تواند به هویت فرهنگی مردم و بازشناسی آن‌ها به عنوان ملتی متمددن کمک کند» (شماره ۱۰).

- لباس محلی: «در حقیقت یکی از زیباترین جلوه‌های فرهنگی جهانی را دارد که متأسفانه بستر رشد آن علاقه مردم به آن بوده و چندان مورد حمایت قرار نگرفته است. ما می‌توانیم در طول سال نمایشگاه‌های متعددی از لباس و پوشش داشته باشیم در صورتی که هیچ اقدامی نکردیم، هیچ حمایتی نکردیم (شماره ۱۰). لباس محلی ما لباس خیلی خوبی است، ۳۰ تا کشور [در مسابقه برترین لباس شرکت کردند]، یک خانم در استرالیا لباس لری برگزیده شد» (شماره ۱۱).

- فضای فرهنگی یک‌دست: «در استان یک فضای فرهنگی یک‌دست وجود دارد و بافت سنتی استان هم ظرفیت خوبی دارد مانند حل اختلافات فامیل البته اگر مدیریت نشود تبدیل به آسیب می‌شود. منابع انسانی نخبگان تحصیل کرده خوبی داریم (شماره ۳).

- صنایع دستی قدیمی و متنوع: استان از گذشته صنایع دستی متعدد و متنوعی داشته است. گلیم و جاجیم نهادینه شده‌اند، مردم از آن‌ها استفاده می‌کنند. در ۱۷-۱۸ سال اخیر

اکثر دختران و زنانی که می‌خواهند عروسی کنند گلیم و جاجیم در جهیزیه‌شان دارند، اما متأسفانه این صنایع نیز به خاطر عدم بهبود کیفیت خود و به‌ویژه به خاطر ضخامت مورد استقبال افراد سایر استان‌ها قرار نمی‌گیرند و نمی‌توانند با گلیم ارومیه و کردستان رقابت کنند (شماره ۴).

- ظرفیت شعری و ادبی گویش لُری: «گویش لُری ظرفیتی قوی برای شعر و ادبیات دارد، شاعران لُری کار کرده‌اند... طبیعت بکر استان. استعداد فرزندان این مرز و بوم در جشنواره‌های مختلف حتی بین‌المللی، توان بالایی دارند... چقدر حافظ و سعدی این‌جا به دنیا آمده‌اند و بدون این‌که یک شعر بگویند از دنیا رفته‌اند» (شماره ۵).

- حل و فصل مسالمت‌آمیز نزاع‌ها: «مسائل قدیمی که منجر به قتل و خون‌میشدند، ریش سفیدان و بزرگان و محترمین و معتمدین در زمان کوتاه حل می‌شدند، یک مبنای اخلاقی مهمی را هم جلوی پای طرفین می‌گذاشتند که به خوبی حل می‌شد، ولی الان اگر یک قتل در یک طایفه رخ دهد، چند سال طول می‌کشد تا فرآیند آن طی شود و خود این طولانی بودن، منجر به تهدید و به دعوای متعدد دیگری منجر می‌شود و خود خانواده‌ای که به قتل اقدام کرده مسائل زیادتری را تجربه می‌کند» (شماره ۱۳).

در مجموع بنا به استناد گفته‌ی یکی از مصاحبه‌شوندگان «استان ما استانی غنی است هم از نظر فرهنگ بومی، هم از نظر فرهنگ گردش‌گری، صنایع دستی، غذاهای محلی، محصولات کشاورزی، گونه‌های گیاهی متنوع، معادن... که همه مغفول مانده‌اند.» (شماره ۶).

وضعیت استان در حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر

بعد از بیان ویژگی‌های فرهنگی پتانسیل‌ها و نیازهای فرهنگی استان وضعیت فرهنگی و هنری استان در هر یک از حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر مانند کتاب، مطبوعات و... براساس گفته‌های مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌شود.

کتاب

وضعیت کتاب در استان از ابعاد و زوایای متعدد تاریخی نویسندگان، ناشران، مطالعه کتاب و... مورد مصاحبه قرار گرفته است. اکثر مصاحبه‌شوندگان وقوع انقلاب را نقطه عطف مثبتی در ارتباط با کتاب، کتاب‌خوانی، نویسندگی و نشر کتاب می‌دانند. اما در مجموع از نظر مصاحبه‌شوندگان وضعیت کتاب در استان در هیچ یک از شاخص‌های میزان مطالعه، خرید کتاب، مهارت و رعایت اخلاق نویسندگی، تعداد ناشران و کتاب‌فروشی‌ها مقبول و مطلوب نیست. به تعبیر یکی از مصاحبه‌شوندگان «کتاب و کتاب‌خوانی اسم عریض و طولیلی دارد، اما وقتی کنارش می‌نشینیم و بررسی می‌کنیم، کمترین سرانه مربوط به خرید

کتاب و استفاده از کتاب است. این کوتاهی از من معلم، من پدر و مادر، است... امروز فضای مجازی جایگزین کتاب شده، پدر و مادران حوصله خواندن کتاب ندارند. این در کل کشور است، فرهنگ کتاب و کتابخوانی در کشور ضعیف است...» (شماره ۶). «در مجموع وضعیت استان وضعیت خوبی نیست. در تألیفات خوب است... ولی فرهنگ مطالعه مانند سایر کشور ما نیست و این جا فرهنگ مطالعه نیست» (شماره ۸).

به تعبیر یکی از مصاحبه‌شوندگان «داستان نشر و کتاب... تاریخ خیلی جالبی دارد. تا قبل از انقلاب تعداد آثار چاپ شده ما از یکی دو آثار بیشتر نبود و ما نویسنده دارای اسم و رسم نداشتیم. ولی در دهه انقلاب ما با یک فروزش ناگهانی مواجه شدیم. می‌بینیم در همه حوزه‌های فرهنگی ما نویسندگانی پا به عرصه وجود گذاشتند که هم می‌نویسند و هم با نوشتن آشنا هستند. به مرور تاریخ این رشد روز به روز افزایش پیدا کرده است. ما الان سالانه حدود ۳۰ تا ۴۰ عنوان کتاب از نویسندگان استانی داریم که روانه بازار نشر می‌شود، بسیاری از این نویسندگان از بازار خوبی برخوردارند، اما ضعف آنها این است که ورود مباحث کتاب الکترونیک و تکنولوژی جدید بر نشر اثر گذاشته و از طرفی گرانی کتاب باعث شده که نویسنده تمایلی به خرید کتاب ندارد... سوم، خود دستگاه و صنعت نشر آسیب می‌بیند و هم نویسنده تمایلی به انتشار آثارش ندارد، گرانی چاپ، کاغذ و نهایتاً ورود نشر الکترونیک مقداری بر فضای کتابخوانی تأثیرگذار بوده است» (شماره ۱۰). «بعد از انقلاب رونق کتاب‌نویسی و نویسندگان مؤلف در استان زیاد داشتیم و رونق خیلی خوبی داشته است اما اگر دقت نشود و لوازم و شرایط نویسنده و نویسندگی رعایت نشود این کتاب‌نویسی یک معضل برای جامعه ما می‌شود. در نتیجه این کتاب‌نویسی با وجود رونق مشکلات فرهنگی برای جامعه درست کرده است... به‌خصوص برخی مؤلفان فاقد ویژگی‌های تخصصی و علمی برای نوشتن هستند. بنابراین تأثیر منفی گذاشته و تبعات منفی داشته‌اند که باز وظیفه مراکز فرهنگی و دانشگاهی است که در این زمینه سر و سامانی به کتاب‌نویسی و تألیفات داده شود» (شماره ۱۳).

مضامین، عناوین و محتوای کتاب‌ها تا حد زیادی تحت تأثیر بافت نسبتاً قومی قبیله‌ای حاکم بر استان است و مضامین کتاب‌ها بیشتر حول مباحث تاریخی و سیاسی می‌چرخد. بیشتر مضامین کتاب‌ها تاریخی، اجتماعی و سیاسی بوده‌اند (شماره ۱۳). «مردم منطقه از نظر اقتصادی بنیه ضعیفی دارند، اولین بحث سهولت دسترسی به کتاب است، کتاب‌هایی اکثراً مردم دارند، کتاب‌های منطقه‌ای خودشان است که این هم به دلیل سیاست‌زدگی در استان و قومی قبیله‌ای بودن آن است» (شماره ۲). «کتاب‌هایی مانند

رمان و شعر کمتر پیدا می‌شود. کتاب فردوسی بیشتر مورد استفاده است یا کتاب‌های بهمن بیگی را بیشتر می‌خوانند به دلیل عرق عشایری... فرهنگ کتاب‌خوانی ضعیف است و تیرخوان هستند. نویسندۀ خوب کم داریم در استان. در همه حوزه‌ها نویسندۀ نداریم. در تاریخ هم نویسندگان بدون جانب‌داری نمی‌نویسند و تعصب وجود دارد که این هم باعث تحریف کتاب‌ها می‌شود.» (شماره ۲).

«سرانۀ مطالعه خیلی پایین است... کتاب فروشی ۱ باب بزرگ داریم. شهر کتاب داریم که معمولاً درسی و کمک درسی است. یک خانه کتاب، کتاب فروشی است. نویسندۀ سرشناس خیلی کم داریم. نویسندگان استانی که در سطح کشور مطرح باشند خیلی کم است. فقط آقای مختاری را داریم» (شماره ۳). «انتشارات نداریم، انتشارات چویل را داریم که آن هم چندان قوی عمل نمی‌کند» (شماره ۵). ما یک انتشاراتی بیشتر نداریم، سرانۀ کتاب برای دانش‌آموزان در آلمان ۱۲۵ تا ۱۰۰ است ولی در یاسوج تقریباً ۲۵ نفر است. الان کمترین مطالعه است، فضای مجازی بچه‌ها را داغون کرده است» (شماره ۱۱). البته یکی از مصاحبه‌شوندگان با داشتن نگاهی متفاوت و با اشاره به فضای مجازی اعتقاد داشت که سرانۀ مطالعه در استان افزایش چشم‌گیری یافته است. «من خودم نظری در مورد کتاب‌خوانی در این دو سه سال اخیر مخصوصاً در این پنج سال اخیر، میزان مطالعه کردن مردم در استان ما، به مراتب بیشتر شده است. چطوری؟ ما اگر تعریف‌مان از مطالعه را عوض کنیم، می‌فهمیم که مطالعه مردم افزایش یافته است. میزان زمان یا ساعت خوانشی کتاب در روز می‌شود سرانۀ مطالعه کتاب در روز ۲ دقیقه... این تعریف، تعریف غلطی است، برای این که الان مطالعه معنی‌اش خواندن کتاب نیست مطالعه خواندن چیزی که شما را از مجهولی به معلومی می‌رساند... الان چیزی که اصلاً در نظر گرفته نمی‌شود فضای مجازی است... این‌ها منابع اطلاعاتی است که مردم به آنها توجه نمی‌کنند... من خودم هم کلاسی داشتم که سیکل داشت... در طول عمرش یک ورق کتاب غیردرسی هم نخوانده است، اما الان نزدیک به دو سال است که در یک گروه فAMILI عضو است، بعضی اوقات این بنده خدا صفحه‌ای در گروه می‌فرستد که مثلاً دکتر شریعتی، یا شیخ فریدالدین عطار یا شاید منتسب کنند به آن‌ها جمله حکمت‌آمیز است، این آقا.... یا خودش مطالب می‌فرستد یا مطالب دیگران را می‌خواند، معلوم که در معرض مطالعه است حتی مطالعه کلیپ، ما کلیپ را جزء مطالعه حساب نمی‌کنیم... الان خلاصه یک کتاب مهم را در یک کلیپ می‌آوریم و این کلیپ ایشان را از یک مجهول به معلوم می‌برد، آن کسی که این کلیپ را ساخته است تلاشش را در یک کلیپ

خلاصه می‌کند و آن را می‌فرستد، ما چرا این‌ها را جزء شاخص‌های مطالعه حساب نمی‌کنیم؟ هر روز هر فردی، حداقل دو سه صفحه مطلب مطالعه می‌کند، چرا این‌ها را جزء شاخص‌های مطالعه حساب نمی‌کنیم؟ به نظر من آمار کسب اطلاعات بیشتر از ۵ سال پیش است» (شماره ۹).

از کتابخانه‌های عمومی در راستای افزایش سواد و اطلاعات عمومی استفاده نمی‌شود. هم‌چنین همه گروه‌ها و اقشار جامعه از آن‌ها استفاده نمی‌کنند. بنابه گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان: «بیشتر دانش‌آموزان که برای کنکور مطالعه می‌کنند از آن‌ها استفاده می‌کنند، ولی در کل یا این‌که اگر فردی محقق باشد... در کل مسئولان و متولیان فرهنگی استان نتوانسته‌اند فرهنگ کتابخوانی را رایج کنند» (شماره ۲). «کتابخانه عمومی استان به پانسیون مطالعاتی تبدیل شده است. آنجا دانش‌آموزان یا برای کنکور می‌خوانند یا افراد جهت پژوهش به آنجا مراجعه می‌کنند» (شماره ۳).

قرآن و عترت

دومین شاخص مهم حوزه فرهنگ و هنر، قرآن و عترت است که از دیرباز به عنوان سنتی نیکو و حسنه در بین مردم استان رواج و حرمت داشته است. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان: «با توجه به این‌که تقریباً صد در صد مردم استان دارای فرهنگ شیعه هستند، از قدیم الایام برگزاری کلاس‌های قرآن و عترت در استان وجود داشته است. در گذشته ملامکتبی‌ها با وجودی که سواد خواندن و نوشتن نداشتند، قرآن را تعلیم می‌دادند. با این وجود در سال‌های اخیر، فعالیت‌های متنوع مرتبط با قرآن و عترت رشد چشم‌گیری داشته است. یکی از پرتعدادترین مؤسسات فرهنگی ما مربوط به قرآن و عترت است، که هم از طرف دستگاه‌ها حمایت می‌شوند و هم از اقبال خوبی برخوردار بوده‌اند» (شماره ۱۰).

امروزه فعالیت‌های قرآنی افزون‌تر، متنوع‌تر و از نظر کیفی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. شاید مهم‌ترین دلیل آن این است که دستگاه‌های فرهنگی-سیاسی از این نوع فعالیت‌ها حمایت می‌کنند. به گفته مصاحبه‌شوندگان «در تناسب سایر حوزه‌های فرهنگی و هنری در حوزه قرآن و عترت بهتر کار می‌شود. [اما] باید دانش‌آموزان را چند بعدی رشد بدهیم. وقتی یک صفحه قرآن را حفظ می‌کند این بیان‌گر رشد آن دانش‌آموز است، باید همین بودجه‌های دیگه هم به کار گرفته شود» (شماره ۶). سازمان اوقاف به عنوان سازمان رسمی متولی امور قرآنی تنها سازمانی است که مسابقات قرآنی به صورت تخصصی برگزار می‌شود. مسابقات در ادارات دیگر وجود دارد، اما در این جا [اداره اوقاف و امور خیریه] مسابقات به صورت تخصصی برگزار می‌شود... در سال‌های گذشته ما

حدوداً بعد از فرمایش رهبری که ایران باید ۱۰ میلیون حافظ داشته باشد، سازمان اوقاف هم یک سهمیه را برداشت و طی برنامه‌ای تدوین شده به استان‌ها اعلام کرد که برای مثال تعداد تربت حافظان این استان ۱۰۰۰ نفر باشد، این تعداد را در بین شهرستان‌ها تقسیم کردیم، بستگی به جمعیت هر شهرستان... این‌ها می‌بایست ثبت نام کنند و کلاس‌های برگزاری قرآن را تشکیل دهند، مربی بگیرند... در سال ۱۰/۰۰۰ نفر داشتیم و بعضی اوقات از ۱۰۰۰ نفر هم بیشتر داشتیم. ما تا سطح ۴۰۰ نفر از ۱ جزء تا ۳۰ جزء حافظ کل قرآن داشتیم» (شماره ۷). در مواردی از قاریان ممتاز سطح کشوری و حتی بین‌المللی برای ترویج فرهنگ قرآن و عترت استفاده می‌شود. «از سازمان اوقاف یک تعداد قاری قرآن بین‌المللی به کشور معرفی می‌شود و این‌ها با قاریان مصری تفاهم‌نامه دارند، در ایران هر استان یک قاری سهمیه داشت در استان برنامه‌ریزی انجام گرفت که مسئول فرهنگ قرآن استان برنامه‌ریزی می‌کرد که این قاری قرآن در یک روز یا دو روز چند محفل داشته باشد... مجلس در مسجد یا امام‌زاده‌ای برگزار می‌شد... تعداد مشارکت‌کنندگان از ۵۰۰ نفر تا ۳۰۰ نفر تا ۲۰۰ نفر داشتیم و شرکت برای همه آنها آزاد بود.» (شماره ۷).

قاریان برجسته استانی در سطح کشوری داریم «... مانند آقای مسیح‌پور، این‌ها هم برنامه قرآنی داشتند که در بعضی بقاع متبرکه یا مساجد برنامه قرائت داشتند. امسال هم با توجه به شرایط کرونایی ما حدود ۲۰ محفل برگزار کردیم به خاطر شهادت حضرت زهرا(س)، شهادت سردار سلیمانی و همین حادثه ۹ دی» (شماره ۷). از دیگر برنامه‌های قرآنی تربیت حافظان قرآن کریم است که به قول یکی از مصاحبه‌شوندگان «ما در ده سال پیش حافظ قرآن نداشتیم ولی حالا داریم» (شماره ۱).

«مسابقات کتابخوانی، حلقه‌های مطالعاتی با موضوعات قرآنی، کلاس‌های آموزش روان‌خوانی داریم» (شماره ۳). با این وجود در کلاس‌های قرآن «قشر خاصی شرکت می‌کنند... همان قشری که در بحث حفظ تبحر دارند، یا در تفسیر تبحر دارند و الا عموم مردم شرکت نمی‌کنند» (شماره ۷). «هر سال یک سری قرآن‌ها از طرف سازمان برای ما فرستاده می‌شود و با استفاده از نیت ارسال‌کننده ما آن‌ها را به مکان‌های خاصی می‌فرستیم که (مکان‌های غیردولتی) آموزش دهند... ما در رشته حفظ (۵ جزء، ۱۰ جزء، ۲۰ جزء، حفظ کل) قرائت و تحقیق، قرائت ترتیل، اذان، تواشیح، مدیحه‌سرایی، دعاخوانی، تفسیر عمومی قرآن مسابقات در سطح شهرستانی و استانی داریم... امسال در سطح کشوری آقای علی‌رضا مسیح‌پور رشته پنجم کشوری در رشته قرائت تحقیق داشتیم... البته این مسابقات مختص افراد بالای ۱۸ سال است که فارغ‌التحصیل شده‌اند. زیر ۱۸ سال در مدرسه انجام می‌گیرد... خواهران استقبال بیشتری در بحث‌های قرآنی

دارند... یکی این که علاقه‌ای در خواهران بیشتر است، مشغله خواهران کمتر است (شماره ۷). با این وجود در این حوزه نیز در استان محدودیت‌هایی در مقایسه با سایر استان‌ها وجود دارد. «دلایلی دارد که جایگاه‌مان ضعیف است، ما چون موقوفات نداریم، از نظر اعتبار مالی ضعیف هستیم، وقتی اعتبار مالی نداریم نمی‌توانیم اساتید مجرب از مرکز یا استان‌های دیگر این‌جا بیاوریم، ما در بعضی استان‌ها بعضی مدارس حفظ شبانه‌روزی داریم ولی در این‌جا متأسفانه امکاناتش را نداریم. ما یک سال مدرسه شبانه‌روزی حفظ قرآن برگزار کردیم به این صورت که آن‌ها باید طی دو ماه باید ۵ جزء قرآن را حفظ می‌کردند، یک سال ادامه پیدا کرد، در سال‌های بعد نتوانستیم ادامه دهیم، در استقبال مردمی ضعیف هستیم، مثلاً در اصفهان برنامه‌های متعددی دارند خودجوش، مردم برنامه‌ای متعددی دارند، ولی متأسفانه در استان ما کمتر مردم به این سمت سوق پیدا می‌کنند؛ شاید ما هنوز به آن شناختی نرسیدیم به آن معرفتی نرسیدیم که بدانیم چیست؟ یا تبلیغاتی انجام نگرفته یا مکان‌های آموزش مدرن نداشتیم، عوامل متعددی دارد. باید فرهنگ‌سازی شود، باید بیشتر تبلیغات درخصوص قرآن انجام شود و شناخته شود برای مردم» (شماره ۷).

در استان «ما حدود ۲۲۵ امام‌زاده داریم، مردم تا مرز ۳۰۰ تا ۴۰۰ امام‌زاده را به رسمیت می‌شناختند که ما تعدادی از آنها را حذف کردیم. ما حدود بالای ۱۰۰۰ مسجد در استان داریم... امام‌زاده‌های متعددی در سطح استان وجود دارد... قبل از کرونا مردم خیلی اعتقاد داشتند و سفر می‌کردند و حتی شب اطراق هم می‌کردند. یکی بی‌بی حکیمه مکان خواب هم داشت، مجانی بود مکانش، امام‌زاده مختار را داریم، امام‌زاده محمود (سیدممد)» (شماره ۷).

رسانه‌های نوین و مطبوعات

به تعبیر یکی از مصاحبه‌شوندگان: «انقلاب در حوزه مطبوعات ما شکل گرفته است. ما قبل از انقلاب هیچ رسانه‌ای نداشتیم. بعد از انقلاب و به‌ویژه بعد از سال ۱۳۹۰، ۵ روزنامه محلی، ۱۴ خبرگزاری، ۹۸ سایت خبری، ۵۸ نمایندگی در استان به وجود آمده است.» (شماره ۱). بنابراین «وضعیت رسانه‌ها و تعداد خبرنگاری خوب است. این قدر سایت محلی، این قدر روزنامه وجود دارد...» (شماره ۸). به نظر می‌رسد امروزه فضای مجازی جایگزین تمام دیگر منابع اطلاعاتی در استان شده است. به تعبیر مصاحبه‌شوندگان: «افزایش استفاده از رسانه‌های نوین باعث کاهش کتاب‌خوانی شده است. تصویر هم جای نوشتار را گرفته است» (شماره ۲).

البته این رسانه‌ها همانند همهٔ دیگر پدیده‌های فرهنگی، همانند تیغی دو دم عمل کرده و دارای پیامدهای مثبت و منفی هر دو بوده‌اند. «فضای اطلاع‌رسانی موجود هم در فضای مجازی هم تهدید است و هم فرصت. از این بابت که فضای سانسور را از بین می‌برد (مثبت) ولی صحت و سقم آنها مشخص نیست و عمق مطالب فضای مجازی مشخص نیست و خیلی سطحی است و هیچ اطلاعات عمیقی به خواننده نمی‌دهند» (شماره ۱۰). از جملهٔ پیامدهای مثبت این فضاها و رسانه‌ها این است که «فضای مجازی و گوشی‌ها فرصت‌هایی را برای جوانان و زنان فراهم کرده که برقصند که برای تخلیه خودشان ناگفته‌های خودشان را ابراز کنند» (شماره ۱۱). فضاهایی مانند لُریگرام می‌توانند با جذابیت خود به نشر و گسترش فرهنگ لُری کمک کنند. «لُریگرام با بیان طنز، چون در زندگی ما قابل لمس است پس تأثیرگذار است. در پیچ اینستاگرامی تقریباً هزار تا ۲۰۰۰ عضو، و تا ۲۶۰۰۰۰ فالوور داره» (شماره ۳). «کانال‌های لُریگرام، هر چند خودجوش است، حتی بچه‌هایی که هم فارسی حرف می‌زنند، به آنها نگاه می‌کنند، خود فضای مجازی فرصت بزرگی است که بتوان از آن استفاده کرد، انیمیشن نرم‌افزارهای ساده‌ای است ولی خود گویش لُری ما چه ظرفیت خیلی قوی برای طنز دارد» (شماره ۹). از نظر اقتصادی توانسته‌اند به درآمدزایی کمک کنند. برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان فعال در امور صنایع دستی، گفت: «من داخل اینستا و واتساپ کار می‌کنم، بازاریابی...» (شماره ۴). این که «بچه‌ها در سنین پایین، پنجم ابتدایی، انتهای یک مجازی باز است که هیچ کسی حریف‌شان نمی‌شود. دسترسی جهانی است» (شماره ۱۱).

اما معایب و نقاط ضعف این رسانه‌ها از منظر مصاحبه‌شوندگان، هم تنوع و شاید بارزتر و برجسته‌تر عنوان شده‌اند. این مجلات و فضاها «... پر از اطلاعات درست و نادرست است. همین اطاعات نادرست هم در فرهنگ خلل ایجاد می‌کنند و از نظر جسمانی به ما آسیب می‌رساند، فضای رسانه‌ای مصنوعی شده، از حالت دلنشینی گذشته بیرون آمده، روزمره شده، مطالب صحت و سقم درستی ندارد» (شماره ۶). به‌علاوه از این فضاها برای تخریب دیگران استفاده می‌شود. «مطبوعات لُری...، گاهی می‌گیری است گاهی تخریب» (شماره ۱۱). این رسانه‌ها در مواقعی می‌توانند سخنگوی اصحاب قدرت و سازمان‌های زورمدار و زرمدار باشند. «مطبوعات در چند سایت محلی خلاصه می‌شوند، درآمد پایداری ندارند، به خاطر تأمین درآمد مجبورند به سمت جریان‌های سیاسی بروند و برای تأمین هزینه هر روز از یکی حمایت کنند. خبرگزاری‌ها در قالب یک جریان خاص تعریف نمی‌شود و کاملاً سیاسی هستند. این وضعیت باعث می‌شود

مخاطبان آن‌ها با ریزش مواجه شود، این رسانه‌ها روز به روز تأثیرشان کمتر می‌شود. در حوزه‌های چالش برانگیز ورود می‌کنند. بدین معنی که بیشتر دنبال دست و پا کردن مشتری هستند» (شماره ۲). «... هر سایتی منتسب به یک شخص سیاسی است. هر سایتی منتسب به یک جریان سیاسی است. از نقاط ضعف مطبوعات این است که پشتوانه مالی ندارند و مجبورند از سوی یک شخص حمایت شوند هم مالی و هم مکانی... در صورتی که رسانه‌های مکتوب بحث فرهنگ عمومی است، اما متأسفانه این‌ها در خدمت قدرتمندان و جریان‌های سیاسی هستند... محتوای رسانه‌ها بیشتر سیاسی است. البته مشکلات محله‌ای هم مطرح می‌شود ولی بیشتر جهت‌گیری سیاسی است» (شماره ۳). «رسانه‌ها و تبلیغات در خدمت مدیران و مسئولان هستند.» تبلیغات بسیار ضعیف است، بنده مدیر هستم، روابط عمومی چیزی را می‌خواهد که به نفع خودش باشد... تبلیغ خصوصی مدیر یا اداره... خبرنگاران ما متأسفانه کارت هدیه سهم کارمند را به خبرنگار می‌دهند که از او تمجید و تبلیغ کنند، در صورتی که خبرنگار باید عزت نفس داشته باشد که مردم فقط شعار تو خالی نشنوند» (شماره ۵). ویژگی‌ها و تقابل‌های قومیتی می‌تواند به حدت و شدت بازتاب خبرهای رسانه‌ای منجر شود. «به خاطر ویژگی‌های قومی... یک خبر می‌تواند بازتاب زیادی پیدا کند. رقابت‌های سیاسی روی این موضوع خیلی تأثیر دارد و با توجه به کوچک بودن فضای منطقه‌ای یک خبر می‌تواند بازتاب فراگیری داشته باشد» (شماره ۱۰).

صدا و سیما

«اکثر کسانی که به لحاظ فرهنگی اطلاع دارند منتقد صدا و سیما هستند چون معتقدند رسالت یک رساله استانی را برآورده نکرده و به صورت عمیق فرهنگ را به تصویر نکشیده است. صدا و سیما در زمینه فرهنگ‌سازی می‌تواند یک دانشگاه باشد، می‌تواند یک آسیب‌شناسی فرهنگی ایجاد کند، می‌تواند مشکلات فرهنگی استان را رفع کند و سعی کند نشاط را تقویت کند... کسی کمتر به شبکه دنا نگاه می‌کند. روند روتین و تنوع و نوآوری در صدا و سیمای استان وجود ندارد. مسائل سطحی را مطرح می‌کند. همه جریان‌ها و همه مردم با همه نگاه‌ها در صدا و سیما نقشی ندارند» (شماره ۲). بچه‌های فیلم ساز خوبی داریم، فیلم‌هایی که در آمریکا اول شدند، فضای مناسبی نداریم، ما یک استودیو موسیقی نداریم در شهر ما یک انتشاراتی نداریم (شماره ۱۱).

تئاتر

به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان «تئاتر در استان ما رشد خوبی داشته است، منتهی تئاتر

مردم‌پسند، تأثیری که بتواند جایگاه خودش را به عنوان یک رویداد پیوسته پیدا کند، پیدا نکرد. بیشتر به [مثابه] یک عنصر خارجی به تأثیر نگریسته شده، این هم گناه هنرمندان ما بوده است که نتوانسته‌اند متناسب با هنرهای ذوقی مردم تأثیر ذوقی ابداع و اجرا کنند... تأثیر کنونی با مقتضیات فرهنگی استان ما متناسب نیست. تاریخ ما نسبت به تاریخ آلمان و انگلستان متفاوت است، ما دارای یک توسعه‌یافتگی اجتماعی متفاوتی نسبت به سایر ملل هستیم، اگر برتولت برشت در آلمان موفق بوده تولستوی در روسیه، این‌ها براساس یک سری سازگاری‌ها در جامعه خودشان بوده‌اند و آن اثر توانسته با توجه به فرهنگ آن جامعه رونق پیدا کند. این دلیل نمی‌شود اگر اثر در آلمان یا انگلیس موفق شد لزومی ندارد همان اثر در جامعه ما هم موفق شود... مهم‌ترین کار در تأثیر جلوه بصری بین هنرمند و مخاطب است و مهم‌ترین چیزی که این نسبت را فراهم می‌کند آن بستر فرهنگی است و زمانی که بیننده نتواند با هنرمند ارتباط برقرار کند کار بی‌اثر و ابتر است» (شماره ۱۰). به جز عدم توجه به بستر فرهنگی، صنعت تأثیر در استان نهادمند و حرفه‌ای نشده است. «تأثیر نتوانسته به صورت حرفه‌ای و خود درآمدزایی در استان شکل بگیرد زیرا کسانی که دست‌اندرکار هنر تأثیر هستند اطلاع چندانی از ذوق مردم ندارند، آثاری از اندیشمندان دیگر بعضاً خارجی را اجرا می‌کنند که هیچ سنخیتی با ذوق و فرهنگ مردم جامعه ما ندارد. پس مقتضیات فرهنگی مردم باید در نظر گرفته شود» (شماره ۱۰).

«ما ظرفیت تأثیر و سینما داریم اما موجودیت نداریم! ما در هر دو بخش موجودیت نداریم، سینما که اصل نداریم، تأثیر به صورت گل به گل^۱ یا جا به جا داریم. ولی تأثیری که به عنوان تأثیر پیشرو یا شناسنامه تأثیری که معرف ما در سطح کشور باشد نداریم. منظور در برهه‌های زمانی مشخصی تأثیر داشتیم که در سطح کشور هم موفق بودند. این گل‌ها تبدیل به باغ نشدند، نهادینه نشدند، استانی که صاحب تأثیر است شناخته نمی‌شویم» (شماره ۹). آموزش باید مثل باران باشد آبیاری بارانی قطره قطره... ولی طیفون [طوفان] درختان چندساله را هم ریشه‌شان را می‌برد و قطع می‌کند... ما یک هنرستان خوب نداریم» (شماره ۱۱). استان از نظر تأثیر پتانسیل و قابلیت‌های بالایی دارد که کمتر به آن توجه شده است. به قول یکی از مصاحبه‌شوندگان «ما می‌توانیم تأثیر محلی قوی و استانی داشته باشیم. تأثیر آن هزینه‌های گزاف، آن امکانات و تکنولوژی‌های زیاد را لازم ندارد. دوم ما برای موضوعات، ما بسیار بسیار غنی هستیم. فقط کافی است که از لحاظ علمی چهار کارگردان و فیلمنامه‌نویس تربیت کنید، برای بحث تأثیر که حاصل

۱. نقطه به نقطه، محل به محل، مکان به مکان

کار موضوع است دستشان پر است، برای مثال مرحوم حسین پناهی، خیلی از زیبایی‌های اشعارش مال این است که حرف‌هایش اصیل بومی است و این برای خواننده تهران خیلی جذاب است. ما کافی است فقط مسائل و موضوعات بومی‌مان را به فرمت امروز مدرن دربیاریم خیلی جذابیت دارد...» (شماره ۹).

البته در سطح استان نابرابری‌هایی در این حوزه نیز وجود دارد. «وضعیت تئاتر در استان مانند وضعیت در کشور است، وقتی همه استان می‌شود مرکز استان، ما هیچ سالن نمایشی نداریم، خیلی وضعیت خوبی ندارد، اما الگوهای خوبی در [شهر] سوق وجود دارد، مانند حسین پناهی و کارگردانانی مانند مجید پرهیز، الان پیمانکار ساختمانی است، دیگه تئاتر خریداری ندارد، ما یک فیلم‌ساز داریم یک مستندساز داریم چون حمایت نمی‌شوند، رسول صناعی یک شاعر در منطقه بهمئی هیچ کسی شعرهای آن را نمی‌خرد... من اوضاع تئاتر را خیلی خوب نمی‌دانم» (شماره ۸). علاوه بر بی‌توجهی مسئولان، خود محدودیت هنجاری و امنیتی پیش روی زنان و دختران نیز ورود و استفاده آنها از این عرصه را محدود کرده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان خانم می‌گوید: «تئاتر استعداد و انگیزه خیلی داریم ولی متأسفانه چند نفر آدم حاشیه‌دار و مشکل‌دار باعث می‌شود که خانم‌ها یا پسرهای جوان رها کنند. تئاتر حرف برای گفتن زیاد دارد، رضا گشتاسب یکی از تئاتر و نمایشنامه‌نویسان برتر است» (شماره ۵). به علاوه نهادهای آموزشی هم دیگر توجهی به تئاتر و استعدادهای هنری در این حوزه ندارند. «در تئاتر و سینما ضعیف هستیم. ما دهه شصت و پنجاه همیشه در مدرسه باید یک تئاتری می‌داشتیم... تئاترها محتوا می‌آوردند و در بین بچه‌ها توزیع می‌کردند و ما در آن نقش قرار می‌گرفتیم، فرد پویا می‌شود، شما ببینید چند تا تئاتر انجام شده است؟ ما دانش‌آموزان گروه‌های سرود داشتیم، مسابقات عکاسی، ولی الان چی؟... الان هم در آموزش و پرورش و هم در کل ارشاد کم‌رنگ است» (شماره ۶). «قبلاً در ایام ۲۲ بهمن سرود و تئاتر خاصی داشتیم، تئاتر خیابانی داشتیم که کلاً از بین رفتند، در زمینه تئاتر کم‌بازیکن داریم، فرهنگ تئاتر در استان کم است» (شماره ۴).

رضا گشتاسب یکی از برجسته‌ترین و مشهورترین نمایشنامه‌نویسان استانی کهگیلویه و بویراحمد درخصوص تئاتر استانی می‌گوید: «من فکر می‌کنم تئاتر یاسوج یا تئاتر کهگیلویه و بویراحمد تئاتر شناخته شده‌ای باشد. هر جا که برای اجرا می‌رویم با استقبال خوبی مواجه می‌شویم. شاید گاهی این اتفاقات متکی و قائم به فرد باشد، به دو سه نفر. به جریان جدی‌ای تبدیل نشده است و هر از گاهی با تصمیمات اشتباه مدیران روزهای

سخت و تلخی را به خود ببیند؛ اما هم‌چنان و از زیر بار همه سختی‌ها دارد راه خودش می‌رود^۱... «در شهر یاسوج استقبال نیست اما در قسمت مناطق گرمسیری استقبال زیاد است، در آنجا قدمت تعزیه زیاد است... گروه‌های تئاتر بیشتر طنز پردازند. بیشتر مسائل روز جامعه را مورد طنز قرار می‌دهند» (شماره ۲).

سینما

شاید بتوان گفت هنگام گفتگو از امکانات هنری، تکراری‌ترین و کلیشه‌ای‌ترین جمله در گفته‌های مصاحبه‌شوندگان این بود که «استان ما سینما ندارد». البته به جزء نداشتن خود سینما، مصاحبه‌شوندگان به دلایل و شرایط نبود یا تضعیف هنر و صنعت سینما در استان نیز اشاره کرده‌اند که بعضی از گفته‌ها در این‌جا عیناً نقل می‌شود. «استان اصلاً سینما ندارد، کیفیت آن چنانی هم ندارد. تولید فیلم نداریم. هیچ برنامه بومی در شبکه [دنا] نداشتیم» (شماره ۳). «در بحث سینما، یک مقدار زیادیش بحث صنعت، بحث تکنولوژی است در کوتاه‌مدت امیدی نیست که ما صاحب آن شویم... صنعت سینما هم بحث نرم‌افزاری است نیروی انسانی، تحصیل کرده، کارگردان، تهیه‌کننده، فیلم‌نامه‌نویس، سخت‌افزاری دوربین، صنعت جلوه‌های ویژه... در این بخش سرمایه‌گذاری نکنیم. ما دو تا امکان (بالا) را هیچ کدامشان را نداریم» (شماره ۹). بخشی دیگر از نبود یا ضعف هنر سینما و فعالیت‌های سینمایی به فرهنگ و زمینه‌های فرهنگی مردم برمی‌گردد و بخشی دیگر به ورود و استفاده از تکنولوژی‌های نوین که امکان استفاده از فیلم را به صورت شخصی و خانوادگی فراهم کرده‌اند و بخشی دیگر هم به نبود زمینه‌ها و لوازم حرفه‌ای صنعت سینما. «خیلی کم، زن لُر است که بازیگر است یا تئاتر بازی کند، اگر کسی بازیگر شود [می‌گویند] روزی زن یکیه! خانواده‌ها الان دیدشان نسبت به تئاتر زنان خیلی بهتر شده» (شماره ۴). به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان، «به دلایل گوناگونی نتوانستیم وجاهت و پایگاه سینما را در استان تدوین کنیم. اول از باب این که مردم با توجه به این که خانواده‌ها، یک فضای امن برای آنها وجود نداشته است که بخواهند مستقیم از سینما استفاده کنند و نهایتاً خانواده‌ها برای حفظ حریم شخصی کمتر از سینما استفاده کردند. دلیل دوم عدم استقبال مردم و عدم حضور در سینما است... به خاطر رشد ماهواره به خاطر فضاهای اینترنتی و ورود گوشی‌های جدید که امکان استفاده از فضاهای سمعی و بصری را فراهم کرده است. سینماداران هم نتوانستند به صورت حرفه‌ای جایگاه سینما را در استان تبیین کنند. هنر سینما در استان رفته رفته رو به مرگ است. اولین سینماداران

۱. روزنامه ایران، شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۸، شماره ۷۲۷۴. رضا گشتاسب در گفت و گو با ایران: جشنواره برای تئاتر شهرستان اتفاق بزرگی است.

غیر بومی بودند که در زمان حکومت شاه وارد عرصه شدند» (شماره ۱۰). «صنعت سینما نداریم مثلاً یک کنسرت موسیقی در یاسوج نیست که از این کنسرت استقبال شود، من در یک کنسرت شرکت کردم، اکثراً مشارکت کنندگان افراد غیر بومی بودند، اکثراً دانشجویان علوم پزشکی بودند و استقبال از این چیزها نشده است... مشهورترین خواننده کشور را به استان بیاورند و بلیط آن را هم رایگان کنند، خیلی کم کسانی هستند که استقبال کنند. فرهنگ استفاده از کالاهای فرهنگی مانند تئاتر و سینما خیلی کم است.» (شماره ۴). گذشته از عدم تأسیس سینمای جدید، امکان استفاده و بازسازی تنها سینمای استان هم وجود ندارد. براساس گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان: «تابلوی استان، مرکز استان است. ما در استان سینما نداریم، در حال حاضر در سینما دهنداد دهشت کلاس‌های ورزشی برگزار می‌شود. من در مورد سینما چه بگویم؟ در حوزه فرهنگی استان پتانسیل‌های برای بازیگری و کارگردانی و فیلم‌نامه‌نویسی داریم، دانشجویها فیلم‌نامه می‌نوشتند ولی نهایت امکانات نیست...» (شماره ۸).

عکس و هنرهای تجسمی

به نظر می‌رسد هر چه وارد بحث مربوط به هنرهای تخصصی‌تر مانند هنرهای تجسمی می‌شویم، به همان اندازه که در استان این فعالیت‌ها وجود ندارند دامنه شناخت، اطلاعات و گفت‌وگوی افراد پیرامون این هنرها نیز کاهش می‌یابد. هر چند بنا به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان «بخشی از این هنرهای تجسمی از گذشته رونق داشته، مانند خوش‌نویسی و خطاطانی که از گذشته‌های دور در جامعه رواج داشته است. معمولاً خوش‌نویسی به عنوان یک مهارت قابل ستایش بود، میرزاهایی که کاتبان خوانین بودند، این‌ها خط فوق‌العاده بالایی داشتند و هنر خطاطی را ترویج می‌کردند. بعد از آن هنر سفال‌گری پیشینه داشته در استان که خیلی بعد از دوران نوین، به خاطر عدم اقتصادی بودن رشد پیدا نکردند... ما هنرستان هنرهای زیبا را داریم که دانشجو داریم، هنرجو داریم و کانون‌های فرهنگی متنوعی داریم که در این عرصه فعال‌اند» (شماره ۱۰). «کارهایمان محدود است، اما چند مورد صاحب سبک است... باز ما در سطح استان رشته‌ای به صورت طراحی، گرافیک نداریم» (شماره ۱). «عکس خوب است. موبایل باعث افزایش عکاسی شده است. عکاسان حرفه‌ای در استان داریم. تعدادشان زیاد است» (شماره ۲). «ما الان چند عکاس داریم، کتاب عکاسی داریم، هیچ‌کدام از مردم استان نمی‌توانند کتاب [عکاسی] را بخزند چون گران‌قیمت است، بحث عکاسی افراد خوبی داریم، ولی باید حمایت شود» (شماره ۸).

شعر و ادبیات

شاید بتوان گفت شناخته‌شده‌ترین و پربسامدترین حوزه فرهنگی و هنری استان هم از نظر تولید و هم از نظر جذب مخاطبان، حوزه شعر و ادبیات است. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان: «در حوزه شعر واقعا حرف داریم، اما اکثراً به صورت تجربی هستند و آکادمیک نیستند. در بین استان‌های کشور، شعرمان جایگاه ویژه‌ای دارد چون شاعران خوبی داریم، شاید تنها در این جا نیازهای ما برآورده شده است. چون ما در دانشگاه یاسوج رشته ادبیات داریم» (شماره ۱). «ادبیات ما هم جزء همان بسته فرهنگی عمومی ما است که با هم یا پیش می‌روند یا صعود دارند یا سقوط دارند. یعنی ما نباید ادبیات فولکلوریک استان را مجزا و خارج از سایر ویژگی‌های فرهنگی استان ببینیم. ادبیات فولکلور، ریشه آن مشخص است ریشه آن عامیانه است. ویژگی‌های آن، عاری از صنایع و آرایه‌های ادبی پیچیده است، خیلی تصویری است، خیلی ساده و صمیمی است، خیلی درگیر با همان زندگی واقعی و بیرونی است، احساسات درونی پیوند عمیقی با شرایط بیرونی دارد، با فطریات اولیه انسان پیوند ذاتی دارد، ادبیات عمومی واگویه یا آیین تمام نمای زندگی عشیره‌ای و قبیله‌ای است، ادبیات محلی ما چه در جنبه نظم (شعر) چه در زمینه نثر (نثر شفاهی مانند قصه‌ها، مثل‌ها، ضرب‌المثل‌ها)» (شماره ۹).

«ادبیات و حتی گرایش‌های ذوقی شعر و داستان‌نویسی و سایر مؤلفه‌های وابسته به حوزه ادب مخصوصاً از ۳۰ سال قبل، در استان رشد فوق‌العاده خوبی پیدا کرده است. نویسندگان قابل در داستان‌نویسی ظهور پیدا کرده‌اند. الان سالانه به صورت مستمر بین ۱۰ تا ۴۰ عنوان رمان از نویسندگان استان وارد بازار می‌شوند که بعضی از آن‌ها خیلی قوی هستند هم از نظر زبان‌شناسی و هم از نظر آقایان حسین پناهی، آقای کشکولی در سطح ملی فعالیت دارند. تمام مردم ما به نوعی شاعر هستند ولی توانایی سرودن شعر را ندارند، ولی در عمق وجودشان حتماً یک تک بیت یا شعر گفته‌اند. الان فضای مجازی برای بازتاب این مسائل قدرت خیلی جدی دارند. روزها انبوهی از شعرهای گویشی و شعر کلاسیک در استان تولید و بازتولید می‌شود» (شماره ۱۰). از نظر مضمونی «مضامین اشعار مختلف است، گذشتگان بیشتر مسائل جغرافیایی و ویژگی‌های منطقه را مطرح می‌کنند، افراد جدید بیشتر مسائل روز را مطرح می‌کنند و با نگاه نقادانه به مسائل نگاه می‌کنند» (شماره ۲). «در کل مضامین ادبیات رسمی، ادبیات حماسی (شاهنامه)، عرفانی (مولوی)، تعلیمی (گلستان و بوستان) و غنایی هستند. در ادبیات محلی ما بیشتر مضامین عشقی داریم و حماسی و روایت احساسی از زندگی واقعی که در حوزه ادبیات غنایی

قرار دارد. ولی ادبیات عرفانی و تعلیمی نداریم. ادبیات عاشقانه و عالی ما هم خصلتی خاص دارد. اما در حوزه ادبیات عاشقانه مان (زیرمجموعه ادبیات غنایی) خیلی آمیخته با ادبیات حماسی مان است. یعنی در بافت عشیره‌ای قبیله‌ای استان ما حتی شعر عاشقانه که می‌گوئیم باید رنگ و بوی حماسه و رزم داشته باشد، بزم ما با رزم ما آمیخته است. نمونه بارز آن مفهوم «برنو» است. در ادبیات عاشقانه و غنایی ما همیشه قد و قامت معشوق به «میل برنو» تشبیه می‌شود و خود معشوق به «برنو» تشبیه می‌شود، «تیه کال برنو» ارزش برنو در بالاترین مرتبه ارزش‌ها قرار دارد. در حدی که حماسه با عشق آمیخته شده است در ادبیات ما، در ادبیات همه جای دنیا عاشق همه چی را فدای معشوق می‌کند، «من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود سر و جان را نتوان گفتم که مقداری هست» (سعدی). فقط و فقط در ادبیات بومی استان ما گفته می‌شود «هر چی دارم قربونت غیر از تفنگم... ی امشو میهمونتم سحر و جنگم...» این باز برمی‌گردد به ریشه جامعه‌شناختی، تعصبات قبیله‌ای، جنگ‌های عشیره‌ای، تحسین روح شجاعت من‌های روح اخلاق و عرفان» (شماره ۹).

اما [بعضی] از مضامین «شعرهای موسیقی نحیف‌اند مانند» و هوای مچ پای کلفت و هوای او گفت و لطف...» این موسیقی بچه‌ها را شاد می‌کند، [اما وزن و محتوای ادبی سنگینی ندارد]» (شماره ۱۱). در بین اشعار و سروده‌های استانی، شاهنامه‌خوانی برای تمام اقشار و گروه‌های سنی، جنسی و شغلی و به هر دو صورت انفرادی و محفلی جایگاه خاصی دارد. «سبک شاهنامه‌خوانی مدتی خوب بود، اما به دلیل بیماری کم‌رنگ شد، از اساتادان، پزشکان و از آدم‌های قدیمی همه دور هم جمع می‌شدند، به بچه‌ها آموزش می‌دادند، دانش‌آموزان خیلی خوبی برنامه اجرا می‌کردند» (شماره ۶). «شاهنامه‌خوانی انجمن بسیار شلوغی بود و از عام تا خاص شرکت می‌کردند، داخل توی شورای شهر برگزار می‌شد، [بر خلاف] مولوی‌شناسی [که] افراد خاصی شرکت می‌کردند [در شاهنامه‌خوانی] زن و مرد می‌ریختند داخل شورای شهر و استفاده می‌کردند. برای مثال مهد کودک یک گروه برای شاهنامه آماده می‌شدند یا یک پیردر شاهنامه صحبت می‌کرد یا گروه‌های دانش‌آموزی مختلف (شماره ۵).

به جز شاهنامه، شعر یاریار یکی از محبوب‌ترین، شناخته‌ترین و قدیمی‌ترین اشعار و ادبیات رایج منطقه بوده است. «در افسانه‌ها شعر عامل خیلی تأثیرگذاری بوده است، یار یارای خودمان داریم، وقتی گوش می‌کنیم خیلی از شون خوش مان می‌آید، یا در گذشته

افرادی نی می‌نواختند، همه افراد و قوم و فامیل همه دور یک عموی نی‌زنم [عمویی که نی می‌نواخت] جمع می‌شدیم و هنوز بعد از چند سال آن علایق توی ذهنمون، توی عرقمون است» (شماره ۶). در سطح استان انواع جشنواره‌ها و گردهم‌آیی‌ها به صورت خودجوش و مردمی یا سازمان‌یافته و نظارت و هدایت شده از سوی سازمان‌های رسمی در زمینه شعر و ادبیات برگزار می‌شود. البته محدودیت‌هایی در زمینه برخورد با اشعار انتقادی وجود دارد. «شب شعر که برگزار می‌شود بعد از جلسه اول، در جلسه دوم مجوز صادر نمی‌شود... شعر ماهیت انتقادی دارد» (شماره ۳). «وضعیت شعر از لحاظ استعداد خیلی خوب داریم، در مسابقات و جشنواره‌های مختلف ما حرف برای گفتن داریم، شعر سپید، شعر آیینی، شعر دفاع مقدس، داخل شب شعر هم برگزار می‌شد که فرهنگ و ارشاد و شهرداری هم پی‌گیری می‌کردند» (شماره ۵).

هم‌زمان با تحولات فرهنگی در شعر و ادبیات هم در معیارهای متفاوت مانند مضامین، سبک شاعری، ذائقه مخاطبان و... تغییراتی رخ داده است. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان: «همراه با تحولاتی که جامعه فرهنگی سنتی ما به سمت مدرنیته داشته است ادبیات محلی ما هم یک سری تغییراتی داشته است. اولین تغییر این است که یک کمی از سادگی و صمیمیت‌اش فاصله گرفته است به سمت لفاظی و آرایه‌های ادبی حرکت کرده است. یعنی این که در یک قضاوت نهادی شعر و ادبیات محلی امروز قوی‌تر از شعر و ادبیات محلی سنتی است؛ ولی از لحاظ صمیمیت و واقع‌نمایی ضعیف‌تر از ادبیات سنتی است. چرا؟ چون شعر و ادبیات امروز اگر چه در آرایه‌های ادبی قوی‌تر است اما از موضوعاتی صحبت می‌کند که در واقعیت جامعه امروز وجود ندارد، ولی این از صمیمیت کلام کم می‌کند و از باورپذیری آن برای مثال یک شاعر امروزی در مورد تم‌دار^۱ یا مشک^۲، گاوخیش^۳ صحبت می‌کند یا شعری می‌گوید که موضوع آن گاو خیش است... برای شعر سنتی این گاوخیش هم در شعر وجود داشته است هم در جامعه واقعی. بنابراین مخاطب از این صداقت و واقع‌نمایی لذت می‌برده است ولی مخاطب شعر امروز گاوخیش را فقط در شعر می‌بیند اما در جامعه واقعی وجود ندارد و این باعث می‌شود باورپذیری و صمیمیت‌اش و ارتباطش با شعر خدشه‌دار شود. نکته دوم این که به مرور زمان، که ما داریم زبان یا گویش لری را ازدست می‌دهیم به طور طبیعی

۱. به فرایند و خود عمل تهیه مقدمات و بافتن سیاه چادر و لوازم آن که معمولاً با همکاری دو سه زن و طی یک یا چند هفته طول میکشد، تم‌دار می‌گویند تم‌دار.

۲. در جوامع سنتی وسیله‌ای چرمی بود که آب در آن حمل می‌شد از چشمه تا خانه و از پوست بز یا میش ساخته میشد و یکی از لوازم اصلی زندگی عشایری و روستایی بود و معمولاً سر و کار زنان و دختران با این وسیله بیشتر بود.

۳. ابزاری چوبی یا فلزی بود که با دقت و وسواس زیادی توسط نجاران و صنعت‌گران حرفه‌ای روستا ساخته میشد و برای شخم زدن زمین توسط گاو یا الاغ از آن استفاده می‌شد.

با ادبیات لُری هم فاصله می‌گیریم، چون زبان محل ادبیات است و پایه ادبیات است و زبان که از بین برود یا کمیاب شود ادبیات به همان نسبت هم کم رنگ و ضعیف می‌شود» (شماره ۹). درخصوص تغییر ذائقه مخاطبان نیز یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «شعر ... در سن ۲۵ سالگی، در حدود ۲۰ سال پیش این شعر را سر کلاس می‌خواندم، خیلی از مخاطبان ارتباط برقرار می‌کردند، موضوعات مطرح در شعر را می‌فهمیدند، ولی با عمیق‌تر شدن گسست فرهنگی، همان شعر را الان سر کلاس می‌خونم، نسل جدید خیلی از حتی واژه‌های ساده‌اش را نمی‌فهمند، خب در نتیجه اثری که این شعر در ۲۰ سال پیش داشته است امروز کمتر می‌شود، این یعنی مرگ ادبیات» (شماره ۹). به نظر مصاحبه‌شوندگان، خوانندگان محلی نقشی کلیدی در تداوم و انتقال ادبیات و زبان و گویش محلی دارند. «هنوز هم اعتقاد داریم تنها قشری که شعر محلی را حفظ می‌کنند همین خواننده‌های سطح محلی عروسی‌ها و جشن‌ها هستند. همین مطرب‌های محلی. در واقع همین‌ها هستند که با خواندن همین اشعار زبان محلی، ادبیات محلی را حفظ می‌کنند» (شماره ۹).

انیمیشن

به همان اندازه که همه مصاحبه‌شوندگان با ادبیات آشنایی حرفه‌ای یا محدود نسبی دارند و در مورد ماهیت، نقش و آثار آن صحبت می‌کنند؛ هیچ یک از مصاحبه‌شوندگان در مورد انیمیشن نقش، اثرات و پیامدهای آن در استان هیچ‌گونه دانش حرفه‌ای یا غیرحرفه‌ای و عامی ندارند. «در انیمیشن ما کار محدود داریم... لری گرام تأثیر خیلی خوبی دارد و اداراتی مانند برق و آب از آن استفاده می‌کنند. میزان استقبال از این‌ها زیاد است چون به صورت عریان و شفاف مباحث را مطرح می‌کند» (شماره ۲). مخصوصاً در روزگار سلطه کرونا فوق‌العاده رشد پیدا کرد، یعنی ایجاد فاصله اجتماعی و انفکاک اجتماعی بین مردم که منجر به عدم حضور فیزیکی شد، چنین فضایی باعث گرایش هنرمندان به ساختن انیمیشن شد و سایر کارهایی که در گذشته روی صحنه انجام می‌گرفت الان در فضای انیمیشن انجام می‌گیرد» (شماره ۱۰).

موسیقی

در کل موسیقی در زندگی مردم استان جایگاه خاص خود را دارد و در شادی‌ها، سوگواری‌ها، در بعضی محافل شب‌نشینی، هنگام فعالیت‌های اقتصادی مختلف جزئی مانند دوشیدن گاو توسط مادران و زنان، نی نواختن چوپانان جوان در دامنه کوه‌ها و دشت‌های سرسبز و خرم... مورد استفاده قرار می‌گیرد. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان «تقریباً رابط بین المللی فرهنگ‌ها موسیقی است که در واقع ترجمه زبان فرهنگی است. موسیقی ما

چون منشعب از یک در واقع زندگی کاملاً طبیعی، طبیعت‌گرا و بکر است، در واقع با روح خیلی طبیعی و طبیعت‌گرای افراد مختلف ارتباط برقرار می‌کند حتی افراد غیربومی. یعنی افراد غیربومی هم موسیقی ما را خیلی دوست دارند، چون درش یک معصومیت یک فطری بودن است... همین موسیقی که الان در قالب یک موسیقی غیررسمی شکل پیدا کرده و جذابیت هم دارد، حتی برای غیر بومی‌ها، من دیدم که [غیربومی‌ها] موسیقی محلی عروسی‌ها را گوش می‌کنند و لذت می‌برند و معنی اشعار آن را هم نمی‌فهمند، این خودش یک امتیاز است که ما مواد اولیه این ارتباط فرهنگی را داریم، ولی باید آن را کانالیزه کنیم، باید آن را هدایت کنیم، با همین حال و هوا با این همه طبیعی بودن و فطری بودن، ولی یک موسیقی علمی‌تر، فاخرتر، مجهزتر، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، اشعار نافذتر، طبیعی‌تر، موسیقی قابل ارائه به دنیا [نیاز داریم]...» (شماره ۹). «بچیل^۱ بختیاری، خوزستان، بوشهر اینا کشته مرده ادبیات ما هستند، حتی به زبان لری...» ما آواکارها، بزم‌آواها، رزم‌آواها سوگ‌آواها داریم. بزم که همان دَی بَلال و شادمانی‌هاست، رزم‌آواها حماسی‌اند، سوگ‌آواها همین کتل و شیون است. رزم‌آواها و بزم‌آواها بیشتر است ولی از زمان شهیدان، سوگ‌آواها برجسته‌تر شدند. ولی شادمانه‌ها همان بزم‌آواها از همه سر هستن» (شماره ۱۱).

هرچند «تقریباً از ۲۰ سال پیش تا الان مؤسسات موسیقی در استان تأسیس شده‌اند، که از طرف اداره فرهنگ و ارشاد حمایت شده‌اند، رونق زیادی هم پیدا کرده‌اند، آموزش موسیقی سنتی، آموزش موسیقی محلی...» (شماره ۱۰)؛ اما «هنر به‌ویژه موسیقی در جامعه ما مظلوم است. در دانشگاه آموزش موسیقی نمی‌توانیم انجام دهیم، اجازه نمی‌دهند، به خاطر محدودیت‌هایی که وجود دارد... متأسفانه فقط در مراسمات مذهبی از موسیقی‌های دینی استفاده می‌کنند، ما نمی‌توانیم از موسیقی سنتی و اصیل استفاده کنیم، این اصالت موسیقی را کسانی در اختیار گرفته‌اند که تحصیلات‌شان پایین است و دیگران به ما طعنه می‌زنند که «بچه‌ات می‌خواهی مهتر^۲ کنی! آخه پدرت نوازنده است، مادرت نوازنده است!» (شماره ۳). یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «جو آموزشگاه‌های موسیقی خوب نیستند، جو خوب نیست. روابط دختر و پسر آزاد و صمیمانه است، در کنار هم نشسته‌اند، ۳ تا آموزشگاه موسیقی وجود دارد... کانون‌های موسیقی دانشگاه همه

۱. بچه‌های

۲. مهتر در زبان و بافت فرهنگ لری، بر خلاف معنای تحت‌اللفظی آن که به معنی سرور است، بار معنایی منفی دارد و نوعی داغ، انگ و برچسب منفی می‌شود که برای افراد نوازنده از آن استفاده می‌کنند و حاوی نوعی مضمون طرد‌کنندگی در نشست و برخاست‌های عمومی، ازدواج، رفت و آمد و در کل کهنتری فرهنگی و جایگاهی است.

فارس زبان و غیربومی هستند. بیشتر اعضای فعالیت فرهنگی غیربومی هستند گاهاً والدین برای ممانعت از فعالیت‌های فرهنگی دخترانشان به این جا مراجعه می‌کنند» (شماره ۳). در سطح استان ابزارهای موسیقایی جدید مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ شعرهای موسیقایی با اشتها جهانی وجود دارند؛ نشست‌های محفلی برگزار می‌شوند که تا حدی از فضاهای رسانه‌ای جدید مانند واتساپ و اینستاگرام برای نشر موسیقی خود استفاده می‌کنند؛ و موسیقی‌های غیررسمی و قدیمی در کنار موسیقی‌های جدید و رسمی‌تر به حیات خود ادامه می‌دهند و به‌ویژه در هنگامه شادی و جشن‌های شادمانه و عروسی‌ها، فضای شاد و مفرح‌تری را برای افراد فراهم می‌کنند. موسیقی‌هایی که فعالان آن گروهی خاص و شناخته شده هستند و فعالیت در این عرصه به صورت موروثی از یک نسل به نسل دیگر انتقال می‌یابد. در این جا بعضی از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان ذکر می‌شود. «استفاده از دستگاه‌های موسیقی غربی از همان زمان شاه مانند ویلون، ارگ به استان وارد شدند و خیلی مورد استقبال قرار گرفتند و پاسخ دادند و با موسیقی بومی تطابق پیدا کردند. به‌ویژه، ویلن توانست پاسخ‌گو باشد، نسبت به نیازهای بومی، هنرمندان نوعی سازگاری بین سازهای غربی و سازهای محلی ایجاد کردند» (شماره ۱۰). در «موسیقی [استان] حرکات خوبی انجام گرفته است. شاعرهای ناشناخته‌ای مانند رضوانی، کریمی آمدند ولی ما خیلی فاصله داریم تا به سطح موسیقی جهانی مانند لرستان دسترسی پیدا کنیم.» (شماره ۱). هر چند «بعضی از آواها و نواهای ما جهانی شده‌اند. آواهایی مانند بیو طیب، ایل احساس، نومه طیب، سوز، این‌ها اشتها ملی و حتی جهانی دارند» (شماره ۱۱).

«یکی از عوامل رشد موسیقی، نشست‌های محفلی است. هنرمندان ما که عرصه‌ای برای رشد خود پیدا نمی‌کنند به صورت کلیپ، به صورت بدیهه‌خوانی تولید می‌کنند و روز به روز گسترش عام پیدا می‌کنند. موسیقی‌های متعددی داریم که بستر رشد خود آنان جامعه بوده‌اند» (شماره ۱۰).

شاید بتوان گفت هر دوی نهادهای رسمی و فرهنگ عمومی جامعه استانی، مگر در هنگامه‌های خاص مانند عروسی یا سوگواری (مردم عادی) یا با مضامین خاص مانند موسیقی‌های از نظر سیاسی مشروع (نهادهای رسمی)، نگاه مثبت و سازنده‌ای به موسیقی و فعالیت موسیقایی ندارند. به گفته مصاحبه‌شوندگان «کارهای اداره ارشاد استان مقطعی است، موسیقی خیلی نسبت به پتانسیلی که دارد خیلی پیشرفتی نداشته است. چون یک نگرش منفی نسبت به موسیقی وجود دارد... موسیقی پتانسیل‌های بالایی برای آگاهی

بخشی دارد» (شماره ۸). از طرفی در فرهنگ عمومی نیز «خیلی می‌گویند تو کدخدازاده‌ای، اسم داری، رسم داری، پس تو شعر می‌خوانی، موسیقی می‌خوانی!... [در صورتی که] موسیقی مال آدم ثروتمند، مال آدم کدخداست و متمول ولی ما باید تلاش کنیم که بچه‌های غیرمتمول هم یک شادمانه داشته باشند... ۱۷۰ سرود برای جنگ و آموزش و پرورش کار کردم» (شماره ۱۱). در چنین فضایی آنچه باعث تداوم موسیقی لری شده، همین موسیقی غیررسمی و فضاهای شادمانه‌ای است که توسط آن ایجاد می‌شود. زیرا موسیقی غیررسمی «... شاید یک موسیقی قوی و استخوان‌دار برای ارائه به سایر جاها نباشد، مخصوص به یک فضای شاد و شنگولکی عروسی است، همین خوانندگان و نوازندگان عروسی، حق بزرگی به گردن‌گویش‌وران لری دارند، چون همه این‌ها هستند که خوشایند مردم‌اند و گویش لری را حفظ و تداوم می‌بخشند، چون بچه‌های نسل جدید تنها کانال ارتباطی‌شان با گویش لری همین آهنگ‌های لری، خیلی مبتذل (سطح پایین) لری است، پیش پا افتاده است... الان ما لُر زبان‌ها با بچه‌هایمان فارسی حرف می‌زنیم، یک بچه شش هفت ساله‌مان که موسیقی را می‌خواند لری می‌خواند. این بچه ما که فارسی حرف می‌زند، بلد است در صندوق زبانی‌اش چند واژه لری هم حرف بزند، این را بچه‌ها از همان فضای غیررسمی یاد گرفتند «گل ی شری من پوزته»^۱ (شماره ۹).

جمع‌بندی

برای پی بردن به ویژگی‌های فرهنگی-هنری کلی مردم استان و فهم وضعیت استان در شاخص‌های فرهنگی خاص مانند کتاب، ادبیات، و... با ۱۳ نفر از افرادی با تخصص‌های گوناگون، جنسیت‌های متفاوت و جایگاه‌های شغلی گوناگون مصاحبه نیمه‌ساختار یافته صورت گرفت. مضامین و محتوای مصاحبه‌ها به صورت مبسوط در این بخش ارائه شد. اما به صورت مختصر می‌توان گفت از نظر مصاحبه‌شوندگان مهم‌ترین پتانسیل‌های فرهنگی-هنری استان در حوزه‌های ادبیات، موسیقی و تئاتر قرار دارند. حوزه‌هایی که به نظر می‌رسد با روح و ویژگی‌های زندگی سنتی و نایک‌جانشینی بیش‌ترین سازگاری را دارند، فراگیری، آموزش و انتشار آن‌ها مستلزم ابزارها و ملزومات سخت افزاری خاصی نیست و به راحتی می‌توانند حامل پیام و مقصود طرفین ارتباط و هنر باشد. در ادبیات مضمون حماسی و شادمانه برجستگی خاصی دارد (به‌ویژه شاهنامه‌خوانی)، موسیقی زمینه انتقال سرمایه‌های فرهنگی و تسهیل ارتباطات بین نسلی و برقراری پیوند همه‌جانبه با

۱. هر چند مضمون اصلی شعر ترجمه‌پذیر نیست؛ اما به صورت معادلی می‌توان گفت، کل یک سرارتی در سر داری که آن رامیتوان از ظاهر و رنگ و رویت درک کرد و فهمید!

طبیعت زیست جغرافیایی می‌شود. تئاتر نیز نیاز به ابزار و ادوات خاصی ندارد، متأثر از وفور حوادث تلخ و شیرین مندرج در خاطرات تاریخی این سرزمین می‌تواند واسطه انتقال پیام به مردم عادی شود و به سهولت انتقال پیام‌های سیاسی، تاریخی، مذهبی کمک می‌کند. در نقطه مقابل هنرهای سه‌گانه بالا، هم امکانات و زیرساخت‌ها، هم دانش و اطلاعات فنی مصاحبه‌شوندگان و هم داشته‌های فرهنگی استان در صنایع هنری‌ای مانند سینما، هنرهای تجسمی، انیمیشن ضعیف و ناکارآمد است و از این هنرها کمتر در فضای فرهنگی استان استفاده می‌شود یا این که مردم به دلایل گوناگونی تمایل اندکی به تحقق آن‌ها در فضای عمومی دارند.

به نظر می‌رسد سه مضمون اصلی در تمام محورهای هنری، خصوصیات فرهنگی و پیشنهادها و انتقادهای طرح شده به صورت ضمنی یا آشکار انعکاس دارد. اول سابقه تاریخی و وضعیت زیست-اجتماعی ایلی عشیره‌ای و خصوصیات روان‌شناختی-اجتماعی ملازم آن در تمام حوزه‌ها نمود داشته و دارای هر دو نوع پیامدهای مثبت-منفی است. خصیصه دوم به همین ترکیب مثبت-منفی برمی‌گردد. برای مثال زندگی ایلی و انسجام و همبستگی آن هم‌زمان با این که زمینه «شفافیت و نظارت ایلی» را فراهم می‌کند که به امنیت و شناخت کافی همدیگر می‌انجامد؛ به خویشاوندگرایی، قانون‌گریزی، توسعه‌نیافتگی، عدم شایسته‌سالاری و... دامن می‌زند. چنین وضعیتی به نوعی تناقض انجامیده که در گفته‌های مصاحبه‌شوندگان نمود و حضور همه جانبه و پررنگی دارد. به تعبیری می‌توان گفت نه‌رهایی از آموزه‌ها، خلیات و کردارهای سنتی مطلوب و امکان‌پذیر است؛ نه چشم‌پوشی و صرف نظر کردن از آموزه‌ها، آرزوها، اندیشه‌ها، کردارها و دستاوردهای مادی و معنوی مدرن و غیرسنتی را مطلوب می‌دانند. به تعبیر یکی از مصاحبه‌شوندگان: «پای در سنت و سر در مدرن دارند». سوم و مهم‌تر این که مشارکت‌کنندگان در تحقیق از نوع عملکرد دستگاه‌های فرهنگی عمده، توزیع ناعادلانه منابع، توجه بیش از حد به بعضی فعالیت‌های فرهنگی و نادیده گرفتن فعالیت‌های فرهنگی سازگارتر با وضعیت استان، عدم شایسته‌سالاری و بی‌ضابطگی در انتخاب مسئولان و مدیران فرهنگی استان ناراضی هستند.

بخش پنجم:

نتیجه گیری و پیشنهادها

مقدمه

در این بخش به صورت مختصر یافته‌های مهم تحقیق در بخش‌های مختلف پژوهش ارائه و سپس پیشنهادهای ارائه شده توسط مشارکت کنندگان، هم‌چنین پیشنهادهای محقق متناسب با یافته‌های تحلیل ارائه می‌شوند. مطالب این بخش را می‌توان در بخش‌های جداگانه زیر ارائه داد:

وضعیت فرهنگی و هنری استان بر اساس خصوصیات جغرافیای-جمعیت شناختی

استان کهگیلویه و بویراحمد ویژگی‌های جغرافیایی-جمعیت شناختی خاص خود را دارد که در امر تحلیل و سیاست‌گذاری فرهنگی نیازمند اهتمام و ملاحظه جدی است. این استان براساس جدیدترین تقسیمات سیاسی-اداری کشوری مرکب از ۸ شهرستان بویراحمد، کهگیلویه، دنا، بهمئی، گچساران، باشت، چرام و لنده می‌باشد که تحلیل وضعیت فرهنگی این استان علاوه بر وضعیت کلی و عمومی آن به عنوان استانی توسعه نیافته، مستلزم توجه به مناطق چندگانه‌ای است که هر منطقه ویژگی‌ها و پتانسیل‌های خاص خود را دارد. به عبارتی هر چند استان از نظر ویژگی‌های زبانی، دینی، پوششی و هویتی (لرها) از نوعی همگونی منحصر به فرد در ایران برخوردار است؛ اما در درون همین همگونی،

ناهمگونی‌های فرهنگی ناشی از محل سکونت، خاستگاه طایفه‌ای و ایلی، تجارب زیسته تاریخی و تا حد کمتری زبانی (ترک-لر) وجود دارند که در بیشتر مواقع این همگونی را تحت‌الشعاع قرار داده و در برخی موارد به دسته‌بندی‌های سیاسی-اجتماعی متعدد و چند سطحی و چندلایه‌ای «ما» در برابر «آنها»، تخصّصات و تنازعات اجتماعی-سیاسی دامن‌داری می‌انجامد که شاید نادیده گرفتن، حذف یا حتی ویرانی یک طایفه، منطقه و یا روستا از پیامدهای گریزناپذیر این نوع تخصّصات و تنازعات باشد.

از نظر جغرافیایی تنوع محیطی و داشته‌های متفاوت مناطق استان می‌تواند جزء مزایای مهم و بی‌نظیر استان تلقی شود. زیرا وفور و کثرت منابع جنگلی، تنوع گونه‌های جانوری، شیوه‌های زیست و آداب و رسوم فولکلوریک غنی، منابع غنی نفت و دیگر کانی‌های گران‌سنگ، آثار و بقایای تاریخی متعدد و متکثر، گونه‌های زیست اجتماعی سه‌گانه و همزمان عشایری-دامپروری، روستایی-کشاورزی و شهرنشینی-صنعتی-خدماتی می‌تواند زمینه مناسبی برای سرمایه‌گذاری و بوم‌شناختی و اکوتوریسم فرهنگی فراهم آورد. از طرف دیگر، همین ویژگی‌های جغرافیایی و زیستگاه‌های جغرافیایی صعب‌العبور باعث تنش و کشمکش دائمی مردم این خطه با طبیعت، دیگر واحدهای اجتماعی هم‌جوار شده که مستقیم یا غیرمستقیم بر خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی مردم این مرز و بوم تأثیری ماندگار و فراگیر داشته است. تأثیری که دارای هر دو نوع آثار و پیامدهای مثبت و منفی است. از آثار مثبت چنین وضعیتی تسخیرناپذیری این منطقه توسط نیروهای بیگانه، انسجام فرهنگی بی‌مانند به‌ویژه در بعد مذهبی و زبانی، تداوم رسوم و کردارهای اصیل و سنتی، هم‌دلی، احساس یگانگی و حمایت متقابل است که جزء باورهای ذاتی و کردارهای روتین مردم این سرزمین تلقی می‌شوند. اما از طرفی دیگر همین ویژگی‌های جغرافیایی، کمبود منابع و رقابت‌های قومی-قبیله‌ای زمینه دوردستی مناطق از یکدیگر، شکل‌گیری تصورات قالبی منفی دو و چندجانبه، عدم تعاملات فرهنگی همه‌جانبه، پیشداوری فرهنگی، وجود شکاف‌های فعال و به سهولت تهییج‌پذیر قومی-قبیله‌ای، چرخه‌های تکرارپذیر خصومت و خشونت طلبی جمعی، خویشاوندگرایی افراطی و قانون‌گریزی شده که به تعبیر همه مصاحبه‌شوندگان جزء مهم‌ترین موانع توسعه فرهنگی استان و شیوع و هنجارمندی ضمنی خویشاوندسالاری و قوم‌خویش‌گرایی در ابعاد و حوزه‌های مختلف شده است.

در مجموع بعد از انقلاب، وضعیت فرهنگی استان در شاخص‌های آموزشی فرهنگی مانند سطح سواد، افزایش تعداد نویسندگان و مشاهیر فرهنگی در حوزه‌های مختلف در

سطوح استانی و ملی، افزایش تعداد دانشگاه‌ها و افزایش اعضای هیئت علمی جهش چشم‌گیری داشته است هر چند هنوز هم در خیلی از شاخص‌های توسعه فرهنگی-هنری، وضعیت استان در مقایسه با دیگر استان‌های هم‌جوار و کشور وضعیت مناسبی نیست. در درون استان نیز امکانات فرهنگی و هنری مختلف مانند کتاب‌خانه عمومی، پوشش تلویزیون استانی، نشر و انتشارات، دسترسی به اقلام فرهنگی و... به صورت ناعادلانه‌ای توزیع شده است. تا جایی که به تعبیر یکی از مصاحبه‌شوندگان کل استان، با «یاسوج» معادل پنداشته می‌شود. تا جایی که می‌توان گفت در بیشتر شهرستان‌های استان کمترین امکانات فرهنگی و هنری وجود دارد. به علاوه، در کل، بین مناطق روستایی و شهری استان نیز تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای از نظر امکانات فرهنگی و هنری و حتی خصوصیات فرهنگی رایج وجود دارد که کوهستانی و صعب‌العبور بودن مناطق روستایی به تشدید این نابرابری‌ها دامن زده است. برای مثال از نظر مدارا و تساهل فرهنگی جنسیتی و سیاسی می‌توان گفت وضعیت شهرهای گچساران، یاسوج و دهدشت به مراتب مناسب‌تر از وضعیت روستاهای دور افتاده‌تر است. برای مثال نرخ بالای خودکشی زنان و دختران در شهر و منطقه دیشموک می‌تواند تا حد زیادی بیان‌گر نابرابری بی‌عدالتی جنسیتی شدید در آن منطقه باشد.

وضعیت فرهنگی و هنری استان در آیینۀ آمار و اطلاعات

این بخش از تحقیق به گزارش وضعیت فرهنگی و هنری استان براساس آمار و اطلاعات دریافتی از ادارات و سازمان‌های فرهنگی استان به‌ویژه اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان پرداخته است. از نظر اداری، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، شامل ۵ اداره، اداره‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان‌های بویراحمد، دنا، کهگیلویه، بهمئی، و گچساران هستند. سرانه مراکز فرهنگی و هنری وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ادارات کل استانی با احتساب مراکز فرهنگی و هنری در حال بهره‌برداری و کل جمعیت شهری استان برابر با ۶۳ درصد برای هر نفر است. دو تا از شهرستان‌های استان (چرام و باشت) فاقد مجتمع فرهنگی و هنری هستند. مجموع نیروی انسانی شاغل در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ۱۰۰ نفر است که ۸۲ درصد از آن‌ها مرد و ۱۸ درصد آن‌ها زن هستند.

با در نظر گرفتن وضعیت و روند افزایش یا کاهش تعداد شاخص‌های متعدد فرهنگی و هنری استان، در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷، می‌توان سه الگوی متفاوت را در این روند مشاهده کرد: الگوی افزایشی؛ الگوی نوسانی با جهت‌گیری کاهشی؛ الگوی کاهشی.

نام‌گذاری این الگوها صرفاً براساس فراوانی این شاخص‌ها در طول این دوره ۷ ساله بوده است؛ اما اظهار نظر دقیق‌تر درخصوص وضعیت آن‌ها مستلزم در نظر گرفتن شاخص‌های دیگری مانند توزیع جغرافیایی این امکانات، رشد جمعیت استان طی این سال‌ها، جمعیت استفاده‌کننده از این امکانات و... است که در این جا امکان پرداختن به آن‌ها نیست. به‌علاوه نام‌گذاری این الگوهای سه‌گانه و تفکیک شاخص‌های متعدد به عنوان مصداقی از یکی از این الگوهای سه‌گانه افزایشی، نوسانی یا کاهشی، تنها براساس داده‌ها و اطلاعات اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و براساس مقایسه وضعیت شاخص مورد نظر در سال ۱۳۹۷ با وضعیت آن در سال ۱۳۹۱ به عنوان سال مبنا صورت گرفته است. بنابراین نمی‌توان گفت این الگو مطلق بوده یا این که می‌تواند بیان‌گر وضعیت کلی استان براساس داده‌های فرهنگی و هنری مربوط به سازمان‌های متفاوت مرتبط و غیرمرتبط استان با امور فرهنگی و هنری باشد. در این جا مصادیق متعدد هر یک از این الگوهای سه‌گانه ذکر می‌شود.

در کل می‌توان گفت تعداد مؤلفان استان، تعداد مراجعان کتابخانه‌های عمومی استان، تعداد کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی استان، تعداد نشریات استان، تعداد فیلم‌های اکران شده، تعداد کانون‌های تبلیغاتی، تماشاگران نمایش‌های اجرا شده در استان، در سال‌های مورد نظر، سیری افزایشی داشته‌اند.

شاخص‌های تعداد کتابخانه‌های عمومی استان، نسبت تعداد کتاب به اعضای کتابخانه‌ها، چاپخانه‌های استان، شمارگان نشریات استان (نشریات غیربرخط)، ظرفیت سینمای استان، تعداد تماشاگران فیلم در سالن‌های سینما هر چند نوسان افزایشی و کاهشی داشته‌اند، اما در سال ۱۳۹۷ همگی در مقایسه با سال‌های قبل به‌ویژه سال ۱۳۹۱ کاهش یافته‌اند.

دسته سوم شاخص‌ها، شاخص‌هایی‌اند که روند آن‌ها تا سال ۱۳۹۷ کاهشی بوده است. این شاخص‌ها شامل تعداد اعضای کتابخانه‌های عمومی، تعداد خبرگزاری‌های استان، تعداد دکه‌های مطبوعاتی، تعداد عناوین نمایش‌های تولید و اجرا شده، اجراهای صحنه‌ای موسیقی دارای مجوز و نگارخانه‌های فعال در استان بوده‌اند.

با توجه به الگوهای سه‌گانه بالا نمی‌توان گفت همه شاخص‌های فرهنگی و هنری استان در بازه زمانی ۷ ساله از نظر رشد وضعیت مشابه و همانندی داشته‌اند. علل و دلایل این نوسانات در شاخص‌های گوناگون می‌تواند به صورت جداگانه مطالعه و بررسی شود. اما حداقل شناخت این الگوهای متمایز رشد جهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری

فرهنگی و هنری در استان ضروری و لازم است. نکته مهم‌تر این که توزیع جغرافیایی این اقلام فرهنگی در سطح استان نیز نابرابرانه بوده تا جایی که اکثر امکانات و تجهیزات فرهنگی استان در مرکز استان واقع شده‌اند و بعضی از شهرستان‌ها از کمترین امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی و هنری برخوردار نیستند. برای مثال از مجموع ۱۱ مورد انتشاراتی فعال استان، ۹ مورد در شهرستان بویراحمد و ۱ مورد در شهرستان دنا قرار دارند و بقیه شهرستان‌های استان از جمله شهرستان‌های مهمی مانند کهگیلویه و گچساران فاقد انتشارات هستند.

نکته دیگر این که پربسامدترین فعالیت هنری سازمان‌ها در استان فعالیت قرآنی بوده است؛ فعالیت‌های اجرای تئاتر و شاهنامه‌خوانی در مراتب بعدی قرار داشته‌اند. فعالیت قرآنی مورد حمایت نهادهای رسمی است؛ فعالیت‌های تئاتر نیز نیازمند تجهیزات فنی و زیرساختی خاصی نیست و افراد به راحتی می‌توانند از این طریق پیام‌های مورد نظر خود را به مخاطبان منتقل کنند؛ اما شاهنامه و شاهنامه‌خوانی با گذشته هویت و روح جنگاوری و سلحشوری و در مواقعی سوگواری این مردم ممزوج و پیوند عمیقی یافته و در اکثر هنگامه‌ها در شب‌نشینی‌های دسته جمعی، به‌ویژه در زمان گذشته، نقل و مایه گرمی و شور و حرارت محافل بود. امروزه نیز در اکثر شهرستان‌های استان محافل شاهنامه‌خوانی و شاهنامه شنفتری رایج بوده و از هر دو جنس تمام سنین همه گروه‌های شغلی، و دارندگان مدارک تحصیلی متفاوت در این محافل شرکت دارند و از حامیان و مشارکت‌کنندگان پر و پا قرص این هنر محسوب می‌شوند. شایان ذکر است این اظهارات یادشده اخیر صرفاً براساس گفته‌های مصاحبه‌شوندگان و تا حدی شناخت تجربی و استنباط تحلیلی خود محقق عنوان شده‌اند.

وضعیت فرهنگی و هنری استان از دیدگاه مشارکت‌کنندگان

در این بخش مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی و هنری استان براساس نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق به صورت خیلی مختصر ارائه می‌شود. وضعیت گذشته زندگی ایلی و وقوع انقلاب اسلامی ایران وضعیت سایر شهرهای استان‌های هم‌جوار، و مفاهیم و اصول انتزاعی مدرنیته مانند برابری و قانون‌گرایی و شاخص‌های مشهود توسعه‌یافتگی مانند پایبندی به قواعد رانندگی مهم‌ترین مبنا و نقاط مرجع مصاحبه‌شوندگان برای ارزیابی و داوری خصوصیات فرهنگی و اجتماعی کنونی استان بودند. در مجموع می‌توان گفت آن‌ها وضعیت اخلاقی-اجتماعی کنونی مردم استان خود را در قیاس با روحیات گذشته ایلی خود مانند صداقت، هم‌دلی، صمیمیت و... مذموم و رو به تنزل ارزیابی می‌کردند. رشد

شاخص‌های کمی و زیرساختاری فرهنگی مناطق مختلف استان را در مقایسه با وضعیت خود استان در قبل از انقلاب، مثبت و دارای جهشی قابل ملاحظه توصیف می‌کردند. با این وجود، وضعیت توسعه‌یافتگی استان را در مقایسه با سایر استان‌های کشور و یا بر مبنای مفاهیم مدرنیته و اصول توسعه یافتگی کاملاً نامناسب و غیر رضایت‌بخش می‌دانستند.

در مجموع مشارکت‌کنندگان مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی برجسته مردم استان را اهمیت و حتی قداست جنگجویان ایلی، دسته بندی‌های ایلی-طایفه‌ای، عشق و علاقه به شاهنامه‌خوانی، نابرابری و تبعیض جنسیتی فراگیر دانسته‌اند. آن‌ها مردم استان را دارای خصوصیات اجتماعی-روانشناختی مثبت مانند هم‌گرایی شدید، میهمان‌نوازی، نوع دوستی و داشتن سنت‌های نیکو، سلحشوری و... هم‌زمان واجد خصوصیات اجتماعی-روانشناختی منفی مانند خصومت‌طلبی سیاسی، تضعیف احترام به بزرگ‌ترها، تأثیرپذیری از ارزش‌های مدرن هم‌زمان با تکریم ارزش‌های سنتی قومی قبیله‌ای، عدم انتقال و توجه به داشته‌های تاریخی و... دانسته‌اند. شاید بتوان مفهوم کانونی و عصاره همه گفته‌های مصاحبه‌شوندگان را در این جمله خلاصه کرد که روح قومی-قبیله‌ای گره‌گاه و کانون اصلی اکثر مسائل اجتماعی رایج در استان است. البته روح قومی-قبیله‌ای که هنوز هم با وجودی که در آگاهی مردم به عنوان مهم‌ترین مانع توسعه استان تلقی می‌شود، دارای کارکردهای کلیدی مهمی در حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی و فرهنگی است که هم‌زمان با توسعه نهادهای به ظاهر مدرن در باورها، نگرش‌ها و کردارهای مردم نمود و ظهور برجسته‌ای دارد. به تعبیر یکی از مصاحبه‌شوندگان: «قوم‌گرایی یک چالش، یک شمشیر دولبه است، هم جزء نقاط قوت بود و خود همین قوم‌گرایی که هر تصمیمی در استان گرفته می‌شود، هر رفتاری که آدم بخواد بکنه [متأثر از قبیله است] ضعف استان...» (شماره ۸). یا به بیان یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان، افراد و خانواده‌های استان «پای در سنت و سر در مدرن دارند».

ظرفیت‌های فرهنگی و هنری استان

در مجموع مصاحبه‌شوندگان پیشینه فرهنگی قوی، لباس و آداب و رسوم محلی، فضای فرهنگی یک‌دست و انسجام فرهنگی، صنایع دستی قدیمی و متنوع، ظرفیت شعری و ادبی بومی، گویش لری، حل و فصل مسالمت‌آمیز نزاع‌ها را مهم‌ترین ظرفیت‌های فرهنگی و هنری استان دانسته‌اند که کمتر شناخته یا مورد توجه مسئولان و سیاست‌گذاران فرهنگی قرار گرفته‌اند. نکته مهم این که بنا به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان آن‌چه که زمینه بازتولید

و تداوم بین نسلی فرهنگ و باورهای قومی را فراهم می‌کند همین اشعار و موسیقی‌های بومی محلی است که به صورت روتین در بزم‌آواها، سوگ‌آواها و مناسبات مختلف سروده شده و مانع از فراموشی واژگان، باورها، آیین‌ها، و مناسک لُری می‌شوند. نکته‌ای که کمتر مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران رسمی و نهادی فرهنگ قرار گرفته است.

پذیرش یا طرد هر فرم هنری تحت تأثیر پیشینه فرهنگی و اجتماعی هر اجتماع، قوم یا جامعه و شکل‌های ارتباط غالب آن واحد اجتماعی- فرهنگی قرار دارد. از قدیم‌الایام، نقالی‌های حماسی، غنایی، و مذهبی در میان لُرهای استان کهگیلویه و بویراحمد اهمیت به‌سزایی داشته است. به نقل از بزرگان و پیشینیان، چه بسا افرادی از این خطه، شبانه کیلومترها راه را در محیطی ناهموار و پرمخاطره، صرفاً برای گوش دادن به آواها و نواهای دل‌نواز و تهییج‌کننده شاهنامه‌خوانی یکی از افراد شاهنامه‌خوان روستا، به تعبیر خودشان «هفت لشکر» از یک روستا یا روستاهای اطراف، تا روستای دیگر پیموده و در محافل شب‌نشینی‌های شاهنامه‌خوانی حضور بهم می‌رسانیده‌اند. همچنین یکی از نزدیک‌ترین قالب‌های هنری مدرن به آیین شاهنامه‌خوانی، هنر تئاتر و نمایش تئاتری است. زیرا به واسطه زبان بدنی و کلامی به انتقال معنا و مفهوم می‌پردازد و ارتباطی نسبتاً طبیعی با مخاطب برقرار می‌کند.

در مجموع در بین ظرفیت‌های فرهنگی و هنری متعدد و متنوع استان، ادبیات محلی و اشعاری مانند یار یار، نواها و آواهای موسیقایی یکی از پربسامدترین فعالیت‌های هنری است که در تمام فعالیت‌های اقتصادی دسته جمعی تا آیین‌های بزمی، رزمی و حزنی تا ریزترین فعالیت‌های انفرادی مانند شیر دوشیدن زنان و چرای دام‌ها توسط چوپانان حضوری پر رنگ و آهنگین دارد. این هنرها دارای قدمتی تاریخی و ماندگار در فرهنگ این سرزمین هستند، که در اوج اشتراکی بودن، در هر منطقه و موقعیت محتوا، رنگ و بو و آهنگ خاص خود را دارد. این نوع هنر به سهولت حامل انتقال پیام‌های شادمانه، عاشقانه، غمگانه و... قابل درک و تفسیرپذیر برای طرفین تعامل است، نیاز به تجهیزات و دستگاه فنی خاصی ندارند، تداعی‌گر تجربیات تاریخی و مناسبات جمعی و دورهم‌بودگی افراد قوم هستند، از استعاره‌ها و تشبیهات برگرفته از ابره‌ها و نشانه‌های طبیعی و دم دست محیط پیرامون برای انتقال معنا و مفهوم استفاده می‌کند، پیچیدگی و معنای ضمنی چندانی ندارند و با زیست‌بوم این منطقه سازگاری دارند. در کنار این آواهای محلی، تئاتر و موسیقی محلی نیز هنرهای خاص و پرتعداد تلقی می‌شوند که نیاز به آموزش حرفه‌ای خاصی ندارند و بعضاً به شکل روتین و زیستن در فضای فرهنگی این منطقه یا

حتی به صورت وراثتی (خانواده نوازندگان) کسب و انتقال می‌یابند. این هنرها در مجموع انسجام بخش‌ترین گونه‌های فرهنگی در منطقه هستند که افرادی با سنین، جنسیت‌ها، پایگاه‌ها، طبقات، تحصیلات، طوایف و... متفاوت را به هم پیوند می‌دهد و آن‌ها را در یک گردهم‌آیی احساسی-هیجانی-آیینی «ما» بودگی تجدید حیات می‌بخشد.

نیازهای فرهنگی و هنری استان

مشارکت‌کنندگان در این تحقیق موارد متعددی را به عنوان نیازهای فرهنگی و هنری استان مطرح کرده‌اند که در متن به صورت مبسوط مورد تحلیل واقع شده‌اند. این موارد شامل نیاز آموزشی، پاس‌داشت حرمت بزرگان، تأمین و بازسازی امکانات زیرساخت‌های فرهنگی، برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی کارآمد، تأسیس رشته‌های دانشگاهی مرتبط با فرهنگ و هنر در استان، واقع‌نگری فرهنگی، توجه به داشته‌ها و نقاط قوت فرهنگی استان، نظارت جدی بر پرداخت و هزینه کرد حمایت‌های مالی از صنایع هنری و دستی، توجه بیشتر به حق و حقوق زنان در عرصه خانواده و کار، حمایت جدی‌تر از هنرمندان استانی، بهبود کیفی و تقویت جنبه زیبایی‌شناختی صنایع دستی ایران، فراهم کردن ابزارهای فرهنگی ارتباطات بین‌المللی، فراهم کردن زمینه تبلیغ و نمایش تولیدات صنایع خانگی-بومی، تهیه اطللس فرهنگی استان و اگذاری مسئولیت به جوانان، هزینه کردن برای امور فرهنگی و هزینه کردن در جاهای مناسب، احیا و انتقال داشته‌های فرهنگی گذشتگان، الگوسازی و ترویج الگوهای موفق استانی و مستندسازی فعالیت‌های زنان بزرگ و تأثیرگذار بوده‌اند.

پیشنادهای مشارکت‌کنندگان

برای رعایت امانت‌داری پیشنهادها و انتقادهای مصاحبه‌شوندگان عیناً در این جا نقل می‌شوند:

- آسیب‌شناسی فرهنگ به صورت تخصصی: گروهی از اندیشمندان مختلف جمع شوند و انتخاب آن‌ها یک انتخاب عاقلانه و تخصصی باشد، بدون حب و بغض فرهنگ را آسیب‌شناسی کنند، خروجی آن را هم مسئولان کشوری و استانی مد نظر قرار دهند و آن کار را بررسی کنند (شماره ۲).

- در نظر گرفتن مقتضیات فرهنگی استان در برنامه‌ریزی فرهنگی: نسخه‌های فرهنگی که برای تبریز و یا تهران می‌پیچیم برای استان ما جواب نمی‌دهد ما باید دستورالعمل‌های فرهنگی را متناسب با مقتضیات استان طراحی و برنامه‌ریزی کنیم... برنامه دراز مدتی در نظر گرفته شود که چشم‌انداز آینده استان را مد نظر قرار دهد (شماره ۲).

- انتخاب شایسته مسئولان فرهنگی: «مسئولان فرهنگی از نخبگان فرهنگی انتخاب

شوند و براساس قومی قبیله‌ای انتخاب نشوند و با این روند ما به عقب بر می‌گردیم» (شماره ۳). «انتخاب افراد شایسته، بادرایت، باسلیقه، عالم، برنامه‌ریز برای سمت‌های فرهنگی و هنری» (شماره ۶).

– **فراهم کردن امکان فعالیت هنری برای زنان:** «امکان فعالیت برای کانون‌های هنری به‌ویژه در بخش زنان فراهم شود. وزارت‌خانه اجازه نمی‌دهد که در موسیقی خواهران فعالیت کنند» (شماره ۳).

– **رعایت و پاس‌داشت حقوق زنان:** «تعداد ساعات کار زنان کاهش یابد، کارت حقوقی زنان دست‌خودشان باشد» (شماره ۵).

– **ورود مدیران متعهد و تخصص به عرصه فرهنگی:** «مدیران متعهد و متخصص با نگاه و جهان‌بینی ویژه جلو بیایند» (شماره ۵).

– **سرمایه‌گذاری در فرهنگ و امور فرهنگی:** «فرهنگ هوایی است که استشمام می‌کنیم، بدون فرهنگ زندگی امکان‌پذیر نیست، فرهنگ سالم مانند هوای سالم است، واقعا باید سرمایه‌گذاری شود، هر جا یک ابزار فرهنگی، یک زبان فرهنگی وجود دارد باید حمایت شود، دردآورترین نکته فرهنگی استان به نظر من جایی است که بافت قدیمی دهدشت الان مرکز معتادان و جای خلوت معتادان است، جایی که باید به عنوان آثار فرهنگی از آن یاد شود الان محل اتراق معتادین است» (شماره ۸).

– **توجه به داشته‌های فرهنگی مثبت گذشته و کنونی:** «به نظرم مردم باید فرهنگ گذشته و کنونی را با هم تلفیق کنند و از مضامین و مزایای هر دو استفاده کنند» (شماره ۱۳).

انتقادهای مشارکت‌کنندگان

در این‌جا نیز انتقادات مستقیم و غیرمستقیم اظهار شده توسط مشارکت‌کنندگان بیان می‌شود:

«نگاه مسئولان به فرهنگ نگاه خوبی نیست ما با حذف فرهنگ گذشته نمیتوانیم فرهنگ خوبی داشته باشیم. ... واژه‌ها و نشانه‌های فرهنگی جایگزین واژه‌ها و نشانه‌های فرهنگی عصبیتی شود» (شماره ۲).

بزرگ‌ترین دغدغه این است که فرهنگ را با عینک سیاست می‌بینیم وقتی فرهنگ را با عینک سیاست می‌بینیم جشنواره اقوام بدترین کار می‌شود، متأسفانه فرهنگ به ضد فرهنگ تبدیل می‌شود، فرهنگ را باید فرهنگی ببینیم نه سیاسی (شماره ۸).

فرهنگ مانند یک تریلی است که در همان اتوبان با سرعت حرکت می‌کند، مسیر خودش را می‌رود، ما اگر فکر کنیم که خیلی خیلی تأثیر داریم در این حرکت فرهنگی، مثل کسی است

که قرص خورده است و فکر می‌کنیم می‌توانیم آن را کنترل کنیم و هدایت کنیم، ولی در انتها و در نهایت جهان به سمت خیر می‌رود... اما نباید بی‌تفاوت باشیم. چرا باید مسئول یا متولی فرهنگ ما که صدا و سیما است باید «غیربومی» باشد. شاید متعهد باشد، آدم خوبی باشد، چرا باید غیربومی باشد؟ شاید دغدغه‌مند باشد، شاید هم در راستای شناخت فرهنگی استان تلاش کند، ولی درست نیست که متولی فرهنگی استان باشد. متولی فرهنگی استان باید کسی باشد که در منطقه زندگی کرده باشد، صاحب ایدئولوژی و فهم فرهنگی استان باشد، چطور از بالا نمی‌فهمند که مسئولان فرهنگی استان باید بچه منطقه باشد، با گوشت و استخوان در این جا بزرگ شده باشد، بعضی اوقات افراد غیربومی، هر چقدر هم تلاش کنند، توانایی درک فرهنگ این مناطق را ندارند (شماره ۹).

محدودیت‌های پژوهش

برای انجام هر پژوهشی محدودیت‌هایی وجود دارد که ذکر آن‌ها می‌تواند راهنمای برنامه‌ریزی جهت رفع آن‌ها یا هوشیاری نسبت به آن‌ها در پژوهش‌های بعدی باشد. مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش از نظر مجری شامل موارد زیر بوده‌اند:

- نبود اطلاعات و اسناد جامع و فراگیر در خصوص اقلام و فعالیت‌های فرهنگی هنری
- عدم همکاری بعضی از سازمان‌ها و دستگاه‌های فرهنگی و هنری با محقق
- وجود اطلاعات نادرست، ناهمخوان و در مواردی متناقض در یک دستگاه یا در دستگاه‌های فرهنگی گوناگون
- عدم همکاری و گفت‌وگوی بعضی از متخصصین فرهنگی-هنری در حوزه‌های خاص و کمیاب مانند هنر کارگردانی، عکاسی و...
- محدودیت منابع گوناگون برای انجام دقیق‌تر و جامع‌تر پروژه شامل منابع مالی، زمانی، تجهیزاتی.
- فراگیری و گستردگی اقلام فرهنگی و هنری مندرج در اهداف طرح تحقیق که به پیچیدگی بیشتر تحقیق در امور فرهنگی می‌انجامید.

پیشنهاد‌های مجری

پیشنهادها در این بخش با توجه به مضامین گفته‌های مصاحبه‌شوندگان و در راستای بعد زمانی تحقق‌پذیری و امکان اثرگذاری آن‌ها در دو بخش پیشنهاد‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت ارائه می‌شوند.

پیشنهادهای کوتاه‌مدت

- برگزاری نمایشگاه‌های بومی- محلی جهت آشنایی و عرضه دارایی‌های فرهنگی و هنری بومی- محلی متعدد استان و هر یک از مناطق استان به صورت متناوب و متفاوت.
- پرداخت وام‌های با بهره کم به هنرمندان بومی و محلی جهت یادگیری، ترویج، تقویت و بهبود فعالیت‌های فرهنگی و هنری دلخواه، مطلوب یا موجود مانند دایر کردن کلاس‌های هنری، موسیقایی، یا هنرهای گلیم بافی، قالی بافی، صنایع دستی.
- حمایت مالی از کارگاه‌های هنری در روستاهای استان جهت تقویت عدالت فرهنگی و امکان درآمدسازی مناسب و بهینه برای زنان روستایی متناسب با شرایط زندگی و نقش‌های خانگی آن‌ها.
- متناسب‌سازی برنامه‌های صدا و سیمای استانی با ظرفیت‌ها، داشته‌ها و ویژگی‌های فرهنگی استان و توجه و تلاش بیشتر در جهت فرهنگ‌سازی مبتنی بر منابع بومی محلی.
- تأسیس رشته‌های دانشگاهی مرتبط با فرهنگ و هنر در دانشگاه مانند رشته هنرهای دستی، بازیگری.
- تهیه شناسنامه فرهنگی و هنری هنرمندان استان جهت آشنایی با مفاخر استانی.
- نهادینه‌سازی مجدد ساز و کار استفاده از پتانسیل بزرگان فرهنگی جهت حل اختلافات محلی و همکاری در زمینه‌های دیگر.
- انجام پروژه‌های تحقیقاتی نیازسنجی فرهنگی و هنری در سطح استان و مناطق مختلف استان
- تکمیل پروژه‌های فرهنگی و هنری ناتمام مانند سینمای یاسوج و احداث پروژه‌های فرهنگی متناسب با پتانسیل‌های هر منطقه برای مثال تدارک سایت نمایش تئاتر برای شهر سوق یا چرام.
- آموزش مدیران فرهنگی جهت تدوین دقیق‌تر و هدف‌مندتر فعالیت‌های فرهنگی مربوطه.
- توجه بیشتر به دیگر فعالیت‌ها و داشته‌های فرهنگی و هنری بومی استان در کنار فعالیت‌های قرآنی مانند کنسرت موسیقی محلی، ادبیات محلی.
- توجه موزون و هم‌زمان به همه فعالیت‌های فرهنگی مقبول و مشروع در یک

- منطقه و پرهیز از محدودبینی در فعالیت‌های فرهنگی.
- حساس کردن مدیران و مسئولان نسبت به نظرات و خواسته‌های فرهنگی و هنری مردم و سامان‌دهی، اولویت‌گذاری و برنامه‌ریزی جهت اجرای عملی اولویت‌های مهم.
- تصویرسازی هنرمندانه فعالیت‌های فرهنگی و هنری تنش‌آفرین و آسیب‌های فرهنگی از طریق فرم‌های هنری سمعی و بصری مفهوم‌پذیر و محسوس‌تر مانند تئاتر با هدف روشننگری مسئولان و مردم نسبت به پیامدهای مخرب و نامحسوس چنین فعالیت‌هایی (مانند تخریب یکدیگر در کتب تاریخی)
- تشویق مردم و گروه‌های تحصیل‌کرده به تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در عرصه‌های فرهنگی-هنری
- برگزاری مسابقات هنری جهت شناسایی استعدادهای برتر استانی در زمینه‌های تئاتر و بازیگری.
- انجام فراتحلیل علمی در خصوص مضامین برجسته آثار ادبی استان و شناسایی آسیب‌های مکتوم در آن‌ها مانند تصورات قالبی و هم‌چنین تلاش برای تجسم‌سازی وجوه مثبت آن‌ها در چارچوب فعالیت‌های هنری کم‌هزینه مانند تئاتر.
- توجه بیشتر به خواسته‌های فرهنگی گروه‌های محروم، طرد شده، شامل زنان (عدالت فرهنگی)
- توجه به ناهمگونی‌های فرهنگی درون استان و ظرفیت‌های فرهنگی بالقوه و بالفعل همه مناطق، گروه‌ها و طوایف.
- تدوین تفاهم‌نامه دو سویه علمی-تحقیقاتی بین دانشگاه یاسوج دستگاه‌های فرهنگی به‌ویژه اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان جهت استفاده از پتانسیل علمی رشته‌های مختلف علوم انسانی در تحقیقات، حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویان ارشد و دکترای مرتبط با حوزه فرهنگ بومی استان، مشارکت در سیاست‌گذاری فرهنگی و...
- مشارکت دادن بیشتر و فعالانه مردم در تصمیمات، سیاست‌گذاری و اجرای فعالیت‌های فرهنگی گوناگون.

پیشنهادهای بلندمدت

- اجرای پیشنهادهای بلندمدت مستلزم داشتن چشم‌انداز چندین ساله، افق فرهنگی آینده‌نگرانه براساس وضعیت کنونی فرهنگی استان و پوشش‌های گوناگون وجوه

متعدد نظام اجتماعی استان مانند نرخ رشد جمعیت، وضعیت مهاجرت و پایداری سیاست‌های فرهنگی مدیران اجرایی استان است. در این‌جا برخی از پیشنهادهاى بلندمدت از سوى مجرى طرح ارائه مى‌شود. این پیشنهادها از این نظر بلندمدت نام‌گذاری شده‌اند که هم زمان لازم برای اجرای آن‌ها طولانی‌تر است و هم نتایج عملی چنین سیاست‌گذاری‌هایی ممکن است نامحسوس و چندین نسل طول بکشد.

- تهیهٔ اطلس جامع فرهنگی و هنری استان به تفکیک مناطق قومی و قبیله‌ای مختلف، شیوه‌های زیست‌عشایری، روستایی و شهری، زمینه‌های مختلف فرهنگی و هنری ... و
- سیاست‌گذاری در راستای توسعه و پیشبرد امکانات زیرساختاری و سایت‌های مرتبط با اقتصاد فرهنگی استان به عنوان منبع درآمدی پایان‌ناپذیر و تجدیدشونده، زمینهٔ اشتغال‌زایی فراگیر و متناسب با بوم‌شناسی فرهنگی وضعیت جغرافیایی-تاریخی و فرهنگی استان.
- آموزش تخصصی و فراهم کردن تمهیدات و تجهیزات فنی جهت ارتقای کیفیت صنایع و محصولات فرهنگی و هنری استان به منظور بهره‌مند شدن این صنایع و محصولات از معیارهای زیبایی‌شناسی مشتریان فرامحلی، افزایش قدرت رقابت هنرمندان محلی با رقبای غیرمحلی و فرامحلی، گسترش بازارهای فروش محصولات فرهنگی و هنری استانی.
- مدون‌سازی برنامه‌های فرهنگی بلندمدت استانی از طریق مشورت با متخصصان علمی، دعوت از مشاهیر و مفاخر فرهنگی و هنری استان، و در نظر گرفتن محدودیت‌ها و پتانسیل‌های استان و مناطق مختلف آن.
- تهیهٔ فیلم و دیگر ابزارهای رسانه‌ای مناسب جهت آگاه‌سازی مردم از پیامدهای آسیب‌زای قومیت‌گرایی و بازاندیشی در کلیشه‌های واگرایی تنش‌آفرین و خصومت‌ساز جنسیتی، قومی و فرهنگی کهن و تاریخی.
- فراهم کردن زمینه‌های آموزش، ترویج و تقویت دانش فرهنگی و هنری تخصصی و روزآمد در دو قالب مجزای خاص و حرفه‌ای برای هنرمندان استانی و عام و مقدماتی برای عامهٔ مردم و نوجوانان.
- برگزاری جلسات آموزش ضمن خدمات برای مدیران دستگاه‌های فرهنگی به منظور حساس‌سازی آن‌ها نسبت به مسائل فرهنگی و هنری و آگاه‌سازی آن‌ها از

پیامدهای مخرب و در بعضی موارد جبران‌ناپذیر تصمیمات فرهنگی نادرست و تعصب‌آمیز.

- تدوین کتاب درسی مربوط به وضعیت تاریخ، فرهنگ و هنر بومی استان و مردم آن و معرفی نقاط قوت، نقاط ضعف، پتانسیل‌ها و آسیب‌های فرهنگی مردم استان و تدریس آن در مدارس مقاطع ابتدایی یا متوسطه اول استان.
 - تهیه کمیته تخصصی منتخب جهت بررسی آثار فرهنگی و هنری موجود و نظارت بر نگارش شکلی و محتوایی آثار جدید فرهنگی و هنری به‌ویژه مطالعات تاریخی.
 - آگاه‌سازی مردم درخصوص تحلیل محتوای مطالب منتشره فضای مجازی، آگاهی از فاصله بین واقعیت انضمامی فرهنگی و ایده‌آل‌های برساخت شده رسانه‌ای و پرهیز از انفعال، تصمیم‌گری و داوری عجولانه مبتنی بر مطالب فضای مجازی.
 - تأسیس زیرساخت‌های فرهنگی و هنری متناسب با ظرفیت‌های جمعیت‌شناختی، استعدادهای هنری، توانایی‌های نیروی انسانی و ذائقه فرهنگی مردم استان و مناطق مختلف آن.
 - نهادینه‌سازی فعالیت‌های فرهنگی و هنری و سامان‌دهی حوزه‌های مختلف آن، توجه به حساسیت‌های قلمروی فرهنگی و پرهیز از نادیده گرفتن یا کم‌توجهی به آن در سایه سیاست‌زدگی افراطی یا سیطره بی‌چون و چرای تفکر محاسبه‌گرانه اقتصادی مطلق.
 - اهتمام در راستای تخفیف و در حد توان حذف توزیع نابرابرانه امکانات فرهنگی در سطح استان.
 - پرهیز از انواع تقلیل‌گرایی‌های فرهنگی رایج (تقلیل همه ابعاد فرهنگ به یک بعد آن؛ تقلیل همه مناطق استان به یک شهر آن؛ تقلیل همه سنین، هر دو جنس، جناح‌های فکری... به یک گروه مرجع واحد؛ پرهیز از تقلیل فرهنگ‌شناسی جمعی به فردگرایی روان‌شناسانه...).
- نکته مهم و آخر این که براساس عادت و پیش فرض رایج «خودبرترینی مسئولانه و نخبه‌گرایانه»، همیشه و در اکثر یا حتی همه مطالعات، جهت‌گیری پیشنهادها معطوف به اصلاح «مردم عادی» بوده است. زیرا فرض بر این است که مردم عادی درک و شناخت درستی از فرهنگ ندارند و از این رو تقویت فرهنگی و هنری یا رفع آسیب‌ها و مسائل فرهنگی مستلزم «اصلاح» فکری و رفتاری آن‌ها است؛ غافل از آن که به نظر می‌رسد این مدیران ناکارآمد، غیرمتخصص، محدودبین و... هستند که

نیازمند «اصلاح شدن» اند. زیرا این مدیران هم به نوعی الگوی عیان و تمام عیار مردم عادی محسوب می‌شوند؛ هم تصمیمات‌شان مرئی و مورد ارزیابی مداوم قرار می‌گیرد؛ هم توانایی و مهارت‌های چندگانه‌ای برای تخطی از اصول فرهنگی مناسب دارند؛ هم منابع و امکانات مالی و سازمانی برای سیاست‌گذاری فرهنگی را در اختیار دارند.

جمع‌بندی

این بخش به صورت مختصر وضعیت فرهنگی و هنری استان را براساس آمار و مستندات فرهنگی و دیدگاه مشارکت‌کنندگان در تحقیق به تصویر کشیده است. همچنین انتقادهای پیشنهادها، ظرفیت‌ها و نیازهای فرهنگی استان را از منظر مشارکت‌کنندگان بیان کرده است. در آخر هم محدودیت‌های تحقیق و پیشنهادها را از سوی مجری تحقیق ذکر شده‌اند. در کل می‌توان گفت اصطلاح فرهنگ و هنر اصطلاحی سهل و ممتنع است، هر فرد یا گروه خاصی استنباط معنایی خاص خود را از آن دارد، فرهنگ امری انسجام‌بخش، هم‌زمان تفرق‌بخش؛ عام، هم‌زمان خاص؛ ثابت، هم‌زمان پویا است. فرهنگ می‌تواند در سطح زمینه و اسباب نابرابری، نارضایتی، استثمار نامرئی و نامحسوس، به تعبیر بوردیو، «خشونت نمادین» را فراهم کند. امروزه ناهمگونی اندیشه‌ها، احساسات، خواسته‌ها و نیازهای فرهنگی جزء گریزناپذیر زندگی اجتماعی تلقی می‌شود. ناهمگونی که در دل همگونی‌های فرهنگی وسیع‌تر جای گرفته‌اند و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی مستلزم توجه هم‌زمان به هر دو بعد ناهمگونی‌ها و همگونی فرهنگی است. برای مثال ناهمگونی جنسی در کنار همگونی زبانی، ناهمگونی سنی در برابر همگونی زیست جغرافیایی. نکته پایانی این‌که تحلیل، سیاست‌گذاری و ارتقا و حتی نقد جامع فرهنگ مستلزم توجه هم‌زمان به هر دو بعد «سخت‌افزاری» (امکانات و تجهیزات عینی مانند سالن سینما، تهیه فیلم، کتاب‌فروشی...) و «نرم‌افزاری» (ارزش‌ها، احساسات، آیین‌ها... حتی کلمات) است.

منابع

۱. اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد. ۱۳۹۸. گزارش عملکرد بخش فرهنگ و هنر طی سال ۱۳۹۸.
۲. اداره کل تبلیغات اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد. تاریخ ۱۳۹۹/۶/۱۰.
۳. ایزدی، علی محمد (۱۳۹۶). چرا عقب مانده‌ایم، جامعه‌شناسی مردم ایران. تهران: علم، چاپ هشتم.
۴. وردیو، پی‌یر. ۱۳۹۱. تمایز (نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی). ترجمه حسن چاوشیان. تهران: ثالث.
۵. بهمن بیگی، محمد. ۱۳۸۹. بخارای من ایل من. شیراز: نوید.
۶. پادیاب، عبدالخالق. ۱۳۹۸. استان کهگیلویه و بویراحمد، علل توسعه‌نیافتگی، رفتارشناسی و بررسی دیدگاه‌ها. تهران: نودا.
۷. پنجه‌بند، یوسف و عنایت، حلیمه. ۱۳۹۵. «فرآیند شکل‌گیری رابطه فرازناشویی از نگاه مردان»، ارمغان دانش، دوره ۲۱، شماره ۸، آبان، شماره ۱۵.
۸. جلائی‌پور، حمیدرضا و جمال عبدالله پور. ۱۳۹۰. تمایز شهرگرایی و شهرنشینی بررسی شهرگرایی در مناطق کردنشین ایران با تأکید بر شهر سردشت، مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۱، تابستان، ۷-۳۷.
۹. جمالزاده، محمد علی. ۱۳۴۵. خلیات ما ایرانیان. تهران: فروغی.
۱۰. حیدری، آرمان. ۱۳۹۸. طرح پژوهشی با عنوان «بررسی و آسیب‌شناسی جلوه‌های فرهنگ عمومی در استان کهگیلویه و بویراحمد»، استان کهگیلویه و بویراحمد: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد.
۱۱. درگاه استانداری استان کهگیلویه و بویراحمد. ۱۳۹۹. گزارش شاخص‌های فرهنگی و هنری استان کهگیلویه و بویراحمد.
۱۲. راد، فیروز. ۱۳۸۲. جامعه‌شناسی توسعه فرهنگی (کندوکاوها و پنداشته‌های شریعتی). تهران: چاپ پخش.
۱۳. رستریو، الویا. ۱۳۸۷. جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی خویشاوندی در عشایر، زنان ایل بهمنی. ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر. تهران: خجسته.
۱۴. رضا دوست، کریم؛ علی‌حسین حسین‌زاده، و احسان کهن‌سال. ۱۳۹۳. جهت‌گیری عام‌گرایانه و عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر آن (مورد مطالعه: جامعه شهری دشت)، فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۳، ۲۹-۵۰.
۱۵. رضایی، مسعود. ۱۳۹۹، قلمستان، در حال نشر.
۱۶. سازمان آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۸/۲/۱۲.
۱۷. سازمان برنامه و بودجه استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۵، گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد. استان کهگیلویه و بویراحمد: سازمان برنامه و بودجه استان کهگیلویه و بویراحمد.

۱۸. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶، استان، شناسی کهگیلویه و بویراحمد. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ ششم.
۱۹. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۹۶). گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کهگیلویه و بویراحمد ۱۳۸۵ - ۱۳۹۵.
۲۰. سال‌نامه آماری فرهنگ و هنر، ۱۳۹۶، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی. تهران: پویه مهر شرق.
۲۱. سرایی، محمد حسین؛ طاووسیان، علی؛ الله‌وردی، مرادعلی؛ رضایی، حجت، ۱۳۹۴. «سطح‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی»، فصل‌نامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان، صص ۱۵-۲۸.
۲۲. سعیدی‌نیا، حبیب‌اله و لعبت‌فرد، احمد (۱۳۹۵). «تأثیر پیدایش نفت بر مناطق نفت‌خیز جنوب ایران مطالعه موردی گچساران (۱۳۲۷ - ۵۷ ش/ ۱۹۵۳ - ۷۹ م)»، فصل‌نامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۳۱، پیاپی ۱۲۱، پاییز، صص ۱۲۱-۱۴۹.
۲۳. سیاهپور، کشواد. ۱۳۸۸. قیام عشایر جنوب، ۱۳۴۱ - ۱۳۴۳. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۲۴. سیاهپور، کشواد. ۱۳۹۴. مشاهیر کهگیلویه و بویراحمد (از آغاز تا پیروزی انقلاب)، کهگیلویه و بویراحمد: طرح مرکز تحقیقات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، شبکه دنا مرکز کهگیلویه و بویراحمد.
۲۵. شهرداری یاسوج، مدیریت فرهنگی، ورزشی و اجتماعی شهرداری یاسوج. تاریخ ۱/۶/۱۳۹۹.
۲۶. صفا، ذبیح‌الله ۱۳۷۵، دورنمایی از فرهنگ ایرانی و اثر جهانی آن، تهران: هیرمند.
۲۷. ضرابی، اصغر و موسوی‌نور، سیدعلی. ۱۳۹۴. «تحلیل فضایی و ارزیابی شاخص‌های توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد (با استفاده از سیستم تحلیل عاملی و تکنیک خوشه‌ای)»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره اول، زمستان، صص ۱۱۳ - ۱۲۷.
۲۸. فراستخواه، مقصود، ۱۳۹۲، ما ایرانیان، زمینه‌های تاریخی و اجتماعی خلیفات ایرانی. تهران: نی.
۲۹. فرجاد، محمدحسین، ۱۳۷۷، بررسی مسائل اجتماعی ایران: فساد اداری، اعتیاد و طلاق. تهران: اساطیر.
۳۰. قاضی مرادی، حسن ۱۳۷۸، در پیرامون خودمداری ایرانیان. تهران: اختران.
۳۱. کرمی، محمدحسین؛ سیدبرزو جمالیان‌زاده، ۱۳۹۳، بررسی شروه‌خوانی و شروه‌سرایی به گویش لری در شهرستان کهگیلویه، فصل‌نامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، صص ۱۵۱ - ۱۶۰.
۳۲. گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۴، کهگیلویه و بویراحمد: سازمان برنامه و بودجه استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۵.
۳۳. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۰، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم. تهران: مرکز.
۳۴. گیدنز، آنتونی. ۱۳۷۹، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی، چاپ ششم.
۳۵. لمعه، منوچهر، ۱۳۴۹، فرهنگ عامیانه عشایر بویراحمدی و کهگیلویه، تهران: کاویان.
۳۶. مجیدی کرائی، نورمحمد، ۱۳۹۳، جغرافیایی طبیعی و تاریخی استان کهگیلویه و بویراحمد، تهران: آرون، چاپ اول.

۳۷. مرادی، رامین، ۱۳۹۷، تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت محیط زیست استان کهگیلویه و بویراحمد، در مجموعه مقالات تحلیل مسائل اجتماعی استان کهگیلویه و بویراحمد، تهران: ارشاد، شورای سیاست‌گذاری اجتماعی کشور.
۳۸. موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، وزارت فرهنگ و ارشاد: ارشاد.
۳۹. مهدی‌پور، فرشاد. ۱۳۹۳، گونه‌شناسی جریان‌شناسی‌های فکری- فرهنگی در ایران معاصر، فصل‌نامه دین و سیاست فرهنگی، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۳، صص ۸- ۳۰. و
۴۰. میرفردی، اصغر، ۱۳۸۸، عام‌گرایی و زمینه‌های تأثیرگذاری بر آن در مناطق در حال توسعه: مورد مطالعه در شهر یاسوج، پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی، نیمه اول ۱۳۸۸، شماره ۳۴ (۱۱۳- ۱۴۰).
۴۱. میرفردی، اصغر؛ سیروس احمدی و راضیه امیری، ۱۳۹۲، بررسی رابطه هوش اخلاقی و آگاهی ترافیکی با تخلف رانندگی در شهر یاسوج، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال پنجم، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۱۵).
۴۲. میرفردی، اصغر؛ مریم مختاری، فروغ فرجی و هومان دانش‌پذیر، ۱۳۹۴، بررسی تأثیر فرهنگ شهروندی بر میزان گرایش به قانون‌گریزی (مورد مطالعه شهر یاسوج)، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۲ (پیاپی ۱۰).
۴۳. میرنیا، سیدعلی، ۱۳۷۸، فرهنگ مردم (فولکلور ایران)؛ آداب و رسوم عقاید و عادات، تهران: پارسا، چاپ دوم.
۴۴. مهن‌دوست، محسن، ۱۳۸۰، پژوهش عمومی فرهنگ عامه، تهران: توس.
۴۵. نراقی، حسن، ۱۳۸۶، جامعه‌شناسی خودمانی، تهران: اختران.
۴۶. وارثی، حمیدرضا؛ بیک‌محمدی، حسن و اکبری، محمود، ۱۳۹۰، تحلیل فضایی و برنامه‌ریزی نارسائی‌های مراکز خدمات شهری یاسوج، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۵، شماره ۱۰۰، بهار ۱۳۹۰.
۴۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۷، سال‌نامه آماری فرهنگ و هنر، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری پویه مهر اشراق.
۴۸. هال، استوارت، ۱۳۹۱، معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران: نی.
۴۹. هال، استیوئرت [استوارت]، ۱۳۹۳، معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران: نی، چاپ دوم.
50. Hofstede, G. 2001. Cultures consequences: compairing values, behaviors, institutions, and organizations across nations. CA: Sage.
51. Taras, V.; Rowney, J. and Steel Piers D.G. 2009. “ Half a century of measuring culture: Approaches, challenges, limitations, and suggestions based on the analyses of 112 instruments for quantifying culture”. <https://www.researchgate.net/publication/292276661>.
52. Williams, Raymond. 1976. Keywords. New York: Oxford university press.

ارزیابی اسناد و مدارک موجود در مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ادارات تابعه در استان‌ها و شهرستان‌ها نشان می‌دهد که اطلاعات و آمار دقیقی از وضعیت تولید، توزیع و مصرف حوزه فرهنگ و هنر وجود ندارد و اگر هم گزارشی وجود داشته باشد، کمتر بر واقعیات و نیازهای فرهنگی و هنری استان‌ها متکی است. این در حالی است که برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مطلوب، توصیف و تحلیل وضعیت فرهنگی و هنری استان‌ها ضروری است. بدین منظور، این مجموعه با هدف شناسایی وضعیت فرهنگی و هنری استان‌ها؛ شناسایی اقدامات و برنامه‌های انجام‌شده و در حال انجام فرهنگی و هنری؛ شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای حوزه فرهنگ و هنر؛ شناسایی خواسته‌ها و نیازهای فرهنگی و هنری؛ و سرانجام، شناسایی ظرفیت‌های بومی حوزه فرهنگ و هنر استان‌های کشور انجام شده است.

